

کیمهان

۴۱۲

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۲۹ اردیبهشت‌ماه تا ۴ خردادماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۸



روسیه: آخر خط؟!!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۷ (۴۱۱)

جمعه ۲۲ تا ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

۱۲ تا ۱۸ مه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی



اندرو اسکات کوپر
ترجمه رضا قتی زاده

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london


وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خلیف) برای نخستین بار به‌عنوان «سوریه: جاله عنکبوت» در دسترس خوانندگان ایرانی قرار گرفته است. کتاب شامل گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و تحلیل‌هایی است که به‌تازگی در دسترس قرار گرفته است. برای اطلاعات بیشتر به ads@kayhan.london مراجعه کنید.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ilex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdsni Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

درگذشت



دکتر رضا قتی

سفیر پیشین وزارت امور خارجه و بنیانگذار
"کافون ایران" در سن ۹۱ سالگی در لندن
چشم از جهان فرو بست.

کیهان لندن درگذشت دوست حقیقی خود
را به تنها فرزندش، میترا، بستگان، دوستان و
دانش‌آموختگان او تسلیت می‌گوید.

کیهان

* فهرست مطالب *

سر مقاله - قدرت مردم؛ نذارید ما را بکشند! / الاهی بقراط ۴

روسیه: آخر خط؟! / حامد محمدی ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: سرنگونی کامل این رژیم... / ۶-۷

وزیر خارجه بریتانیا: در حال بررسی تئوریستی اعلام کردن سپاه پاسداران... / ۷

یک منبع مطلع به کیهان لندن می گوید حملات راکتی «جهاد اسلامی» واکنش به... / ۸

جمهوری اسلامی با ارسال تسلیحات به روسیه جنگ علیه اوکراین را طولانی کرده... / ۹

«جمهوری اسلامی» که عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل نیست... / محمود مسائلی ۱۰

اختلاف فرهنگها... / احمد احرار ۱۱

آخرین روزها، پابان سلطنت و درگذشت شاه (۱۳) / دکتر هوشنگ نهاوندی ۱۲-۱۳

درخواست نمایندگان کنگره آمریکا از بریتانیا، استرالیا، کانادا و هند... / ۱۴

دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم ۳ رقمی در انتظار اقتصاد ایران؟! / ۱۵

کوروش زعیب: مردم از پا نخواهند نشست تا کشورشان... / فیروزه نوردستروم ۱۶-۱۷

منابع حکومتی در ایران خبر از آزادی برنارد فیلان شهر وندفرانسوی - ایرلندی... / ۱۷

چهار دهه جنبش های اعتراضی ایرانیان و روش کار سیاسی در اپوزیسیون... / بهرام فرخی ۱۸-۱۹

اعتبار قرار داد های جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱

آتش بس میان اسرائیل و «جهاد اسلامی»؛ پایکوبی در غزه برای «پیروزی»... / ۲۲

انتقاد شدید ستانورهای جمهور یخواه از سیاست های غلط دولت بایدن... / ۲۳

رفتار شبه تئوریستی خواننده «سلام فرمانده» و محافظ اش... / ۲۴

گفتگو با نسیم بهروز عضو «حزب ایران نوین»... / فیروزه نوردستروم ۲۵-۲۶

دردد گردیسی؛ مقاله اول: بهترین زمان و بدترین ایام... / یوسف مصدقی ۲۶-۲۷

گفتگو با نویسنده «غبار بی سوار»: نخستین دغدغه من مسئله زنان است... / ۲۸-۲۹

انتخابات ریاست جمهوری ترکیه؛ رجب طیب اردوگان بعد از ۲۰ سال... / ۲۹

قطع دسترسی دانشجویان دانشگاه تهران به پایگاه های علمی بین المللی... / ۳۰-۳۱

اعلام باز نشستی وندی شرمین پس از گزارش جنجالی رویترز درباره ممانشات... / ۳۱-۳۲

چهل سال نا کار آمدی و سوء مدیریت؛ سد های خالی و خشکسالی گریبان... / ۳۲-۳۳

ایران در میان پنج کشور با بدترین نرخ تورم مواد غذایی در دنیا... / ۳۴-۳۵

دوروز با کارگاه های اندیشه و طرح های «۱۰۰ روز نخست دوران گذار»... / ۳۵-۳۶

لباس فرم اجباری برای فروشندگان زن و «رزمایش عفاف و حجاب»! / ۳۶-۳۷

تخریب کافه های اکباتان؛ «نداشتن مجوز»، «فساد و فحشا» یا انتقام از ساکنان... / ۳۸

بحران در صنعت هوانوردی ایران؛ فرودگاه های غیر اقتصادی، بلیت های... / ۳۹

فدرالیسم در ایران: راهی به سوی دموکراسی یا فروپاشی؟ / امیرعباس امیرشکاری ۴۰-۴۴

کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در کشور؛ اولویت آموزش و پرورش استخدام... / ۴۴-۴۵

بر خلاف ادعای مقامات حکومتی، اعتصابات کارگران پیمانی نفت ادامه دارد... / ۴۶-۴۷

اختلاف میان گروه های نیابتی در مورد طرح جمهوری اسلامی برای تشکیل... / ۴۷

تربیت ۲۰۰ هزار زن طلبه برای «جهاد تبیین»... / ۴۸

وخامت حال فاطمه سپهری در پی خونریزی روده... / ۴۹

چهره خشن فقر در ایران؛ گسترش گر سنجی و فلاکت،... / ۵۰-۵۱

پیشنهاد آمریکا به یکا به اسرائیل برای بر نامه ریزی مشترک نظامی... / ۵۱

حضور کمرنگ سینماگران ایرانی در جشنواره کن و... / احمد رأف ۵۲

اخراج دو کارگر بک کارخانه به دلیل پیگیری حقوق صنفی همکاران! / ۵۳

جمهوری اسلامی ایران و رفتار جنون آمیز دولت های چپگرا... / بهرام فرخی ۵۴-۵۵

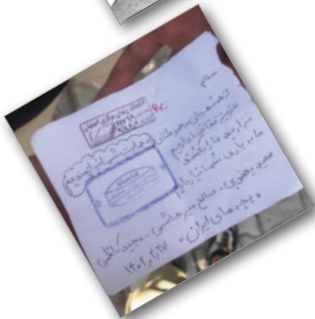
افتتاح نمایندگی بانک روسی VTB در تهران... / ۵۵

احتمال اجرای حکم اعدام محکومان پرونده «خانه اصفهان» بعد از بازی تیم... / ۵۶-۵۷

عاقبت جمهوری اعدامی! / کارتون های احمد بارکی زاده ۵۷

پشت جلد - عکس هفته / بدون شرح ۵۸

بازنشر
بازنشر



روسیه: آخر خط؟!!



● جمهوری اسلامی که از یکسو در داخل با اعتراضات مردم و مشکلات عظیم اقتصادی و در خارج با فشارهایی همه‌جانبه دست به گریبان است، چگونه با سپاه پاسدارانش که بعید نیست در لیست سازمان‌های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا و بریتانیا قرار بگیرد، می‌تواند نه تنها حلال مشکلات جنگی «برادر بزرگ» باشد بلکه رویای «آب‌های گرم» را نیز تحقق بخشد؟!!

ادامه ولخرجی برای تروریست‌ها

در جریان حملات اخیر جهاد اسلامی به اسرائیل بیش از ۱۲۰۰ راکت از غزه شلیک شد. رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که جمهوری اسلامی برای هر روز درگیری مسلحانه بین گروه‌های فلسطینی با اسرائیل، قول پرداخت پنج میلیون دلار پول به این تشکیلات داده بود.

سه هفته قبل از آغاز این حملات ابراهیم رئیسی در جریان سفر به سوریه در دیدار با بشار اسد و همچنین در جلسه‌ای که با رهبران و فرماندهان گروه‌های شبه‌نظامی داشت به آنها قول داد جمهوری اسلامی همچنان با تمام توان از جریان «مقاومت» حمایت می‌کند. هم‌زمان با همین سفر بود که حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس سابق کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفت سوریه ۳۰ میلیارد دلار به ایران بدهی دارد.

در همین ارتباط امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته بود بشار اسد به این دلیل سقوط نکرد که «خواست ایران» بود. علی اکبرولایتی مشاور علی خامنه‌ای نیز گفته بود «اگر ایران نبود دمشق سقوط می‌کرد».

سردار حسن پلارک رئیس سابق «ستاد بازسازی عتبات عالیات» در یک مصاحبه با خبرگزاری «فارس» می‌گوید در جریان جنگ داخلی سوریه اسد برای استعفا و درخواست پناهندگی سیاسی در یکی از کشورها آماده بود اما قاسم سلیمانی او را منصرف کرد.

اسد در قدرت ماند تا جای پای جمهوری اسلامی در سوریه محکم ماند اما هزینه آن را هم مردم سوریه به تحمل کشتار و ویرانی و آوارگی و موج عظیم مهاجرت به کشورهای دیگر و هم مردم ایران پرداخت کردند. حفظ بشار اسد در قدرت همراه با سرکوب مردم ایران، تقویت شبه‌نظامیان تروریست منطقه و ارسال تسلیحات به روسیه برای

یک سال و نیم از آغاز جنگ سوریه علیه اوکراین می‌گذرد. بر اساس گزارش نهادهای اطلاعاتی غرب، روسیه با کمبود تسلیحات و مهمات روبرو شده و کشورهای مثل ایران و کره شمالی تأمین‌کننده بخشی از این ادوات شده‌اند. چین هم از جمله کشورهای است که گفته می‌شود بی‌سروصدا اقدام به تأمین انواع تسلیحات برای روس‌ها می‌کند اما هیچکدام از طرفین زیر بار تأیید این همکاری نظامی نمی‌روند.

پرسش قابل تأمل این است: چرا دولت‌هایی که به اوکراین کمک مالی و تسلیحاتی می‌کنند این همکاری‌ها را نه تنها پنهان نکرده بلکه با صراحت اعلام کرده و علنی انواع تسلیحات در اختیار این کشور قرار می‌دهند اما هم روسیه و هم شرکایش پنهانکاری کرده و همکاری نظامی خود را منکر می‌شوند؟

واقعیت این است که برخلاف محاسبات ولادیمیر پوتین، روسیه در اوکراین زمینگیر شده و به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران جنگ برای وی عمدتاً به یک موضوع حیثیتی تبدیل شده است چنانکه با وجود تلفات زیاد و خسارات سنگین بعید به نظر می‌رسد به شکست تن داده و آن را به این زودی‌ها تمام کند.

در این میان، مقامات کاخ سفید بارها هشدار داده‌اند که ارسال سلاح از جمهوری اسلامی ایران به روسیه به ویژه پهپادهای انتحاری، یکی از عوامل فرسایشی شدن جنگ اوکراین است اما در عمل دولت جو بایدن با نادیده گرفتن تحریم‌ها علیه تهران به ویژه در بخش نفت و گاز، راه تأمین منابع مالی برای توسعه پروژه‌های پهپادی و موشکی و پیشرفت‌های اتمی آن را باز گذاشته است. علاوه بر این جمهوری اسلامی با دور زدن تحریم‌ها مخارج مأموریت گروه‌های شبه‌نظامی مثل حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی را نیز تأمین می‌کند.

سرمقاله
قدرت مردم
نذارید ما را بکشند!

روز ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ یادداشت تکان‌دهنده‌ای بر تکه برگی بریده از کتابی که مَهر «کتابخانه زندان مرکزی اصفهان» را دارد از سوی سه معترض زندانی که حکم اعدام آنها تأیید شده و گفته می‌شود برای اجرای حکم به انفرادی منتقل شده‌اند در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد.

آنها این پیام کوتاه را با عنوان «بچه‌های ایران» امضا کرده‌اند و نه از جمهوری اسلامی یا مجامع جهانی بلکه از «همشهریان و هموطنان»، از مردمی که خودشان نیز جزو آنها هستند،



از راست: مجید کاظمی، سعید یعقوبی، یوسف میرصالحی

یاری خواسته‌اند: نذارید ما را بکشند!

مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی به اتهام واهی «محرابه» در پرونده موسوم به «خانه اصفهان» از سوی بیدادگاهی محکوم به مرگ شده‌اند که نه تنها هیچکدام از مقررات اولیه روند قضایی عادلانه در آن رعایت نشده بلکه با شکنجه و فشار از آنها اعترافات اجباری علیه خود و یکدیگر گرفته شده است. این سه جوان در جریان اعتراضات انقلاب ملی در آبان ۱۴۰۱ اسیر شده‌اند.

خانواده‌های آنها نیز با انتشار عکس و پیام ویدئویی از مردم کمک خواسته‌اند تا فرزندان آنان را از چوبه دار نجات دهند. از آنجا که اعدام‌ها در جمهوری اسلامی سحرگاه و همراه با اذان صبح انجام می‌شود، از شامگاه یکشنبه ۲۴ اردیبهشت بستگان این سه زندانی همراه با شماری از شهروندان در برابر زندان دستگردد اصفهان تجمع می‌کنند تا مانع ارتکاب سه قتل حکومتی شوند. همچنین فراخوان خانواده‌ها برای تجمع چهارشنبه‌شب ۲۷ اردیبهشت در برابر زندان چنان با استقبال «همشهریان و هموطنان» روبرو شد که نه تنها نیروهای انتظامی و امنیتی راه‌های منتهی به زندان را بستند بلکه ویدئویی نیز از شب اصفهان منتشر شده که در آن صدای آژیر خطر به گوش می‌رسد. همچنین «میزان» رسانه‌ی قوه قضاییه اعلام کرد «اجرای حکم ۳ متهم پرونده خانه اصفهان بامداد فردا صحت ندارد». مردم اما به نهادهای مسئول که بارها زندانیان را مخفیانه و بی‌خبر اعدام کرده‌اند و یا پس از آرام شدن فضا، جوانان اسیر را به چوبه دار سپرده‌اند، هیچ اعتمادی ندارند. جمهوری اسلامی می‌گردد و زندانیان از مردم می‌خواهند که نگذارند آنها را بکشند و این نگذاشتن از یک راه امکان دارد: تحمیل قدرت مردم با حضور آنها نه تنها در خیابان‌هایی که به زندان‌ها منتهی می‌شوند بلکه در هر جا که حکومت برای پوشش، برای رقص و موسیقی، برای خوردن و نوشیدن، برای کسب و کار، برای عقیده، و در یک کلام، برای زندگی، در فضای واقعی و مجازی، تا حد مرگ، مانند قتل حکومتی مهسا امینی و بسیاری موارد دیگر، حقوق شهروندان را زیر پا می‌گذارد. ملت‌ها یار و یاور جز خود ندارند و تنها با قدرت متحد و ملی می‌توانند به هدف خود برای تغییر شرایط موجود و آزادی برسند و آن را به حکومت و قدرت‌های جهانی تحمیل کنند. وگرنه نفر بعدی یکی دیگر از آنان خواهد بود و چه بسا بدون آنکه فرصتی برای یاری خواستن از قدرت مردم در یک پیام کوتاه داشته باشند!

به آنها برسد. کار به جایی رسیده که پرگوجین رئیس این گروه پیشنهاد فروش اطلاعات مواضع نیروهای روسی را در ازای خروج نیروهای اوکراینی از منطقه «باخموت» مطرح

گسترش داده و موافقت این کشورها را جلب کند تا شرایط تردد بدون توقف در گمرک فراهم شود. دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس و دریای عمان بخشی از رویای همیشگی

جنگ علیه اوکراین یک مخرج مشترک دارد: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی! اما آیا رهبران غرب از این واقعیت بی‌اطلاع هستند؟ قطعاً نه! آنها حتی اگر فقط شلیک موشک



کرده است. او که از دوستان صمیمی پوتین است تهدید کرده که سرایان «واگنر» بدون دریافت مهمات لازم از این منطقه خارج خواهند شد.

اما جمهوری اسلامی که از یکسو در داخل با اعتراضات مردم و مشکلات عظیم اقتصادی و در خارج با فشارهایی همه‌جانبه که مشکلات داخلی را تشدید می‌کنند، دست به گریبان است چگونه با سپاه پاسدارانش که بعید نیست در لیست سازمان‌های تروریستی از سوی اتحادیه اروپا و بریتانیا قرار بگیرد، می‌تواند نه تنها حلال مشکلات جنگی «برادر بزرگ» باشد بلکه رویای «آب‌های گرم» را نیز تحقق بخشد؟! سناتورهای آمریکایی مدام دولت بایدن را به چالش می‌کشند که هیچ برنامه عملی در مورد جمهوری اسلامی ندارد و فقط ادعا می‌کند که خروج دونالد ترامپ از برجام اشتباه بود. با اینهمه اگرچه بایدن اعلام کرده «برجام مرده» اما نه تنها هیچ راهکار و جایگزینی برای حل مشکلی که پابرجاست، ارائه نداده بلکه با نادیده گرفتن تحریم‌ها این فرصت را در اختیار جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران گذاشته تا خود را بدون برجام احیا کنند. افزایش سرکوب و اعدام در ایران و تهدید مداوم مخالفان حکومت در خارج کشور یکی از نتایج همین سیاست پلاتکلیف است. برخی تحلیلگران در آمریکا معتقدند ضعف دولت بایدن سبب شد تا شرکای منطقه‌ای آمریکا نیز به سمت جمهوری خلق چین بچرخند. اگرچه غرب از قرار معلوم هنوز روی دوگانه «مماشات» یا «شدت عمل حتماً نظامی» مانده اما به نظر می‌رسد تنها یک راه عاقلانه و سودمند برای پایان دادن به این وضعیت وجود دارد و آن راهکاریست که شاهزاده رضا پهلوی سال‌هاست مطرح می‌کند: پشتیبانی از جنبش آزادیخواهان مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و روی کار آمدن حکومتی عادی که به دنبال منافع مردم در صلح و همزیستی با کشورهای منطقه و جهان باشد. حالا که روسیه در باتلاق اوکراین گیرافتاده و به نظر می‌رسد در این جنگ به آخر خط رسیده و رژیم و سپاهش را هم به دنبال خود کشانده، پشتیبانی از انقلاب ملی ایران کم‌هزینه‌ترین راه برای خلاص شدن از شر ملاحا و سپاه و جنگ در منطقه و اروپا است.

حامد محمدی

روس‌ها از زمان پتر کبیر چهارمین تزار سلسله رومانوف‌ها بود که تا امروز در سر آنهاست و از قرار معلوم جمهوری اسلامی و سپاه پاسدارانش مأمور تحقق این رؤیا شدند. طرح روسی «ایران‌رود» که قرارگاه «خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران با عنوان ایجاد کریدور آبی بین دریای مازندران و خلیج فارس روی آن کار می‌کند بخشی از این پروژه است. کلیات الگویی که رژیم ایران در مورد روسیه پوتین از آن پیروی می‌کند، همان رویه‌ای است که در مورد چین کمونیست هم در پیش گرفته است: باج دادن به اسم اقتدار با سیاست راهبردی علی‌خامنه‌ای با عنوان «نگاه به شرق»!

بن‌بست بدون چشم‌انداز

در چنین شرایطی، مقامات ارشد دولت بایدن روز سه‌شنبه ۱۶ ماه مه ۲۰۲۳ (۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۲) یک جلسه توجیهی محرمانه با سناتورها برگزار کردند که ایران محور آن بود. در این جلسه جمهوریخواهان به شدت علیه بایدن و تیم سیاست خارجی او موضع گرفتند.

سناتور جان کندی در حاشیه این نشست گفت «من به این نتیجه رسیده‌ام که جمهوری اسلامی در حال همکاری با چین است و چین در حال همکاری با روسیه است. این حرکت از سوی شی‌جین‌پینگ هماهنگ می‌شود و آیت‌الله‌ها و پوتین با او همراهی می‌کنند.»

اما مشکل اساسی جمهوری اسلامی این است که حتی باج دادن به چین کمونیست و روسیه پوتین نیز هیچ تضمینی برای امنیت آن نیست. ولادیمیر پوتین ثابت کرده که قابل اعتماد نیست. در شرایطی که حکومت برای رفع تحریم‌ها به شدت نیازمند دستیابی به توافق با غربی‌ها در مذاکرات برجام بود، بلافاصله پس از حمله نظامی روسیه علیه اوکراین، مقامات کرملین با صراحت اعلام کردند تا منافع روسیه تأمین نشود از «احیای برجام» خبری نیست. چین نیز در پی اقتصاد و تأمین معیشت جمعیت میلیاردری خود است! از سوی دیگر، مزدوران گروه «واگنر» که یکی از شرکای اصلی روسیه در جنگ علیه اوکراین به شمار می‌روند هفته‌هاست با ولادیمیر پوتین دچار اختلاف شده‌اند. آنها در باتلاق «باخموت» گیر افتاده و روزانه تلفات سنگینی می‌دهند بدون آنکه کمک‌های نظامی و مهمات و تسلیحات

به هوایی‌های مسافری «اوکراین اینترنشنال» را هم به خاطر بیابوند کافیتست تا به این واقعیت پی برده باشند!

محسن اسدی لاری مدیرکل همکاری‌های بین‌المللی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی پدر دو جانب‌ناخته این هوایی‌هاست که به عنوان یک مقام حکومتی می‌گوید «مستندات عمدی بودن شلیک موجود است.» اما چرا از تمام پروازها، یک خط هوایی اوکراینی انتخاب شد؟! آن روز سپاهی‌ها از کجا مشاوره گرفتند؟ بجز جمهوری اسلامی کدام کشور سابقه شلیک به هوایی‌های مسافربری داشت؟ چه کسانی موشک را شلیک کردند؟ موشک ساخت کدام کشور بود؟ هوایی‌ها بر فراز کدام کشور سقوط کرد؟ نقش روسیه در سرنگونی هوایی‌های مسافربری خطوط هوایی مالزی در شرق اوکراین در سال ۱۳۹۳ چه بود؟

تقویت شراکت با روسیه

مقامات غربی مدام در مورد تهدیدات سپاه هشدار می‌دهند اما در عمل ثابت شده است راهکارهایی که برای مقابله با آن به اجرا گذاشته می‌شود برای متوقف کردن آنها کافی نیست. اعضای کنگره در دو حزب آمریکا بارها اعلام کردند نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی و ضعف دولت بایدن در پاسخ قاطع به حملات سپاه پاسداران در سوریه «مماشات با رژیم ایران» است که آنها را گستاخ‌تر کرده است. تا جایی که اکنون نه فقط از طریق هوایی با خطوط هوایی غیرنظامی بلکه با کشتی‌های باری خصوصی از طریق دریای خزر نیز به روسیه تسلیحات ارسال می‌شود. اما هر دو رژیم تهران و مسکو در توسعه تدارکات و لجستیک برای همکاری‌های نظامی و امنیتی از این هم فراتر رفته‌اند.

افتتاح نمایندگی بانک روسی VTB در تهران با هدف «انتقال درآمدهای ارزی» و قرارداد ساخت راه‌آهن رشت-آستارا برای تکمیل کریدور شمال به جنوب، گام‌های دیگری در اقدامات مشترک روسیه و جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی به دنبال آن است که برای مقابله با تحریم‌های آمریکا «مسیر ترانزیت کالا در منطقه» را تغییر دهد و در نظر دارد ارتباط حمل و نقل ریلی بین ایران با قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و در نهایت روسیه را

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: سرنگونی کامل این رژیم هم به سود دنیای آزاد و هم به سود مردم ایران است



شاهزاده رضا پهلوی در برنامه «Sunday Morning Futures»

می‌بایست صرف این کار شود. همچنین دارایی‌هایی که بعد از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی و تحریم آنها احتمالاً مسدود می‌شوند. اینها می‌تواند در اختیار مردم ایران قرار گیرد. پرسش اینجاست آیا راه قانونی برای انتقال این پول به مردم ایران که صاحب آن هستند و باید به دست آنها برسد وجود دارد؟ حمایت از تشکیل چنین صندوقی در مورد ونزوئلا و سایر جاها سابقه داشته است.»

مجری برنامه در ادامه به افزایش تهدیدات رژیم ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز اشاره کرد که شاهزاده با انتقاد از سیاست «هویج و چماق» آمریکا در قبال رژیم ایران و کارساز نبودن مباحثات با این رژیم پاسخ داد: «انتظار سیاستمداران غرب تغییر رفتار رژیم بود اما ماهیت ناسازگار این رژیم را نشان‌خند. ذات آنها ناسازگاری است. اصلاً مهم نیست که شما چه می‌کنید! هر کاری بکنید در نوع نگرش آنها تغییری ایجاد نمی‌کند. تهدید هسته‌ای ادامه خواهد داشت. تهدید کشتیرانی آزاد ادامه پیدا خواهد کرد. راهکار، تغییر وضعیت موجود است. به قول مارشال دوگل رئیس جمهوری اسبق فرانسه اگر شرایط مناسب نیست، باید شرایط را تغییر داد. سرنگونی رژیم ایران آن تغییر اساسی خواهد بود که به نفع مردم ایران هم هست.»

یکی از پرسش‌های مجری برنامه درباره باج دادن‌های جمهوری اسلامی به جمهوری خلق چین بود. وی با اشاره به اینکه مقامات ارشد جمهوری اسلامی برای دیدار با چینی‌ها مدام به پکن سفر می‌کنند از شاهزاده پرسید «نظر شما درباره این روابط به ظاهر قوی میان تهران و پکن چیست؟»

ایران را زیر سلطه چین قرار دادند

وی در پاسخ گفت: «به نظر شاید اسم آن رابطه دوستانه باشد اما از روی استیصال است. رژیم ایران عملاً زیر سلطه چین قرار گرفته است. تصور کنید دولت آمریکا کوه راشمور یا جزایر هاوایی را بفروشد. شما به عنوان شهروند آمریکا چه حسی پیدا می‌کنید؟ این حکومت همین کار را با جزایر کیش و قشم و بناهای تاریخی ما می‌کند.»

ماریا بارتیرومو با اشاره به تلاش‌های چین و رژیم ایران برای کنار گذاشتن دلار از معاملات خود و جایگزین

شاهزاده رضا پهلوی یکشنبه ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت)، مهمان برنامه «صبح یکشنبه» از شبکه «فاکس نیوز» آمریکا بود.

ماریا بارتیرومو مجری این برنامه از استقامت زنان در مقابل جمهوری اسلامی در جریان خیزش آزادخواهانه در ایران تقدیر کرد و از دیدگاه شاهزاده درباره اوضاع ایران پرسید و افزود: «علی‌حضرت، آیا واقعاً در ایران یک انقلاب در جریان است یا نه؟»

شاهزاده رضا پهلوی در آغاز این گفتگو با شادباش «روز مادر» به بارتیرومو به مادران سوگوار در ایران اشاره کرد که دادخواه فرزندانشان هستند. فرزندان مادرانی که توسط حکومت یا به قتل رسیده یا اعدام شده‌اند.

وی گفت، «ما در یک مرحله انقلابی قرار داریم که ماه‌هاست در ایران جریان دارد. مسئله این است که چه چیز باعث می‌شود کفه ترازو به سمت مردم ایران سنگین شود؟ یعنی رژیمی که لبه پرتگاه قرار گرفته سقوط کند. اینها وابسته به عواملی است که من می‌گویم فشار حداکثری هستند. مثل تحریم‌های اقتصادی البته به شرطی که اجرا شوند. واقعاً دولت بایدن معلوم نیست به معنای واقعی بر اجرای تحریم‌ها نظارت کرده یا نه. یکی از این فشارها می‌تواند قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی باشد.»

«ما از مالیات‌دهندگان در آمریکا، انگلیس یا فرانسه انتظار نداریم که هزینه صندوق‌های اعتصابات در ایران را فراهم کنند. دارایی‌های مسدودشده ایران در واقع پول خود مردم ایران است که می‌بایست صرف این کار شود. همچنین دارایی‌هایی که بعد از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی و تحریم آنها ممکن است مسدود شوند.»

● شاهزاده رضا پهلوی یکشنبه ۲۴ اردیبهشت مهمان برنامه «صبح یکشنبه» از شبکه «فاکس نیوز» آمریکا بود. مجری برنامه ماریا بارتیرومو درباره نقش زنان در انقلاب ایران، وضعیت فعلی ایران، سطح حمایت بین‌المللی از انقلاب و پیامدهای نادیده گرفتن تحریم‌های رژیم و چشم بستن به روی معاملات و همکاری‌های تهران با چین و روسیه پرسش‌هایی را مطرح کرد.

● «مسئله این است که چه چیز باعث می‌شود کفه ترازو به سمت مردم ایران سنگین شود؟ یعنی رژیمی که لبه پرتگاه قرار گرفته سقوط کند. اینها وابسته به عواملی است که من می‌گویم فشار حداکثری هستند. مثل تحریم‌های اقتصادی البته به شرطی که اجرا شوند. واقعاً دولت بایدن معلوم نیست به معنای واقعی بر اجرای تحریم‌ها نظارت کرده یا نه. یکی از این فشارها می‌تواند قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی باشد.»

● «ما از مالیات‌دهندگان در آمریکا، انگلیس یا فرانسه انتظار نداریم که هزینه صندوق‌های اعتصابات در ایران را فراهم کنند. دارایی‌های مسدودشده ایران در واقع پول خود مردم ایران است که می‌بایست صرف این کار شود. همچنین دارایی‌هایی که بعد از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی و تحریم آنها ممکن است مسدود شوند.»

● «به نظر شاید روابط رژیم ایران و چین دوستانه به نظر برسد اما از روی استیصال است. رژیم ایران عملاً زیر سلطه چین قرار گرفته است. تصور کنید دولت آمریکا کوه راشمور یا جزایر هاوایی را بفروشد. شما به عنوان شهروند آمریکا چه حسی پیدا می‌کنید؟ این حکومت همین کار را با جزایر کیش و قشم و بناهای تاریخی ما می‌کند.»

● «در مورد انتصاب سفیر جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل نمی‌دانم آنها باید به موضوع بپردازند یا برای آن گریه کنند؟ اما غم‌انگیز است. این یک توهین و سیلی به صورت یک ملت است. اینکه هر روز می‌شنوید به زنان شلیک می‌شود یا آنها را در مدارس با گاز مسموم می‌کنند این نمی‌تواند بدون آگاهی مستقیم یا دخالت رژیم باشد.»

حمایت از تشکیل صندوق اعتصابات

شاهزاده در ادامه گفت که «در اختیار قرار دادن اینترنت آزاد» و ایجاد «صندوق‌های اعتصاب» از جمله مواردی هستند که به انقلاب مردم ایران کمک قابل توجهی می‌کنند. وی با اشاره به اینکه «ما از مالیات‌دهندگان در آمریکا، انگلیس یا فرانسه انتظار نداریم که هزینه صندوق‌های اعتصابات در ایران را فراهم کنند» تأکید کرد: «دارایی‌های مسدودشده ایران در واقع پول خود مردم ایران است که

وزیر خارجه بریتانیا: در حال بررسی تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستیم



جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا در حال گفتگو با ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین در لندن

و تعیین «مؤثرترین راه برای محدود کردن فعالیت‌های شورانه سپاه و در واقع حکومت ایران» ادامه می‌دهد. فاکس نیوز می‌نویسد «در حالی که بریتانیا مواضع سخت خود را علیه چین و روسیه حفظ کرده است، اما یک نقطه اختلاف آشکار با ایالات متحده داشته است، این کشور با وجود ادامه تحریم‌ها علیه سپاه هنوز این تشکیلات را به عنوان گروه تروریستی اعلام نکرده است.»

وزیر خارجه بریتانیا در همین ارتباط عنوان کرد: «بریتانیا سیاست‌های خود را بطور دائم مورد بازنگری قرار می‌دهد... تصمیماتی که در بریتانیا می‌گیریم همیشه بر اساس تعهد اولیه ما که حفظ امنیت اتباع بریتانیا و حفظ امنیت مردم در منطقه است، خواهد بود.»

خبرگزاری دولتی «ایرنا» این اظهارات را «عقب‌نشینی انگلیس درباره سپاه» خوانده است.

فشارها بر دولت بریتانیا برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی زیاد است. در همین ارتباط ۱۲۵ نماینده پارلمان بریتانیا اواخر فروردین ۱۴۰۱ در نامه‌ای به نخست‌وزیر این کشور خواستار قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی شدند.

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی اخیراً در گفتگوی تلفنی با وزیر خارجه فرانسه گفته بود «سپاه پاسداران به عنوان حافظ امنیت کشور خط قرمز ماست.» رژیم ایران تلاش می‌کند به دولت‌های خارجی چنین القاء کند که سپاه یک نهاد نظامی رسمی در ایران است در حالی که از یکسو ارتش متعارف در ایران مانند همه کشورها وجود دارد و از سوی دیگر اساننامه تشکیلات نظامی- عقیدتی سپاه پاسداران، مأموریت این نهاد «حفظ و پاسداری از انقلاب اسلامی» است و نام ایران حتی در عنوان آن نیز نیست چرا که مأموریت خود را فراتر از مرزهای کشور و جهانی می‌داند. نکته‌ای که کشورهای غربی از همان آغاز می‌بایست به عنوان تهدیدی علیه خود در نظر می‌گرفتند!

● کلورلی وزیر خارجه بریتانیا در مصاحبه با فاکس نیوز گفته «جلوگیری از دستیابی [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای یک اولویت مطلق در سیاست خارجی بریتانیا است. ما از نزدیک با فرانسه، آلمان و ایالات متحده روی اعمال تحریم‌ها کار کرده‌ایم و بدیهی است که از نزدیک می‌دانیم که در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای جلوگیری از ایران چه می‌کنیم.»

● وی با اشاره به ادامه تهدیدات از سوی رژیم ایران گفت فقط دولت ایالات متحده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را یک گروه تروریستی اعلام کرده و بریتانیا همچنان به ارزیابی و تعیین «مؤثرترین راه برای محدود کردن فعالیت‌های شورانه سپاه و در واقع حکومت ایران» ادامه می‌دهد.

● فاکس نیوز می‌نویسد «در حالی که بریتانیا مواضع سخت خود را علیه چین و روسیه حفظ کرده، اما یک نقطه اختلاف آشکار با ایالات متحده داشته است؛ این کشور با وجود ادامه تحریم‌ها علیه سپاه هنوز این تشکیلات را به عنوان گروه تروریستی اعلام نکرده است.»

جیمز کلورلی وزیر خارجه بریتانیا دوشنبه ۱۵ ماه مه (۲۵ اردیبهشت) در مصاحبه با «فاکس نیوز» بر لزوم اتحاد بریتانیا و ایالات متحده در مورد مسائل کلیدی، از جمله تهدیدات هسته‌ای بالقوه روسیه و جمهوری اسلامی تأکید کرد. کلورلی گفت: «جلوگیری از دستیابی [رژیم] ایران به سلاح هسته‌ای یک اولویت مطلق در سیاست خارجی بریتانیا است. ما از نزدیک با فرانسه، آلمان و ایالات متحده روی اعمال تحریم‌ها کار کرده‌ایم و بدیهی است که از نزدیک می‌دانیم که در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای جلوگیری از ایران چه می‌کنیم.»

وی با اشاره به ادامه تهدیدات از سوی رژیم ایران گفت فقط دولت ایالات متحده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را یک گروه تروریستی اعلام کرده و بریتانیا همچنان به ارزیابی

کردن سایر ارزشها با آن نیز پرسید: «فکر می‌کنید در بازار سیاه چقدر نفت معامله می‌شود؟» شاهزاده پاسخ داد که «من دقیقاً آمار آن را نمی‌دانم اما نکته اصلی این است که غربی‌ها چطور با این وضعیت کنار می‌آیند؟ در نهایت قرار است برای این وضعیت بگرنج چه کاری کنند؟ این کاریست که به نفع خود آنهاست... با ادامه این وضعیت سلطه چینی‌ها و کشورهای مثل روسیه بیشتر خواهد شد. رژیم ایران از روسیه برای ارسال پهپاد به اوکراین حمایت می‌کند. این پهپادها به غیرنظامی‌ها صدمه می‌زند. روشن است سرنگونی کامل این رژیم هم به سود دنیای آزاد و هم به سود مردم ایران است.»

وی در ادامه با تأکید به ضرورت یک تغییر بنیادی در ایران گفت «وقتی این تغییر صورت گیرد آنوقت وضعیت موجودی که الان می‌بینیم مثل انواع تهدیدات و مشکلات از جمله گروگانگیری کشتی‌ها در تنگه هرمز و تهدیدات تروریستی متوقف خواهد شد. ما باید یک انتقال مناسب و مدیریت شده را پیش ببریم.»

بارتیرومو به سفرهای اخیر شاهزاده پهلوی به کشورهای مختلف از جمله اسرائیل اشاره کرد و درباره نتایج این سفرها به ویژه سفر به اسرائیل پرسید که وی پاسخ داد: «بخشی از این گفتگوهای رو در رو علاوه با مقامات و رهبران این کشور درباره همکاری‌های راهبردی بین ایران و آنها در آینده بود. یک ایرانی که در صلح و ثبات باشد برای همسایگان مفید است. اما فراتر از دیدار با رهبران اسرائیل باید بگویم مردم آنجا برخورد بسیار گرمی با من داشتند. آنها از خواسته‌هایشان در مورد چشم‌انداز یک ایران متفاوت در آینده صحبت کردند. آنها نشان دادند همه با هم برابریم و برای داشتن یک زندگی آزاد و بدون تبعیض تلاش می‌کنیم.»

شاهزاده در این بخش از مصاحبه به شعار اخیر مردم در استادیوم‌های ایران در مورد اسرائیل نیز اشاره کرد که در حمایت از این کشور سر داده شد.

ماریا بارتیرومو با اشاره به انتصاب سفیر جمهوری اسلامی به عنوان رئیس مجمع اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل پرسید: «آیا اینجا سازمان ملل همدست [رژیم ایران] شده است؟» که وی پاسخ داد: «هی‌دانم آنها باید به موضوع بختند یا برای آن گریه کنند؟ اما غم‌انگیز است. این یک توهین و سیلی به صورت یک ملت است. اینکه هر روز می‌شنوید به زنان شلیک می‌شود یا آنها را در مدارس با گاز مسموم می‌کنند این نمی‌تواند بدون آگاهی مستقیم یا دخالت رژیم باشد. این تصادفی نیست. این اتفاق در بسیاری از شهرها چندین هفته است اتفاق می‌افتد. آنها عամادانه به چیزی شبیه نسل‌کشی رسیده‌اند؛ به مردم آسیب می‌زنند. آنوقت شما به عنوان یک نهاد بین‌المللی به آنها جایزه می‌دهید؟! به عنوان یک نهاد بین‌المللی با دادن یکی از بالاترین کرسی‌های حقوق بشر؟! منظورم این است که این کار فراتر از یک جوک است... وحشتناک است. امیدوارم همه ما شهروندان انزجارمان را به سازمان ملل و نمایندگان آنها نشان دهیم و بگویم ببینید! شما برای چه چیز ارزش قائل هستید؟ آیا به رژیم تروریستی که شهروندان خود را می‌کشد پاداش می‌دهید؟ یا به این اصل اخلاقی متعهدیم که به حاکمیت و استقلال یک ملت احترام بگذاریم؟ این به یک اصل بازمی‌گردد: حق انتخاب مردم؛ ولی آیا مردم حق انتخاب دارند؟ آیا مردم ایران امروز حق انتخاب دارند؟ نه دارند!»

دیگر مهمانان این برنامه جیمز کومر نماینده جمهوریخواه کنگره و رئیس کمیته نظارت مجلس نمایندگان و دادستان‌های کل ایالت‌های تگزاس و فلوریدا بودند.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید حملات راکتی «جهاد اسلامی» واکنش به دیدار شاهزاده رضا پهلوی با رهبران اسرائیل است



گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل، شاهزاده رضا پهلوی، سارا نتانیاوو و بنیامین نتانیاوو نخست‌وزیر اسرائیل / ۱۷ آوریل ۲۰۲۳

وی همچنین می‌گوید: «در تهران مقامات به این جمع‌بندی رسیده‌اند که کارزار اپوزیسیون خارج کشور برای فشار به اتحادیه اروپا با هدف قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی اسرائیل تقویت می‌شود. آنها راه‌های مختلفی برای کمتر شدن اثر این فشارها آغاز کردند. این تلاش شامل برجسته کردن مخالفان قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است. احتمالاً عملیات روانی یا تهدید علیه افرادی از اپوزیسیون که برای تروریستی اعلام کردن سپاه فعال‌اند افزایش پیدا کند.»

سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و دیدار او با نخست‌وزیر و رئیس جمهوری آن کشور و دیگر مقامات ارشد اسرائیل با واکنش زمامداران و عوامل جمهوری اسلامی و فرماندهان سپاه مواجه شد. وی در جریان دیدارهای خود با مقامات سیاسی به ویژه غربی‌ها بر ضرورت قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی و افزایش تحریم‌های هوشمند علیه این نهاد نظامی نامتعارف و ایدئولوژیک تأکید کرده است.

سردار پاسدار اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته بود «پهلوی‌ها نوچه اسرائیل بودند» و غلامعلی حداد عادل پدرزن مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای نیز عنوان کرد «اپوزیسیون به درجه‌ای از ورشکستگی رسیده‌اند که کسی که فکر می‌کند می‌خواهند به ایران برگردانند می‌رود دست به دامن رژیم می‌مانند رژیم صهیونیستی می‌شود که آنقدر منفرود است... او رفته از نتانیاوو کمک خواسته که برگردد.»

در همین ارتباط، حجت‌الاسلام محمود محمودی امام جمعه شهر کنگان در استان بوشهر با اشاره به حملات موشکی گروه‌های نیابتی به اسرائیل با پشتیبانی سپاه تهدید کرده بود «پیام ملت ایران به اسرائیل با موشک‌های مقاومت ارسال می‌شود نه با سفر رضا پهلوی!»

دولت سیزدهم و هیأت وزرای جمهوری اسلامی ۱۳ روز بعد راهی سوریه شدند.

در فاصله بین اول تا ۱۳ اردیبهشت امیرعبداللهیان یک سفر مستقل نیز به بیروت داشت. او هفتم اردیبهشت در دیدار با زیاد نخاله رهبر «جهاد اسلامی» با وی در مورد ضرورت اقدام علیه اسرائیل صحبت کرد و منتظر تصمیم نهایی وی ماند. گفته می‌شود «فرماندهان حماس رغبتی از خود برای اقدام علیه اسرائیل نشان ندادند.» به گفته این منبع «حماس از طریق منابع مصری هشدار گرفته بود که اسرائیل قصد دارد هرگونه حمله را در بالاترین سطح تلافی کند و حماس در این مقطع نمی‌خواست تلفات بدهد.»

اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران اواخر فروردین ماه در جریان سفر به سوریه با شماری از فرماندهان حماس و جهاد اسلامی در مورد اقدام علیه اسرائیل جلسه گذاشته بود اما گفته می‌شود با وجود پافشاری او فقط فرماندهان جهاد اسلامی در مورد اقدام علیه اسرائیل رغبت نشان دادند. به گفته‌ی این منبع، «اطلاعات سپاه و سپاه قدس از سفر رضا پهلوی به اسرائیل پیشاپیش خبردار نشده بودند. حتا فکرش را هم نمی‌کردند نتانیاوو با وجود شرایطی که در اسرائیل وجود دارد چنین حرکتی کند.»

در جریان عملیات «سپر و تیر» که این روزها پس از موشک‌پرانی‌های مداوم به سوی اسرائیل در جریان بود، بیش از ۲۰۰ هدف متعلق به «جهاد اسلامی» در غزه هدف قرار گرفت و پنج نفر از فرماندهان ارشد آن کشته شدند.

این فرد آگاه در ادامه به کیهان لندن گفته است: «موضع رسمی پهلوی در مورد مخالفت با هرگونه حمله نظامی به ایران به گوش مقامات رژیم رسیده اما آنها حملات اسرائیل به پایگاه‌های سپاه و فاطمیون و انبارهای حزب‌الله و واکنش شدید نسبت به فرماندهان جهاد اسلامی را تحت تأثیر همان سفر می‌دانند.»

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید بعد از سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و دیدار با مقامان آن امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در دو سفر به بیروت و دمشق گروه‌های فلسطینی را برای اقدام علیه اسرائیل زیر فشار گذاشته است.

● امیرعبداللهیان به نمایندگان جهاد اسلامی گفته «نتانیاوو گوشمالی لازم دارد تا دیگر پسر شاه مخلوع را دعوت نکند.» او خواسته بود جهاد اسلامی «زودتر» تصمیم نهایی خود را اعلام کند. کیهان لندن امکان رد یا تأیید این موضوع را ندارد.

● گفته می‌شود «فرماندهان حماس رغبتی از خود برای اقدام علیه اسرائیل نشان ندادند.» به گفته این منبع «حماس از طریق منابع مصری هشدار گرفته بود که اسرائیل قصد دارد هرگونه حمله را در بالاترین سطح تلافی کند و حماس در این مقطع نمی‌خواست تلفات بدهد.»

● این فرد آگاه در ادامه همچنین گفت: «موضع رسمی پهلوی در مورد مخالفت با هرگونه حمله نظامی به ایران به گوش مقامات رسیده اما آنها حملات اسرائیل به پایگاه‌های سپاه و فاطمیون و انبارهای حزب‌الله و واکنش شدید نسبت به فرماندهان جهاد اسلامی را تحت تأثیر همان سفر می‌دانند.»

● وی همچنین می‌گوید: «در تهران مقامات به این جمع‌بندی رسیده‌اند که کارزار اپوزیسیون خارج کشور برای فشار به اتحادیه اروپا با هدف قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی اسرائیل تقویت می‌شود. آنها راه‌های مختلفی برای کمتر شدن اثر این فشارها آغاز کردند. این تلاش شامل برجسته کردن مخالفان قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی است. احتمالاً عملیات روانی یا تهدید علیه افرادی از اپوزیسیون که برای تروریستی اعلام کردن سپاه فعال‌اند افزایش پیدا کند.»

گفته می‌شود حملات راکتی اخیر گروه‌های فلسطینی به شهرهای اسرائیل به سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل در ماه گذشته مرتبط است.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر دوم خود به دمشق در دیدار با نمایندگان گروه‌های فلسطینی آنها را برای اقدام علیه اسرائیل زیر فشار قرار داد. حسین امیرعبداللهیان در سفر اخیر ابراهیم رئیسی به سوریه به همراه چهار وزرای راه و شهرسازی، نفت و دفاع به دمشق سفر کرده بود.

بر اساس گفته این منبع، امیرعبداللهیان به نماینده «جهاد اسلامی» گفته «آقای نتانیاوو گوشمالی لازم دارد تا دیگر پسر شاه مخلوع را دعوت نکند.» او خواسته بود این گروه هرچه «زودتر» تصمیم نهایی خود را اعلام کند. کیهان لندن امکان رد یا تأیید این موضوع را ندارد.

شاهزاده رضا پهلوی ماه آوریل در یک سفر چهار روزه به همراه بانو یاسمین و هیئتی از مشاوران و کارشناسان به اسرائیل سفر کرد. این سفر پس از گفتگو با مقامات ارشد این کشور و همچنین دیدارهایی از مراکز دانشگاهی و فنی و مذهبی اسرائیل و بازتاب گسترده در رسانه‌های بین‌المللی در اول اردیبهشت به پایان رسید. سید ابراهیم رئیسی رئیس

جمهوری اسلامی با ارسال تسلیحات به روسیه جنگ علیه اوکراین را طولانی کرده است



پرتاب پهپادهای «شاهد» از روی لانچر

جایگزینی تسلیحات از دست رفته در میدان جنگ است. کاخ سفید می‌گوید روسیه برای توپخانه به کره شمالی روی آورده است.

مقامات آمریکایی می‌گویند ایران همچنین توپخانه و گلوله‌های تانک برای تهاجم روسیه به اوکراین فراهم کرده است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید عنوان کرده همکاری‌های دفاعی روسیه با جمهوری اسلامی نه فقط برای اوکراین بلکه برای منطقه خاورمیانه و جامعه بین‌المللی مضر است.

مقامات کاخ سفید مدعی شدند به دنبال تشدید کنترل‌های صادراتی هستند تا از ورود قطعات غربی به ایران برای استفاده در ساخت پهپاد جلوگیری کنند. جان کربی گفته ممکن است تحریم‌های بیشتری علیه رژیم ایران و روسیه در راه باشد.

جمهوری اسلامی به دنبال خرید تجهیزات نظامی روسی از جمله هلی‌کوپترهای تهاجمی، انواع رادار و هواپیماهای آموزشی رزمی YAK-۱۳۰ است. همچنین تهران اعلام کرد قرارداد خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ روسیه را نهایی کرده است.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید و سایر مقامات آمریکایی پیش از این نیز همین حرف‌ها را تکرار کرده بودند اما در عمل کار چندانی برای جلوگیری از همکاری روسیه و رژیم ایران نکرده‌اند. اصلی‌ترین مسئله نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی است. رژیم ایران روزانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز نفت صادر می‌کند. پول حاصل از فروش نفت، حکومت ایران را هم در تأمین گروه‌های شبه‌نظامی و نیابتی و هم در پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای و موشکی و ساخت پهپاد تقویت می‌کند.

کرده است.»

پهپادهای «شاهد» که روسیه قبلاً خریداری کرده حامل مواد منفجره هستند و برنامه‌ریزی شده‌اند تا زمان اصابت به یک هدف، در آسمان پرسه بزنند. در واقع این پهپادها نسخه‌های بدون سرنشین خلبان‌های ژاپنی کامیکازه جنگ جهانی دوم هستند که خود را با هواپیماهای پُر از مواد منفجره به کشتی‌های جنگی ایالات متحده در اقیانوس آرام می‌کوبیدند.

کربی همچنین گفت روس‌ها اکنون به دنبال دستیابی به پهپادهای پیشرفته‌تر «با قابلیت کشندگی بیشتر» هستند. دولت آمریکا اخیراً اطلاعاتی دریافت کرده که نشان می‌دهد روسیه و رژیم ایران در حال افزایش همکاری‌های نظامی هستند. در اطلاعات طبقه‌بندی شده پنتاگون که مدتی پیش درباره وضعیت جنگ روسیه علیه اوکراین منتشر شده بود نشان می‌دهد روسیه در جنگ ۱۵ ماهه خود علیه اوکراین بخش عمده تسلیحات و مهمات خود را استفاده کرده است.

از سوی دیگر، ریشی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا اعلام کرد که صدها موشک دفاع هوایی دیگر و همچنین «پهپادهای تهاجمی دوربرد» با برد بیش از ۲۰۰ کیلومتر به اوکراین ارسال کرده است.

دولت آلمان یک بسته تسلیحاتی به ارزش بیش از ۷/۲ میلیارد یورو شامل سامانه‌های پدافند هوایی، تانک‌های جنگی و مهمات توپخانه و پهپادهای شناسایی برای اوکراین در نظر گرفته است.

مقامات دولت بایدن می‌گویند اتکای روسیه به جمهوری اسلامی ایران و همچنین کره شمالی که دو کشور منزوی هستند نشان‌دهنده ناامیدی روسیه است. این در مواجهه با مقاومت اوکراین و موفقیت ائتلاف جهانی در برهم زدن زنجیره تأمین نظامی روسیه و انکار

● ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به افزایش همکاری‌های دفاعی و امنیتی تهران و مسکو اظهار داشت این نه فقط برای منطقه بلکه برای جامعه بین‌المللی خطرناک است.

● جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید گفته «ایران با ارائه این پهپادها به روسیه مستقیماً جنگ تجاوزکارانه روسیه در اوکراین را طولانی کرده است.»

● مقامات کاخ سفید مدعی‌اند به دنبال تشدید کنترل‌های صادراتی هستند تا از ورود قطعات غربی به ایران برای استفاده در ساخت پهپاد جلوگیری کنند. کربی گفته ممکن است تحریم‌های بیشتری علیه رژیم ایران و روسیه در راه باشد.

● جان کربی و سایر مقامات آمریکایی پیش از این نیز همین حرف‌ها را تکرار کرده بودند اما در عمل کار چندانی برای جلوگیری از همکاری روسیه و رژیم ایران نکرده‌اند. اصلی‌ترین مسئله نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی است. رژیم ایران روزانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز نفت صادر می‌کند. پول حاصل از فروش نفت حکومت ایران را هم در تأمین گروه‌های شبه‌نظامی و نیابتی و هم در پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای و موشکی و ساخت پهپاد تقویت می‌کند.

مقامات آمریکایی از افزایش همکاری‌های نظامی روسیه و جمهوری اسلامی ابراز نگرانی کرده‌اند. ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در یک نشست خبری با اشاره به همکاری‌های گسترده دفاعی و امنیتی تهران و مسکو اظهار داشت که این نه فقط برای منطقه بلکه برای جامعه بین‌المللی خطرناک است.

روسیه دریافت پهپاد از جمهوری اسلامی برای استفاده در جنگ اوکراین را رد می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی نیز تا مدت طولانی انتقال پهپاد به روسیه را منکر می‌شدند اما وقتی تصاویر ماهواره‌ای و اسناد مربوط به بقایای این پهپادها بطور عمومی منتشر شد، حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی کمی عقب‌نشینی کرد و گفت ایران تنها تعداد معدودی پهپاد ماه‌ها پیش از جنگ اوکراین در اختیار روسیه قرار داده است.

به گزارش سی‌ان‌ان دولت بایدن سال گذشته تصاویر ماهواره‌ای و یافته‌های اطلاعاتی را منتشر کرد که نشان می‌داد حکومت ایران صدها پهپاد انتحاری به روسیه فروخته است. همچنین برخی مقامات گفتند که ایالات متحده بر این باور است که ایران در حال بررسی فروش صدها موشک بالستیک به روسیه است، اما واشنگتن شواهدی در مورد این توافق در دست نداشت.

جمهوری اسلامی همچنین به ارائه پهپاد به روسیه ادامه می‌دهد. جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید می‌گوید در ماه اوت (امرداد - شهریور) ایران بیش از ۴۰۰ پهپاد از نوع «شاهد» به روسیه تحویل داده است.

روسیه بیشتر این پهپادها را برای هدف قراردادن زیرساخت‌های حیاتی اوکراین استفاده کرده است. کربی به خبرنگاران گفت: «ایران با ارائه این پهپادها به روسیه مستقیماً جنگ تجاوزکارانه روسیه در اوکراین را طولانی

«جمهوری اسلامی» که عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل نیست چطور نماینده اش به ریاست «هم‌اندیشی اجتماعی» آن انتخاب شده است؟!

● رئیس «هم‌اندیشی اجتماعی» از میان نامزدهای معرفی شده توسط گروه‌های منطقه‌ای شورای حقوق بشر منصوب می‌شود. نکته این است که اساساً جمهوری اسلامی ایران عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیست تا بتواند نامزدی را برای تصدی نشست امسال این هم‌اندیشی معرفی نماید. بنابراین، پرسش همچنان ذهن را به خود مشغول می‌دارد: چگونه کشوری که عضو شورای حقوق بشر نیست می‌تواند فردی را از جانب خود نامزد تصدی ریاست اجلاس هم‌اندیشی معرفی کرده و کشورهای عضو شورای حقوق بشر هم آن را تایید و تصویب نمایند؟! ● نگارنده طی ایمیلی از واحد نهادهای جامعه مدنی شورای حقوق بشر درخواست نمود تا به پرسش بالا پاسخ دهند. البته خیلی بعید است که پاسخی روشن از سوی شورای حقوق بشر داده شود. اما از آنجا که نمی‌بایست از این موضوعات به سادگی گذشت، طی نامه‌ای رسمی که متن آن در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد، بار دیگر از شما درخواست می‌شود تا نحوه این انتصاب را توضیح دهند.

محمود مسائلی - سازمان غیرانتفاعی دیده‌بان حقوق بشر که دفتر مرکزی آن در ژنو واقع شده، در خبری اعلام کرد که نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران به نام «علی بحرینی» به ریاست دو روزه اجلاس سالانه هم‌اندیشی اجتماعی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که در تاریخ دوم و سوم ماه نوامبر امسال در ژنو برگزار می‌شود، انتخاب شده است. اعلام این خبر موجبات خشم ایرانیان مدافع دموکراسی را فراهم آورد. در صبح روز یکشنبه ۱۴ ماه مه نیز شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه‌ای که در استودیو فاکس نیوز انجام شد این انتخاب را به عنوان یک سیلی به صورت مردم درد کشیده تفسیر نمود. این نوشتار کوتاه شرحی بر این هم‌اندیشی فراهم آورده و یک پیشنهاد ساده هم ارائه می‌کند.

هم‌اندیشی اجتماعی یکی از چهار ارگانی است که در ساختار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به وجود آمده است تا فضایی را برای گفتگو پیرامون موضوعات حقوق بشری و بحث و بررسی چگونگی توسعه آنها فراهم آورد. این هم‌اندیشی سالی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد تا بتواند با مشارکت نهادهای جامعه مدنی، نمایندگان دولت‌ها، و یا حتی گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر، موضوعات اجتماعی را آنگونه که به حقوق بشر مربوط هستند و می‌توانند در توسعه آن مشارکت نمایند، مورد بررسی قرار دهد. مهمترین ویژگی این هم‌اندیشی ساختار مساوات‌گرایانه آن است که اجازه می‌دهد نهادهای جامعه مدنی بتوانند در فضایی باز و همگرا و همپا و همسان با کشورهای عضو موضوعات حقوق بشری را در فضایی متفاوت از ساختارهای رسمی سازمان‌های بین‌المللی بین دولتی مورد بررسی قرار دهند. بنابراین همه سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند در این اجلاس شرکت نموده و نقطه نظرات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند.

شورای حقوق بشر موضوع هر اجلاس سالانه را تعیین و آنرا به منزله فضایی برای تلاش‌های هماهنگ در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند. وبسایت شورای حقوق



مقر شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو که «فوروم اجتماعی» یکی از برنامه‌های سالانه آن است

حقوق بشر درخواست نمود تا به پرسش بالا پاسخ دهند. البته خیلی بعید است که پاسخی روشن از سوی شورای حقوق بشر داده شود. اما از آنجا که نمی‌بایست از این موضوعات به سادگی گذشت، طی نامه‌ای رسمی که متن آن در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد، بار دیگر از شما درخواست می‌شود تا نحوه این انتصاب را توضیح دهند.

نکته دیگری را نیز باید خاطرنشان ساخت. این موضوعات حساس اگر در ابعاد خفیه خود به درستی مورد توجه قرار نگیرند، زمینه‌های سر درگمی را برای مردم فراهم می‌آورند. در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه ۱۵ ماه مه انجام شد، خبرنگار فاکس نیوز در پرسش خود از شاهزاده رضا پهلوی، از واژه «مجمع حقوق بشر» یاد کرد. در حالی که اساساً چنین مجمعی وجود خارجی ندارد! آنچه رخ داده از سوی «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» بوده، و علی‌الحدود بحرینی نیز برای ریاست دو روزه «هم‌اندیشی» یا «فوروم اجتماعی» (The Social Forum of U.N) این شورا انتخاب شده است. چند دقیقه پیش از آن نیز علیرضا نوریزاده در برنامه تلویزیونی خود آنرا «کمیسیون حقوق بشر» نامید. این کمیسیون در سال ۲۰۰۶ منحل شده و شورای حقوق بشر جایگزین آن گردیده است. بنابراین چنین کمیسیونی وجود خارجی ندارد. حال در نظر بگیرید بی‌دقتی‌ها چگونه می‌تواند از یکسو موجبات ادراک نادرست موضوعات را برای مردم فراهم آورد، و از دیگرسو راه‌های مقابله قانونی و صحیح با این قبیل وقایع ناگوار را در تیرگی و محاق قرار دهد. رسانه‌های جمعی موظف هستند که به این موضوعات توجه داشته باشند.

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

بشر یکی از اهداف کلیدی این هم‌اندیشی را ارتقای انسجام اجتماعی بر اساس اصول عدالت، برابری و همبستگی و همچنین پرداختن به ابعاد اجتماعی و چالش‌های فرآیند جهانی شدن معرفی می‌کند. گفتگوها توسط یک رئیس گزارشگر که هر سال توسط شورای حقوق بشر از میان نامزدهای معرفی شده توسط گروه‌های منطقه‌ای منصوب می‌شود، هدایت می‌شود. این شخص مسئول هدایت گفتگوهاست.

برنامه امسال این هم‌اندیشی که طی دو روز در آبان‌ماه ۱۴۰۲ برگزار می‌شود با عنوان کلی «تکنولوژی و حقوق بشر» اعلام شده و علی‌الحدود بحرینی به عنوان رئیس گزارشگر برای اجلاس امسال گزینش شده است.

جدا از توضیح وظیفه و مسئولیتی که بر عهده این هم‌اندیشی گذاشته شده و باید آنرا ابتکاری سازنده در جهت توسعه و تقویت گفتگوهای میان جامعه مدنی و نمایندگان دولت‌ها دانست، پرسشی که اذنان را به تردید درباره سلامت این گفتگو می‌اندازد، انتخاب رئیس گزارشگر برای نشست‌های سالانه است. این نکته‌ای است که از چشم ناظران پنهان مانده است. رئیس «هم‌اندیشی اجتماعی» از میان نامزدهای معرفی شده توسط گروه‌های منطقه‌ای شورای حقوق بشر منصوب می‌شود. نکته این است که اساساً جمهوری اسلامی ایران عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیست تا بتواند نامزدی برای تصدی نشست امسال این هم‌اندیشی معرفی نماید. بنابراین، پرسش همچنان ذهن را به خود مشغول می‌دارد: چگونه کشوری که عضو شورای حقوق بشر نیست می‌تواند فردی را از جانب خود نامزد تصدی ریاست اجلاس هم‌اندیشی معرفی کرده و کشورهای عضو شورای حقوق بشر هم آن را تایید و تصویب نمایند؟!

نگارنده طی ایمیلی از واحد نهادهای جامعه مدنی شورای



فاطمه رجبی و احمدی نژاد

اشخاص با لقب شاید صد الی دویست تایی می‌شدند ولی امین‌السلطان که روی کار آمد، این کار هم از خرک در رفت. هر کس از هر صنف و طبقه، از هر مضاف و مضاف‌البهی لقب خواست، با مناسبت و بی مناسبت، تصویب کرد و ناصرالدین شاه هم تصویب کرده‌های او را به صحنه خود قوت قانونی داد و بالاخره در سلطنت مظفرالدین شاه کمتر کسی بود که دستش به جایی برسد و لقبی نداشته باشد. مثلاً نصر، نصرت، نصیر، ناصر، منصور، انتصار، منتصر، مستنصر با مضاف‌البه‌های السلطنه، الدوله، الملک، الممالک، الملوک، الوزراء، الایاله، العداله، الیکاء، الاشراف، التجار، الاطباء، الحکما، العلوم، الشریعه، الاسلام، العلماء، الفقهاء، الواعظین، المتکلمین، الذاکرین، السادات، الشعراء، الادیاء، القراء، الحفاظ و... قابلیت تبدیل به لقب داشت.

حاجی سید رضای روضه‌خوان قمی که اشعار احمدی او در آن روزها مایه خنده همه شنوندگان بود، چکامه‌ای برای دوشان تپه (شکارگاه سلطنتی نزدیک تهران) به‌قرار ذیل ساخته:

یک بهشت برین به‌دوران است

به کجا؟ تپه‌ای که دوشان است

بالای تپه، آن عمارتها

منزل شه‌جهان نمایان است

پایین تپه، آن عمارتها

جای چاپچی و یاساولان است

طرف دیگرش رود بالا

قصر فیروزه را ببین آن است

آن تفنگهای دوش سربازان

همچو تیرهای تلگرافخان است

لیک چندان تفاوتی دارد

این به دوش است و آن بیابان است

مرحبا توپهای اتریشی

شده حاضر برای خصمان است

گولش‌اش خصم می‌کند داغان

فرسخی قدر رفتن آن است

ای خوشا حال جمله وزرا

که خوراکشان برنج چمپان است

و بالاخره به‌وسیله شعر ذیل که شریطه چکامه اوست:

یک لقب هم به ما عطا بشود که لقب نزد شه فراوان است

فخرالشعراء شد و در چکامه دیگر این لقب خود را این

طور به شعر درآورده است:

حاجی‌سید که فخر بر شعراست این لقب را عطا شد از شاهان

مژده بدهم به حضرتت بی‌شک بنده، اولاد شاه مظلومان

سر منبر دعای خیر کنم روضه خوانم که خلق را گریان

موجب آن می‌شود که اسم علامه را از آن بزرگوار مسلوب سازد چه، جامعیت آخوند ملا محمدباقر نسبت به حاجی ملا احمد مانند بحر به نهر و دریا به قطره است!»

و اما تازه به دور آمدگانی که این روزها فرهنگ سیاسی را با فرهنگ حوزوی آمیخته‌اند و بر سر عناوین آیت‌الله و حجت‌الاسلام بر سر و مغز هم می‌کوبند، عموماً از سابقه این دو عنوان بی‌اطلاعتند.

آیت‌الله و حجت‌الاسلام از اواسط دوره قاجاریه به‌عنوان درجه علمیت و افضلیت وارد فرهنگ حوزوی شد. پیش از آن وقتی می‌گفتند «آخوند ملا فلان» دلالت بر مرتبه علمی او داشت و اگر می‌خواستند چریتش کنند «علامه» را هم بر آن می‌افزودند. از زمان فتحعلی شاه به بعد، بین روحانیان و دیوانیان رقابت پیدا شد و رسم لقب دادن و درجه دادن از دستگاه حکومتی به دستگاه مذهبی سرایت کرد.

حجت‌الاسلام و ثقه‌الاسلام که تدریجاً در مرتبه بعد از آیت‌الله قرار گرفت تصادفاً در ادوار ماقبل اعتباری بیش از آیت‌الله داشت. ثقه‌الاسلام لقبی بود برای آخوندی با مرتبه و مقام «کلینی» و حجت‌الاسلام برای ملائی چون «سید شفتی». در حالی که هر آفریده‌ای، حتی به صورت و سیرت محمود احمدی‌نژاد، خواه ناخواه نشانی از آفریدگار داشت و لفظ آیت‌الله بر او می‌برازید.

سلسله مراتب، و تعیین درجات با عناوین ثقه‌الاسلام (که به هر طلبه‌ای توان گفت) و حجت‌الاسلام (که معمولاً برای وعظ و اهل منبر به‌کار می‌رود) و آیت‌الله و آیت‌الله العظمی را مثل بسیاری چیزهای دیگر - از جمله دسته راه انداختن و نعش گردانی و تعزیه‌خوانی - روحانیان ما از کلیسای کاتولیک اقتباس و وارد فرهنگ حوزوی کردند. اما به این هم قانع نشدند و همپای دیوانیان به مسابقه لقب دادن و لقب گرفتن پیوستند. اگر القاب دیوانی لازم‌اش این بود که دستخطی از طرف شاه یا صدر اعظم صادر شود القاب روحانی تابع هیچ قید و شرطی نبود و هر روضه‌خوانی می‌توانست به خودش لسان‌الاسلام و عماد‌الاسلام یا تاج‌الواعظین و شمس‌الذاکرین لقب بدهد.

در باب القاب، مرحوم عبدالله مستوفی مؤلف «تاریخ سیاسی و اداری دوره قاجاریه» شرح قابل توجهی نگاشته است. مستوفی با آن که خود از خانواده‌های دیوان‌سالار و شخصی معتقد به مبادی مذهبی بود، در انتقاد از زیاده‌روی‌های هر دو طایفه دیوانی و روحانی کوتاه نیامده است. راجع به سابقه لقب دادن و لقب گرفتن در دوره قاجاریه می‌نویسد «در عهد ناصرالدین شاه، تا اواخر میرزا یوسف صدر اعظم،

بازشم

اختلاط

فرهنگ‌ها

(کیهان لندن شماره ۱۱۷۷)

مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

خواندیده که سرکار علیّه فاطمه خانم رجبی، متعلقه آقا غلامحسین الهام وزیر دادگستری و سخنگوی دولت به دکتر محمود احمدی‌نژاد لقب آیت‌الله داده و چنین استدلال کرده است «آیت‌الله بر شخصی دلالت می‌کند که انسان را به‌یاد خدا و راه او و روش رسیدن به او، مثلاً به‌وسیله بیان احکام هدایت می‌کند... احمدی‌نژاد کسی است که چون صورت نورانی‌اش را در اثر کثرت خدمت به خلق خدایش بینی جز عشق به خدا نخواهی دید!»

در همان حال، از قبیلّه رقیب بانگ اعتراض برخاسته است که صدا و سیما (رادیو - تلویزیون جمهوری اسلامی) چه حق دارد آقای رفسنجانی را به‌جای آیت‌الله با عنوان حجت‌الاسلام در خبرها و تفسیرها نام می‌برد. نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی گفته است «صدا و سیما به افرادی که خیلی هم بضاعت علمی بالایی ندارند عنوان آیت‌الله می‌دهد اما آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را با عنوان حجت‌الاسلام والمسلمین نام می‌برد که باعث تأسف است». با ادامه عمر «نظام ولایی»، رقابت‌های سیاسی نیز به رنگ رقابت‌های حوزوی درآمده است. در قلمرو روابط آخوندی این گونه رقابت سابقه طولانی دارد. ملا محمدباقر مجلسی و حاج ملا احمد نراقی را البته می‌شناسید که اولی آخوند قدرتمند عهد شاه سلطان حسین بود و دومی آخوند قدرتمند عهد فتحعلی‌شاه.

حاج ملا احمد که یک قرن پس از ملا محمدباقر می‌زیست در کتاب‌هایش از وی به‌عنوان «محدث» نام برده و در فرهنگ حوزوی، این به‌معنای تحقیر و نیش زدن عمادانه (و البته عالمانه) است. میرزا محمد تنکابنی، مؤلف «قصص‌العلماء» این ظلم را بر نمی‌تابد و می‌نویسد «عجب از حاجی ملا احمد نراقی است که در کتب خود تعبیر از آن جناب (ملا محمدباقر) به محدث مجلسی نموده است و این عبارت به نظر این احقر بسیار ناپسند آمد. چه، محدث آن را می‌گویند که حدیث‌دان باشد و حدیث روایت کند و این مرتبه‌ای نیست. بلکه آخوند مزبور، علامه است. چه، علامه مصطلح است در این که جامع علوم معقول و منقول باشد و او نیز چنین بوده، آنجناب در معقول و منقول و ریاضی و غیر آنها صاحب فن، بلکه بحر ذخر (= دریای انباشته از گنج) و سحاب ماطر (ابر باران‌زا) و خزانه علوم بوده به‌نحوی که هر مسأله‌ای را عنوان می‌کند کانه خزانه علم در اطراف او پیچیده، از هر جا به سهولت دستی می‌اندازد و از آن در مسأله مصروف می‌سازد. و محض این که شاید اصول و فروع حاجی ملا احمد نراقی بیش از آخوند ملا محمدباقر باشد

اقدامات سطحی نخست وزیر یکسره بی نتیجه ماند

خطابه شاه در کاخ سنا همه را متحیر ساخت

در این خطابه و فرصتهای دیگری که دست داد، هیچ اشاره‌ای به اوضاع روز مملکت نشد شاه به طبیب مخصوص خود گفت: این ملتی که می‌گوئید شاهش را دوست دارد چرا خودی نشان نمی‌دهد؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۱۳)



دکتر هوشنگ نهندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلا ن افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می‌رساند.

را بررسی کند. از هنگامی که او به‌عنوان «پزشک مخصوص شاهنشاه» انتخاب شده بود، این معاینات عادی‌تر انجام می‌گرفت. معمولاً دیدار آن دو پیش از ساعت هشت صبح، در اتاق خواب شاه که صفویان را در لباس خواب خود می‌پذیرفت، برگزار می‌شد. هیچ موضوع غیر پزشکی مطرح نمی‌شد.

در آن روز ۱۹ سپتامبر اما، قرار دیدار برای ساعت چهار بعد از ظهر گذاشته شده بود. صفویان شاه را در خوابگاه خصوصی‌اش، در حالی که پیراهن آستین کوتاه پوشیده و در دست چپ چند برگه کاغذ و در دیگری قلمی گرفته بود، دید. هنگامی که وارد شد، شاه در تالار کوچک چسبیده به اتاقش راه می‌رفت. ظاهراً متنی را می‌خواند و تصحیح می‌کرد. صفویان ناگهان به‌یاد آورد که فردای آن روز، شاه قرار است اجلاس تازه دو مجلس را رسماً بگشاید. گمانه زد که شاه سرگرم آماده کردن سخنرانی خود و پیرایش آن است. پزشک مخصوص که نگران اوضاع بود، بر آن شد که با او پیرامون نا آرامیها گفتگو کند. او، البته چنانکه خود می‌گوید برای ثبت در تاریخ، گفتگوهای خود را با دقت یادداشت کرد:

– اعلیحضرتا، آیا می‌توانم پیش از آن که معاینات همیشگی را انجام دهم، چند لحظه‌ای، نه به‌عنوان پزشک، بلکه در جایگاه یک روشنفکر ایرانی و هموطنان، گفتگویی با شما داشته باشم؟

– البته، البته. هرچه می‌خواهید بگویید.

– کشور در شرایطی بحرانی است. افکار عمومی دستخوش نگرانی است. انگار همه، سرنشینان کشتی‌ای هستیم که دریایی خروشان را می‌پیمایند. ملت، و اکثر روشنفکران متعهد که من نیز خویشتن را از آنان می‌انگارم، در انتظارند که ناخدا، سکان کشتی را به‌اقتدار در دست گیرد و رهنمودهای لازم را بیان کند. کشور سراپا انتظار است. اعلیحضرتا، سکوت را بشکنید، به مردم بگویید چه می‌گذرد. به‌استواری سخن بگویید.

– بله، البته. اما آیا می‌توان مردم را از آزادی بیان محروم کرد؟

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

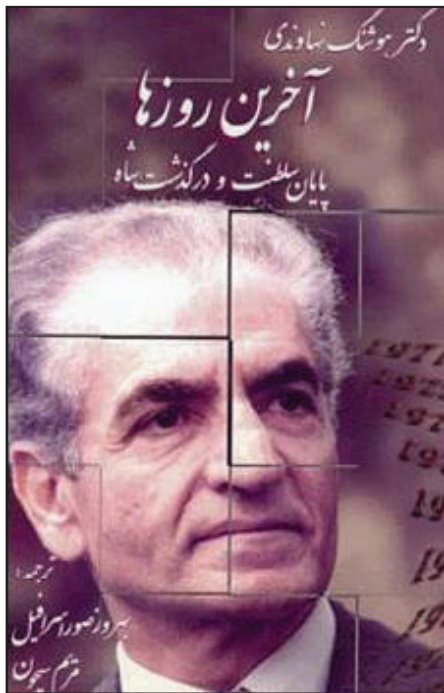
دکتر نهندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

روزهای تردید و انتظار

اواخر تابستان و در اوایل پاییز، شاه موقعیت شرکت در چند مراسم بزرگ را پیدا کرد: گشایش دوره تقنینیه، آغاز سال تحصیلی دانشگاهها که آن سال پانزده روز به‌تأخیر افتاده بود، مراسم اعطای درجات فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری و پایان دوره آموزشی دانشگاه پدافند ملی. آن سال او در هیچ کدام از این مراسم غیبت نداشت. همگان انتظار داشتند که شاه از این موقعیتها استفاده کند و بالاخره عقایدش را در مورد اوضاع کشور ابراز دارد و جهت‌گیری را مشخص نماید. اما او، هیچ نکرد.

افکار عمومی، در اکثریتش، گرچه آسیب دیده و متزلزل بود، هنوز در هم نشکسته بود. اقدامات سطحی نخست وزیر، یکسره بی نتیجه ماند حتی کسی آنها را به یاد نمی‌آورد. دلایل داخلی ناراضیتی مردم همچنان وجود داشت، از جمله باجگیریهای اتاق اصناف، تهدید به محاکمه بیش از صد و هشتاد هزار متهمان پرونده ساخته شده و بلاتکلیف که همچون شمشیر داموکلس بالای سر اصناف و بازرگانان آویخته می‌بود، محدودیت ساختن بناهای مسکونی به بهانه برنامه‌ریزی طرح جامع زمین که در راه بود اما هیچکس نمی‌دانست چه زمانی فرا می‌رسد، و احتمال توقیف یا مصادره آپارتمانهای خالی یا آنها که «مورد استفاده اندکی قرار می‌گرفت» که از سوی دولت پیشین اعلام شده بود. هویدا برکنار شده و این و آن شخص به زندان افتاده بودند، در حالی که نیم دو جین از مسؤلین که واقعاً مردم علاقه‌ای به آنان نداشتند و به نادرستی مشهور بودند، در دفاتر دولتی‌شان همچنان خودتمایی می‌کردند. از آن سو، دیگر این رازی نبود و همه می‌دانستند که قدرتهای غربی که تا آن روز همپیمان و پشتیبان رژیم به‌حساب می‌آمدند، علیه شاه دسیسه می‌کنند.

در میان حکومت سست بر سر کار، و مخالفان که بیش از پیش به خشونت می‌گراییدند، مردم منتظر بودند، می‌نگریستند و بیش از پیش محتاط می‌شدند. همه می‌خواستند بدانند چه کسی برنده خواهد شد. فضای غیر قابل تحملی بود.



نماینده‌گان دو مجلس برای تشکیل جلسه‌ای استثنایی احضار شده، به دولت رأی اعتماد داده و نیز برقراری حکومت نظامی را در پایتخت و چند شهر دیگر تصویب کرده بودند. به‌موجب قانون اساسی، در آخر سپتامبر، شاه می‌بایست دوره تازه تقنینیه را بگشاید، و بر اساس سنت، به هنگام ایراد سخنرانی سلطنتی، جهات عمده سیاسی سال آینده را گوشزد کند.

پروفیسور عباس صفویان یکی از چهار پزشک معالج و طبیب مخصوص شاه، چند ماه بود در فرصت مطالعاتی دانشگاهی در پاریس به‌سر می‌برد. اما هر ماه به بهانه‌های گوناگون، در تعطیلات آخر هفته به تهران می‌آمد و محرمانه به دیدار «بیمار برجسته» خود می‌رفت تا وضع سلامتی او

دفاع از میهن و شاه هستند، در هر شرایطی که باشد و در برابر هر دشمنی، چه داخلی باشد و چه خارجی.»
شاه که ظاهراً آخسود شده بود، به راهنمایی تیمسار، بیش از سه ساعت را به بازدید از دانشکده گذراند. تأسیسات، خوابگاهها، کلاسها و تالارهای آموزشی، کتابخانهها، ناهارخوری، اسلحهخانه، آمفی تئاتر و... با این و آن به گفتگو پرداخت، شام را چشید و غذای اصلی را بسیار لذیذ یافت و گفت: «طبیعتاً می‌دانسته‌اید که من این را مزه خواهم کرد. امیدوارم غذا هر روز به این خوبی باشد.» فضا، گرم و صمیمانه بود. ماهها بود که شاه را چنین شادمان ندیده بودم. به هنگام ترک دانشکده، با وقار و بسیار جدی به تیمسار فرماندهی و چند تن غیر نظامی که در پیرامونش بودند گفت: «با ارتشی به این عظمت، چگونه می‌توان حتی لحظه‌ای گمان کرد که «این افراد» بتوانند ثبات کشور را خدشه‌دار کنند؟» این اظهار نظری در عین حال درست و اشتباه بود. من تنها وزیری بودم که در آن مراسم حضور داشتم زیرا همزمان هیأت دولت تشکیل جلسه داده و جمعلگی همکارانم در آن گردهمایی بودند. من دانشکده افسری را دوست داشتم و سالها در آنجا درس اقتصاد داده بودم.

دو روز بعد، مراسم پایان دوره آموزشی دانشگاه «یدافند ملی» بود. بسیاری از شخصیت‌های غیر نظامی در تالار مراسم حضور داشتند. اما حال و هوا چندان دلپذیر نبود. صدای فریادهای تظاهرکنندگان که در آن نزدیکیا راهپیمایی

بر اساس سنت تشریفات، شاه می‌بایست سخنانش را ایستاده ایراد می‌کرد. در سمت راست او و اندکی عقبتر، شهبانو می‌ایستاد، و پشت سر آنان چند تن از اعضای خاندان سلطنتی، وزیر دربار و رئیس کل تشریفات. زوج سلطنتی، با کالسکه با شکوهی به سنا آمدند. در مسیر عبور آنان، مردم ابراز احساسات گرمی می‌کردند. هنگامی که شاه وارد تالار شد، همه متوجه شدند که فقط خانم دیبا در کنار زوج سلطنتی است. شگفت‌انگیز بود. حاضران برخاستند و دست زدند. بر اساس مقررات تشریفات، شاه آنان را به نشست دعوت کرد. آنگاه در میان شگفتی همگان، خود نیز نشست و متن سخنانش را خواند: ترازنامه سال گذشته، رقمهای بسیار، چند چشم انداز کلی بخش اقتصادی. کوچکترین اشاره‌ای به اوضاع کشور نکرد. سخنرانی‌ای بود به کلی بی‌ارتباط با واقعیات. کف زدنهایی که بخش آخر سخنرانی را همراهی کرد، شدت کمتری داشت. همه، یکه خورده بودند.

۲۱ سپتامبر، در ساعت سه بعد از ظهر، مراسم سنتی اعطای آخرین درجات فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری برگزار شد. این دانشکده در اوایل سالهای بیست، با نسخه‌برداری از مدرسه نظامی «سن‌سیر» فرانسه و به‌یاری افسران فرانسوی، به‌وسیله رضاشاه بنیاد گذارده شده بود. محمدرضا پهلوی پس از به‌پایان رساندن دوره دبیرستان، یک سال را در آنجا گذرانده و درجه ستوان دومی گرفته بود. گاه به‌شوخی می‌گفت: «من فرمانده کل ارتشی هستم که

→ البته که نه. ولی نخست باید آرامش بازگردد. مگر منفجر کردن بمب، کارهای تروریستی، به آتش کشیدن سینماها، میهمانخانه‌ها و مراکز فرهنگی آزادی بیان است؟ نخست باید نظم برقرار شود. سپس اصلاحاتی گسترده در چارچوب قانون اساسی انجام گیرد. گمان می‌کنم اعلیحضرت فردا سخنرانی مهمی خواهند کرد. به‌گمانتان این بهترین موقعیت نیست؟ باید تیشه به ریشه عوامل «خرابکاری» زد. اکثریت مردم که هنوز به شما وفادارند، دلیری می‌یابند که از وطن و شاهنشاهشان دفاع کنند.

این ملتی که می‌گویند وطن‌پرست است و شاهش را دوست دارد، پس چرا خودی نشان نمی‌دهد؟
— برای این که از رفتار دولت و سکوت شاه بهت‌زده شده است. ملت در انتظار دریافت نشانه‌ای قاطعانه است.

— آخر می‌خواهید من چه بگویم؟ چه نشانه‌ای؟
— اعلیحضرتا، از بسیاری جهات وضع ما شبیه فرانسه در ماه مه ۱۹۶۸ است. دانشگاهها، آموزشگاهها و کارخانه‌ها هفته‌ها در اعتصاب بودند. کشور یکسره فلج شده بود. ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم ولی دور از آن هم نیستیم. در آن هنگام بود که دوگل آن سخنرانی مشهور خود را ایراد کرد و گفت: «در شرایط کنونی خود را کنار نمی‌کشم». چند ساعتی از آن سخنرانی نگذشته بود که ورق برگشت... قربان، به همان گونه رفتار کنید و خواست خود را برای مقابله با خرابکاران ابراز فرمایید. خواهید دید ملت به دنبالتان خواهد آمد.



در اواخر تابستان سال ۵۷ شاه پس از بازدید از مناطق زلزله‌زده طبرس راهی مشهد شد و در حرم امام رضا مورد استقبال روحانیون مشهد قرار گرفت. همه دست او را بوسیدند و ابراز وفاداری به او کردند

می‌کردند به گوش می‌رسید و شاه را عصبی می‌کرد. پس از سخنرانی همیشگی، پایان‌نامه‌ها اعطا شد. سپس گروه کوچکی از ارتشیان و چند غیر نظامی به تالار عملیات راهنمایی شدند که یک طرح آموزشی که در خلال سال تحصیلی، مورد مطالعه قرار گرفته بود، به حضور شاه ارائه دهند: موضوع طرح، دخالت و عملیات یک واحد برگزیده ارتش ایران در پاکستان، به‌منظور برقراری نظم، در پی یک شورش کمونیستی بود. این، بازنگری طرحی دقیق بود در ابعادی بزرگتر که چند سال پیش ارتش ایران به پیروزی در «عمان» به‌انجام رسانده بود و نزدیک بود در سومالی نیز تکرار شود. شاه، چند دقیقه‌ای گوش فرا داد. طرح،

خود در آن فقط یک نایب دوم به‌حساب می‌آیم.» برخی البته می‌گفتند این را می‌گویند تا شنوندگان به ستایش از دانشش در زمینه استراتژی و تسلیحات — که البته بسیار هم چشمگیر بود — بپردازند. از روزی که آن دانشکده به‌وجود آمده بود، هرگز شاه ایران از حضور در اجرای مراسم پایان دوره آموزشی‌اش غیبت نکرده بود.
سرلشکر منوچهر بیگلری افسر گرد بسیار برجسته‌ای که فرماندهی دانشکده را برعهده داشت، گزارش سالانه را به‌استحضار رساند. نتیجه‌گیری پایانی گزارش او، که شگفتی حضار را برانگیخت، لحنی سیاسی داشت: «افسران جوانی که امروز به وفاداری به اعلیحضرت سوگند خوردند، آماده

— بله... بله... بله...
صفویان سپس شاهد سکوت طولانی شاه بود و پس از آن، بیمار نامدارش از او خواست معاینه‌ای را که برایش آمده بود، انجام دهد.
ساعت ده صبح فردایش، شاه، دوره تازه قانونگذاری را گشود. مراسم در کاخ با شکوه سنا برگزار شد. نمایندگان و سناتورها در لباس رسمی بودند و وزرا، سفیران و فرماندهان ارتش نیز جامه‌های ویژه تشریفاتیشان را بر تن داشتند و نشانها و یراقهایشان را آویخته بودند. شمار بزرگی روزنامه‌نگار خارجی، جایگاه ویژه رسانه‌های گروهی را نباشته بودند.



رژه نیروهای سپاه پاسداران در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / تهران فروردین ۱۴۰۲

درخواست نمایندگان کنگره آمریکا از بریتانیا، استرالیا، کانادا و هند برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اقدامات تروریستی علیه ما، شرکای ما و شهروندان بی‌گناه نباید تحمل شود و نخواهد شد.»

این نمایندگان همچنین خاطرنشان کردند که کشورها بر اساس قوانین یا سیستم‌های فعلی این قابلیت را دارند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کنند.

جو ویلسون نماینده جمهوریخواه از کارولینای جنوبی، براد شرمین نماینده دمکرات از کالیفرنیا، کلودیا تینی نماینده جمهوریخواه از نیویورک، براد اشنايدر نماینده دمکرات از ایلینوی، پت فالون نماینده جمهوریخواه از تگزاس و آدم شیف نماینده دمکرات از کالیفرنیا تدوین‌کنندگان اصلی این نامه هستند.

کلودیا تینی در بیانیه‌ای اعلام کرد «اکنون کنگره ایالات متحده از بریتانیا، استرالیا، هند و کانادا می‌خواهد تا به مبارزه ما در مقابله با ظلم این سازمان بپیوندند. وقت آن فرارسیده که همه دولت‌ها سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان سازمانی تروریستی طبقه‌بندی کنند تا این پیام صریح را بدهند که فعالیت‌های تروریستی آن باید پایان یابد.» پایگاه خبری هیل نوشته کانادا تمایلی به قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی خارجی ندارد، زیرا مقامات این کشور می‌گویند سپاه پاسداران نیروی مسلح رسمی جمهوری اسلامی است و بسیاری از مردم در آن خدمت سربازی اجباری دارند. کانادا «نیروی قدس» شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است.

به گزارش سی‌سی‌سی، سال گذشته در یک کنفرانس خبری، مقامات کانادایی گفتند که این نامگذاری بیش از حد یک «ابزار صریح» است که می‌تواند افراد بی‌گناهی را در کانادا مجازات کند که احتمالاً از ترس رژیم فرار کرده‌اند اما مجبور به خدمت اجباری در سپاه پاسداران شده‌اند.

استرالیا در همین ارتباط اعلام کرده که ممکن است از نظر قانونی نتواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک گروه تروریستی تحت قوانین کفیری خود معرفی کند، اما اس‌ان‌ای این کشور در ماه فوریه این طبقه‌بندی را توصیه کرده است. هندوستان اما روابط نزدیک خود را با جمهوری اسلامی ایران حفظ کرده است. بر اساس گزارش‌ها، بریتانیا در حال بررسی این موضوع است اما هنوز تصمیم رسمی اتخاذ نکرده است. آمریکا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در سال ۲۰۱۹ در زمان دولت ترامپ در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد.

● یک ائتلاف دو حزبی متشکل از قانونگذاران کنگره آمریکا نامه‌هایی به سران کشورهای استرالیا، هند، بریتانیا و کانادا ارسال کردند تا از کشورهای متحد آمریکا بخواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهند.

● بر اساس گزارش پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا ۲۲ قانونگذار جمهوریخواه و دمکرات این نامه‌ها را امضا کردند که به صورت جداگانه به دولت‌های چهار کشور ارسال شده است.

● در نامه نمایندگان آمده «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دهه‌هاست آشکارا برای هدف قرار دادن شهروندان در سراسر جهان توطئه می‌کند. قرار گرفتن سپاه در فهرست تروریستی این پیام روشن را به [رژیم] ایران خواهد داد که اقدامات تروریستی علیه ما، شرکای ما و شهروندان بی‌گناه نباید تحمل شود و نخواهد شد.»

● این نمایندگان همچنین خاطرنشان کردند که کشورها بر اساس قوانین یا سیستم‌های فعلی این قابلیت را دارند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک گروه تروریستی معرفی کنند.

یک ائتلاف دو حزبی متشکل از قانونگذاران کنگره پنجشنبه ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) نامه‌هایی به سران کشورهای استرالیا، هند، بریتانیا و کانادا ارسال کردند تا از کشورهای متحد آمریکا بخواهند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهند.

بر اساس گزارش پایگاه خبری «هیل» وابسته به کنگره آمریکا ۲۲ قانونگذار جمهوریخواه و دمکرات این نامه‌ها را امضا کردند که به صورت جداگانه به دولت‌های چهار کشور ارسال شده است.

این نامه‌ها فشار مجددی بر کشورهای متحد آمریکا برای پیوستن به کارزار قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی به شمار می‌رود.

نمایندگان در این نامه با اشاره به اینکه «جمهوری اسلامی در حمایت از تروریسم بین‌المللی پیشتاز است» تأکید کرده‌اند سپاه هسته مرکزی عملیات تروریستی در داخل و خارج از ایران است.

آنها از جمله نوشته‌اند: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دهه‌هاست آشکارا برای هدف قرار دادن شهروندان در سراسر جهان توطئه می‌کند. قرار گرفتن سپاه در فهرست تروریستی این پیام روشن را به [رژیم] ایران خواهد داد که

→ پذیرفتنی، و پژوهشی که پیرامون آن شده بود، دقیق و حرفه‌ای بود. اما در فضای آن روز کشور که مانع می‌شدند ارتش نظم و امنیت را برقرار کند، بیجا به نظر می‌آمد. از همان هنگام، نشانه‌های عصبی شدن در شاه نمودار شد. و این، از مردی که همیشه بر خود مسلط بود، شگفت‌انگیز می‌نمود. در لباس نیروی زمینی که بر تن داشت، برخاست. کلاهش را که روی میز کوچکی گذاشته بود برداشت و آنجا را ترک گفت. به هنگام رفتن تقریباً با صدای بلند گفت: «این دیگر چه بازی‌ای است؟»

تظاهرات در تهران

معمولاً دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در نخستین شنبه پاییز بازگشایی می‌شدند. اوضاع روز به‌روز بدتر می‌شد. روز اول اکتبر، تظاهرات بسیار گسترده‌ای در تهران و چندین شهر روی داد. در آنها شاه را آشکارا مورد توهین قرار دادند. در کاشان نام مدرسه‌ای را که «پهلوی» نام داشت عوض کردند. نیروی انتظامی در همه جا فلج مانده بود. من با شتاب و تلفنی با مهمترین رؤسای دانشگاهها تبادل نظر کردم و آنها گفته مرا برای به تأخیر انداختن گشایش دانشگاهها به‌مدت دو هفته پذیرفتند. با این حال به آنها گفتم که دانشکده‌ها را رفته رفته باز کنند. این کار جلو گشایش «جبهه تازه‌ای در نارآمپها» را می‌گرفت. در گرفتن این تصمیمها زحمت رایزنی با نخست وزیر یا حتی دادن خبر به او را، به خودم ندادم. زیرا او را بیش از اندازه سر درگم و گمگشته می‌دیدم. سه روز بعد، تیمسار اویسی فرماندار نظامی تهران به‌خاطر گرفتن این تصمیم از من سپاسگزاری بسیار کرد و تلفنی گفت: «این، ما را قدری آسوده کرد. زیرا به ما فرصت نفس کشیدن دادید.»

در این هنگامه که همه چیز رو به وخامت داشت، سناتور مصطفی تجدد، رئیس و پایه‌گذار نخستین بانک خصوصی کشور و از با نفوذترین کسانی که فراماسونهای ایرانی از او حرف‌شنوی داشتند، دست به اقدامی جدید و پر اهمیت زد و نزد شریف امامی که علاوه بر مقام دولتی‌اش، استاد اعظم لژ بزرگ فراماسونری ایران بود، رفت. سناتور، با پشتیبانی تینی چند از «برادران» برجسته، که در میانشان سه وزیر پیشین و بسیار مهم (امور خارجه، دادگستری و کشور)، یک سناتور و رئیس پیشین شهربانی کل کشور، چندین سوداگر و مقاطعه‌کار عمده و شخصیت مهم عرصه پول و بانک وجود داشت، نزد «استاد اعظم» رفت و از او خواست که دیداری با شرکت سرآمدان فراماسون ایرانی در خانه شخصیش برگزار شود تا پیرامون اجرای برنامه‌های گسترده‌ای در پشتیبانی از شاه، تصمیم‌گیری شود.

او پیشنهاد کرد که منابع مالی قابل توجهی برای رو روی پولهای هنگفتی که وسیله آشوبگران و خرابکاران خرج می‌شد، در اختیار هواداران شاه قرار دهد. آیت‌الله سیدحسن امامی، امام جمعه پایتخت و تنها روحانی برجسته فراماسون کشور نیز از این پیشنهاد پشتیبانی کرد. اما نخست وزیر به‌شدت با آن مخالفت نمود و گفت: «این گونه کارها وضعیت را خرابتر می‌کند. بگذارید من بحران را آرام کنم» سپس بی هیچ شوخی تأکید کرد که گردهمایی حدود پنجاه تن از اشخاص کم و بیش سرشناس مملکت، با مقررات حکومت نظامی ناهمخوان است. فقط تظاهرات ضد رژیم برای او قابل تحمل بود!

فردای این درخواست، «استاد اعظم» بدون مشورت با دیگر سران گرداننده لژ بزرگ کشور، تصمیم گرفت برای مدتی فراماسونری ایران را در وضعیت «سکوت و خاموشی» قرار دهد. آنگاه بسیار محرمانه تصمیم خود را به آگاهی «حضرات» مخالفان تندرو رساند. (ادامه دارد)

دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم ۳ رقمی در انتظار اقتصاد ایران؟

امسال نگاه کنید که چقدر قیمت حمل‌ونقل و اجاره‌ها چقدر افزایش پیدا کرده است یا قیمت لبنیات و یا میوه چقدر بالا رفته است. مردم این تغییرات قیمت‌ها را می‌بینند.»

افزایش قیمت مواد خوراکی در کنار عدم حمایت از اقشار حقوق‌بگیر مانند کارگران و بازنشستگان و کارمندان دولت، هراس جمهوری اسلامی از بروز شورش‌ها و اعتراضات را افزایش داده اما از آنجا که اراده و توان حل مشکلات اقتصادی در حکومت وجود ندارد، امامان جمعه و مقامات حکومتی واکنش‌هایی ظاهراً همصدا با مردم نشان می‌دهند.

از جمله روز گذشته احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی در خطبه‌های نماز جمعه این شهر گفت مشکلات معیشتی باید حل شود و سفره مردم باید از حالت تنگنا نجات پیدا کند.

احمد علم‌الهدی افزود که «مسئولان نظام در موقعیت‌های مختلف باید آگاه باشند که سفره‌های مردم خالی نشود و معیشت مردم به تنگ نیاید زیرا انسان در کنار سفره تنگ، نمی‌تواند مقاومت خود را در موقعیت حفظ کند. بر این اساس، همه باید توان خود را به میدان بیاورند تا مشکلات معیشتی مردم به‌عنوان یک اصل و محور، حل‌وفصل شود.»

امام جمعه مشهد به دغدغه جمهوری اسلامی اشاره کرده و گفته که «مردم هوشیار باشند تا تنگدستی عامل دست کشیدن از انقلاب نشود» و افزود که «شمن بداند فشار اقتصادی و مشکلات معیشتی نمی‌تواند باعث شود که مردم ما از دین خود دست بردارند. ملت ما در مسیر این نظام دینی که بیش از ۴۴ سال از حاکمیت آن می‌گذرد، سرمایه‌گذاری کرده است.» همزمان امام جمعه اصفهان هم با اشاره به اینکه تورم کمرشکن شده و مردم تحت فشارند، گفته که مسئولان موظف هستند در راستای حل مشکلات مردم تلاش کنند و بدانند روزی باید جوابگوی دادگاه عدل الهی باشند.

مجتبی میردامادی در خطبه‌های نماز جمعه اصفهان همچنین با انتقاد از وضعیت بازار رهن و اجاره، گفته که «چرا برخی در اجاره و رهن خانه‌ها درکی از مستأجر و شرایط سخت او ندارند و روز حساب را فراموش کرده‌اند.»

امام جمعه اصفهان هم البته «شمن» را عامل مشکلات اقتصادی عنوان کرده و خطاب به مردم گفته که «اگر در برابر توطئه‌های دشمنان به ویژه نقشه‌های شوم اقتصادی صبر کردید پیروز خواهید شد.» روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز در شماره امروز شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ به انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت در یک سال اخیر پرداخت و سخنان سال گذشته سردار پاسدار احمدی وحیدی درباره اجرای حذف ارز ترجیحی را یادآوری کرد که گفته بود: «فقط ۴ قلم کالا (مرغ، تخم مرغ، لبنیات و روغن) در اثر این طرح گران می‌شود.»

در ادامه مطلب روزنامه «جمهوری اسلامی» آمده که «باور کنند حضرات که حال جامعه ناخوش است. از ناخوش احوال هم نمی‌توان امید کارهای بزرگ داشت. معیشت مردم را تأمین کنید، معاد خودشان را تضمین خواهند کرد. بسیاری از این رفتارهای ناروای اجتماعی و سویه‌های سیاه گریز از معارف و معرفت‌ها هم به همین شلوغی بازار گرانی برمی‌گردد. نان مردم را تأمین و تضمین کنید، بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری اصلاح می‌شوند. نان، با ایمان رابطه تنگاتنگ دارد.»



و نمی‌خواهند بپذیرند که خام فروشی ارزش افزوده ایجاد نمی‌کند و در واقع کشور تولید ندارد و وقتی تولید نباشد، اشتغال به رده‌های پایین‌تر از حد می‌رسد؛ همه این‌ها نشانگر یک موضوع است که دولت خام فروشی می‌کند تا نان و غذا به دست مردم برساند! خوب با این وضعیت چطور تورم را کاهش دهد! بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران تورم پایان سال گذشته (۱۴۰۱) حداقل رکورد یک دهه را شکسته است. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وابسته به وزارت صمت هم ایران را در کنار کشورهایی چون زیمبابوه، در میان پنج کشور دارای بالاترین تورم مواد غذایی در جهان معرفی کرد. این آمارها بیانگر فقر غذایی شدید در کشور است.

مرکز آمار ایران تورم اقتصاد ایران در اسفندماه گذشته را ۴۵.۸ درصد اعلام کرده است. این آمارها با واقعیت جامعه همخوانی ندارد و بسیاری از اقتصاددانان تورم واقعی را بیش از ارقام مورد ادعای حکومت می‌دانند.

مهدی پازوکی کارشناس اقتصادی درباره آمارهای تورمی با اشاره به اینکه «با اعداد که نمی‌شود بازی کرد» گفته که سال ۱۴۰۰ سالی بوده که بودجه دولت با کسری روبرو بوده است؛ در سالی که دولت سیزدهم روی کار آمد، نرخ دلار در بازار آزاد ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان بود، اما قیمت دلار هم‌اکنون بالای ۵۲ هزار تومان است. قیمت بهترین برنج کیلویی ۳۰ هزار تومان بوده، اما این عدد هم‌اکنون در سفره خانوار ۱۳۰ هزار تومان شده است. روغن ۵ کیلویی ۵۰ هزار تومان بوده، اما این روغن بالای ۳۵۰ هزار تومان است. سکه ۱۲ میلیون تومان بوده که الان ۳۲ میلیون تومان شده است. حالا تغییرات قیمت خودرو و طلا و سکه ماند. مهدی پازوکی همچنین با تأکید بر اینکه «دولت باید سعی کند که شفافیت را به اقتصاد ایران بازگرداند؛ نه آمارسازی کند» گفته «با عددسازی که نمی‌شود با مردم صحبت کرد. مردم و جامعه شرایط را می‌بینند و سبد مصرفی خانوارها همه چیز را نشان می‌دهد.»

این کارشناس اقتصادی معتقد است نرخ تورم اسفند پارسال بالای ۵۰ درصد بوده و افزوده که «مردم تورم را با پوست و گوشت حس می‌کنند. حالا می‌خواهند بگویند نرخ تورم ۱۴۰۱ از ۱۴۰۰ پایین‌تر آمده است؟ در همین رابطه با فروردین

● یک عضو اتاق بازرگانی با تأکید بر اینکه اقتصاد کشور باید با دنیا و بانک‌های جهانی ارتباط داشته باشد گفته که رسیدن به دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم سه رقمی با ساختار فعلی دولت، دور از واقعیت نیست.

● مهدی پازوکی با انتقاد از عددسازی آماری درباره تورم گفته با عددسازی که نمی‌شود با مردم صحبت کرد. مردم و جامعه شرایط را می‌بینند و سبد مصرفی خانوارها همه چیز را نشان می‌دهد.

● وضعیت معیشتی مردم هراس جمهوری اسلامی از بروز شورش‌ها و اعتراضات را افزایش داده اما از آنجا که اراده و توان حل مشکلات اقتصادی وجود ندارد، امامان جمعه و مقامات واکنش‌هایی ظاهراً همصدا با مردم نشان می‌دهند!

یک عضو اتاق بازرگانی ایران معتقد است در صورت ادامه روند کنونی سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم ۳ رقمی دور از ذهن نخواهد بود.

وضعیت تورم در اقتصاد ایران در کنار سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت از دید بسیاری از کارشناسان به مرز هشدار رسیده است. گرانی‌ها به اقلام خوراکی پرمصرف و ضروری مثل شیر و تخم مرغ و شکر رسیده و تولیدکنندگان مواد غذایی همچنان از ادامه روند گرانی کالاها در آینده خبر می‌دهند.

مسعود دانه‌شند عضو اتاق بازرگانی ایران در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» و درباره وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور، با تأکید بر اینکه «مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تأثیر بسزایی بر روی وضعیت اقتصادی دارد» گفته که «در همین سال جاری باز هم قیمت‌ها افزایش می‌یابد، چون عوامل موثر در قیمت تشدید شده و تغییراتی در آن‌ها ایجاد کرده و قیمت‌ها بنا به دلایل مختلف بالا می‌رود و نظام تولید را به جای توسعه فقط درگیر قیمت می‌کند.»

این فعال اقتصادی توضیح داده که وقتی هزینه‌های یک کشاورز و یا یک تولیدکننده از جمله کرایه حمل و نقل، هزینه کارگر، قیمت مواد لازم جهت تولید یا ابزار کشاورزی، هزینه‌های خرید و اجاره مغازه و زمین کشاورزی که محصول را برای عرضه، تولید می‌کند، افزایش می‌یابد، به دنبال آن محصول تولیدی نیز گران به فروش می‌رسد. این چرخه افزایش قیمت از زمین کشاورز تا سفره مردم در حال چرخش بوده و سهم بزرگی در رشد تورم دارد. عضو اتاق بازرگانی با تأکید بر اینکه اقتصاد کشور باید با دنیا و بانک‌های جهانی ارتباط داشته باشد گفته که رسیدن به دلار ۸۰ هزار تومانی و تورم سه رقمی با ساختار فعلی دولت، دور از واقعیت نیست.

یکی از پرنرنگ‌ترین آثار تحریم بر اقتصاد ایران به دلیل وابستگی شدید اقتصاد ایران به خامفروشی نفت صورت گرفت. در حالیکه در اوایل دهه ۹۰ کشور یکبار دیگر تحریم‌های شدید اقتصادی را تجربه کرد، اما در دوران پسابرجام سیاست‌های اقتصادی کشور به سمت کاهش وابستگی اقتصاد از نفت پیش نرفت و همچنان جمهوری اسلامی در انتظار باز شدن درآمد کم‌حزمت خامفروشی نفت است. در همین رابطه مسعود دانشمند گفته که «باید سهم کشورمان را در اقتصاد جهانی و زنجیره ارزش افزوده تولید پس بگیریم، اما متأسفانه هنوز دولت‌ها به خام‌فروشی معتقدند

کوروش زعیم عضو «شورای ششم جبهه ملی ایران»: مردم از پا نخواهند نشست تا کشورشان را پس بگیرند



مردم با سواد و آگاه شده‌اند و می‌خواهند با رای خود در سرنوشت خود دخالت داشته باشند. حتی رژیم پادشاهی بریتانیا هم که یکی از دموکرات‌ترین پادشاهی‌هاست لرزان شده و شاید زیاد دوام نیاورد و پس از چارلز سوم فرو بیاشد. ملت نمی‌تواند از شکل گرفتن لذت قدرت در مغز فرمانروایان جلوگیری کند، پس نیاز به نظامی دارند که در آن مدیر کشور هر چهار یا پنج سال به رای مردم نیاز داشته باشد و بداند که باید پس از حداکثر دو دوره کنار برود و در دوره‌های بعدی هم باز به رای مردم نیاز خواهد داشت. بنابراین، در پاسخ به پرسش شما باید بگویم که با واژه «مشروطه» مردم فریب نخواهند خورد. قانون‌های اساسی جهان مدرن همه «مشروطه» هستند. بنابراین، همکاری دو جناح «مشروطه‌خواه» و «جمهوریخواه» در مبارزه با حاکمیت دیکتاتوری کنونی تا رسیدن به هدف اصلی موقت و شکننده خواهد بود.

● ملی‌گرایی در ایران همواره به معنی تامین و تضمین منافع ملی و حفظ ملت و مملکت ایران بوده و هست. چگونه می‌توان بین آن و پروژه ملت‌سازی و هویت‌طلبی‌های قومی از سوی برخی گروه‌ها که خود را در چارچوب ایران تعریف نمی‌کنند، مرزهای روشنی ترسیم کرد؟

-بیشتر ناراضیان به اصطلاح قومی یا هویتی می‌خواهند با حفظ باورهایشان در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور مشارکت داشته باشند. نمی‌خواهند به آنها با بی‌اعتمادی نگریسته شود. برخی رژیم‌های حکومتی در ایران که با رای مردم یا رای راستین مردم به مقام‌های تصمیم‌گیرنده نرسیده بودند نسبت به هم‌میهنانی که مرز نشین هستند ابراز عدم اعتماد می‌کرده‌اند. این هم‌میهن‌ها در مسیر رویدادهای غیرقابل کنترل تاریخی مانند جنگ‌ها و حکومت‌های تحمیلی ناشی از تصرف سرزمینی، زبان دیگری را زبان مادری خود می‌دانند یا به راستی مهاجرانی از دیگر مناطق آسیا یا کشورهای دیگر هستند. اگر ما آنان را هم‌میهن خود ندانیم و دولت‌ها از بهره درآمد و توسعه ملی محرومشان کنند، طبیعی است که نسبت به دولت مرکزی احساس بیگانگی خواهند کرد.

من با چند تن از رهبران گروه‌هایی از چنین هم‌میهن‌انان ناراضی، حتی مسلح، که زمزمه جدایی سرزمینی یا امتیازاتی مشابه می‌کردند از بیست سال پیش گفتگو‌هایی مستقیم یا غیرمستقیم داشته‌ام. قلب همه آنان در ایران است، ولی به علت به حاشیه رانده شدن یا خودرانده‌مانی، یا

مشترکی از جمله در رسیدن به یک حکومت سکولاردمکرات دارند. آیا آنها می‌توانند در این مسیر متحدان مؤثری باشند و این راه را با هم طی کنند؟

-مشروطه معنایش حکومت بر پایه قانون است که می‌تواند جمهوری یا پادشاهی باشد. ولی این مشروطه‌خواهان هدفشان بازگشت پادشاهی است، در صورتی که هیچ‌کدام از پادشاهان پس از امضای قانون مشروطیت به قانون مشروطه وفادار نبوده‌اند. محمدعلی شاه که مجلس را به توپ بست، احمد شاه هم کشور را ترک کرد تا مجبور نباشد دست‌ورهای این و آن به ویژه سفیر انگلستان را اطاعت کند. پس از پیروزی جنبش مشروطیت، ما از پادشاهی بیشتر شاهد تخلف از قانون مشروطه بوده‌ایم. سردار سپه هم پس از پایان دوران قاجار، از مجلس خواست که حکومت جمهوری اعلام کنند. ولی این روحانیت بود که با جمهوری مخالفت و اصرار بر پادشاهی داشت. با وجود حسن نیت رضاشاه نسبت به حکومت مشروطه، دیدیم که اطاعت او از قانون فقط در دوازده سال نخست بود که البته در آن دوره که مجلس شورای مقتدری هم داشتیم، تحول فرهنگی و توسعه بزرگی رخ داد و کشور از شرایطی قرون وسطایی به کشوری روزآمد تبدیل شد. ولی در هشت سال پس از آن، دیکتاتوری مطلق

حاکم شد؛ شاه آغاز به دست‌درازی به اموال و املاک مردم کرد و بیشتر شخصیت‌های تراز اول کشور مانند داور و تیمورتاش و فروغی و بهار و زعیم و عشقی و غیره را یا کشت، یا زندانی و تبعید یا خانه‌نشین کرد. مشروطه‌خواهانی که شما در پرسش خود نام بردید، زرق و برق پادشاهی را زیر پوشش مشروطه می‌خواهند. ولی اگر پادشاه با تشویق چاپلوسانی که در نهایت او را احاطه خواهند کرد به خودکامگی گرایید چه خواهند کرد؟ مگر رضاشاه در آغاز دموکرات نبود؟ مگر محمدرضا شاه در دوازده سال نخست دموکرات نبود؟ پس از کودتای ۲۸ مرداد ماهیتش با تکیه به پشتیبانی خارجی به کلی دگرگون شد و شہوت قدرت او را تسخیر کرد. همه حزب‌ها را بست و فعالیت سیاسی را ممنوع کرد که منجر به تشکیل گروه‌های مخالف مسلح و باعث دخالت شوروی کمونیست شد. برای خودش دو حزب درست کرد که مثل آمریکا شود. وقتی دو حزب مستقل عمل کردند، آن را هم نتوانست تحمل کند و حزب رستاخیز را درست و اعلام کرد هر کس نمی‌خواهد عضو این حزب شود گذرنامه‌اش را بگیرد و از کشور برود! ما باور داریم که دوران پادشاهی در ایران بسر آمده است.

● کوروش زعیم از رهبران «جبهه ملی- سامان ششم»: «ما باور داریم که دوران پادشاهی در ایران بسر آمده است. مردم با سواد و آگاه شده‌اند و می‌خواهند با رای خود در سرنوشت خود دخالت داشته باشند. حتی رژیم پادشاهی بریتانیا هم که یکی از دموکرات‌ترین پادشاهی‌هاست لرزان شده و شاید زیاد دوام نیاورد و پس از چارلز سوم فرو بیاشد.»

● برخی گروه‌های به اصطلاح جدایی طلب مسلح در دهه هشتاد بیانیه دادند و پیام دادند که اسلحه را زمین می‌گذارند و از طریق انتخابات مبارزه می‌کنند. ولی در آن زمان چهره منفور و وحشیگری غیرقابل تصور حاکمیت هنوز کاملاً آشکار نشده بود. تا جمهوری اسلامی هست، ما این دشواری را با هم‌میهن‌ان مرز نشین خود داریم که شاید هم به جنگ‌های مرزی تبدیل بشود. من می‌خواهم به هم‌میهنانی که شرم دارند بخشی از کشوری باشند که در تصرف جمهوری اسلامی است پیام بدهم که «شما جزء لاینفک ایران هستید، حتی نژاد شما از دیدگاه ژنتیک همانند ایرانیان است. فریب دشمنان ایران و بیگانگان قدرتمند دخالت‌جو را نخورید. این کشور متعلق به ما و شماست. پس از فروپاشی حاکمیت، سیستم اداره کشور به شما فرصت مساوی برای دخالت در اداره کشور را خواهد داد.»

فیروزه نوردستروم - کوروش زعیم، ۸۴ ساله، عضو «شورای ششم جبهه ملی ایران» در سال ۱۳۳۷ به آمریکا رفت و در آنجا در رشته مهندسی عمران و علوم مدیریت تحصیل کرد. او بعدها پس از انقلاب اسلامی به دلیل فعالیت سیاسی چند بار بازداشت و زندانی شد. کوروش زعیم تا سال ۱۳۸۸ از اعضای رهبری «جبهه ملی ایران» بود. در سال ۱۳۹۴ او و عیسی حاتم‌ی و هرمیداس باوند در «انتخابات» دهمین مجلس شورای اسلامی ثبت نام کردند که با واکنش شورای مرکزی «جبهه ملی» روبرو شد و در ادامه با یک انشعاب به شکل گرفتن «جبهه ملی- سامان ششم» در سال ۱۳۹۶ انجامید. کوروش زعیم از اعضای رهبری این «جبهه ملی» است. کیهان لندن در ارتباط با اوضاع سیاسی کنونی ایران در جریان انقلاب ملی که آتش زیر خاکستر آن پس از سال‌ها اعتراضات مردم علیه جمهوری اسلامی با قتل حکومتی مهسا امینی در اواخر شهریور ۱۴۰۱ شعله‌ور شد، با این فعال سیاسی که دادگاه انقلاب اسلامی حکم سه سال حبس تعلیقی وی را در سال ۹۱ به علت کهنوت تعلیق کرد گفتگو کرده است.

● مشروطه‌خواهان و جمهوریخواهانی که مدافع دموکراسی و حقوق بشر برای ایران متحد هستند، اهداف

منابع حکومتی در ایران خبر از آزادی برنارد فیلان شهروند فرانسوی- ایرلندی دادند



برنارد فیلان شهروند فرانسوی- ایرلندی

این شهروند فرانسوی- ایرلندی بعد از محاکمه به شش سال و شش ماه حبس محکوم شد. او که سابقه بیماری قلبی داشت در زندان چند روز دست به اعتصاب غذا زد.

خانواده فیلان در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که وی با اتهامات واهی و در یک بازی ژئوپلیتیک گروگان گرفته شده است. برنارد فیلان مشاور گردشگری است و تا پیش از بازداشت در ایران در پاریس زندگی می‌کرد. از ابتدای شروع خیزش ضدحکومتی در ایران، شمار زیادی از شهروندان خارجی یا ایرانیان دوتابعیتی با اتهامات امنیتی بازداشت شده‌اند.

فریبا عادلخواه شهروند ایرانی- فرانسوی نیز که در تابستان ۹۸ به اتهام جاسوسی دستگیر شده بود، اواخر بهمن ۱۴۰۱ از زندان آزاد شد.

اکنون آزادی فیلان در شرایطی صورت گرفته که در هفته‌های اخیر بیش از ۶۰ نفر در ایران با اتهامات مختلف اعدام شده‌اند.

راوینا شامداسانی سخنگوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل در یک کنفرانس، ابعاد اعدام در ایران را «ترسناک» توصیف کرده و گفته است «در سال جاری بطور متوسط هر هفته بیش از ۱۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند که این کشور را به یکی از بالاترین اجراکنندگان حکم اعدام در جهان بدل می‌کند.» جمهوری اسلامی با گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی یا اتباع کشورهای غربی از دولت‌های خارجی باجگیری می‌کند ولی با اینهمه در موارد متعدد زمامداران دولت‌های مدافع دموکراسی چشم بر روی گروگانگیری و اخاذی حکومت می‌بندند.

علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها و دبستان‌ها و حتی کودکان‌ها، تبدیل دادگاه‌ها و قوه قضائیه به نهادهای فرمانبردار از دستور و جلوگیری از آزادی رسانه‌ها و فراری دادن هزاران پزشک و پرستار و استاد دانشگاه و مهندس و هنرمند و موسیقیدان و بازرگان و متخصص رشته‌های گوناگون، کشور را از درون تهی کرده‌اند، و مردم آینده‌ای برای خود تصور نمی‌کنند مگر با کنار رفتن سامانه حکومتی حاکم و آغاز بازسازی کشور از صفر حتی با دستان تهی. بنابراین این بیداری مردم و ترس از آینده‌ای ترسناک زیر مدیریت جمهوری اسلامی، آنان را مصمم کرده که با هر هزینه‌ای رژیم را به سقوط بکشانند؛ و از پا نخواهند نشست تا کشورشان را پس بگیرند.

● **خبرگزاری دولتی «ایرنا» گزارش داد آزادی این شهروند فرانسوی- ایرلندی به دلیل «ملاحظات انسان‌دوستانه» انجام گرفته است.**

● **فیلان ۶۴ ساله کارشناس توریسم دی‌ماه ۱۴۰۱ به اتهام عکس‌برداری از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و «تبلیغ علیه نظام» در مشهد بازداشت شده بود.**

● **جمهوری اسلامی با گروگانگیری شهروندان دوتابعیتی یا اتباع کشورهای غربی از دولت‌های خارجی باجگیری می‌کند ولی با اینهمه در موارد متعدد زمامداران دولت‌های مدافع دموکراسی چشم بر روی گروگانگیری و اخاذی حکومت می‌بندند.**

خبرگزاری دولتی «ایرنا» بامداد پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت گزارش داد که جمهوری اسلامی «برنارد فیلان» شهروند فرانسوی- ایرلندی را که به اتهام «تهیه و ارسال اطلاعات امنیتی» همزمان با تظاهرات ضدحکومتی در ایران بازداشت شده بود به دلیل «ملاحظات انسان‌دوستانه» آزاد کرده است. فیلان ۶۴ ساله کارشناس توریسم دی‌ماه ۱۴۰۱ به اتهام عکس‌برداری از نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی و «تبلیغ علیه نظام» در مشهد بازداشت شد.

ایرنا می‌نویسد «با توجه به اینکه نامبرده با گذرنامه فرانسوی وارد ایران شده بود، پرونده وی توسط سفارت این کشور در تهران مورد پیگیری قرار گرفت اما به دیپلمات‌های ایرلندی در ایران نیز چندین نوبت دسترسی کنسولی داده شد.»

بیداری ملی ایرانیان می‌بینید؟

-مردم ایران، به ویژه زنان، دیگر تحمل آخوندهای دخالت‌جو در زندگی شخصی و خصوصی و باید و نبایدهای آنها را نخواهند داشت؛ و به علت فساد خارق‌العاده و باورنکردنی در جمهوری اسلامی، دزدی‌های عیان و کلان توسط درصد کوچکی از نظام حاکم، فقر و ناامیدی گسترده، بی‌اعتنایی ارکان نظام به زیرساخت‌های کشور که به علت بی‌سوادی حاکمیت و بی‌اعتنایی به مصالح کشور به شدت آسیب دیده، مانند نابودی جنگل‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، فروش خاک کشور و سرقت دارائی‌ها و درآمدها مانند فروش نفت با تخفیف‌های کلان و دزدی درآمد آن، واردات و صادرات قاچاق، و بدتر از همه نابود کردن پایه

بی‌اعتمادی دولت مرکزی به آنها، نارضایتی خود را به گونه‌ای متفاوت ابراز می‌کنند. ولی از طرح ما در جبهه ملی ایران برای سیستم انتخاباتی ایران آینده که به تک تک افراد ملت ایران شانس مساوی برای دخالت در سیاست محلی، استانی و کشوری می‌دهد ابراز رضایت کردند. البته کشورهای دیگر از نزدیک و دور از این پاشنه آشیل ما برای ایجاد عدم ثبات در کشور بهره‌برداری می‌کنند. ما باید در ایران آینده این احساس «متفاوت» بودن را از ذهن خودمان و هم‌میهنانی که این احساس را دارند که به حاشیه رانده شده‌اند یا برای خود حاشیه ایجاد کرده‌اند برداریم.

● **از دیدگاه شما راهکار عملی گروه‌ها و جریان‌های ملی و دموکراسی خواه ایران در برابر پروژه ملت‌سازی از سوی برخی گروه‌های شبه‌نظامی چیست؟**

-وقتی شرایطی که در بالا شرح دادم پیش می‌آید، کشورهای بیگانه، حتی همسایه، که خود اشتباهی بزرگتر شدن دارند از شرایط بسیار بد ایران و نفرت مردم از حاکمیت بهره‌برداری می‌کنند و برخی هم‌میهنان دلزده شده یا شاید قدرت‌طلب را تطمیع و ترغیب به همکاری می‌کنند. برخی گروه‌های به اصطلاح جدایی‌طلب مسلح در دهه هشتاد بیانیه دادند و پیام دادند که اسلحه را زمین می‌گذارند و از طریق انتخابات مبارزه می‌کنند. ولی در آن زمان چهره منفور و وحشیگری غیرقابل تصور حاکمیت هنوز کاملاً آشکار نشده بود. تاج‌مهوری اسلامی هست، ما این دشواری را با هم‌میهنان مرز نشین خود داریم که شاید هم به جنگ‌های مرزی تبدیل بشود. من می‌خواهم به هم‌میهنانی که شرم دارند بخشی از کشوری باشند که در تصرف جمهوری اسلامی است پیام بدهم که «شما جزء لاینفک ایران هستید، حتی نژاد شما از دیدگاه ژنتیک همانند ایرانیان است. فریب دشمنان ایران و بیگانگان قدرتمند دخالت‌جو را نخورید. این کشور متعلق به ما و شماست. پس از فروپاشی حاکمیت، سیستم اداره کشور به شما فرصت مساوی برای دخالت در اداره کشور را خواهد داد.» من طرح پیشنهادی سیستم انتخاباتی آینده کشور را قبلاً منتشر کرده‌ام که در این لینک در دسترس است و می‌تواند به نقد گذاشته شود.

● **با وجود بگیر و ببند و زبان تند و تهدید جمهوری اسلامی بسیاری از زنان و دختران ایران همچنان در کوچه و خیابان از رعایت حجاب اجباری سر باز می‌زنند. این مقاومت مدنی در برابر قوانین ضدانسانی تا چه اندازه در روند براندازی رژیم مؤثر است؟ آیا جمهوری اسلامی می‌تواند بدون حجاب اجباری ادامه پیدا کند؟**

-آخرین بیانیه من درباره آینده جمهوری اسلامی در دوازدهم فروردین ۱۴۰۱ بود که در آن پس از توضیح خطاها و جنایت و خیانت‌های جمهوری اسلامی به کشور و ملت ایران، پیش‌بینی کردم که در چند ماه آینده خیزش بسیار بزرگی در ایران رخ خواهد داد و تا ۱۵۰ شهر را درگیر خواهد کرد؛ و اینبار زنان ایران رهبری جنبش را بر عهده خواهند داشت. همچنین پیش‌بینی کرده بودم که اینبار مانند انقلاب فرانسه و روسیه، که مردم همه دشواری‌های کشورشان را از دخالت روحانیان می‌دانستند و در کوچه و خیابان به جان کشیش‌ها می‌افتادند و آنان را به قتل می‌رساندند، اینبار در ایران هم وحشت دارم که ناامیدی و خشم مردم به جایی برسد که دست به همین جنایت بزنند. شوربوختانه این رویداد را تجربه خواهیم کرد و باید با کمک بخش ناآلوده روحانیت خشم مردم را از این انتقام‌گیری منحرف کنیم.

بنابراین حجاب اجباری که بزرگترین اشتباه حاکمیت نسبت به زنان بود که منجر به بیدار شدن تحت فشارترین قشر جامعه شده است باعث فروپاشی رژیم خواهد شد، که هم‌اکنون در جریان است.

● **چه چشم‌اندازی برای جنبش انقلابی مهسا و موج**

چهار دهه جنبش‌های اعتراضی ایرانیان و روش کار سیاسی در اپوزیسیون؛ اتحاد دمکراسی خواهان تنها راه پیروزیست!



را که از جمهوری اسلامی فرار کرده‌اند تهدید می‌کند و ایران بار دیگر امن و «جزیره ثبات» شده است!

باز چند سالی گذشت و اپوزیسیون در خارج کشور دچار رخوتی بلندمدت گشت و تنها کسانی که در پی کسب و کار و پول بودند به ایران بازگشتند و در واقع یک پا در ایران و یک پا در خارج کشور سفت کردند.

با پروژه اصلاحات و روی کار آمدن محمد خاتمی و حضور میلیونی مردم در انتخابات در دهان کجی به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، باز هم بحث بین فعالین سیاسی خارج کشور داغ شد. در این بین کسانی که معتقد به سرگونی رژیم از بیخ و بن بودند فکر می‌کردند خاتمی «گورباچف» ایران خواهد شد و آخرین میخ‌ها را به تابوت رژیم منحوس اسلامی می‌زند. آنهایی هم که به دنبال دو دولت رفسنجانی در هر حال چاره کار را در خود جمهوری اسلامی می‌دیدند به تبلیغ برای خاتمی مشغول شدند به اضافه اینکه کشورهای غربی نیز روی خوش به آخوندها نشان داده و از جعلیات و حيله‌ها و تقلباتی مانند «گفتگوی تمدن‌ها» استقبال می‌کردند. به تدریج در خارج کشور به ویژه در آمریکا و اروپا تخم علف‌های هرز لایبرگرا و دلالان رژیم با سرمایه‌گذاری عظیم کاشته شد.

پروژه اصلاحات بر عمر رژیم افزود و با انشقاق در میان ملت در داخل و خارج کشور سرآخ‌ر به روی کار آمدن شخصی مثل احمدی نژاد انجامید! اصلاح‌طلبان و مدافعانش هرگز توضیح ندادند که اگر پروژه اصلاحات آنها موفق بوده و یا سودی داشته چرا خاتمی خندان دست در دست احمدی نژاد، دولت بعدی را به وی تحویل داد و نه به فردی اصلاح‌طلب‌تر از خودش! بجای پرسش و تأمل اما اینبار صحبت از این می‌شد که رژیم در آستانه فروپاشی از داخل قرار دارد و دنیا آستانه تحمل‌اش به پایان رسیده و احمدی نژاد آخرین رئیس جمهوری اسلامی خواهد بود.

در پایان دور اول ریاست او بر دولت، بین خامنه‌ای و رفسنجانی دو مرد با قدرت رژیم اختلافات بالا گرفت و با نامزدی میرحسین موسوی نخست‌وزیر محبوب «امام» و آمدن میلیونی مردم به خیابان‌های تهران که «جنبش سبز» را رقم زد، باز هم امیدها در دل مردم با نسل‌های تازه و مخالفان قدیمی رژیم زنده شد که شاید اینبار رژیم ←

موسی خیابانی و یارانش به نتیجه نرسید و اینبار گروه دیگری از مخالفان دچار یأس و ناامیدی شدند.

دیگر اخبار جنگ و تلاش مردم برای بازگشت به زندگی عادی و هر از گاهی خبرهای پب‌گذاری و ترور، تمامی آنچه بود که از طریق رادیوی ترانزیستوری که با کلی هزینه خریداری می‌شد در یکی دو ساعت از شبانه‌روز به گوش ما می‌رسید و همه آنان که انتظار تغییراتی را در ایران داشتیم، دو ساعتی در شب رادیوی کوچک را در بغل گرفته و مانند شمعی که به جمع ما روشنایی می‌بخشید، از میان پارازیت‌های گوشخراش به صداهای امید گوش می‌دادیم.

ما اخبار ایران را از طریق مسافرانی هم که از ایران باز می‌گشتند دنبال می‌کردیم؛ هر پنجشنبه در فرودگاه رم کلی دانشجوی ایرانی بودند که هیچ مسافری از ایران نداشتند ولی فقط برای شنیدن خبرهای تازه از اوضاع ایران به فرودگاه می‌رفتند! ماه‌ها و سال‌ها می‌گذشت و انتظار پایان جنگ با عراق به امیدی واهی تبدیل می‌شد. به ناگهان خبرهایی در تلویزیون ایتالیا شنیده شد که گویا خمینی از خر شیطان پیاده شده و حاضر به امضای آتش‌بس شده است. از یک طرف شادی برای هموطنان استان‌های مرزی کشور که هشت سال گرفتار این جنگ خانمانسوز با صدها هزار کشته و زخمی و آواره بودند و از طرفی دیگر این امید که رژیم بدون جنگ چند ماه بیشتر دوام نمی‌آورد، افکار ما را در ایتالیا به خود مشغول کرده بود. همان زمان اخباری جسته و گریخته از حمله سازمان مجاهدین خلق با پشتیبانی صدام حسین به وطن خودشان به گوش می‌رسید که با شکست روبرو شد و منجر به کشتار گسترده‌ی آنها در جبهه‌ها و زندان‌ها به دست جمهوری اسلامی شد. تابستان ۶۷ بود.

یکسال بعد، با خبر مرگ خمینی بار دیگر چند روزی به امید سرنگونی رژیم با شور و شغف بی‌وصفی گذشت ولی اینبار هم آرزوهای ما با سیاستمداری علی‌اکبر رفسنجانی که نقشی مهم در زمامداری رژیم داشت نقش بر آب شد.

دولت رفسنجانی و تبلیغاتچی‌هایی که او را «سردار سازندگی» قلمداد می‌کردند، با زرنگی و پلیدی از ایرانیان خارج کشور دعوت می‌کردند که به ایران باز گردند تا کشور را از نو «بسازند». آنها وعده می‌دادند که خطری جان ایرانیانی

● صرف نظر از مثبت و یا منفی بودن یک حرکت سیاسی، اگر یک سیاستمدار قادر به اجرای پروژه سیاسی خود شود، آن سیاستمدار یک شخصیت «قابل» تلقی می‌شود.

● اگر یک سیاستمدار پروژه‌ای را به نفع رای دهندگان و یا هوادارانش بداند، در این صورت در مراحل اجرای آن سیاست نباید از مخالف و منتقد پروایی داشته باشد! یک سیاستمدار موفق آن است که طرفدارانش را هدایت و مقتدرانه رهبری کند و نه اینکه از هراس منقدان و مخالفان به روش‌های پوپولیستی روی آورد که یا بخواهد همه را راضی نگه دارد و یا دنباله‌رو خیل هوادارانش شود! تا بوده و هست، مردم رهبران خود را انتخاب می‌کنند و نه برعکس.

● رژیم اسلامی که طی بیش از چهار دهه به مظهر شکست در همه زمینه‌های حکومتداری تبدیل شده ولی در جداسازی‌های متعدد در جامعه اعم از جنسیتی و قومی و مذهبی و خودی و ناخودی و همچنین در پراکندن تخم نفاق و تفرقه بین مخالفان و اپوزیسیون در این مدت بسیار موفق عمل کرده است.

● از آنجا که اکثر مردم ایران عدالت اجتماعی را در سایه آزادی و دموکراسی لیبرال خواهند پس بهتر است میانه‌روهای جمهوریخواه و مشروطه‌خواه و چپ و راست و ملی‌گرا که به دموکراسی لیبرال معتقدند هرچه زودتر با تدبیر و سیاست‌ورزی سکان هدایت مردم را به عهده بگیرند و کشور را به سوی آزادی و رهایی از این رژیم قرون وسطایی برانند. ● مبارزان دمکراسی می‌بایست بدانند که راه انقلاب کنونی در ایران کوتاه و خالی از مشکلات نیست. از همین رو نباید امید خود را از دست داد بلکه باید به رصد کردن و تأمل در رویدادها نشست و برای همگرایی و اتحاد فراگیر همه مدافعان دمکراسی تلاش کرد. صبح آزادی مردم ایران در افق دیده می‌شود.

بهرام فرخی - در طول ۴۴ سال حکومت بلامنازع رژیم اسلامی، چه لحظاتی مثل این روزها که شاهدش نبودیم. آنهایی که عمرشان از انقلاب ۵۷ بیشتر است و از این رژیم نفرت داشتند و دارند، باید به خاطر بیاورند که تا حال چندین بار این حالات رخوت و رکود برای تغییرات در ایران به آنها دست داده است.

هنوز زمان زیادی از انقلاب نگذشته بود که با اعتراضات ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ ابوالحسن بنی‌صدر نخستین رئیس جمهوری اسلامی از مقام خود که با پشتیبانی صریح خمینی به آن رسیده بود به پایین کشیده شد و تظاهرات مخالفین در ایران به اوج رسید. همه کسانی که مثل من انتظار سقوط رژیم را می‌کشیدند، بعد از چند هفته با خبر فرار بنی‌صدر و مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق به فرانسه، و کشتار و قتل عام دختران و پسران دانش‌آموز و دانشگاهی طرفدار آنها آب سردی بر روحیه داغ انقلابی‌شان ریخته شد. تظاهرات ضد رژیم با شکست مواجه شد و جوانان دانشجو نه راه پس داشتند و نه پیش؛ ارزش‌های دانشجویی برای دانشجویان خارج کشور قطع شد و امکان بازگشت به ایران با آن شرایط بگیر و ببند دیگر امکان نداشت.

تکرار اعتراض و سرکوب و امید...

مدتی گذشت و امکان قیام سازمان مجاهدین خلق نیز که از مدافعان انقلاب اسلامی و روح‌الله خمینی بود با کشته شدن

➔ با تیغ اصلاحات، جراحی شده و ایران بار دیگر رنگ آزادی را خواهد دید.

با سرکوب خونین تظاهرات بزرگ «جنبش سبز» که توجه جهان را نیز جلب کرده بود همراه با بی‌کفایتی به اصطلاح رهبران آن که بازگشت به «دوران طلایی امام» را در سر داشتند و به حصر افتادند و فرار هزاران تن دیگر از کشور، بار دیگر امید مردم به اصلاحات از درون به ناامیدی تبدیل شد و بر شمار مخالفین و براندازان واقعی رژیم بیش از پیش افزوده شد. ولی هنوز بودند کسانی که در عرض مدت کوتاهی مانند آفتاب‌پرست رنگ عوض کرده و از سبز به بنفش تغییر کرده و هر چه بیشتر اصرار می‌شد که این رژیم اصلاح‌ناپذیر است به گوش آنها فرو نمی‌رفت. انگار که با کلید بنفش قفل رمز تغییر رژیم را پیدا کرده بودند، ولی اینبار هم با روی کار آوردی شیخی دیگر امید براندازان به ناامیدی تبدیل شد. دولت «تدبیروامید» فقط آمده بود تا با توافق هسته‌ای با غربی‌ها و در رأس آنها با آمریکا میلیاردها دلار پول سرازیر جیب ملایان کند. کاری که انجام نیز شد و جمهوری اسلامی توانست با منابعی که به دست آورد به تقویت شبه‌نظامیان وابسته و نیابتی‌ها در منطقه بپردازد و برنامه‌های موشکی و اتمی خود را پیش برد بدون آنکه چیزی از «برجام» به مردم برسد! مردمی که بسیاری از آنها پس از اعلام توافق اتمی در تیرماه ۱۳۹۴ به خیابان‌ها ریخته و شادی کردند! مردمی که چه بسا شماری از آنان در اعتراضات ۹۶ به بعد علیه رژیم در خیابان‌ها کشته شده و یا به زندان افتاده باشند!

ولی با آمدن ترامپ که با رژیم به زبان خودش صحبت می‌کرد یعنی زبان زور، رؤیای حکومت در حالی به کابوس تبدیل شد که دوباره امید مخالفان به فشار از خارج جهت تکان خوردن لایه‌های میانی مردم برای تغییر رژیم اوج گرفت. این پس از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بود که تنها چند ماه پس از روی کار آمدن دولت دوم روحانی روی داد. شعارهای مردم معترض صراحت بیشتری یافت و در ماه‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد. در تابستان ۹۷ و پاییز ۱۴۰۰ نیز اعتراضاتی در شهرهای مختلف ایران روی داد آنهم در حالی که روزی نبود که اصناف مختلف به دلایل صنفی و حقوقی در شهرهای مختلف به تجمع و اعتراض نپردازند.

سکونت ترامپ در کاخ سفید اما به دور دوم نکشید. اینبار پروژه و توطئه‌های غول‌های فناوری عصر جدید که تغییرات جهانی در عرصه سیاست و اقتصاد به وجود آورده‌اند و دنیا را تبدیل به یک دهکده کوچک و قابل دسترس برای همگان کرده‌اند، به روی کار آوردن دولت بایدن در آمریکا انجامید. دود این تغییر دولت در آمریکا و برتری طرفداران حقوق مدنی در ایالات متحده به چشم مردم ایران رفت! انگار هر چیزی که مستلزم خوشبختی دیگران است الزاما باید برای مردم ایران نحسی و رنج به همراه آورد.

جنبش انقلابی کنونی و سیاست‌ورزی

پس از اعتراضات دی ۹۶ که تنها چند ماه پس از روی کار آمدن دولت دوم حسن روحانی روی داد، در سال‌های اخیر دو بار قیام مردم با سرکوب وحشیانه رژیم ددمنش روبرو شد. در آبان ۹۸ پس از اعلام گران شدن قیمت بنزین، حکومت اینترنت را قطع کرد و در چند روز بیش از هزار و پانصد نفر را به خاک و خون کشید و هزاران نفر را دستگیر کرد و به زندان انداخت. روزها و ماه‌ها گذشت و شهریور ۱۴۰۱ و قتل حکومتی مهسا امینی، دختر ایران، از راه رسید. جنبش «زن، زندگی، آزادی» بار دیگر آتش مبارزه و امید را در دل مردم ایران و آزادیخواهان شعله‌ور کرد. جنبشی بی‌نظیر که ماه‌ها در صدر اخبار جهان ماند و توجه جهانیان را به شکلی منحصر به فرد به خود جلب کرد. ایرانیان خارج کشور به بهترین وجه وظیفه خود را در قبال

جنبش آزادیخواهی مردم ایران انجام داده و اگر رژیم اسلامی در دنیا منزوی شده و حاضر به عقب‌نشینی‌هایی در برابر قدرت‌های غربی برای بقای خود شده، از یکسو نتیجه‌ی زحمات سیاسی و حقوق بشری فعالین خارج کشور و از سوی دیگر، و مهم‌تر از آن، مدیون از خودگذشتگی نسل Z در داخل کشور است.

البته تفاوت زیادی بین فعالین سیاسی خارج کشور که با جان و دل در این هشت ماه از خود مایه گذاشتند و به اصطلاح رهبران اپوزیسیون وجود دارد. گویی با طولانی شدن عمر رژیم آنها هم با علوم سیاسی بیگانه شده و سیاست‌ورزی را فراموش کرده‌اند بطوری که کمتر نشانی از بزرگان سیاست در این عرصه می‌توان یافت.

البته عدم درک سیاست روز و کلا علم سیاست، ریشه‌ای تاریخی در فرهنگ ایران ما دارد. مردم کوچ و خیابان که سیاست‌ورزی را کلا شیادی و کلاهبرداری تلقی کرده و گاهی از آن برای ناسزا گفتن استفاده می‌کنند.

فعالین راست و چپ افراطی هم که بیشتر رویاپرداز هستند تا سیاستمدار و در عالم خود سیر می‌کنند و کاری به واقعیت‌های جامعه و جهان ندارند.

دو طرفین میانه‌رو هم سیاستمداری را با نوعی عبادت اشتباه گرفته‌اند و قصد «کتیف» کردن دست خود و آبرو و حیثیت‌شان را ندارند. گویا که سیاست (علم حکومت) از جنس فریاض دینی است!

آنهایی هم که از علم سیاست سر در می‌آورند تعدادشان کم است و همانها نیز بیشتر وقت خود را می‌بایست صرف رفع دروغ و تهمت و برچسب از خودشان و عملکردشان کنند.

الان هم که دوران ایدئولوژی‌ها به پایان رسیده دیگر آن آرمان‌های پرشور برای انجام کارهای سیاسی وجود ندارد.

صرف نظر از مثبت و یا منفی بودن یک حرکت سیاسی، اگر یک سیاستمدار قادر به اجرای پروژه سیاسی خود شود، آن سیاستمدار یک شخصیت «قابل» تلقی می‌شود.

تنه‌اره‌ای پیروزی بر این حکومت، اتحاد دموکراسی خواهان است

این موضوع را کمی می‌شکافم. اگر یک سیاستمدار پروژه‌ای را به نفع رای دهندگان و یا هوادارانش بداند، در این صورت در مراحل اجرای آن سیاست نباید از مخالف و منتقد پروایی داشته باشد! یک سیاستمدار موفق آن است که طرفدارانش را هدایت و مقتدرانه رهبری کند و نه اینکه از هراس منقدان و مخالفان به روش‌های پوپولیستی روی آورد که یا بخواهد همه را راضی نگه دارد و یا دنباله‌رو خیل هوادارانش شود! تا بوده و هست، مردم رهبران خود را انتخاب می‌کنند و نه برعکس. اشتباه بزرگ اپوزیسیون ایران هم در این چند دهه ناشی از آن است که رژیم اسلامی را مشتی احمق تلقی کرده که نمی‌توانند خود را در قدرت نگه دارند. در صورتی که این رژیم در طول این ۴۴ سال نشان داده که با حيله و زد و بند و پروژه و البته ماشین خونریز سرکوب از بحران‌های سیاسی عبور کرده و هنوز هم برای در قدرت ماندن به هر اقدامی که ضروری بداند، از «جام زهر» و «نرمش قهرمانانه» تا کشتار و اعدام دست خواهد زد. اپوزیسیون اگر قصد مبارزه با دشمنی مانند جمهوری اسلامی را دارد باید به نقاط ضعف و قدرت این رژیم احاطه و از آن تحلیل واقعی داشته و برای مقابله و خنثی کردن آن راهکار عملی و برای جامعه یک چشم‌انداز روشن و قابل اجرا داشته باشد.

رژیم اسلامی که طی بیش از چهار دهه به مظهر شکست در همه زمینه‌های حکومتداری تبدیل شده ولی در جداسازی‌های متعدد در جامعه اعم از جنسیتی و قومی و مذهبی و خودی و ناخودی و همچنین در پراکندن تخم نفاق و تفرقه بین مخالفان و اپوزیسیون در این مدت بسیار موفق عمل کرده است. ولی آیا امکان همگرایی و همکاری در صفوف اپوزیسیون

دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی وجود دارد؟

تا آنجا که به نظر می‌رسد گروه‌های چپ مارکسیستی به هیچ وجه در هیچ ائتلافی وارد نخواهند شد چون از نظر آنها انقلاب قبل از پیروزی باید مدت زمان زیادی طول بکشد تا از سطح به عمق جامعه کشیده شود و موجب خودآگاهی توده‌ها شود تا قدرت را به صورت شورایی به دست بگیرند و جامعه و عوامل تولید را به کلی دگرگون سازند! برای آنها هرگونه ائتلاف در حال حاضر به ویژه در خارج کشور نشان از «بورژوازی» بودن جنبش و وابستگی رهبران آن به قدرت‌های غربی و منطقه‌ای تلقی شده و وارد شدن به این ائتلاف را نوعی خیانت به توده‌ها تلقی می‌کنند.

حالا اگر این خودخواهی سکتاریست یا فرقه‌ای به قیمت از بین رفتن ملت و مملکت شود چه باک! انبوهی دیگر به کشته‌شدگان ایدئولوژی چپ افراطی در «جهان سوم» اضافه می‌شود. جالب است که اینها هر جا هم به قدرت رسیدند فقط ویرانی و مرگ و جنایت برجای گذاشتند.

راست افراطی هم ایده‌ای از روش حکومت دارد که خیلی شبیه به رژیم فعلی است و می‌خواهد فقط جای عمامه را با تاج عوض کند که البته نامزدی هم برای این کار ندارد!

از آنجا که اکثر مردم ایران عدالت اجتماعی را در سایه آزادی و دموکراسی لیبرال خواهند پس بهتر است میانه‌روهای جمهوریخواه و مشروطه‌خواه و چپ و راست و ملی‌گرا که به دموکراسی لیبرال معتقدند هرچه زودتر با تدبیر و سیاست‌ورزی سکان هدایت مردم را به عهده بگیرند و کشور را به سوی آزادی و رهایی از این رژیم قرون وسطایی برانند.

برای ادامه مبارزه و سقوط رژیم اسلامی باید نیزه‌های زهرآگین خود را فقط و فقط به طرف جمهوری اسلامی نشان گرفت و از درگیری‌های بی‌بهره در صفوف جنبش خودداری کرد و امیدوار بود که این جنبش بسان تمامی تحریکات اعتراضی چهار دهه گذشته، اگرچه همگی بستر جنبش کنونی را فراهم آوردند، اما مثل آنها دچار چنددستگی نشود چرا که تنها راه رسیدن به پیروزی، اتحاد مخالفان دموکراسی‌خواه این حکومت است.

دشمنان جنبش آزادیخواهی ایرانیان در خارج کشور

علاوه بر نایاکی‌ها و حامیان اصلاح‌طلب‌شان که از سال‌های ریاست جمهوری «سیدخندان» در خارج و به ویژه در آمریکا فعال شدند و نمونه‌های زیادی هم در اکثر کشورهای اروپایی دارند و در طول این سال‌ها تمامی راه‌های ارتباطی مخالفین آزادیخواه را با رسانه‌های مختلف مسدود و محدود کرده بودند، گروهی هم از چپ‌های وابسته یا همان «بازماندگان حزب توده و فداییان اکثریت» وجود دارند که با اینکه برخی در زندان بوده و مزه شکنجه اسلامی را نیز چشیده و یاران خود را در قتلگاه‌های اسلامی از دست داده‌اند، ولی هنوز «ویروس ضدآمریکایی و ضدامپریالیستی» در بدن آنها زنده مانده و همچنان شیفته ژست‌های ضدامپریالیستی رژیم هستند. این جریان اگر در طول هفت ماه اول جنبش «زن، زندگی، آزادی» سکوت اختیار کرده و در سوراخ‌های خود پنهان شده بودند، در این روزها که شعله تظاهرات در داخل کشور کمی فرو کش کرده بار دیگر فعال شده و آب به آسیاب رژیم نکبت می‌ریزند و آخرین شاهکارشان با حمایت نایاکی‌ها نوشتن نامه هفتاد نفر در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. مبارزان دموکراسی می‌بایست بدانند که راه انقلاب کنونی در ایران کوتاه و خالی از مشکلات نیست. از همین رو نباید امید خود را از دست داد بلکه باید به رصد کردن و تأمل در رویدادها نشست و برای همگرایی و اتحاد فراگیر همه مدافعان دموکراسی تلاش کرد. صبح آزادی مردم ایران در افق دیده می‌شود.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

اعتبار قراردادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین

بخش شش و پایانی: اصل «تا زمانی که شرایط بطور اساسی تغییر نکرده باشد»



● حقوق معاهدات بین‌المللی بر پایه یک پیش‌فرض محکم حقوقی قرار دارد: تعهدات قراردادی باید محترم شمرده شود. با اینهمه قاعدهی «وفای به عهد» ممکن است تحت شرایطی مورد تردید قرار گیرد. این امر نشان می‌دهد که شرایط نقض یک قرارداد ممکن است در صورت دگرگونی‌های بنیادین مورد پرسش قرار گرفته و تغییر پیدا کند. به عبارت بهتر، قراردادهای و معاهدات می‌توانند در جریان گذشت زمان نسبت به شرایط واکنش نشان دهند.

محمود مسائلی - به دنبال انعقاد قراردادهایی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین و روسیه، و چه بسا کشورهای دیگری، آیا پنهان کردن متن قراردادها از نقطه نظر حقوق بین‌الملل اعتبار آنها را مورد سؤال قرار نمی‌دهد؟ اگر چنین است، آن بی‌اعتباری چگونه و به چه طریق می‌تواند احراز شود؟ اساساً اینگونه قراردادهای و معاهدات چه جایگاهی در همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی برای مقاصد صلح‌آمیز و مبتنی بر عدالت بر اساس حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؟ مردم ایران چه اقداماتی را در رابطه با بر ملا ساختن اینگونه معاهدات می‌توانند ایفا کرده و یا زمینه‌های ابطال آنها را فراهم آورند؟

در بخش نخست به فرآیند و شکل قراردادهای و در بخش دو به اعتبار آنها بر اساس منشور ملل متحد پرداخته شد. در بخش سه به جایگاه قراردادهای بین‌المللی در ارتباط با حق تعیین سرنوشت ملل و در بخش چهار به اعتبار قراردادهای بین‌المللی در مقاله‌نامه حقوق معاهدات پرداختیم. بخش پنجم به توضیح مسئولیت دولت‌ها در قبال انعقاد قراردادهای بین‌المللی اختصاص داشت و در این بخش پایانی به اصل تغییر شرایط پرداخته می‌شود.

بخش ششم: اصل «تا زمانی که شرایط بطور اساسی تغییر نکرده باشد» [۱]

حقوق معاهدات بین‌المللی بر پایه یک پیش‌فرض محکم حقوقی قرار دارد: تعهدات قراردادی باید محترم شمرده شود. حقوق بین‌الملل عرفی از دیرباز به این اصل قراردادی توجه داشته و آنرا برای طرفین متعاهدین ضروری و لازم‌الاجرا می‌دانسته است. از دیرباز در نظام‌های اعتقادی شامل ادیان ابراهیمی و یا غیرابراهیمی، ضرورت حسن نیت برای پذیرش تعهدات و انجام آنها مورد تأکید قرار گرفته است. در عالم اسلام نیز قاعده «اوفوا بالعهد» سنگ بنای قواعد حقوقی بوده است: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانُ مَسْئُولًا» [۱]. در حقوق رومی‌ها قاعده وفای به عهد به بخش بسیار مهمی از عملکرد قضایی آن زمان مربوط بود و توانست جایگاه قابل توجهی در مسیحیت پیدا کند. به تدریج در عصر مدرن قاعده یادشده وارد حقوق بین‌الملل شد و جایگاه مهمی در حقوق معاهدات بین‌المللی پیدا کرد.

مقاله‌نامه حقوق معاهدات ضرورت احترام به تعهدات قراردادی را در ماده ۲۶ توضیح داده است: «هر معاهده لازم‌الاجرای برای طرفین آن تعهدآور است و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا شود». قاعده وفای به عهد در مقاله‌نامه این حقیقت را یادآوری می‌کند که چون طرفین قرارداد با رضایت کامل خویش به قرارداد وارد شده‌اند، باید نسبت به اجرای آن نیز وفادار بوده، با حسن نیت در اجرای آن بکوشند.

امکان اجرای معاهده ناشی از انهدام دائمی موضوع باشد که برای اجرای معاهده اجتناب‌ناپذیر است هر طرف معاهده می‌تواند به عدم امکان اجرای آن به عنوان مبنای فسخ آن یا خروج از آن استناد نماید چنانچه عدم امکان اجرا موقت باشد تنها می‌توان برای تعلیق اجرای واحد به آن استناد کرد». البته مفاد ماده ۶۲ خیلی مفصل است و می‌تواند شرایط حقوقی الغای قراردادهای و معاهدات را توضیح دهد، اما می‌بایست در فرصتی دیگر به آن پرداخت.

به هر حال این استعداد ثبات اعتبار قراردادهای از طریق قاعده وفای به عهد، و در عین حال پذیرش امکان بازبینی و یا الغای آنها، دو بعد دیگر نیز به این بحث می‌افزاید. اول اینکه هرگاه اصل وفای به عهد نادیده انگاشته شود، همانگونه که در بخش پنجم توضیح داده شد، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت می‌شود. اما همان طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ماده ۲۳ زیر عنوان «شرایط اضطراری» به توضیح شرایطی می‌پردازد که امکان عدول از قاعده وفای به عهد را فراهم می‌سازد: «نادرست بودن عمل یک دولت که با تعهدات بین‌المللی آن دولت مطابقت ندارد، در صورتی که این عمل به دلیل شرایط اضطراری باشد، یعنی وقوع یک نیروی غیرقابل اجتناب یا یک رویداد غیرقابل پیش‌بینی خارج از کنترل دولت، امکان انجام تعهد را غیرممکن می‌سازد» [۲]. اما شرط در نظر گرفتن این شرایط اضطراری به دو عامل وابسته است:

اول اینکه وضعیت اضطراری، به تنهایی یا در ترکیب با عوامل دیگر، ناشی از رفتار کشوری نباشد که به آن استناد می‌کند.

دومین شرط اینکه دولت خطر وقوع آن وضعیت را پیش‌بینی نکرده باشد. [۳]

طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها زیر عنوان «ضرورت» در ماده ۲۵ نیز این امکان را فراهم می‌سازد تا امکان عدول از قاعده وفای به عهد فراهم شود. متن این ماده نیز می‌تواند مقداری ما را به موضوعیت امکان عدول از قاعده وفای به عهد یاری رساند:

۱. یک دولت نمی‌تواند به «ضرورت» به عنوان دلیلی برای جلوگیری از نادرست بودن عملی که با تعهدات بین‌المللی آن دولت مطابقت ندارد استناد کند، مگر اینکه این عمل:

در اینجا قاعده مورد نظر از ابعاد حقوق بین‌الملل عرفی خارج شده و در قالب معاهداتی تبلور یافته که رضایت طرفین بنیادهای مشروعیت آنرا شکل می‌بخشد. به همین دلیل رعایت این قاعده در همه شرایط ضروری است به گونه‌ای که فرضاً نمی‌توان با توسل به حقوق داخلی احترام به این قاعده را نادیده انگاشت. در حقیقت، با ورود کشوری به معاهده‌ای مفاد آن معاهده بر حقوق داخلی پیشی می‌گیرد و باید تحت هر شرایطی لازم‌الاجرا باشد. ماده ۲۷ مقاله‌نامه حقوق معاهدات این برتری حقوق معاهداتی بر حقوق داخلی را توضیح می‌دهد: «یک طرف معاهده نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به عنوان توجیهی برای قصور خود در اجرای معاهده استناد کند». البته این قاعده تأثیری بر مفاد ماده ۴۶ مقاله‌نامه نخواهد داشت. ماده ۴۶ می‌گوید که «یک کشور نمی‌تواند با تکیه بر این واقعیت که اعلام رضایت به التزام در قبال یک معاهده تجاوزی نسبت به مقررات حقوق داخلی وی در خصوص صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به بی‌اعتباری رضایت خود استناد نماید، مگر آنکه تجاوز مزبور مشخص بوده و به قاعده از حقوق داخلی مربوط شود که دارای اهمیت اساسی است». همان ماده ادامه می‌دهد: «چنین تجاوزی به حقوق داخلی وقتی مشهود است که بر کشوری که طبق رویه مشمول و با حسن نیت در این مورد عمل کرده است، بطور عینی روشن باشد».

این موضوع ابعاد دیگری بر رابطه میان حقوق داخلی و حقوق معاهداتی، از نقطه نظر وفای به عهد، می‌افزاید. منظور این است که قاعدهی «وفای به عهد» ممکن است تحت شرایطی مورد تردید قرار گیرد. این امر نشان می‌دهد که شرایط نقض یک قرارداد ممکن است در صورت دگرگونی‌های بنیادین مورد پرسش قرار گرفته و تغییر پیدا کند. به عبارت بهتر، قراردادهای و معاهدات می‌توانند در جریان گذشت زمان نسبت به شرایط واکنش نشان دهند.

در حقیقت ثبات و تغییر بر قراردادهای و معاهدات بی‌تأثیر نیستند. به همین دلیل ماده ۶۱ و ۶۲ حقوق معاهدات نشان می‌دهند که اگر تغییرات بنیادین در شرایط انعقاد معاهده ایجاد شود، می‌توان آنرا به حالت تغییر درآورده و یا آنها را خاتمه بخشید. متن ماده ۶۱ به این شرح است: «اگر عدم

اصل حفاظت از معاهدات است. یعنی اینکه فقط در شرایط خیلی مشخصی می‌توان به آن استناد کرد. دادگاه بین‌المللی دادگستری در یکی از احکام اخیر خود در رابطه با اختلافی که میان کشورهای مجارستان و جمهوری چک پدید آمده بود، این استننا بودن را مورد تأکید قرار داد. به نظر دادگاه، شرایط سیاسی جاری چنان با اهداف معاهده میان دو کشور مرتبط نبود که مبنای اساسی رضایت طرفین را تشکیل می‌داد، اما با تغییر، گستره تعهداتی که هنوز باید انجام شود، تغییر می‌یابد. بنابراین باید به تغییر چنان نگرست که کاملاً غیرقابل پیش‌بینی بوده باشد: «بنابراین، به نظر دیوان، شرایط تغییر یافته توسط مجارستان، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، دارای چنان ماهیتی نیستند که تأثیر آنها بطور اساسی میزان تعهد را تغییر دهد».[۹] درپناه این رویکرد دادگاه می‌توان استدلال کرد که دکترین تغییر شرایط به عنوان مبنایی برای فسخ یکجانبه قرارداد، ضرورتاً با ثبات قرارداد و حفاظت از اصل وفای به عهد قرار نمی‌گیرد. این دو، یعنی ثبات و تغییر، با استمرار معاهده ملازمه دارند، اما این فرصت را نیز فراهم می‌آورد تا چنین استمراری موجب اطمینان یافتن به قواعد حقوقی و عدالتجویی را نیز فراهم آورد.

از میان استدلال‌هایی که برای امکان خروج از قراردادهای بین‌المللی ارائه شده‌اند، این آخرین، یعنی تغییر اساسی شرایط، «می‌تواند» مبنایی برای فسخ یکجانبه قراردادهای منعقد شده میان حکومت اسلامی و کشورهای چین و روسیه باشد. البته دو نکته را باید برای احتیاط در نظر گرفت. اول اینکه داعیه مطرح شده در این نوشتار فقط در حد فرضیه‌ای پیشنهادی است برای اندیشیدن درباره راهکارهای حقوقی موثر و کارآمد برای گسستن زنجیرهای بردگی که بر ایران امروز تحمیل شده است. هدف از تحریر این نوشتار این است که علاقمندان به موضوعات حقوقی بین‌الملل را برانگیزد تا برای آینده ایرانی آزاد و دموکراتیک، از هم‌اکنون خود را آماده سازند. دومین نکته این است که در خلال تحریر نوشتار به ذهنم رسید آنرا مبنای کتابی درسی برای استادان و دانشجویان ایرانی و افغانستانی قرار دهم تا در همان ایران آزاد آینده بتوانند بخش‌های مهم و ناپیدایی از اندیشه‌های حقوقی بین‌الملل را مورد مطالعه بیشتری قرار داده و از طریق آن تجارب خود را در توسعه و تکامل این موضوعات حقوقی با دیگر مشتاقان رهایی فکر و اندیشه به اشتراک بگذارند.

پایان

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] آیه ۳۴، سوره اسرا

[۲] نگاه کنید به زیرنویس شماره ۱۶ بالا

[۳] همان منبع

[۴] همان منبع

[۵] Elihu Lauterpacht, *International Law: Disputes, War and Neutrality*, pts. IX-XIV, at 14-15. Quoted in Cornell Law School, *Legal Information Institute*

[۶] *Fisheries Jurisdiction (United Kingdom v. Iceland)*, the ICJ, 1972

[۷] *International Law Commission, Draft Articles on the Law of Treaties with Commentaries*, 1966, 259

[۸] همان، صفحه ۲۵۹

[۹] *The ICJ, Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia) case, 1997, summary of the Judgment of 25 September 1997*, p. 5

به چالش کشیدن ثبات قراردادهای را به زیر سؤال کشیده شود. دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه شیلت مربوط به اختلاف میان انگلیس و ایسلند این استدلال را مورد تأیید قرار داد. بر اساس این استدلال، فقط در صورتی می‌توان به شرایط تغییر یافته مراجعه نمود که هرگز توسط طرفین پیش‌بینی نشده باشد.[۶] البته باید خاطر نشان ساخت که صرف اینکه شرایط به گونه‌ای بینادین تغییر یافته‌اند نمی‌تواند یک قرارداد را یکطرفه فسخ کرد. در واقع طرح موضوع تغییر شرایط نمی‌تواند توجیهی برای فسخ یکسویه آن قرارداد باشد، و اگر این اتفاق بیافتد، طرف دیگر می‌تواند موضوع را به نهادهای حقوقی صالح ارجاع دهد.

این سردرگمی با مقوله‌نامه حقوق معاهدات به مرزهای تعریفی روشنی رسیده است. ماده ۶۲ مقوله‌نامه این تقریرات را در راستای فرضیه پیشنهادی این نوشتار فراهم می‌آورد:

۱. تغییر اساسی در اوضاع و احوال موجود در زمان انعقاد معاهده که حدوث آن توسط طرفین پیش‌بینی نشده باشد، نمی‌تواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد قرار گیرد، مگر اینکه:

الف. وقوع اوضاع و احوال جدید مبنای رضایت طرفین معاهده به التزام نسبت به معاهده باشد،

ب. اثر این تغییر، دگرگونی اساسی در ابعاد تعهداتی باشد که به موجب معاهده هنوز باید اجرا شوند،

۲. در موارد زیر، تغییر اساسی اوضاع و احوال نمی‌تواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده مورد استناد واقع شود:

الف. اگر معاهده‌ای باشد که مرز را تعیین نماید،

ب. اگر تغییر اساسی ناشی از نقض تعهدات معاهده، یا نقض هر تعهد دیگر بین‌المللی در قبال طرفین دیگر معاهده، از سوی طرفی باشد که به آن تغییر استناد می‌کند.

۳. اگر به موجب یکی از بندهای اخیر، یکی از طرفین معاهده حق داشته باشد که به تغییر اساسی اوضاع و احوال به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده استناد نماید، مضافاً حق خواهد داشت تا به آن تغییر به عنوان مبنای تعلیق اجرای معاهده نیز استناد کند.

نهادینه ساختن نگرش عرفی بالا در ساختار معاهداتی مقوله‌نامه وین گویی حکایت از دکترینی دارد که می‌کوشد مفاهیمی مانند عدالتخواهی را نیز در مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دهد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در نظریه خود این دکترین را قاعده عینی قانونی در نظر گرفت که به موجب آن، بر اساس عدالت، تغییرات اساسی تحت شرایط خاصی، توسط یکطرف به عنوان دلیلی برای فسخ معاهده مورد استناد قرار گیرد.[۷] طبق این دکترین که در ماده ۶۲ مقوله‌نامه حقوق معاهدات ماده، شکل قانون معاهداتی به خود گرفته است، شرایطی باید برای انجام این دکترین در نظر گرفته شود: اول اینکه تغییر باید به شرایط موجود در زمان انعقاد معاهده مربوط باشد.

دوم، آن تغییر باید یک تغییر اساسی و بنیادین باشد. سوم، باید توسط طرفین پیش‌بینی نشده است.

چهارم، وجود آن شرایط باید مبنای اساسی رضایت طرفین برای التزام به معاهده باشد.

پنجم، دامنه تأثیرات این تغییرات باید بطور اساسی مربوط به تعهداتی باشد که هنوز طبق معاهده باید انجام شوند.[۸] چالشی که این دکترین در برابر ثبات قراردادهای به موجب اصل وفای به عهد قرار می‌دهد، ممکن است این تصور را ایجاد کند که تضادی میان ثبات و ضرورت تغییر وجود دارد که سلامت قراردادهای بین‌المللی را به خطر می‌اندازد. در این رابطه می‌بایست این نکته را خاطر نشان ساخت که امکان فسخ قرارداد بر اساس تغییرات بنیادینی که در شرایط انعقاد قرارداد صورت می‌گیرد، فقط استثنایی برای قاعده و

الف) تنها راهی باشد که دولت می‌تواند از منافع اساسی جامعه خود در برابر خطری جدی و قریب‌الوقوع محافظت کند.

ب) به منافع اساسی دولت یا کشورهایی که تعهد نسبت به آنها وجود دارد یا کل جامعه بین‌المللی آسیب جدی وارد نسازد. ۲. در هر حال، دولت نمی‌تواند به «ضرورت» به عنوان دلیلی برای توجیه قصور خود استناد کند. در صورتی که:

الف) تعهد بین‌المللی مورد بحث، امکان استناد به ضرورت را منتفی سازد.

ب) یا دولت به وضعیت ضرورت کمک کرده باشد.[۴]

این «شرایط اضطراری» و همچنین موضوع «ضرورت» در متن همان بحثی قرار می‌گیرد که در بالا با عنوان زمینه‌ای برای به چالش کشیدن ثبات و یا قاعده وفای به عهد از آن یاد شد. یک بعد دیگر را نیز باید در نظر گرفت. با ظهور رژیم‌های معاهداتی نوینی مانند موضوعات حقوق بشری، سرمایه‌گذاری خارجی و حقوق دریاهای، موضوعیت اصل حقوقی وفای به عهد را با چالش‌هایی همراه می‌سازد که در واقع از متن و شرایط به سرعت در حال تغییر جوامع ملی و بین‌المللی سرچشمه می‌گیرد. امکان همپوشی جنبه‌های ملی و بین‌المللی این نوع رژیم‌های حقوقی، با وجود همه بشارت‌هایی که برای جوامع انسانی دارد، مشکلاتی در برابر ثبات معاهدات قرار می‌دهد به گونه‌ای که نمی‌تواند همچنان بر ثبات معاهداتی اصرار ورزد.

بنابراین، به چالش کشیدن ثبات معاهدات بر مبنای اصل وفای به عهد وارد مرحله دیگری می‌شود که بر سر اصالت حقوق و کاربرد آن تردیدهایی وجود دارد. اما این نوشتار می‌کوشد این فرضیه را به آزمایش بگذارد که فراتر از «شرایط اضطراری» و همچنین موضوع «ضرورت»، این امکان وجود دارد تا قراردادهای بین‌المللی را زیر عنوان «مادامی که شرایط بطور اساسی تغییر نکرده باشد»، به چالش کشید. و این دقیقاً موضوعی است که می‌تواند در ایران آزاد و دموکراتیک آینده در رابطه با قراردادهای حکومت اسلامی با کشورهای روسیه و چین مورد توجه قرار گیرد. در اینجا رؤس کلی این فرصت، یا حق برای ملت‌ها، با ساده‌ترین زبان ممکن توضیح داده می‌شود.

«مادامی که شرایط بطور اساسی تغییر نکرده باشد»، به عنوان حقی برای دولت‌ها و نه ضرورتاً به عنوان قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل برای استناد کردن به تغییر شرایط موجبات بحث‌های زیادی را فراهم آورده است. یکی از بحث‌ها این است که آیا موضوع «مادامی که شرایط بطور اساسی تغییر نکرده باشد»، با اصل وفای به عهد به عنوان اصلی‌ترین پایه حقوق معاهدات بین‌المللی در تضاد قرار می‌گیرد یا نه. برای پاسخ به این پرسش، ناگزیر حق ملت‌ها برای گریز از تعهدات قراردادی در شرایط تغییرات بنیادین توضیح داده شود. حقوق بین‌الملل عرفی از دیرباز پذیرفته است که اگر شرایط به گونه‌ای تغییر یابد که با شرایط زمان انعقاد معاهده کاملاً متفاوت باشد، و همچنین یک طرف معاهده قادر به انجام تعهدات خود نباشد، می‌توان از فرمول مورد نظر برای دفاع از حقوق ملت یا کشور استفاده کرد.

هرش لوترپاخ متفکر حقوق بین‌الملل و قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری که در سال ۱۹۶۰ درگذشت در دفاع از این اصل حقوق بین‌الملل عرفی[۵] دفاع کرده و استدلال می‌کند که قانون بین‌المللی نمی‌تواند جدا از متنی که در آن به وجود آمده و به اجرا گذاشته می‌شود، باشد. در حقیقت، قانون بین‌المللی خلاء را تشخیص می‌دهد و سعی می‌کند قابلیت حضور خود را با آن تطبیق دهد. همین ویژگی ناشامل بودن قرارداد فرصتی را فراهم می‌آورد تا حق مورد بحث برای

آتش بس میان اسرائیل و «جهاد اسلامی»؛ پایکوبی در غزه برای «پیروزی» با وجود تلفات سنگین!



استقرار لانچر پرتاب راکت در مناطق مسکونی غزه توسط گروه‌های نظامی فلسطینی

در غزه برای حامیان «مقاومت» چنین تبلیغ می‌شود که «جهاد اسلامی» پیروز شده و اسرائیل شکست خورده است. آنها هم برای جشن و شادی به خیابان‌ها آمدند و شروع به بوق زدن کردند و پرچم‌های فلسطین را به اهتزاز درآوردند و شیرینی و میوه پخش کردند. اسرائیل در عملیات «سپر و تیر» با استفاده از موشک‌های هوشمند نقطه‌زن فرماندهان ارشد «جهاد اسلامی» را هدف قرار داد که تلفات سنگینی در میان آنها برجای گذاشت. طارق سلمی سخنگوی «جهاد اسلامی» در غزه گفته بعد از آتش‌بس، اسرائیل با توقف حملات هدفمند به رهبران این گروه موافقت کرده است.

کاخ سفید در پیامی از دولت‌های قطر و مصر برای میانجیگری بین اسرائیل و «جهاد اسلامی» قردادانی کرد. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد گروه حماس در این دور از درگیری‌ها تلاش کرد از درگیر شدن با اسرائیل خودداری کند که همین دامنه نزاع را محدود کرد. عدم مشارکت حماس در راکت‌پرانی «جهاد اسلامی» اختلاف میان گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی را آشکارتر کرد با اینکه علی ابو شاهین عضو «جهاد اسلامی» ادعا کرده «نقشه دشمن برای اختلاف‌افکنی بین مقاومت را ناکام گذاشتیم».

سی‌ان‌ان گزارش داد مقامات اسرائیلی از نبرد اخیر ابراز خرسندی کرده‌اند چرا که بسیاری از اعضای ارشد «جهاد اسلامی» را در حملاتی که به گفته آنها بر اساس اطلاعات موثق بسیار دقیق بوده، از بین برده‌اند.

سازمان «جهاد اسلامی» فلسطین در اوایل دهه هشتاد میلادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط جمهوری اسلامی با هدف نابودی اسرائیل و فتح اورشلیم تشکیل شد و مانند بسیاری از سازمان‌های تروریستی و نیابتی دیگر از سوی حکومت اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شود. شعار معروف «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که نخستین بار در جنبش ۸۸ سر داده شد و پس از آن مردم در اعتراضات آن را تکرار می‌کنند، در مخالفت با همین سیاست نظامی- عقیدتی جمهوری اسلامی است.

پس از پنج روز درگیری میان اسرائیل و سازمان «جهاد اسلامی»، طرفین با میانجیگری مصر با آتش‌بس موافقت کردند. این توافق از ساعت ۲۲:۰۰ شنبه ۱۳ ماه مه (۲۳ اردیبهشت) آغاز شد با اینکه باز هم تعدادی راکت پس از این توافق از غزه به سوی اسرائیل شلیک شد.

به گزارش «فرانسه ۲۴» دفتر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل با انتشار بیانیه ای از عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر به خاطر تلاش‌هایش برای آتش‌بس قردادانی کرد. زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» فلسطین نیز بعد از آتش‌بس در پیام رسمی از جمهوری اسلامی، حزب‌الله لبنان و دولت‌های قطر و مصر تشکر کرد. طبق اعلام منابع اسرائیلی با وجود پرتاب بیش از ۱۲۰۰ راکت ۹۵ درصد آنها توسط سیستم پدافندی موسم به «گنبد آهنین» در آسمان منهدم شد. تعدادی از راکت‌ها به منازل مسکونی و اتومبیل‌ها خسارت وارد کرد و شماری از شهروندان زخمی شدند. از راکت‌هایی که سازمان «جهاد اسلامی» به سوی اسرائیل پرتاب کرد حدود یک چهارم آنها در خود غزه سقوط کردند. یک زن ۸۰ ساله و یک کارگر فلسطینی که در اسرائیل کار می‌کرد در اثر اصابت راکت کشته شدند. تعدادی از راکت‌ها مسافت بیشتری را طی کردند که در آسمان حیفا و تل‌آویو منهدم شدند. رسانه‌های جمهوری اسلامی از اینکه تعدادی از راکت‌ها توانسته‌اند بُرد بیشتری را طی کنند ابراز خشنودی کرده‌اند.

در این میان بر اثر حملات اسرائیل در واکنش به راکت‌پرانی «جهاد اسلامی»، دست‌کم ۳۳ فلسطینی کشته شدند که ۱۳ نفر از آنها اعضای ارشد «جهاد اسلامی» و «سریا القدس» شاخه نظامی آن بودند اما حامیان «جهاد اسلامی» در غزه به خیابان آمدند و جشن پیروزی گرفتند! زیاد نخاله نیز گفت «ملت ما تا زمانی که فرزندان همچون فرماندهان سرایا القدس را دارند، هرگز شکست نخواهند خورد و پرچم قدس را برافراشته و برای آزادی آن مجاهدت خواهند کرد».

● دفتر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل با انتشار بیانیه ای از عبدالفتاح السیسی رئیس جمهوری مصر به خاطر تلاش‌هایش برای آتش‌بس قردادانی کرد. زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» فلسطین نیز بعد از آتش‌بس در پیام رسمی از جمهوری اسلامی، حزب‌الله لبنان و دولت‌های قطر و مصر تشکر کرد.

● طبق اعلام منابع اسرائیلی با وجود پرتاب بیش از ۱۲۰۰ راکت ۹۵ درصد آنها توسط سیستم پدافندی معروف به «گنبد آهنین» در آسمان منهدم شد. تعدادی از راکت‌ها به منازل مسکونی و اتومبیل‌ها خسارت وارد کرد و شماری از شهروندان زخمی شدند. از راکت‌هایی که «جهاد اسلامی» به اسرائیل پرتاب کرد حدود یک چهارم آنها در خود غزه سقوط کرد.

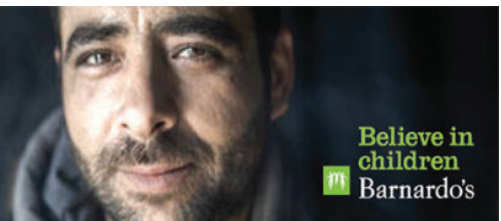
● در غزه برای حامیان «مقاومت» چنین تبلیغ کرده‌اند که «جهاد اسلامی» پیروز شده و اسرائیل شکست خورده است. آنها هم برای جشن و شادی به خیابان‌ها آمدند. شروع به بوق زدن کردند و پرچم‌های فلسطین را به اهتزاز درآوردند و شیرینی و میوه پخش کردند.

● عدم مشارکت حماس در راکت‌پرانی «جهاد اسلامی» اختلاف میان گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی را آشکارتر کرد با اینکه علی ابو شاهین عضو «جهاد اسلامی» ادعا کرده «نقشه دشمن برای اختلاف‌افکنی بین مقاومت را ناکام گذاشتیم».

● سازمان «جهاد اسلامی» فلسطین در اوایل دهه هشتاد میلادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط جمهوری اسلامی با هدف نابودی اسرائیل و فتح اورشلیم تشکیل شد و مانند بسیاری از سازمان‌های تروریستی و نیابتی دیگر از سوی حکومت اسلامی تأمین مالی و تسلیحاتی می‌شود. شعار معروف «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» که نخستین بار در جنبش ۸۸ سر داده شد و پس از آن مردم در اعتراضات آن را تکرار می‌کنند، در مخالفت با همین سیاست نظامی- عقیدتی جمهوری اسلامی است.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnardo's



جو بایدن در کنار آستین و بلینکن وزرای دفاع و خارجه ایالات متحده

انتقاد شدید سناتورهای جمهوریخواه از سیاست‌های غلط دولت بایدن در قبال رژیم ایران

داشت به تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفت که «من به این نتیجه رسیده‌ام که جمهوری اسلامی در حال همکاری با چین است و چین در حال همکاری با روسیه است. این حرکت از سوی شی جین‌پینگ هماهنگ می‌شود و آیت‌الله‌ها و پوتین با او همراهی می‌کنند.»

سناتور جاش هالی از ایالت آرکانزاس به این شبکه گفته «گزارش دولت بایدن که در جلسه محرمانه مرور شد هیچ حرف تازه‌ای نداشت. جلسه مفیدی نبود، فکر نمی‌کنم دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی استراتژی مشخصی داشته باشد. نمی‌دانم چرا به خبرنگارها اجازه ورود ندادند.» همچنین ریک اسکات سناتور ایالت فلوریدا نیز که یکی از حاضرین در این جلسه محرمانه بود تأکید کرد «جمهوری اسلامی که‌هاکان به رفتار نفرت‌انگیزش ادامه می‌دهد، به حمایت از حزب‌الله و گروه‌های دیگر هم ادامه می‌دهد و برای بقیه به ویژه اسرائیل در درستی می‌کند. امیدوارم رهبران جمهوری اسلامی سر عقل بیایند.»

از سوی دیگر، نازنین بنیادی فعال حقوق بشر در توییتری اشاره کرد که پیش از برگزاری این نشست با چند سناتور آمریکایی از جمله سناتور ریش دیدار کرده است. او توضیح داد که با این سناتورها درباره اعدام‌های اخیر در ایران و همچنین سرکوب مردم در اعتراضات مسالمت‌آمیز صحبت کرده است. بنیادی تأکید کرد «بهترین راه برای پایان دادن به نفوذ و اقدامات بدخیم رژیم، حمایت از جامعه مدنی ایران برای رسیدن به آرمان‌های سکولاردموکراتیک آنهاست.» نازنین بنیادی پیش از این نشست با سناتور دموکرات چاک شومر نیز دیدار کرده بود. شومر گفته بود در نشست محرمانه با دولت آمریکا درباره وضعیت زنان ایران و مبارزه شجاعانه آنها و همچنین نقض فاحش حقوق بشر در ایران توسط رژیم صحبت خواهد کرد.

تحلیلگران عدم حضور رابرت مالی مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در این نشست را معنی‌دار ارزیابی می‌کنند. وی از حامیان سرسخت «احیای برجام» است و همواره تلاش می‌کرد از طریق واسطه‌ها و دلال‌های سیاسی، رژیم ایران را راضی به پذیرفتن شروط آمریکا برای رفع تحریم‌ها کند اما اقدامات او تا کنون بی‌فایده بوده است.

برجام انتقاد کرده‌اند. پیش از برگزاری این نشست «پولیتیکو» گزارش داده بود که وندی شرمن معاون وزیر خارجه آمریکا، کالین کهل معاون وزیر دفاع، مورگان مویر معاون مدیر اطلاعات ملی، برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی و معاون دریاسالار استفان کوهلر رئیس استراتژی، سیاست و برنامه‌های ستاد مشترک، در این جلسه توجیهی طبقه‌بندی شده که در «کاپیتال هیل» برگزار می‌شود شرکت می‌کنند.

ساعتی پس از پایان این جلسه سناتور جیم ریش از اعضای ارشد جمهوریخواهان سنا در بیانیه‌ای اعلام کرد، «پس از شش ماه که جو بایدن گفت برجام مُرده است آمریکا به سیاست جامع‌تری درباره ایران نزدیک نشده است. ضعف سیاست راهبردی در مورد ایران منجر به گستاخ‌تر شدن جمهوری اسلامی و همچنین نزدیک‌تر کردن شرکای ما به چین شده است.» اشاره وی از قرار معلوم به مناسبات عربستان و جمهوری خلق چین است.

وی همچنین تأکید کرد: «در حالی که ایران به توقیف غیرقانونی کشتی‌ها، هدف قرار دادن آمریکایی‌ها در منطقه و حمایت از نیروهای نیابتی خود و پشتیبانی از حملات روسیه به اوکراین ادامه می‌دهد، آمریکایی‌ها سزاوار سیاستی هستند که بیش از اصرار بر مذاکرات هسته‌ای شکست خورده است.»

گابریل نوروها مشاور پیشین امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با اشاره به بیانیه سناتور جیم ریش نوشت، «همه ۱۰۰ سناتور یک گزارش محرمانه درباره ایران دریافت کردند. بر اساس اظهاراتی مثل آنچه سناتور ریش گفت دولت بایدن ۲۸ ماه پس از روی کار آمدن هنوز هیچ سیاست درستی درباره حکومت ایران ندارد.»

نوروها همچنین گفت سناتور لیندسی گراهام نیز بخش بزرگانی دولت آمریکا را به چالش کشید و سناتور جینا ریموندو هم به انتقاد از ادامه فروش نفت ایران به چین پرداخت.

جان کندی سناتور ایالت لوئیزیانا که در این نشست حضور

● سناتور جیم ریش از اعضای ارشد جمهوریخواهان سنا در بیانیه‌ای اعلام کرد، «پس از شش ماه که جو بایدن گفت برجام مُرده است آمریکا به سیاست جامع‌تری درباره ایران نزدیک نشده است. ضعف سیاست راهبردی در مورد ایران منجر به گستاخ‌تر شدن جمهوری اسلامی و همچنین نزدیک‌تر کردن شرکای ما به چین شده است.»

● گابریل نوروها مشاور پیشین امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ با اشاره به بیانیه سناتور جیم ریش نوشت، «همه ۱۰۰ سناتور یک گزارش محرمانه درباره ایران دریافت کردند. بر اساس اظهاراتی مثل آنچه سناتور ریش گفت دولت بایدن ۲۸ ماه پس از روی کار آمدن هنوز هیچ سیاست درستی درباره حکومت ایران ندارد.»

● جان کندی سناتور ایالت لوئیزیانا که در این نشست حضور داشت به تلویزیون «ایران اینترنشنال» گفت که «من به این نتیجه رسیده‌ام که جمهوری اسلامی در حال همکاری با چین است و چین در حال همکاری با روسیه است. این حرکت از سوی شی جین‌پینگ هماهنگ می‌شود و آیت‌الله‌ها و پوتین با او همراهی می‌کنند.»

● سناتور جاش هالی از ایالت آرکانزاس به این شبکه گفته «گزارش دولت بایدن که در جلسه محرمانه مرور شد هیچ حرف تازه‌ای نداشت. جلسه مفیدی نبود، فکر نمی‌کنم دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی استراتژی مشخصی داشته باشد. نمی‌دانم چرا به خبرنگارها اجازه ورود ندادند.»

سناتورهای آمریکایی روز سه‌شنبه ۱۶ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) در جلسه توجیهی محرمانه با مقامات دولت بایدن درباره ایران حضور یافتند. جلسه‌ای که در آن جمهوریخواهان سیاست‌های جو بایدن و تیم او در قبال ایران را به شدت مورد انتقاد قرار دادند.

جزئیات دقیق آنچه در این نشست بین طرفین رد و بدل شد در دسترس نیست اما گفته می‌شود سناتورهای جمهوریخواه با انتقاد شدید از دولت جو بایدن به دلیل بی‌برنامگی در قبال جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن تهدیدات رژیم ایران و همچنین اصرار به ادامه مذاکرات

رفتار شبه تروریستی خواننده «سلام فرمانده» و محافظاش

شلیک می‌کنند. بعد از تیراندازی، مداح و همراهان از محل دور شده و سرنشینان ۲۰۶ به کلانتری شکایت می‌برند و شکایت ثبت و به دادسرا ارسال می‌شود. راننده اتومبیل پژو ۲۰۶ در اینباره به رسانه‌ها گفت که «من با خودروام یک لحظه سبقت گرفتم و بعد دوباره کنار آمدم. نمی‌دانم در ذهن آقای کریمی چه گذشت و چرا احساس خطر کردند که به ما شلیک کردند. البته من ابتدا متوجه شلیک نشدم؛ کمی که از صدای عجیبی که شنیده شد گذشت و ما مسافتی را همچنان ادامه می‌دادیم که ایشان چراغ زدند و ما هم به کنار اتوبان آمدم و توقف کردیم. تازه آنجا متوجه شدیم که به خودروی‌مان شلیک شده‌است. ما [راننده و همسرش] درحال حرکت بودیم که به در عقب ماشین سمت پایین شلیک شد. گلوله به نحوی به در خورده بود که از در عبور و به ستون ماشین برخورد کرده بود. گلوله در عین حرکت به پایین در خورده بود. اگر کمی بالاتر بود حتی ممکن بود به خود ما هم اصابت کند.»

همچنین در بهمن ۹۹ نیز علی‌اصغر عنابستانی نماینده سبزوار در مجلس، به یک سرباز پلیس راهور در تهران که مانع عبور اتومبیل او از خط ویژه شده بود فحاشی کرده و



مأمور را مورد ضرب و جرح قرار داد. بر اساس آنچه در ویدئوی منتشر شده از سوی شهروندان حاضر در صحنه دیده می‌شود مشخص است که راننده‌ی علی اصغر عنابستانی در حرکتی غیرقانونی از مسیر اصلی خیابان وارد خط ویژه می‌شود که مخصوص عبور وسایل نقلیه عمومی است. وقتی سرباز پلیس راهور از او می‌خواهد به مسیر اصلی خیابان بازگردد، عنابستانی از رعایت نظم خودداری کرده و پس از درگیری لفظی با سرباز به صورت او سیلی می‌زند.

عابد اکبری سرباز جوان پلیس راهور که از علی اصغر عنابستانی سیلی خورد گفت هنگامی که او به سرنشین اتومبیل گفته حق ندارد بدون داشتن برچسب مجوز از خط ویژه عبور و وسط خط توقف کند، سرنشین به او توهین کرده و یک سیلی به او زده و گفته «من نماینده مجلس هستم!»

خبرگزاری فارس مدعی شده که «ساعتی بعد ابودر روحی و همراهان به مرکز انتظامی مراجعه کرده و ضمن دلجویی و عذرخواهی از مأمور راهنمایی و رانندگی (سرباز راهور) رضایت نامبرده را جلب می‌کنند.»

ابودر روحی یک مداح متولد ۱۳۶۲ در روستای «لیلاکوه» از توابع شهرستان لنگرود است که در سال ۱۳۸۱ در سن ۱۹ سالگی هیئتی با عنوان «هیئت منتظرات ظهور» را زیر نظر شورای نگهبان تأسیس کرد. ابودر روحی طی فعالیت در زمینه‌ی مداحی و تبلیغات برای حکومت یکسری روابطی رانت نیز با رأس نظام پیدا کرد و در نهایت در اسفند ۱۴۰۰ با خواندن سرود فرمایشی و حکومتی «سلام فرمانده» در ستایش و فرمانبرداری از علی خامنه‌ای معروف شد. با اینهمه مشخص نیست چرا یک روضه‌خوان و مداح باید دارای چنین جایگاهی باشد که با بادیگارد مسلح به مراسم نوحه‌خوانی و مراسمی مثل جشن تکلیف مدارس حضور پیدا کند و با زیر پا گذاشتن مقررات نظم رانندگی که همه شهروندان باید رعایت کنند، به مأمور رسمی خود حکومت حمله‌ور شده و توهین کند!

این نخستین بار نیست که مداحان یا مقامات حکومت با سوء استفاده از رانت، خود را در جایگاهی ویژه دیده

● ابودر روحی به پلیس راهور حمله کرده و ضمن فحاشی به صورت او سیلی زده؛ محافظاش هم با باتوم به مأمور راهور حمله کرده است.

● ابودر روحی خطاب به مأمور گفته «هی‌گذارم عقده‌های سر نظامت را اینگونه حالی کنی» و «تو سرباز چُسکی بیش نیستی و آدمات می‌کنم!»

● مشخص نیست چرا یک روضه‌خوان و مداح باید با بادیگارد مسلح در مراسمی مثل نوحه‌خوانی و جشن تکلیف مدارس حضور پیدا کند و به مأموران رسمی خود حکومت حمله‌ور شده و توهین کند.

خواننده سرود حکومتی و فرمایشی «سلام فرمانده» و محافظاش با شوکر به یک پلیس راهور که قصد جلوگیری از ورود اتومبیل آنها به محدوده طرح ترافیک را داشت حمله کرده و به او فحاشی کردند.

رسانه‌های ایران از حمله ابودر روحی خواننده سرود حکومتی و فرمایشی «سلام فرمانده» و محافظاش به یک پلیس راهور خبر دادند.

بر اساس گزارش‌ها ابودر روحی صبح روز ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ برای شرکت در مراسم «جشن تکلیف» دختران یک مدارس ابتدایی به شهرستان شاهین‌شهر در استان اصفهان رفته بود که با اتومبیل وارد محدوده طرح ترافیک شدند و پلیس راهور به آنها تذکر داد.

این گزارش افزوده که ابودر روحی پلیس راهور را هُل داده، با دست به صورت او کوبیده و به او فحاشی کرده و یکی از محافظان او نیز با شوکر به پلیس راهور حمله کرده است.

بر اساس تصویر شکایت‌نامه‌ای که در رابطه با حمله ابودر روحی و محافظاش به پلیس راهور منتشر شده آمده که ابودر روحی ضمن حمله به این پلیس گفته «هی‌گذارم عقده‌های سر نظامت را اینگونه حالی کنی» و سپس به مأمور راهور حمله کرده و او را مورد ضرب و جرح قرار داده است.

● ابودر روحی همچنین به پلیس راهور گفته که «تو سرباز چُسکی بیش نیستی و آدمات می‌کنم!»

● محافظان ابودر روحی نام پلیس راهور را به قصد تهدید از روی لباس فرم او برداشته و یکی از محافظان با شوکر به مأمور نظم حمله کرده است.

● دخالت مأموران نیروی انتظامی سبب جلوگیری از اعمال خشونت بیشتر از سوی ابودر روحی و محافظانش علیه این پلیس شده است.

● در شکایت‌نامه مربوطه آمده که ماجرا به اطلاع دادستان شهرستان مربوطه رسیده ولی او «تمایلی به تشکیل پرونده نداشته» است!

هرچند رسانه‌های حکومتی تلاش داشتند این خبر را نادیده بگیرند اما با انتشار شکایت‌نامه تنظیم شده علیه ابودر روحی و محافظاش، خبر «دلجویی» ابودر روحی از مأمور راهور را منتشر کردند!

خبرگزاری فارس در خبری که بخشی از واقعیت را نادیده گرفته، بدون اشاره به فحاشی‌های ابودر روحی و حمله او و محافظاش به مأمور راهور، نوشته که «هنگام ترک محل، یکی از سرنشینان خودرو در مواجهه مجدد به عامل راهور مستقر، پرخاش می‌کند که با حضور عوامل انتظامی حاضر در محل، موضوع مدیریت می‌شود.»

و به اقدامات شبه‌تروریستی و یا حمله به مأموران پلیس دست می‌زنند.

پیشتر خبر «اسلحه‌کشی» محمود کریمی مداح دفتر رهبر جمهوری اسلامی در یکی از اتوبان‌های تهران نیز جنجالی شده بود. در دی‌ماه ۱۳۹۲، در جریان سبقت یک پژوی ۲۰۶ از اتومبیل محمود کریمی در بزرگراه بابایی تهران، این مداح حکومتی به سمت اتومبیل تیراندازی کرد!

به گزارش وبسایت «آینده» محمود کریمی ساعت ۳ بامداد روز ۵ دی ۱۳۹۲ در اتوبان بابایی با یک اتومبیل ۲۰۶ تصادف می‌کند. این تصادف به مشاجره و درگیری لفظی می‌گردد. سرنشینان ۲۰۶ زوج جوانی بودند که از شرق به غرب اتوبان حرکت می‌کردند. گزارش مورد نظر حاکی از این است که ادامه این درگیری به نقاط خطرناکی کشیده می‌شود چرا که مداح معروف و همراهانش که در ماشین تویوتا بودند کلت کشیده و ۵ تیر به جلو و گلگیر ۲۰۶

گفتگو با نسیم بهروز عضو «حزب ایران نوین»؛ ضرورت اعلام برائت جمهوریخواهان از چپ تندرو و گروه‌های ضدایرانی و ضد دموکراسی



برای مبارزه با ارتجاع حاکم و ارتجاع فعال خارج کشور تمرکز کرد. وجوه اشتراک مشروطه‌خواهان با ملی‌گرایان را می‌توانم در چند نکته خلاصه کنم:

هر دو معتقدند ایران هنگامی به سعادت می‌رسد که یک نظام قانونمند مبتنی بر منافع ملی برقرار باشد.

هر دو جریان فکری معتقدند در مقابله با حکومتی که هویت ملی و تاریخی شهروندان را سلب کرده و آنها را «امت اسلام» می‌داند، باید هویت ملی را احیا کرد.

ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان هر دو بر تمامیت ارضی و ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان هر دو با ایده‌های فدرالیستی طراحی شده برای کشورهای مدرن مخالف هستند.

هر دو می‌دانند باید بر روی تقویت مفهوم میهن، ملی‌گرایی و منافع ملی تمرکز کرد تا ایران به عنوان خانه مشترک ما درست مثل دیگر کشورهای پیشرفته به آزادی و امنیت و آبادی و آبرو دست یافت و عضو مؤثر و شایسته‌ای از جامعه جهانی شد.

● نقش ایرانیان خارج کشور در پیشبرد گفتمان مشروطه‌خواهی در داخل کشور تا چه اندازه مؤثر است؟

با گذشت بیش از ۴۴ سال از انقلاب ارتجاعی مشروطه ۵۷ مردم ایران که زیر بار فشارهای سیاسی و فرهنگی و اقتصادی کمرشان خم شده خواه‌ناخواه تمایل پیدا کرده‌اند بدانند ریشه این مشکلات در کجاست. به نظر می‌رسد آنها کلید حل این مشکلات را در ایران‌گرایی می‌بینند. به خصوص نسل جوان وقتی دیدند گفتمان ایران‌ستیزی که سعی در نابودی هویت ملی آنها دارد به گفتمان روزمره حاکمیت بدل شده و این حکومت دروغگو از تمام امکانات خود برای پیشبرد این سیاست استفاده می‌کند تا هویتی صرفاً مذهبی به آنها ببخشد، به دنبال گفتمان متقابل رفتند و کشتش و اشتیاق نسل جوان به ایران‌گرایی بیشتر شد. البته این اقبال عمومی فرایندی پیکروزی نبود بلکه ذره ذره طی چهار دهه در داخل کشور شکل گرفت و در هفتم آبان ۹۵ این اشتیاق در پاسارگاد تجلی یافت. بعلاوه مردم ایران متوجه نفی و انکار دستاوردهای خاندان پهلوی در کتاب‌های درسی، سریال‌ها و فیلم‌ها از سوی حکومت شده‌اند و دیده‌اند که رژیم همواره سعی کرده دستاوردهای پادشاهان پهلوی را که به ملت و مملکت ←

جانباختگان انقلاب ملی بر مزارشان شعرهایی با محتوای ملی‌گرایی و پهلوی‌خواهانه سر دادند و اینگونه نقش زنان مشروطه‌خواه پررنگ شد. چنین حرکت‌هایی نقش مؤثری در تقویت توجه به هویت ملی و بازگشت به ارزش‌های ملی برای کسب آزادی داشت. زنان مشروطه‌خواه به این مسئله واقف هستند که این انقلاب زنانه نیست و اساساً فاقد جنسیت و یک حرکت فراگیر است. آنها بر این نکته آگاهند که برقراری آزادی، دموکراسی، امنیت و آبادی کشور در گرو اتکا بر ارزش‌های ملی است تا بتوان حقوق همه مردم از جمله زنان را تأمین و تضمین کرد. رضاشاه بزرگ نیز که شخصاً او را همواره راسخ‌ترین مدافع حقوق زنان در تاریخ معاصر ایران می‌دانم همین رویه را پیش برد. زنان ایران به این خرد، آگاهی و درک رسیده‌اند که این تنها ایده و راهی است که آنان و کل ایران را نجات می‌دهد، آنها می‌دانند که در مبارزه با افراطی‌ترین رژیم مذهبی که نه تنها ضد زن بلکه بچه‌کش و ضدبشر است قرار دارند. این رژیم ایده‌های ضد انسانی خود را با روش‌هایی چون جداسازی جنسیتی و قومی و مذهبی و عقیدتی پیش برده. زنان مشروطه‌خواه برخلاف فعالان زن صرفاً فمینیست و استعمارطلبان جمهوری اسلامی تنها به دنبال حقوق زنان از جمله آزادی پوشش نیستند، آنها نه تنها کلیت نظام را نشانه گرفته‌اند بلکه علاوه بر آن می‌دانند که چه می‌خواهند و چه رویکردی نجات‌بخش آنها و هویت ملی‌شان خواهد بود.

● وجوه اشتراک ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان کدامند؟

از دید من امروزه ملی‌گرایی جنبش و حرکتی جهانی و یک راهکار برای حل مشکلات کنونی جهان به شمار می‌رود. شهروندان کشورهای گوناگون برای حل بسیاری از تعارضات و پیچیدگی‌های موجود در جهان در مسیر تقویت هویت ملی خود قرار گرفته‌اند و در این راه، محتوای دولت‌های حاکم را مورد انتقاد قرار می‌دهند بدون اینکه بر موضوعی چون نوع حکومت تمرکز کنند. این همان رویکردی است که بخشی از ملی‌گرایان ایران در پیش گرفته‌اند. پرسش شما پرسش قابل تأملی است چون معمولاً روی اختلاف نظرهای موجود میان ملی‌گرایان و پادشاهی‌خواهان بحث می‌شود در حالی که از دید من در حال حاضر باید بر روی نزدیک کردن این دو طیف

● «طیف تندرو جمهوریخواه که در سال‌های اخیر، بسیاری از آنها تمام موجودیت و مواضع خود را در قالب ضدیت با پادشاهی‌خواهی و ملی‌گرایی خلاصه کرده‌اند، از آنجا که هدف خاصی هم برای ایده‌های خود ارائه نداده‌اند کار سختی در پیش دارند. آنها بجای این رویکردها می‌توانند ضمن اعلام برائت از چپ تندرو جهانی و افراد و گروه‌های ضدایرانی و ضد دموکراسی‌خواه در این فضای سیاسی به شکل سالم رقابت کنند. همچنین چپ ملی‌گرا یا چپ میانه می‌بایست خود را متشکل ساخته و راه خود را از چپ افراطی و ایران‌ستیز جدا کند.»

● «زنان مشروطه‌خواه برخلاف فعالان زن صرفاً فمینیست و استعمارطلبان جمهوری اسلامی تنها به دنبال حقوق زنان از جمله آزادی پوشش نیستند، آنها نه تنها کلیت نظام را نشانه گرفته‌اند بلکه علاوه بر آن می‌دانند که چه می‌خواهند و چه رویکردی نجات‌بخش آنها و هویت ملی‌شان خواهد بود.»

● «ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان هر دو بر تمامیت ارضی و ملی‌گرایان و مشروطه‌خواهان هر دو با ایده‌های فدرالیستی طراحی شده برای کشورهای مدرن مخالف هستند. هر دو می‌دانند باید بر روی تقویت مفهوم میهن، ملی‌گرایی و منافع ملی تمرکز کرد تا ایران به عنوان خانه مشترک ما درست مثل دیگر کشورهای پیشرفته به آزادی و امنیت و آبادی و آبرو دست یافت و عضو مؤثر و شایسته‌ای از جامعه جهانی شد.»

● «بخشی از مردم وقتی دیدند صدایشان در جایی انعکاس پیدا نمی‌کند به دنبال رسانه‌ها و فعالان سیاسی معتمد در شبکه‌های اجتماعی رفتند که صداها و خواست آنها را بازتاب می‌دهند.»

فیروزه نوردستروم- نسیم بهروز مدرک کارشناسی خود را در رشته مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران دریافت کرد و پس از خروج از ایران تا کنون به عنوان تحلیلگر داده‌ها و مدیریت پروژه‌های مربوط به توسعه نرم‌افزار در کمپانی‌های مختلف آمریکا مشغول به کار بوده است. فعالیت‌های سیاسی او از زمان دانشجویی آغاز و با پیوستن وی به «فرشگرد» به عنوان یک فعال مشروطه‌خواه روندی جدی‌تر به خود گرفت. کیهان لندن در گفتگو با این عضو «فرشگرد»، شبکه‌ای که مدتی است به عنوان تشکیلات «حزب ایران نوین» فعالیت می‌کند، پرسش‌هایی را از جمله در مورد نقش زنان مشروطه‌خواه در انقلاب مهسا و نقش ایرانیان خارج کشور در پیشبرد این انقلاب مطرح کرده است.

● نقش زنان مشروطه‌خواه در انقلاب مهسا تا چه حد پررنگ است؟

فعالین سیاسی چپ ایرانی و جریان چپ جهانی بعد از قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز انقلاب ملی در ایران سعی در تحریف شعار «زن زندگی آزادی» با هدف سوء استفاده و بهره‌برداری از این شعار داشتند تا به این وسیله اهداف و خواسته‌های خود را پیش ببرند اما زنان ایران و به ویژه زنان مشروطه‌خواه داخل و خارج کشور تلاش کردند این انقلاب ملی را به درستی با عنوان جنبشی متعلق به همه مردان و زنان کشور معرفی کنند و تا کنون این نقش را به خوبی ایفا کرده‌اند. اولین نشانه‌های آن با تکمیل شعار «زن زندگی آزادی» با «مرد میهن آبادی» بود؛ شعاری که ۱۰ روز پس از کشته شدن مهسا امینی از سوی دانشجویان دختران دانشگاه علوم پزشکی شیراز در حالی که همکالسی‌های پسر آنها «زن زندگی آزادی» فریاد می‌زدند، سر داده شد. همچنین شاهد بودیم که زنان مشروطه‌خواه مثلاً در ایذه در بزرگداشت

→ خدمت کردند وارونه نشان دهد. در مقابل مردم نسبت به واقعیت‌های دوران پهلوی کنج‌کاوتر شدند و همین به اقبال به سوی پهلوی، ملی‌گرایی و میهن‌دوستی و گسترش مشروطه‌خواهی منجر شد، مخصوصاً نسل جوان وقتی چند ماه پیش در انقلاب مهسا به خیابان‌ها بازگشت دیدیم که عناصر ملی‌گرایی چقدر در بین آنها پررنگ‌تر شده است. البته مردم ایران، امروز فقط پهلوی‌گرا نیستند، قلمرو دیدگاه آنها فراتر رفته و تمایل دارند در مورد نظام پادشاهی و مشروطه‌خواهی بیشتر بدانند، در حالی که شاید در سال‌های گذشته تمایل به مشروطه‌خواهی تا این اندازه پررنگ نبود. به هر حال، مردم شکوه دوران پهلوی را به خاطر دارند، آن دستاوردها و عزت و آبروی ایران در آن سال‌های طلایی را فراموش نکرده‌اند، به همین دلیل تکیه بر دستاوردهای پهلوی را کلید نجات خود می‌دانند و از همین رو به شاهزاده رضا پهلوی اعتماد دارند و شاهد حمایت از وی و جریان مشروطه‌خواهی هستیم. این یک پشتوانه منطقی است که بر اساس تجربه و نقل به دست آمده و نه از روی احساسات و پیروی کورکورانه از این و آن یا برخی رسانه‌ها. البته این اشتیاق در داخل کشور شکل گرفت و در خارج با پاسخ و حمایت ایرانی‌گرایان همراه شد. در این میان، هر قدر مشروطه‌خواهان و ایرانی‌گرایان در رسانه‌ها منزوی شدند و دستشان از بلندگوهای تبلیغاتی کوتاه ماند و حتی از سوی «گروه منشور» که ظاهراً برای «همبستگی» بود رد صلاحیت شدند، هرگز امید خود را از دست ندادند بلکه به ایده‌ی خود در داخل کشور اطمینان دارند. بخشی از مردم هم وقتی دیدند صدایشان در جایی انعکاس پیدا نمی‌کند به دنبال رسانه‌ها و فعالان سیاسی معتمد در شبکه‌های اجتماعی رفتند که صداها و خواست آنها را بازتاب می‌دهند. از نمونه‌های آشکار هم‌گرایی و مرادده بین داخل و خارج می‌توان به موضوع پرچم اشاره کرد. بسیاری از شهروندان ایرانی ساکن ایران جان خود را به خطر انداختند تا پرچم ملی کشور را برافرازند. شیروخورشید بر بازوی مجیدرضا رهنورد باعث شد تا حکومت دست وی را بشکند و سپس او را اعدام کند. ولی مردم این اشتیاق را داشته و دارند و پرچم شیروخورشید را در ایران نیز بالا بردند، حال آنکه عده‌ای با سوء استفاده از واژه «اتحاد» سعی کرده و می‌کنند پرچم ملی ایران را در خارج کشور پایین بیاورند! آنها در تجمعات خود از برافراشته شدن این پرچم جلوگیری می‌کنند و در سخنرانی‌هایشان جای این پرچم را خالی می‌گذارند. اما ایرانی‌گرایان به خاطر احساس وظیفه‌ای که نسبت به ایرانیان داخل کشور دارند کوتاه نیامده و در مقابل این افراد که مهری نسبت به پرچم کشور ندارند مقاومت کردند. البته این اقدامات کافی نیست ما ملی‌گرایان و میهن‌دوستان طرفدار دمکراسی و حقوق بشر در خارج کشور اعم از جمهوریخواه و پادشاهی‌خواه و چپ و راست می‌توانیم صدای شهروندان ایرانی‌گرا داخل ایران را به خارج کشور منعکس کنیم، در شبکه‌های اجتماعی صدای آنها را به زبان‌های دیگر بازتاب بدهیم، تصاویر شعارها و اعتراضات ملی‌گرایان را به گوش قانونگذاران و اعضای دولت کشورهای محل سکونت خود برسانیم. وقتی مردم در کمیته‌ی مثل «من وکالت می‌دهم» شرکت می‌کنند یا در دیوانروسی‌های خود از شاهزاده رضا پهلوی می‌گویند، این کنش‌ها را به زبان‌های مختلف ترجمه کنیم تا دنیا ببیند که مردم ایران چه می‌خواهند و آلت‌ناتیو مورد اعتماد آنها کیست و اسم چه کسی را صدا می‌کنند. اجازه ندهیم روایت‌های دروغین، روایت غالب در خارج کشور باشد، خانواده زندانیان سیاسی مشروطه‌خواه همچون رضا نوروزی یا خانواده جانباخته‌ی میهن‌پویا بختیاری که از سوی بسیاری رسانه‌ها بایکوت شده‌اند باید حمایت شوند و صدای آنها منعکس شود.

● فکر می‌کنید انقلاب ملی ایران با شعار زن زندگی آزادی به چه سمتی خواهد رفت آنهم در شرایطی که بسیاری از دختران و زنان در ایران با وجود هشدارهای امنیتی همچنان به حجاب اجباری بی‌اعتنایی می‌کنند...

در آبان ۹۵ روح ملی‌گرایی مبتنی بر حقوق شهروندی در مبارزات مردم ایران متبلور شد و مبارزه آنها به سمت تازه‌ای حرکت کرد، هر بار که این اعتراضات خاموش شد و دوباره سربرآورد جلوه ملی‌گرایانه و میهن‌دوستانه آن بیشتر شده بود؛ هر بار شعارها رنگ ملی‌گرایانه پررنگ‌تری به خود گرفتند، مثلاً در جریانات سال ۸۸ که خودم هم حضور داشتم مردم شعار «مرگ بر خامنه‌ای» یا «مرگ بر دیکتاتور» سر می‌دادند اما در انقلاب مهسا شاهد ظهور شعارهایی چون «خامنه‌ای ضحاک می‌کشیمت زیر خاک» بودیم. با توجه به بار حماسی این شعار که یکی از شخصیت‌های شاهنامه فردوسی در آن نامبرده شده و وجه اشتراک ضحاک با خامنه‌ای، می‌بینیم یک شعار ساده «مرگ بر خامنه‌ای» چطور روح حماسی و ملی‌گرایی در آن دمیده شده. در انقلاب مهسا شعار «جانم فدای ایران» بارها تکرار شد و یا شعار «مرد، میهن، آبادی» تکمیل‌کننده «زن زندگی آزادی» شد. در مورد زنان، این روزها می‌بینیم بسیاری از آنها با وجود دوربین‌ها و تشدید قوانین و مجازات‌های سختگیرانه همچنان بدون روسری در کوچه و خیابان ظاهر می‌شوند، این مبارزه مدنی به شهروندان ایران این نوید را می‌دهد که انقلاب زنده است و جَوّ و فضای انقلابی ادامه دارد. در عین حال مردم به‌خصوص زنان در شبکه‌های اجتماعی تاکید می‌کنند که مشکل‌شان فقط حجاب نیست و مثلاً بر مشکلات معیشتی تاکید فراوانی می‌کنند. مشکلی که مثلاً به مردم ثابت شده که جمهوری اسلامی اراده و توان حل آن را ندارند. زنان ایران که قربانی تفکیک و تبعیض جنسیتی هستند به این انقلاب تنها به عنوان یک جنبش آزادیخواهانه برای فقط حقوق خود نگاه نمی‌کنند، آنها بیشتر از هر طیف دیگری در ایران مورد تبعیض قرار گرفته‌اند و با این حال می‌دانند که نباید حقوق آنها فقط به پوشش اختیاری و یکسری خواست‌های آنان تقلیل پیدا کند چون آن را چاره این ظلمی که اینهمه سال بر آنها رفته نمی‌دانند و خواهان بازگشت به هویت ملی خود به عنوان یک شهروند برابر با شهروندان دیگر هستند. فکر می‌کنم این روند در ماه‌های آینده تشدید شود و موج بعدی انقلاب ملی، روح و محتوای ملی‌گرایی خود را بیشتر نشان دهد.

● ملی‌گرایی بسیار عام و فراگیر است. جریانات چپ و راست و جمهوریخواه حامل چه نقش و مسئولیتی در آن هستند؟ - طی چهار دهه سرکوب آزادی‌های اجتماعی مدنی، رکود اقتصادی و انزوای سیاسی جمهوری اسلامی، مردم به فاشیسم مذهبی این حکومت پی برده‌اند، از طرفی شناخت و آگاهی آنها نسبت به کشورهای طیف چپ افراطی نظیر کره شمالی، کوبا و ونزوئلا بالا رفته، همین مقایسه وضعیت دوستان جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل در این سال‌ها و صداها دلیل دیگر باعث شد تا تمایلات مردم به طیف چپ کاهش پیدا کند و از آنجا که جامعه ایران ملی‌گراست، جریان چپ کار دشواری برای جلب اعتماد مردم ایران پیش رو دارد. همچنین طیف تندرو جمهوریخواه که در سال‌های اخیر، بسیاری از آنها تمام موجودیت و مواضع خود را در قالب ضدیت با پادشاهی‌خواهی و ملی‌گرایی خلاصه کرده‌اند، از آنجا که هدف خاصی هم برای ایده‌های خود ارائه نکرده‌اند کار سختی در پیش دارند. آنها بجای این رویکردها می‌توانند ضمن اعلام برائت از چپ تندرو جهانی و افراد و گروه‌های ضدایرانی و ضد دموکراسی‌خواه در این فضای سیاسی به شکل سالم رقابت کنند. همچنین چپ ملی‌گرا یا چپ میانه می‌بایست خود را متشکل ساخته و راه خود را از چپ افراطی و ایران‌ستیز جدا کند. همه می‌دانیم که احزاب چپ میانه در کشورهایی نظیر انگلستان، کانادا یا نیوزلند به هیچ وجه دشمن نهاد پادشاهی نیستند و پرچم خود را گرامی می‌دارند و بر سر تمامیت ارضی کشور خود نیز با کسی شومی ندارند. من به عنوان عضو «حزب ایران نوین» فکر می‌کنم در این شرایط، نیازمند یک فضای سیاسی سالم و پویا برای همکاری با جریانات میهن‌دوست چپ، راست و طرفدار جمهوری و پادشاهی دمکراسی‌خواه هستیم.

درد

دگردیسی؛

مقاله اول:

بهترین زمان و

بدترین ایام

● خیزش ۱۴۰۱، عرصه‌ای بود برای بهترین و بدترین اتفاقات ممکن در سیر دگردیسی جامعه ایران. جایی بود برای حضور افراد و گروه‌های متنوع سیاسی با بهترین و بدترین انگیزه‌ها. صحنه‌ای بود برای بازی شریف‌ترین و شریرترین آدم‌ها. موقعیتی بود برای درک امید و ناامیدی در بالاترین حد. مجالی بود برای نمایش حماسه و حقارت در نمایان‌ترین وضعیت ممکن. از اپوزیسیون استخواندار تا نوسریدگان سیاسی مشکوک، از قربانیان شناسنامه‌دار تا شهیدنمایان بی‌هویت، از میهن‌دوستان رنج‌کشیده تا فرصت‌طلبان آماده‌خور، از اندیشمندان باوقار تا لمپن‌های عریض‌جوب، از هنرمندان دردمند تا سلبریتی‌های حزب‌باد، از احزاب ایراندوست تا دستجات تجزیه‌طلب، از محافظه‌کاران تنزه‌طلب تا تندروهای ولنگار و...

● بر کسانی که نادانسته به خیزش ۱۴۰۱ رنگ قدسی می‌زنند و آنرا بی‌نیاز از نقد می‌بینند، حَرَجی نیست. بیشینه این جماعت، تفاوتی با گذشته‌شان نکرده‌اند. زمانی رمه‌وار دنبال عباي شکلاتی و انگشت بنفش بودند و اکنون نادم از گذشته، ختم «برای...» «برای...» گرفته‌اند تا به خود و امثالشان ثابت کنند که اینبار «سمت درست تاریخ» ایستاده‌اند.

● طغیان زمانی رخ می‌دهد که امید و ناامیدی در نقطه‌ای برگشت‌ناپذیر بهم می‌رسند و انسان‌ها برای رهایی از استیصال ناشی از این برخورد عصیان می‌کنند. اینجا همان نقطه‌ای است که سپیده‌دم در تاریک‌ترین لحظه از شامگاه می‌دمد. دگردیسی جامعه ما در آخرین مرحله‌ی تکوین است. امیدوار و ناامید، در بهترین و بدترین زمان خود هستیم. باشد که به مدد انسانیت خود از این مرحله به سلامت گذر کنیم.

یوسف مصدقی- فارغ از اینکه وقایع نیمه دوم سال ۱۴۰۱ را انقلاب بنامیم یا خیزش، جنبش بدانیم یا شورش، اعتراض بخوانیم یا اغتشاش، آن وقایع، چنان تکانی به تمام بخش‌ها و طبقات جامعه ایران داده‌اند که تا هنوز، لرزه‌ها و پس‌لرزه‌های آن، از مرکز تا دورست‌ترین مناطق کشور ما حس می‌شوند. جامعه ایران سال‌هاست که در حال دگردیسی و پوست انداختن است. خیزش سراسری ۱۴۰۱، نویددهنده‌ی فرجام این دگردیسی است.

طغیان، تنها چاره برای داشتن آینده

از دی‌ماه ۱۳۹۶ به بعد، باورش‌کستگی کامل دکان اصلاح‌طلبی حکومتی و اقبال عمومی به گفتمان براندازی، میل به طغیان و شورش در برابر ظلم موجود، روز به روز در جای‌جای ایران نمایان شد. از آن زمان تا کنون، آنچه انکارنشده‌ی است، حضور متناوب و رو به گسترش ناراضیان از وضع موجود، با هر باور و عقیده سیاسی، در فضای عمومی و تحمیل این حضور ←

→ به حاکمیت تبهکار مستقر و هواداران سازمانیافته آن بوده است.

هرچند این حضور متناوب را هر بار بهانه‌ای نو سبب شده اما فصل مشترک این بهانه‌ها، طغیان نابی است که تنوع و تکثر ناراضیان را همبسته کرده و براندازی حکومت جمهوری اسلامی را به تنها گزینه ممکن برای داشت «آینده»، بدل کرده است. به بیان دیگر، اگر پیش از این، برای بسیاری از ایرانیان، ماندن در وضعیت خاکستری و باور به سراب اصلاح تدریجی حکومت جمهوری اسلامی، نوید نوعی همزیستی را با نظام و هواخواهانش در «آینده» ای محتمل می‌داد، از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰، خشونت، فساد، فریبکاری و تبهکاری رو به فزونی حاکم بر جمهوری اسلامی، تازیه‌هایی پیاپی را بر گرده این قشر خاکستری نواخت و این بخش از جامعه را از خوش‌خیالی و خودفریبی به‌در آورد.

هم از این روست که طی سال‌های اخیر، این پندار بر ناراضیان از وضع موجود غالب شده که: با استمرار حکومت جمهوری اسلامی، «آینده» بی‌معناست. ساده و سراسر، تنها امکانی که تصور «آینده» را برای بخش بزرگی از باشندگان ایران میسر می‌کند، براندازی و نابودی تمامیت حکومت جمهوری اسلامی است. چنین پنداری، راهی جز طغیان و قیام پیش پای باورمندان‌ش نمی‌گذارد زیرا تصور استمرار جمهوری اسلامی دقیقاً برابر است با کابوس «بی‌آیندگی» برای مخالفان و ناراضیان.

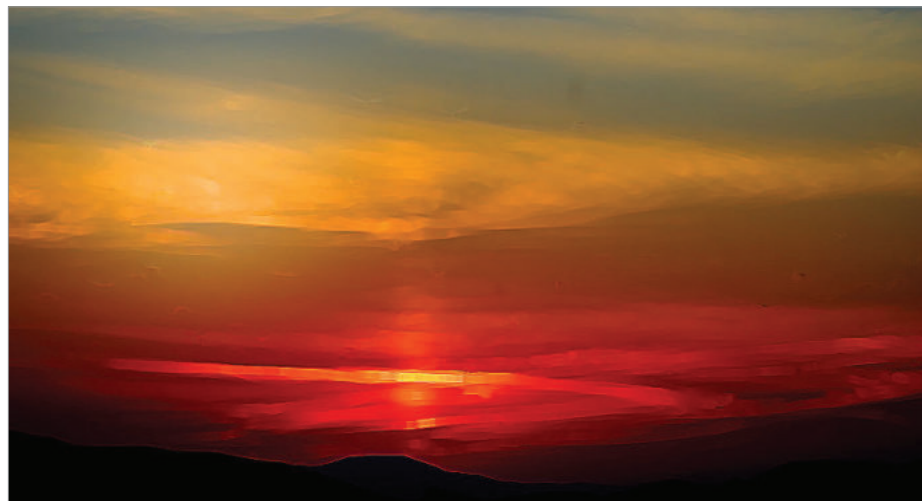
آنکه «آینده» ندارد، بودنش تهی از معناست و این تهی‌شدگی، جز با طغیان در برابر عامل این پوچی، پُر شدنی نیست. به بیان تمثیلی، شبیه شتری است گرفتار سراب و تنگ حوصله از جور ساربان، که به طغیان، رگ گردن ساربان به دندان می‌درد. چنانکه سیمین بهبهانی تصویرش کرده:

و در این تهی‌شده می‌بینی همیان اُشتر عطشان را
که جنون برآمده با صبرش، نرود سبک به گرانباری
و جنون دو نبشۀ رخشان شد به صف خشونت دندان‌ها
که ز صبر کینه به بار آید؛ که ز کینه زخم شود کاری
و نگاه کن که به کین توزی، رگ ساربان زده با دندان
ز سراب حوصله تنگ آمد؛ و نگاه کن به شتر، آری!

دَرهَم‌ستان یک طغیان ناب

از چنین چشم‌اندازی، طغیان در برابر پوچی حاکم بر وضع موجود، ناب و معنابخش است. ناب است زیرا هیچ عنصری خارج از اراده طغیانگران در آن دخالت ندارد؛ و معنابخش است زیرا در تقابل با پوچی و بی‌معنایی، عمل جایگزین بی‌عملی شده است. آنچه اما نباید از نظر دور داشت این است که این طغیان در عین وحدت‌بخشی، یک دَرهَم‌ستان (Heterotopia) است. ملغمه‌ای است از خوب و بد هرچه در طیف متنوع و رنگارنگ ناراضیان از وضع موجود یافت می‌شود. خیزش ۱۴۰۱، عرصه‌ای بود برای بهترین و بدترین اتفاقات ممکن در سیر دگردیسی جامعه ایران. جایی بود برای حضور افراد و گروه‌های متنوع سیاسی با بهترین و بدترین انگیزه‌ها. صحنه‌ای بود برای بازی شریف‌ترین و شریرترین آدم‌ها. موقعیتی بود برای درک امید و ناامیدی در بالاترین حد. مجالی بود برای نمایش حماسه و حقارت در نمایان‌ترین وضعیت ممکن.

از اپوزیسیونِ استخواندار تا نوسیدگانِ سیاسی مشکوک، از قربانیانِ شناسنامه‌دار تا شهیدنمایانِ بی‌هویت، از میهن‌دوستانِ رنج‌کشیده تا فرصت‌طلبانِ آماده‌خور، از اندیشمندانِ باوقار تا لمپن‌های عریضه‌جو، از هنرمندانِ دردمند تا سلبریتی‌های حزب باد، از احزاب ایران‌دوست تا دستجات تجزیه‌طلب، از محافظه‌کاران تنزه‌طلب تا تندروهای ولنگار، و غیره و غیره و غیره، اندرون این دَرهَم‌ستان جایگیر شدند تا بلکه از خیزش



صاحب‌سبک، در کتاب در دست انتشار (یا ممنوع از انتشارش) «داستان آیندگان»، برای توصیف ایام انقلاب ۱۳۵۷ و ماجراهای پس از آن، سرآغاز کتاب «داستان دو شهر» چارلز دیکنز را شاهد مثال آورد که:

«بهترین زمان بود، بدترین زمان بود، عصر خرد بود، عصر حماقت بود، دوره ایمان بود، دوره ناباوری بود، فصل روشنایی بود، فصل ظلمت بود، بهار امید بود، زمستان ناامیدی بود، همه چیز در برابر داشتیم، هیچ در کف نداشتیم، همه یگراست به بهشت روان بودیم، همه یگراست به سوی دیگر می‌رفتیم - خلاصه، دوره‌ای بود مثل عصر حاضر که بعضی از پرسووداترین صاحب‌نظرانش اصرار داشتند هرچه هست، خوب یا بد، کسی جز با اغراق درباره آن حرف نزنند.»

تکمله

خیزش سراسری ۱۴۰۱، موجب تغییراتی بنیادین در جامعه ایران شد. این خیزش، عموم مردم را همدل و حکومت تبهکار و اقلیت مزدور را افسرده کرد. به واسطه این خیزش، برای نخستین بار پس از قرن‌ها سلطه مذهب بر جسم و جان انسان ایرانی، بخش بزرگی از ایرانیان شجاعانه در مقابل این سلطه طغیان کردند. این طغیان، عرصه عمومی را از حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی پس گرفت و چهره خیابان‌های کشور را چنان دگرگون کرد که به کابوسی برای اصحاب شریعت بدل شده. انگار رؤیایی دور و دراز تعبیر شده است. خیزش ۱۴۰۱، چهره‌های درخشان کم نداشت. نام‌هایشان، هر کدام، جایگاهی ماندگار در تاریخ معاصر ایران خواهند داشت. چنانکه آثار هنری و همبستگی جمعی که از این خیزش الهام گرفتند، در تاریخ ایران درخشان و کم‌نظیر هستند. به شرط بقاء، در مقالات آینده به این درخشش‌ها پرداخته خواهد شد. مقاله حاضر اما بیش از هر چیز بر این نکته تکیه دارد که این خیزش سترگ پدیده‌ای به غایت انسانی بوده و باید انسانی فهمیده و تحلیل شود. پیش‌نیاز چنین فهمی، دوری گزیدن از اغراق‌ها و شعارهایی است که وجه انسانی این جنبش را می‌زداید و به آن رنگ تقدس می‌زند. تقدس دادن به پدیده‌ای پیچیده چون خیزش ۱۴۰۱، راه به ناکجایی می‌برد که نهایت آن، ناامیدی ناشی از کج‌فهمی و ساده‌انگاری است. نکته آخر اینکه، طغیان زمانی رخ می‌دهد که امید و ناامیدی در نقطه‌ای برگشت‌ناپذیر بهم می‌رسند و انسان‌ها برای رهایی از استیصال ناشی از این برخورد عصیان می‌کنند. اینجا همان نقطه‌ای است که سپیده‌دم در تاریک‌ترین لحظه از شامگاه می‌دمد. دگردیسی جامعه ما در آخرین مرحله‌ی تکوین است. امیدوار و ناامید، در بهترین و بدترین زمان خود هستیم. باشد که به مدد انسانیت خود از این مرحله به سلامت گذر کنیم.

اخیر، در جهت منافع و برنامه‌های خود استفاده کنند. چنین دره‌مستانی البته منزه از خطا و لغزش نیست و اصولاً توقع پاکیزگی مطلق از چنین پدیده‌ای، نشان از عدم اطلاع از ماهیت آن دارد.

دره‌مستان به هیچ وجه فضایی آرمانی نیست. فضایی است ناهمگن و سرشار از تضاد و تعارض. بنابراین توصیفات یکسویه و یکدست، پر از اغراق و سرشار از احساسات آبکی، آمیخته با یک مشت شعار بی‌معنی، نه تنها کمکی به شناخت آن نمی‌کند بلکه موجب گمراهی کسانی می‌شود که مخاطب چنین توصیفات قرار می‌گیرند.

انسانی، زیادی انسانی!

یکی از بارزترین خصوصیات خیزش ۱۴۰۱، این جهانی بودن و انسانی بودن آن بود. بیشتر جانباختگان و چهره‌های نمادین این حرکت عظیم، جوانانی زیبا و عاشق زندگی بودند. از هیچیک از این عزیزان، تصویر یا کلامی در تأیید هیچ نوعی از ایدئولوژی یا ستایش از هیچ شکلی از یک جامعه آرمانی باقی نمانده است. تمام آن شجاعت‌ها و ازجان‌گذشتگی‌های این جوانان عاشق، برای رسیدن به یک زندگی معمولی در جامعه‌ای عادی رخ دادند. اینکه با هر نیتی، تصویری اهورایی، مینوی و بی‌خطا از این خیزش ترسیم کنیم، در تضاد با واقعیت انسانی آن است.

بر کسانی که نادانسته به خیزش ۱۴۰۱ رنگ قدسی می‌زنند و آنرا بی‌نیاز از نقد می‌بینند، خرچی نیست. بیشینه این جماعت، تفاوتی با گذشته‌شان نکرده‌اند. زمانی رمه‌وار دنبال عبا‌ی شکلاتی و انگشت‌بنفش بودند و اکنون نادم از گذشته، ختم «برای...» «برای...» گرفته‌اند تا به خود و امثالشان ثابت کنند که اینبار «سمت درست تاریخ» ایستاده‌اند. این جماعت، یک‌چندی، تا زمانی که به تنظیمات کارخانه برگردند، با تمام وجود از دستاوردهای «انقلابی» که خود در آن نقشی نداشته‌اند، دفاع می‌کنند و سپس بی هیچ اثری، در افق سرگردانی همیشگی‌شان محو خواهند شد.

نکوهش اما کسانی را سزااست که به عنوان کارشناس و تحلیلگر، مدام در رسانه‌ها، کنفرانس‌ها و دوره‌های برون‌مرزی مشغول دُرُفشانی هستند و بجای نقد خیزش اخیر و فهم کاستی‌های آن، به عمد و دانسته، چنان تصویر کامل و بی‌نقصی از این خیزش می‌سازند که انگار «انقلاب» در اوج پیروزی است و چسبیده‌های این «انقلاب»، به واسطه اتصال به آن، بری از خطا هستند. این به‌اصطلاح صاحب‌نظران، گفتارشان گاهی چنان سرشار از اغراق و آلوده به احساسات آبکی است تو گویی که اهل منبر در آنها حلول کرده‌اند. چند سال پیش، محمد قائد، روزنامه‌نگار و مقاله‌نویس

گفتگو با نویسنده «غبار بی سوار»: نخستین دغدغهی من مسئله زنان است

شوند. حتی برخی از نوشته‌هایم به صورت نمایشی کوتاه با استفاده از توانایی‌های ایشان به اجرا گذاشته شده است.

● شما فعالیت ادبی را یا انتشار مجموعه شعر آغاز کردید...

-بله، در ابتدا اعتماد به نفس لازم را برای ورود به عرصه داستان و رمان نداشتم. در نتیجه از بیان احساسات شخصی در قالب شعر شروع کردم که به نسبت طراحی ساختار داستان و شخصیت‌پردازی کار ساده‌تری است. ولی اتفاقی که افتاده آن است که از حدود چهل سال پیش خوشبختانه تعداد نویسندگان و شاعران زن ایرانی بسیار افزایش پیدا کرده و امروزه دیگر صحبت از ده‌ها نویسنده و شاعر زن می‌شود. افزایش حضور زنان در صحنه شعر و ادب فارسی به من جرات داد و تصمیم گرفتم با جدیت کارم را ادامه دهم و به مرور اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردم که توانایی‌هایم را در عرصه داستان کوتاه و رمان هم بیازمایم.

● انگیزه‌ها و دغدغه‌های اجتماعی شما برای نوشتن چیست؟

-اینکه احساسات و افکارم را با دیگران به اشتراک بگذارم تا آنها هم اظهار نظر کنند و تبادل اندیشه صورت گیرد. من تشنه ارتباط با خوانندگان و مخاطبانم هستم و بسیار مایلیم که از قضاوت آنان درمورد ارزش ادبی و محتوایی کارهایم باخبر شوم.

دیگر انگیزه من از انتشار این کتاب‌ها آن است که به مناطق محروم از کشورمان کمکی کرده باشم. نحوه کمک من هم اهدای این کتاب‌ها به کتابخانه‌های مناطق محروم کشور است. با این کار امیدوارم مشوقی باشم تا جوانان با استعداد و علاقمند به شعر و ادب در این مناطق وارد این عرصه شوند و احساسات و افکارشان را بیان کنند. انگیزه دیگر آنست که درآمد هرچند ناچیز ناشی از فروش کتاب‌هایم، به احداث کتابخانه در مناطق محروم کشور و این آخری در ایرانشهر استان سیستان و بلوچستان اختصاص داده شده است.

● چه مجموعه اشعاری بیرون داده‌اید؟

-من وقت زیادی را به پیاده‌روی اختصاص می‌دهم و این کار را بسیار دوست دارم زیرا علاوه بر ورزش، حین پیاده‌روی ایده‌های مختلف به ذهنم می‌رسد. در حین راه رفتن می‌توانم در نوعی آرامش فکر کنم و همزمان از دیدن مناظر طبیعت لذت ببرم. این فرصتی است که بتوانم احساسم را نسبت به چیزهایی که می‌بینم بیان کنم. در همین پیاده‌روی‌ها بود که ایده دفتر «دلنوشته» به ذهنم رسید. کار دوم که فکر می‌کنم متحول‌تر از اولی بود با عنوان «تاک پیر» در همین پیاده‌روی‌ها شکل گرفت و خوانندگان و مخاطبین بازخورد مثبتی داشتند.

-به این ترتیب شما پس از بازنشستگی و مهاجرت به بریتانیا کار ادبی جدی خود را شروع کردید.

-بله، درگیر بودن و وظایف کار دولتی وقت زیادی از من می‌گرفت و درواقع مانعی بود تا به کاری که از صمیم قلب دوست دارم بپردازم؛ به عبارت دیگر، اول بیاموزم و بعد بنویسم. ولی بعد از بازنشستگی و مهاجرت این فرصت به دست داد تا به کاری که عمیقاً دوست دارم مشغول شوم. کتاب «دالان یادها و خاطره‌ها» محصول این دوران است.

در مورد رمان باید بگویم که هیچگاه فکر نمی‌کردم بتوانم رمان بلند بنویسم. ایده رمان «غبار بی سوار» زمانی به ذهنم رسید که مشغول تماشای عکس‌های قدیمی خانوادگی



فریده درویش

که از گذشته‌های بسیار دور بطور پراکنده یادداشت‌های زیادی داشتم. جمع‌آوری و تنظیم این خاطرات باعث شد که ابتدا دفتر شعر «دلنوشته‌ها» را با نام «ایستاده بمیر» در سال ۱۳۹۶ به چاپ برسانم که اشعار آن به سال‌های نخست از دست دادن همسرم بر می‌گردد. در نتیجه این کتاب بیشتر بیان احساسات شخصی است. بعد از انتشار این دفتر اطمینان بیشتر یافتم که می‌توانم این مسیر را ادامه دهم. دومین دلنوشته‌ام با نام «تاک پیر» در ۱۳۹۸ منتشر گردید و ادامه این مسیر فرصتی داد که توان خودم را در زمینه داستان‌نویسی نیز بیازمایم که دو کتاب «دالان یادها و خاطره‌ها» و «غبار بی سوار» محصول این دوره هستند.

-چه نویسندگان ایرانی و خارجی بر شما تاثیر گذاشته‌اند؟
-در نوجوانی و جوانی من تعداد نویسندگان زن ایرانی انگشت‌شمار بودند. باید از سیمین دانشور، دولت آبادی، مهشید امیرشاهی، پاری پورو روانی‌پور نام ببرم و البته خانم زویا پیرزاد را از قلم‌نبندازم که بسیار به آثار او علاقه دارم. البته هیچ توهمی ندارم که نوشته‌هایم در سطح آثار این بزرگان ادب است.

آثار همه این نویسندگان زن را خوانده‌ام و از آنها بسیار آموخته‌ام. به موازات ادبیات فارسی، همواره ادبیات جهانی را نیز، از جمله آثار آلکساندر دوما، ماتینسن، خواهران بروننه، تولستوی، داستایوسکی و دانته را به صورت جدی دنبال کرده‌ام. برای کسانی که ادبیات جهانی را دنبال می‌کنند اینان چهره‌های شناخته شده‌ای هستند. من امکان مطالعه زیادی داشتم زیرا در آخرین سال دبیرستانم کتابخانه‌ای با هزار جلد کتاب داشتم که متأسفانه بسیاری از کتاب‌هایم در جریان انقلاب از دسترس خارج شدند.

ناگفته نگذارم که جدیت‌ام را در ادامه کار نویسندگی مدیون دوست خویم، خانم شیدا فیروزی هستم که هنرمندی است فعال در عرصه تئاتر و بازیگری که بطور جدی به امور خیریه در مناطق محروم ایران می‌پردازد. او در سال‌های اخیر مشوق پیگیر من در فعالیت ادبی بوده. ساعت‌ها با من نشست و در تنظیم و ویراستاری مطالب به من کمک کرده تا بالاخره یادداشت‌هایم شایسته انتشار

● چندی پیش تازه‌ترین رمان فریده درویش به نام «غبار بی سوار» منتشر شد. وی پیشتر با مجموعه اشعار و داستان کوتاه «دالان یادها و خاطره‌ها» در جامعه ایرانی لندن شناخته شده بود. کیهان لندن در ارتباط با رمان اخیر او و نیز آثار دیگرش گفتگویی با او داشته است.

فریده درویش دانش‌آموخته رشته علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است و به عنوان کارشناس برنامه‌ریزی برای سال‌های طولانی در سازمان‌های دولتی خدمت کرده است. وی به واسطه شغل خود، با گروه‌های محروم اجتماعی در شهر و روستا در تماس نسبتاً دائم بوده و شناخت عمیقی از زندگی، مسائل و مشکلات آنان دارد. او بعد از بازنشستگی و مهاجرت به لندن فرصتی یافت تا تجارب و مشاهدات خود را دستمایه داستان و رمان قرار دهد.

چندی پیش تازه‌ترین رمان فریده درویش به نام «غبار بی سوار» منتشر شد. وی پیشتر با مجموعه اشعار و داستان کوتاه «دالان یادها و خاطره‌ها» در جامعه ایرانی لندن شناخته شده بود. کیهان لندن در ارتباط با رمان اخیر او و نیز آثار دیگرش گفتگویی با او داشته است.

● خانم درویش، از چه زمانی به سرودن شعر و داستان‌نویسی علاقمند شدید؟

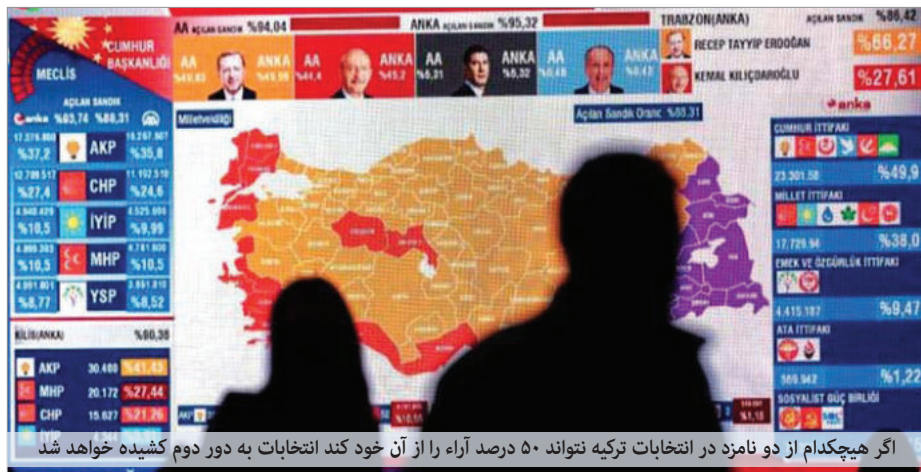
-من از نوجوانی با فرهنگ ایران و ادب فارسی آشنا شدم. این آشنایی را مدیون مادربزرگم و شوهرخاله‌ام هستم که از او به عنوان پدرخوانده‌ام می‌توانم نام ببرم. آنها با تشویق مداوم نقش مهمی در توجه من به شعر و ادب فارسی و فعالیت در این عرصه داشتند. علاوه بر این، استادانی چون زنده‌یاد دکتر سجادی را در دوران دبیرستان داشتم که علاقه مرا به شعر و ادب فارسی ژرفا بخشیدند. من از نوجوانی شروع به نوشتن کردم هرچند که آن زمان بطور جدی در فکر نویسندگی و و شاعر شدن نبودم و اساساً خود را در چنین جایگاهی نمی‌بینم.

درگذشت ناهنگام همسرم در پانزده سال پیش ضایعه‌ای بزرگ برایم بود زیرا همواره مشوق من در تنظیم نوشته‌هایم بود. به دنبال این ضایعه و درخواست فرزندانم ناچار به مهاجرت به لندن شدم. در سال‌های نخست زندگی برایم در محیطی غریب بسیار سخت می‌گذشت. از این رو تصمیم گرفتم که با پرداختن به ادبیات و جدیت در آن به آرامشی درونی دست یابم. به این ترتیب فرصتی پیش آمد که به بازبینی نوشته‌ها و یادداشت‌هایم از گذشته‌های دور بپردازم و بطور جدی به انتشار آنها بیندیشم. بدین منظور می‌بایست به این نوشته‌ها و یادداشت‌ها سر و سامان می‌دادم.

من تحت تاثیر نویسنده بزرگ، آرتور کستلر، بر این باورم که یادآوری خاطرات دام عاطفی بزرگی است. همیشه حداکثر تلاش آن بوده که در این دام نیفتم و اجازه ندهم که خاطرات نوستالژیک به سراغم بیایند. اما اخیراً متوجه شدم که هر روز بیشتر در خاطرات گذشته فرو می‌روم و گاه حتی می‌خواهم در آن حال بمانم.

دوره کرونا که فرا رسید، فرصتی مغتنم در اختیارم گذاشت تا به مرور خاطرات گذشته بپردازم. اساساً فاصله‌گذاری فیزیکی ناشی از کرونا، در مورد من حداقل، معجزه‌آور بود. در این دوره توانستم در سکوت بنشینم و مروری بر خاطراتم و دوران شغلی خود داشته باشم. همانطور که گفتم

انتخابات ریاست جمهوری ترکیه؛ رجب طیب اردوغان بعد از ۲۰ سال احساس خطر می کند



اگر هیچکدام از دو نامزد در انتخابات ترکیه نتواند ۵۰ درصد آراء را از آن خود کند انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد

پیروز این انتخابات قلیچداراوغلو است. با اینهمه در ساعات پایانی شب هواداران اردوغان در چند شهر به خیابان آمدند و در حالی که شمارش آراء همچنان ادامه دارد «جشن پیروزی» گرفتند. در بعضی کشورهای خارجی ترکیه‌ای‌های هوادار دو نامزد با هم درگیر شدند.

بر اساس جدولی که خبرگزاری دولتی آناتولی منتشر کرده آرای قلیچداراوغلو در شهرهای بزرگ ترکیه از جمله آنکارا، استانبول، آنتالیا، مارماریس، دنیزلی، ازمیر، بالیکسیر، مرسین و اسکیشهر و استان‌های شرقی بیشتر است اما اردوغان آرای نواحی مرکزی و استان‌های مذهبی را همچنان پشت سر خود دارد. بیشتر شهروندان ترکیه مقیم روسیه، چین، آمریکا، کانادا و استرالیا به قلیچداراوغلو رأی داده‌اند اما شهروندان مقیم آلمان، بلژیک، فرانسه، تونس، مصر، ایران و پاکستان عمدتاً به اردوغان رأی داده‌اند.

در شبکه‌های اجتماعی ویدئوهایی منتشر شده که به نظر می‌رسد تعدادی تعرفه رأی به صورت فله‌ای برای اردوغان مَهر می‌خورد. هواداران قلیچداراوغلو موضوع تقلب در انتخابات را مطرح کرده‌اند. این قضیه با واکنش قلیچداراوغلو مواجه شد. وی در تویییت با انتقاد از سرعت شورای عالی انتخابات نوشت: «از قهرمانان دموکراسی می‌خواهم تا وقتی گزارش نهای صندوق‌ها تحویل داده نشده آنها را ترک نکنند. تجلی کامل و صحیح اراده مردم به عزم شما بستگی دارد. خواهید دید که به خستگی‌تان می‌ارزد.»

در انتخابات پارلمانی ترکیه نیز شمارش حدود ۹۸ درصد آراء تمام شده و «حزب عدالت و توسعه» (حزب اردوغان) ۲۶۶ کرسی و «حزب جمهوریخواه خلق» (حزب قلیچداراوغلو) ۱۶۹ کرسی به دست آوردند. دلیل اینکه تعداد آرای قلیچداراوغلو در پارلمان کاهش پیدا کرده مربوط به آرای مردم در استان‌های کردنشین در شرق ترکیه است که به نامزدهایی از طوایف و قوم خود در مجلس این کشور رأی داده‌اند.

هاکان اکباس مدیر مؤسسه خدمات استراتژیک سیاسی در ترکیه به رویترز گفته است اردوغان در دور دوم دست پیش را خواهد داشت و بهتر از ائتلاف مخالفان خود عمل خواهد کرد. سنان اوغان نامزد سوم در این انتخابات که نزدیک به ۲/۵ درصد آراء را از آن خود کرده، شاید بتواند بسته به اینکه از کدام دو نامزد نهایی حمایت کند معادله را در ترکیه تغییر دهد.

● به نظر می‌رسد که انتخابات ریاست جمهوری ترکیه به دور دوم کشیده می‌شود زیرا نتایج اولیه نشان می‌دهد که رجب طیب اردوغان و رقیب اصلی او کمال قلیچداراوغلو اکثریت آرای لازم را برای پیروزی کسب نکرده‌اند.

● خبرگزاری دولتی آناتولی گزارش داد شمارش حدود ۹۸ درصد آراء تمام شده و اردوغان حدود ۴/۴۹ درصد و قلیچداراوغلو حدود ۹۶/۴۴ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند.

● بیشتر شهروندان ترکیه مقیم روسیه، چین، آمریکا، کانادا و استرالیا به قلیچداراوغلو رأی داده اما شهروندان مقیم آلمان، بلژیک، فرانسه، تونس، مصر، ایران و پاکستان عمدتاً به اردوغان رأی داده‌اند.

● سنان اوغان نامزد سوم در این انتخابات که نزدیک به ۲/۵ درصد آراء را از آن خود کرده، شاید بتواند بسته به اینکه از کدام دو نامزد نهایی حمایت کند معادله را در ترکیه تغییر دهد.

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان ترکیه روز یکشنبه ۱۴ ماه مه (۲۴ اردیبهشت) برگزار شد. طبق آخرین آمار از نتیجه شمارش آراء احتمالاً رجب طیب اردوغان (حزب عدالت و توسعه) مجبور باشد در دور دوم با کمال قلیچداراوغلو (حزب جمهوریخواه خلق) رقابت کند.

اردوغان در ساعات اولیه شمارش آراء پیش‌تاز بود و بالای ۵۱ درصد رأی داشت اما به تدریج تعداد آراء قلیچداراوغلو افزایش پیدا کرد. این یعنی محبوبیت اردوغان پس از دو دهه قدرت کاهش یافته است.

طبق آخرین اعلام هیأت عالی انتخابات ترکیه شمارش نزدیک به ۹۵ درصد صندوق‌های رأی تمام شده و رجب طیب اردوغان حدود ۴۰/۴۹ و کمال قلیچداراوغلو ۹۶/۴۴ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند.

قلیچداراوغلو از کشیده شدن انتخابات به دور دوم استقبال کرده و گفته «اردوغان به نتیجه مطلوب خود نرسیده و ما در دور دوم پیروز خواهیم شد.»

اردوغان نیز مدعی شده «معتقدیم در دور اول می‌بریم و نتایج انتخابات پارلمانی هم نشان می‌دهد ائتلاف مادر اکثریت است.» او افزود «بیش از دو و نیم میلیون رأی از رقیب اصلی خود جلوتر است و توقع دارد با اعلام نتایج رسمی این رقم افزایش یابد.»

شهردار ترکیه که از مخالفان سرسخت اردوغان است گفته

بوم. دیدن چهره یکی از بستگان مرا برانگیخت که چیزی در مورد زندگی این شخص بنویسم. البته در نوشتن این رمان تحت تاثیر شعر معروف زنده‌یاد هوشنگ ابتهاج بودم که «در این سرای بی‌کسی، کسی به در نمی‌زند...»
● در مورد داستان و شخصیت‌پردازی «غبار بی‌سوار» هم کمی توضیح بدهید.

-داستان در مورد دختری است که مادرش در حین زایمان جان می‌سپارد و او با کمک مادرخوانده‌اش (زن پدر و زنی زمو) بزرگ می‌شود. در دوران جوانی دل‌بسته جوانی می‌شود که خواهان زندگی مشترک با اوست ولی این خواسته برآورده نمی‌شود. در نتیجه روال زندگی او دستخوش ناملایماتی می‌گردد که او را در مسیری دیگر قرار می‌دهد. در این رمان با چند گونه از شخصیت‌های زن مواجه می‌شویم؛ زنی مدیر نظیر ماه‌آفرید؛ زانی مهربان چون اکرم و رعنا؛ زانی حسود و خودخواه مانند بنفشه؛ زانی فرصت‌طلب و خالی از هرگونه احساس انسان‌دوستانه نظیر مهرخ. در زندگی از این نوع شخصیت‌ها زیاد می‌بینیم و از کنارشان می‌گذریم. البته شخصیت اصلی داستان منبره است که می‌توان او را نمونه‌ی بارزی از محرومیت توأم با مظلومیت شمرد.

● آیا نابرابری حقوقی جنسیتی در جامعه ما از دغدغه‌های شما نیز هست؟

-اولین دغدغه فکری من مسئله زنان است. این مسئله حتی از دوران کودکی با من بوده که متوجه شدم حتی در خانواده‌های روشنفکر ما، بین زن و مرد و نحوه برخورد با پسر و دختر نابرابری‌هایی وجود دارد. آن حمایت و پشتگرایی که از پسران در خانواده‌های ایرانی می‌شود، از دختران نمی‌شود. در خانواده‌ی ما والدین تبعیضی بین من و برادرم قائل نمی‌شدند. ولی از دوران دانشگاه و همزمان که وارد کار داوطلبانه و سپس وارد فعالیت اجتماعی و شغلی شدم و وضعیت زنان کارگر را از نزدیک دیدم به خوبی شاهد وجود نابرابری‌ها و تبعیض بین زنان و مردان بودم. همین تجربه‌ی مستقیم انگیزه‌ای شد که دنبال راهی باشم که به زنان کارگر کمک کنم تا از این شرایط رهایی یابند. تا حدی هم در این زمینه موفق شدم. توضیح آنکه به واسطه‌ی کارم دسترسی به قوانین کار در کشورهای مختلف برایم میسر بود و همین آشنایی کمک کرد که قوانین مدرن و عادلانه‌تری را از طریق مراجع قانونی وارد قوانین کار در ایران بکنم.

بنا بر وظایف شغلی در محیط روستایی هم از نزدیک شاهد وضعیت دشوار و محرومیت‌های فراوان زنان کشاورز بودم و اینها را لمس کرده‌ام. وقتی این وضعیت را می‌دیدم تلاشم را دو چندان می‌کردم که کمکی به آنها کرده باشم زیرا محرومیت‌های حقوقی و قانونی زنان بسیار رنجم می‌دهد.

● به نظر می‌رسد شما مواضع قوی فمینیستی دارید...
-من در جایگاه یک زن به تبعیض‌ها و نابرابری‌هایی که در جامعه وجود دارد نگاه می‌کنم و اینها را در محیط کار لمس کرده‌ام. معتقدم برای رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به تنهایی و به صورت فردی نمی‌توان کاری کرد و باید به صورت جمعی عمل کرد. باید در جهت ایجاد چنان شرایط اجتماعی تلاش کرد که در آن از حقوق زنان محافظت و از محرومیت‌های آنان کاسته شود. البته زنان ایران سال‌های طولانی است که در این راه تلاش و مبارزه می‌کنند. زنان بسیاری حتی پیش از دوران مشروطه در زمینه‌های گسترش آموزش برای زنان و کسب حقوق آنها فعالیت داشته‌اند. اکنون به مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌توانیم دردها و مشکلات خودمان را بیان کنیم و در صدد حل نهایی آنان بر آییم.

قطع دسترسی دانشجویان دانشگاه تهران به پایگاه‌های علمی بین‌المللی به دلیل بدهی ۶۰ میلیارد تومانی



به وبسایت‌های علمی و بانک‌های مقالات بین‌المللی موضوعی فراگیر در دانشگاه‌های کشور طی سالهای گذشته بوده بطوریکه دانشجویان دانشگاه‌های صنعتی امیرکبیر، اصفهان و شیراز نیز برای دسترسی به مقالات علمی به روز دنیا دچار مشکل هستند.

محمدعلی زلفی گل وزیر علوم جمهوری اسلامی درباره بدهی‌های اینچینی دانشگاه‌ها گفته که امیدواریم سازمان برنامه و بودجه کشور اعتبار و بودجه‌های جداگانه را برای پرداخت این بدهی و حل مشکل در اختیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار دهد.

سخنان وزیر علوم نشان می‌دهد در بودجه سال جاری منابعی برای پرداخت بدهی دانشگاه‌ها به مراکز علمی بین‌المللی وجود ندارد!

سالمی است که کاهش بودجه دانشگاهی و پژوهشی در ایران مورد انتقاد قرار می‌گیرد اما دولت‌های مختلف در اینباره اقدامی موثر انجام نمی‌دهند. وحید احمدی، معاون پژوهشی وقت وزیر علوم در سال ۱۳۹۴ سهم بودجه امور پژوهشی از تولید ناخالص داخلی در ایران را ۱ تا ۲ درصد اعلام کرده و در انتقاد از اندک بودن آن گفته بود کره جنوبی و اسرائیل بیش از ۴ درصد تولید ناخالص داخلی خود را صرف امور تحقیقاتی می‌کنند.

روزنامه «فرهیختگان» دی‌ماه سال گذشته در گزارشی به نقل از علی خطیبی معاون مالی اداری وزارت علوم نوشت که «۹۴ درصد از کل بودجه دانشگاه‌ها سهم حقوق و دستمزد است، ۳ درصد هزینه‌ها پژوهشی و اعتباری است که صرف پژوهش می‌شود، ۲ درصد نیز هزینه‌های دانشجویی است.»

این در حالیست که بودجه تخصیصی به دانشگاه‌ها نیز به طور کامل در طول سال پرداخت نمی‌شود و همین موضوع سبب کسری بودجه دانشگاه‌ها می‌شود.

در همین رابطه محمود نیلی احمدآبادی رئیس

پایین‌تر است»، پرداخته شده، اما همچنان دسترسی به برخی از این وبسایت‌ها برای پژوهشگران وجود ندارد. قطع دسترسی دانشجویان مقاطع تکمیلی به پایگاه‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی به دلیل بدهی بیشتر هم خرساز شده بود.

حدود دو سال پیش بدهی ۴۵ میلیارد تومان دانشگاه «تربیت مدرس» به پایگاه‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی دسترسی دانشجویان به این وبسایت‌ها را قطع کرده بود. مهرداد آقایی نماینده دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اینباره گفته بود که فرهاد دانشجو رئیس دانشگاه تربیت مدرس از همین ابتدا با چندین میلیارد تومان بدهی مواجه شده است. مسئولان دوره‌های قبل دانشگاه با چندین پایگاه ایرانی و خارجی در راستای استفاده از مقالات قرارداد بسته‌اند، اما چندین سال است که بدهی آنان پرداخت نشده است.

فرهاد دانشجو رئیس دانشگاه تربیت مدرس نیز تیرماه گذشته درباره بدهی دانشگاه به وبسایت‌های اطلاعاتی و علمی گفته بود که «این بدهی از دولت‌های گذشته باقی مانده است، به این معنا که دولت‌های پیشین از هفت سال پیش یعنی سال ۹۴ اقدام به پرداخت بدهی این دانشگاه را نکرده‌اند.»

در نهایت پس از تعطیلات نوروز امسال مشکل دانشجویان تربیت مدرس با پرداخت بدهی این دانشگاه حل شد. محمد خجسته مشاور رئیس دانشگاه تربیت مدرس اعلام کرده که «بدهی دانشگاه تربیت مدرس بابت پایگاه منابع علمی و بانک‌های اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۳۹۹ به مبلغ ۴۵۲.۶۱۱.۸۳۱.۹۶۲ ریال از سرجمع اعتبارات بودجه هزینه‌ای سال ۱۴۰۱ دانشگاه تربیت مدرس کسر و مستقیماً به حساب پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) واریز شد.»

این بدهی‌ها و قطع دسترسی دانشجویان مقاطع تکمیلی

● معاون پژوهشی دانشگاه تهران: با توجه به افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر، مجموع بدهی‌های دانشگاه تهران از سال ۹۷ تاکنون به ۶۰ میلیارد تومان رسیده است.

● حدود دو سال پیش بدهی ۴۵ میلیارد تومان دانشگاه «تربیت مدرس» به پایگاه‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی دسترسی دانشجویان به این وبسایت‌ها را قطع کرده بود.

● معاون مالی اداری وزارت علوم: ۹۴ درصد از کل بودجه دانشگاه‌ها سهم حقوق و دستمزد است، ۳ درصد هزینه‌ها پژوهشی و اعتباری است که صرف پژوهش می‌شود، ۲ درصد نیز هزینه‌های دانشجویی است.

● در حالی که دانشگاه‌ها با بودجه ناچیز حتی برای پرداخت دستمزد اساتید و هزینه‌های جاری ضروری با بحران روبرو هستند مشخص است دیگر منابعی برای توسعه بخش‌های آموزشی و پژوهشی از جمله آزمایشگاه‌ها ندارند.

دسترس دانشجویان ارشد و دکتری دانشگاه تهران به پایگاه‌های علمی بین‌المللی به دلیل بدهی ۶۰ میلیارد تومانی دانشگاه تهران قطع شده است.

مهدی فکور معاون پژوهشی دانشگاه تهران از بدهی ۶۰ میلیارد تومانی این دانشگاه به پایگاه‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی بین‌المللی و قطع دسترسی دانشجویان ارشد و دکتری به برخی از این وبسایت‌ها خبر داد.

مهدی فکور در اینباره به خبرنگاری «مهر» گفته که «با توجه به افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر، مجموع بدهی‌های دانشگاه تهران از سال ۹۷ تاکنون به ۶۰ میلیارد تومان رسیده است.»

این مقام دانشگاه تهران بدون اشاره به نام پایگاه‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی مسدود شده به روی دانشجویان دانشگاه تهران گفته که هزینه دسترسی به تعدادی از بانک‌های اطلاعاتی که «مبلغ بدهی به آنها



اعلام بازنشستگی وندی شرمین پس از گزارش جنجالی رویترز درباره مامشات در وزارت خارجه آمریکا با چین کمونیست!



وندی شرمین

سختگیرانه تر حمایت نکرد.

این منابع گفتند که چهار واحد در کمیته بازمینی نهایی تحریم‌ها و اقدامات نظارتی که در مورد چین اقداماتی تصمیم می‌گیرند به دلیل مخالفت وزارت خارجه در مورد فشار به چین در مورد این موضوع رأی ندادند. یکی از مقامات گفت که شرمین با وزارت بازرگانی تماس نگرفته تا اقدام علیه هواوی را به تعویق بیندازد.

وزارت خارجه آمریکا همچنین تحریم‌ها را علیه مقامات چینی، از جمله برخی افراد در دفتر وزارت کار جبهه متحد کمیته مرکزی چین که مسئول سیاست‌ها در سین کیانگ هستند، لغو کرد، جایی که دولت ایالات متحده می‌گوید پکن در حال ارتکاب نسل‌کشی علیه مسلمانان اویغور است.

دو روز پس از افشای مواردی از مامشات و امتیازات مقامات وزارت خارجه آمریکا به دولت کمونیست جمهوری خلق چین در مورد توقف اجرای تحریم‌ها یا کاستن از فشار واشنگتن علیه این کشور اعلام شد که وندی شرمین معاون وزیر خارجه آمریکا به زودی بازنشسته می‌شود. برخی منابع گزارش دادند شرمین استعفا داده است!

منابع مطلع آمریکایی می‌گویند امور مربوط به سیاست‌های چین در وزارت خارجه آمریکا به شرمین سپرده شده بود. در همین دوران اجرای تحریم‌های مرتبط با نقض حقوق بشر و بعضی تحریم‌های اقتصادی علیه چین مختل شده است.

به گزارش «نشنال ریویو» (nationalreview) ←

● دو روز پس از افشای مواردی از مامشات و امتیازات مقامات وزارت خارجه آمریکا به دولت کمونیست چین در مورد توقف اجرای تحریم‌ها یا کاستن از فشار واشنگتن علیه چین، آنتونتی بلینکن وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که وندی شرمین معاونش به زودی بازنشسته می‌شود. گفته می‌شود امور مربوط به سیاست‌های چین در وزارت خارجه آمریکا به شرمین سپرده شده بود.

● امثال جان کری و وندی شرمین در معامله اتمی آمریکا با رژیم ایران نیز در ۲۰۱۵ نقش مهمی داشتند. آنها با همکاری لایبگرن رژیم موفق شدند میلیاردها دلار به جیب رژیم ملایان سرازیر کنند که بخشی صرف تقویت تروریسم و شبه‌نظامیان و برنامه اتمی و موشکی و سرکوب اعتراضات مردم در کشور شد و بخشی دیگر به جیب خانواده‌ها و گروه‌های مافیایی رژیم رفت.

● رویترز گزارش داده فهرستی محرمانه از مراحل مختلف که دولت جو بایدن در رابطه با چین برنامه‌ریزی کرده است درز پیدا کرده که باعث نگرانی در بین برخی مقامات آمریکایی شده و شکاف بین گروهی در دولت آمریکا را که خواهان مامشات با چین هستند با آن گروهی که به دنبال اقدام شدیدتر علیه این کشورند بیشتر کرده است.

● دو منبع گفته‌اند که شرمین مشتاقانه برای سفر بلینکن به چین برنامه‌ریزی می‌کرد. همچنین گفته شد دفتر صنعت و امنیت وزارت بازرگانی قوانینی را برای لغو مجوزهای کنترل صادرات مرتبط با «هواوی» آماده کرده است. آنها گفتند که وزارت دفاع و وزارت انرژی آمریکا آماده اجرای تحریم‌هایی در مورد چین بودند اما شرمین از قوانین

دانشگاه تهران در سال ۹۸ با اعلام اینکه بودجه مربوط به سال ۱۳۹۷ این دانشگاه کامل پرداخت نشد گفته که افزایش ۱۶ درصدی بودجه دانشگاه تهران برای سال ۱۳۹۸ کفاف هزینه‌ها را که افزایش یافته‌اند نمی‌دهد.

حسین خنیفر رئیس دانشگاه فرهنگیان دی‌ماه سال ۱۳۹۷ با ابراز نارضایتی از بودجه اندک در نظر گرفته شده برای این دانشگاه گفته بود که نمی‌توان با پول کم معلم فاخر تربیت کرد. او افزوده بود که این دانشگاه از سال ۱۳۹۴ به بعد، نتوانسته حق التدریس اساتید مدعو و هیات علمی را بپردازد.

حسین سلیمی رئیس دانشگاه علامه طباطبایی نیز آذرماه سال ۱۳۹۷ با انتقاد از نحوه تخصیص بودجه دانشگاه‌ها گفته بود «در حال حاضر با گذشت ۹ ماه از آغاز سال، کمتر از ۵۰ درصد بودجه را دریافت کرده‌ایم؛ این در حالی است که تا این زمان باید بالای ۷۰ درصد بودجه جاری به دانشگاه‌ها تخصیص پیدا می‌کرد.»

در حالیکه دانشگاه‌ها با بودجه ناچیز حتی برای پرداخت دستمزد اساتید و هزینه‌های جاری ضروری با بحران روبرو هستند مشخص است دیگر منابعی برای توسعه بخش‌های آموزشی و پژوهشی از جمله آزمایشگاه‌ها ندارند.

این در حالیست که عدم دسترسی دانشجویان فوق لیسانس و دکترا به منابع، آمارها و مقالات پژوهشی بین‌المللی به این معناست که بخشی از پژوهش‌های آنها ناتمام و ناقص خواهد بود و این موضوع ضربه بزرگی به پژوهش دانشگاهی در ایران است.

جمهوری اسلامی با چین سازوکاری سبب مهاجرت پرسرعت و پرتعداد دانشجویان و افراد تحصیلکرده از کشور شده و به اصطلاح روند «فرار مغزها» در سالهای اخیر شدت گرفته است.

همچنین در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۹۰۰ استاد دانشگاه ایران را ترک کرده‌اند. مهاجرت اساتید بخشی از روند فرار مغزهاست که از انقلاب ۱۹۷۹ سیری صعودی داشته است. طبق مطالعات دانشگاه استنفورد که یک سال پیش منتشر شد، از انقلاب بهمن ۵۷ تا کنون حدود سه میلیون و ۱۰۰ هزار ایرانی کشورشان را ترک کرده‌اند. این حدود، ۷/۳ درصد جمعیت فعلی ایران است.

حسن فروزان فرد رئیس کمیسیون قضایی و مبارزه با فساد اقتصادی اتاق تهران شهریورماه گذشته گفته بود که سال گذشته ۱۱ هزار نفر از ایران به کانادا مهاجرت کرده‌اند. او ضمن انتقاد از فرار مغزها و مهاجرت گسترده ایرانیان می‌پرسد چه نهادی بر «خروج سرمایه ۱۱ هزار نفری» نظارت نمود؟

رضا حاجی پور سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی با هشدار درباره مهاجرت نخبگان گفته که «نخبگان زیادی از دانشگاه‌های صنعتی شریف، علم و صنعت، امیرکبیر و تهران و بسیاری از دانشگاه‌های کشور مهاجرت کردند چراکه دنیا طالب است آنها را جذب کند.»

سخنگوی کمیته آموزش مجلس شورای اسلامی افزوده که «بی توجهی ما به این نخبگان باعث شده دلسرد شوند؛ در حوزه انتخابیه خود بنده، نخبه ای زندگی می‌کند که ۲۰ عنوان از مسابقات بین‌المللی دنیا مثل سوئیس و آمریکا گرفته ولی به این کشورها مهاجرت نکرده است؛ درحالی که من هم به عنوان نماینده مجلس نتوانستم برای او کاری انجام دهم؛ هر چه فریاد می‌زنیم که جوانان را دریابید اما کسی گوش نمی‌دهد. نمونه این نخبگان را در کشور زیاد داریم که باید به سراغ آنها رفته و شناسایی‌شان کنیم و امکاناتی که نیاز دارند را در اختیارشان قرار دهیم اما متأسفانه بسیار بی‌توجهی کردیم.»

→ آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد،

وندی شرمین معاونش در پایان ماه ژوئن بازنشسته خواهد شد. این بیانیه دو روز پس از گزارش جنجالی رویترز منتشر شده که در آن منابع مطلع تأیید کردند شرمین اجرای برخی تحریم‌های آمریکا علیه حزب کمونیست چین و شرکت‌های چینی را متوقف کرده است.

بلینکن در بیانیه‌ای طولانی که در آن به یادآوری مسئولیت‌های مختلف و عملکرد خود در وزارت خارجه در سه دولت آمریکا پرداخته، می‌نویسد: «از طرف وزارت خارجه، از خدمات وندی [شرمین] تشکر می‌کنم. برای او و خانواده‌اش در فصل بعدی بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.» بلینکن همچنین به او در ایجاد رویکرد دولت در قبال مسائل حوزه اقیانوس هند و اقیانوس آرام اشاره کرد و افزود که «او بر تلاش‌های ما جهت تقویت توانایی‌های وزارتخانه برای مدیریت روابط ما با جمهوری خلق چین نظارت داشته و همکاری بیشتری با متحدان و شرکا ایجاد کرده است.»

قضیه «بازنشستگی» یا «استعفا»ی شرمین که در مباحثات با مالاها نیز سنگ تمام گذاشت و از عوامل اصلی زد و بندهای پشت پرده دولت باراک اوباما و جمهوری اسلامی برای نهایی شدن توافق اتمی «برجام» در سال ۲۰۱۵ بود ۴۸ ساعت پس از آن رسمی شد که رویترز به نقل از منابع آمریکایی گزارشی در مورد عملکرد وزارت خارجه آمریکا در قبال دولت چین کمونیست منتشر کرد.

توقف تحریم‌های چین در مورد نقض حقوق بشر و کنترل‌های صادراتی

خبرگزاری رویترز ۱۱ ماه مه (۲۱ اردیبهشت) به نقل از چهار منبع آگاه و با استناد به مکاتبات داخلی وزارت خارجه آمریکا گزارش داد که اجرای بعضی از تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری خلق چین از جمله تحریم‌های مرتبط با حقوق بشر، کنترل‌های صادرات و سایر اقدامات حساس متوقف شده است.

همچنین فهرستی محرمانه از مراحل مختلف که دولت جو بایدن در رابطه با چین برنامه‌ریزی کرده درز یافته است که باعث نگرانی در بین برخی مقامات آمریکایی شده و شکاف بین گروهی در دولت آمریکا را که خواهان مباحثات با چین هستند با آن گروهی که به دنبال اقدامات شدیدتر علیه آن کشورند بیشتر کرده است.

هرچند پس از پرواز بالون‌های جاسوسی چین برفراز آمریکا وزارت خارجه این کشور سفر آنتونی بلینکن وزیر خارجه به پکن را به تعویق انداخت اما رویترز یک پیام داخلی وزارت خارجه را بررسی کرده که نشان می‌دهد مقامات ارشد ایالات متحده تحریم‌ها علیه چین را به تعویق می‌اندازند.

پس از اقدام تحریک‌کننده چین در مورد بالون‌های جاسوسی، برخی مقامات وزارت خارجه بررسی فهرستی از اقدامات و واکنش‌ها را برای پاسخ به این اقدام چین آغاز کردند.

ریک واترز معاون دستیار وزیر خارجه در امور چین و تایوان که بخش سیاست‌گذاری در مورد پکن را هدایت می‌کند، در ایمیلی به کارکنان اعلام کرده بود که به دنبال اقداماتی برای واکنش به چین است و اقداماتی را هم دست بررسی دارد.

این منابع به رویترز گفته‌اند که بسیاری از اقدامات هنوز اجرا نشده است. آنها گفتند که تصمیم برای به تعویق انداختن قوانین صدور مجوز صادرات برای شرکت چینی سازنده تجهیزات مخابراتی «هواوی» و تحریم مقامات چینی به دلیل سرکوب مسلمانان اوغورها به تعویق افتاده

است.

درواقع دولت جو بایدن به دنبال بهانه جهت جلوگیری از وخامت در روابط با دولت کمونیست چین بوده است.

وزارت خارجه گرفتار دام خودساخته شده

کریگ سینگلتون کارشناس مسائل چین در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» گفت که «وزارت خارجه در دامی که خودش ساخته گرفتار شده است و از اهرم‌های خود برای حداکثر فشار به چین با هدف از سرگیری مذاکرات در بالاترین سطوح صرف نظر کرده است... این تصمیم اگرچه با نیت خوب انجام شده، اما چین را تقویت می‌کند.»

چهار منبعی که رویترز برای این خبر با آنها صحبت کرده، همگی ابراز نگرانی کردند که وزارت خارجه در معرض خطر شکست تلاش‌های خود برای مقابله با جاه‌طلبی جمهوری خلق چین قرار دارد.

به گزارش رویترز، دیپلمات‌های سابق و اعضای کنگره از هر دو حزب استدلال کرده‌اند که ایالات متحده باید کانال‌های ارتباطی خود را با پکن باز نگه دارد تا از سوء تفاهم جلوگیری شود و بحران‌ها را مدیریت کند. اما این منابع گفتند که سیاست فعلی بسیار نزدیک به استراتژی قبلی آمریکا است که چین را قادر کرد در ازای گفتگوهای سطح بالا که اغلب نتایج ملموس اندکی به همراه داشت از آمریکا امتیاز بگیرد.

منابع مطلع که «به دلیل ترس از پیامدهای حرف‌هایشان» نخواستند نامشان فاش شود به رویترز گفته‌اند بلینکن تا حد زیادی امور مربوط به چین در وزارت خارجه آمریکا را به وندی شرمین معاونش محول کرده است.

دو منبع گفته‌اند که شرمین مشتاقانه برای سفر بلینکن به چین برنامه‌ریزی می‌کرد. همچنین گفته شد دفتر صنعت و امنیت وزارت بازرگانی قوانینی را برای لغو مجوزهای کنترل صادرات مرتبط با «هواوی» آماده کرده است. آنها گفتند که وزارت دفاع و وزارت انرژی آمریکا آماده اجرای تحریم‌هایی در مورد چین بودند اما شرمین از قوانین سختگیرانه‌تر حمایت نکرد.

آنها گفتند که چهار واحد در کمیته بازبینی نهایی تحریم‌ها و اقدامات نظارتی که در مورد چنین اقداماتی تصمیم می‌گیرند به دلیل مخالفت وزارت خارجه در مورد فشار به چین در مورد این موضوع رأی ندادند.

مقامات وزارت خارجه آمریکا از اظهار نظر مشخص در مورد قوانین صدور مجوز خودداری کرده بودند. یکی از مقامات گفت که شرمین با وزارت بازرگانی تماس نگرفته تا اقدام علیه هواوی را به تعویق بیندازد.

وزارت خارجه آمریکا همچنین تحریم‌ها را علیه مقامات چینی، از جمله برخی افراد در دفتر وزارت کار جبهه متحد کمیته مرکزی چین که مسئول سیاست‌ها در سین کیانگ هستند، لغو کرد، جایی که دولت ایالات متحده می‌گوید پکن در حال ارتکاب نسل‌کشی علیه مسلمانان اوغور است. به گفته سه منبع، این تحریم‌ها که برای اولین بار در اکتبر ۲۰۲۲ تهیه و بعد به تعویق افتاد، اجرای آن بار دیگر اواسط ژانویه به تعویق افتاده است. این چهار منبع گفتند که مقاومت در برابر چنین اقداماتی به مقابله با اقدامات چین ضربه زده است.

امثال جان کری و وندی شرمین در معامله اتمی آمریکا با رژیم ایران نیز در ۲۰۱۵ نقش مهمی داشتند. آنها با همکاری لایبگرن رژیم موفق شدند میلیاردها دلار به جیب رژیم ملایان سرازیر کنند که بخشی صرف تقویت تروریسم و شبه‌نظامیان و برنامه اتمی و موشکی و سرکوب اعتراضات مردم در کشور شد و بخشی دیگر به جیب خانواده‌ها و گروه‌های مافیایی رژیم رفت.

چهل سال ناکارآمدی و سوء مدیریت؛ سدهای خالی و خشکسالی گریبان سبزترین استان‌های ایران را نیز گرفت

● «مؤسسه منابع جهان» پیش‌بینی کرده ۴۴ کشور تا سال ۲۰۴۰ شرایط فوق بحرانی یا بحرانی خواهند داشت که ایران یکی از کشورها با شرایط فوق بحرانی خواهد بود. ● مدیرکل هواشناسی استان گلستان از کاهش ۲۹ درصدی بارش‌ها در این استان نسبت به سال گذشته خبر داده و گفته نیمه سرسبز کشور نیز دچار بحران خشکسالی شده است.

● ۹۹ درصد پهنه شهرستان مشهد در وضعیت خشکسالی شدید و ۶۰ درصد از این گستره در وضعیت خشکسالی بسیار شدید است.

● عیسی کلانتری: همراه آب، نمک‌ها را بالا می‌آوریم و در سطح خاک پخش می‌کنیم، سالانه چیزی حدود ۳۵۰ میلیون تن نمک از زیر زمین وارد خاک‌های سطحی می‌کنیم. ● ۵۵ درصد از آبی که به صورت سالانه در کشور به مصرف می‌رسد، از طریق چاه‌ها و قنات‌ها تأمین می‌شود.

با آغاز فصل گرما و در حالی که ذخایر آب پشت سد‌ها به شدت کاهش یافته، هشدارها درباره تشدید بحران کم‌آبی افزایش یافته است. جدیدترین آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد ایران در کمتر از دو دهه دیگر در وضعیت «فوق بحران» در زمینه کم‌آبی خواهد رسید.

بر اساس اعلام سازمان ملل متحد، درحال حاضر نزدیک به ۲ میلیارد نفر در سراسر جهان به آب سالم دسترسی ندارند، اما در آینده وضعیت بدتر هم خواهد شد. طبق پیش‌بینی «مؤسسه منابع جهان»، تا سال ۲۰۴۰ کشورهای بیشتری گرفتار بحران آب می‌شوند که یکی از آنها، ایران خواهد بود. به گفته این مؤسسه، ۴۴ کشور تا سال ۲۰۴۰ شرایط فوق بحرانی یا بحرانی خواهند داشت که ایران یکی از کشورها با شرایط فوق بحرانی خواهد بود.

خشکسالی و کم‌آبی در سال‌های گذشته همه استان‌های کشور حتی سرسبزترین استان‌های شمال ایران را نیز گرفتار کرده است. امان محمدکمالی مدیرکل هواشناسی استان گلستان از کاهش ۲۹ درصدی بارش‌ها در این استان نسبت به سال گذشته خبر داده و گفته نیمه سرسبز کشور نیز دچار بحران خشکسالی شده است.

امان محمدکمالی توضیح داده که از مهرماه سال گذشته تا کنون ۵/۲۵۹ میلی‌متر در گلستان باران باریده که در مقیاس بلندمدت ۳۰ ساله ۳۶ درصد و نسبت به سال گذشته در همین مدت ۲۹ درصد کاهش بارندگی در گلستان ثبت شده است.

خبرگزاری «ایرنا» نیز امروز شنبه ۲۳ اردیبهشت ←

مصرفی سالانه از منابع زیرزمینی برداشت می‌شود و این اتفاق نقش ویرانگری در وضعیت آبی آن‌ها داشته و دارد. در رابطه با وضعیت بحرانی آب در کشور عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان محیط زیست ایران در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته «آدم‌های عاقلی بر سر کار بیایند، دو سه ساله مشکلات کشور حل می‌شود، اما شما اگر آب خودتان را از دست بدهید یک کشور ۷ هزار ساله را از دست داده‌اید، به‌نظر مهم‌ترین مسئله‌ای که دولت‌ها در این مورد آن اهمال و کم‌کاری کرده‌اند، مسئله آب کشور است.» عیسی کلانتری ریشه آغاز بحران آبی کشور را در قانون توزیع عادلانه آب مصوب اسفند ۱۳۶۱ ارزیابی کرده و گفته است: «اختیارات آب که یک موضوع میان‌بخشی است، به یک نفر یعنی وزیر نیرو دادند که حتی رئیس جمهور هم حق دخالت ندارد. وزیر نیرو از سال ۱۳۶۱ مسئولیت دارد که آب کشور را متعادل نگه دارد، اما وزرای نیرو به علت فشارهای سیاسی اجتماعی هیچ‌گاه نتوانستند به این وظیفه عمل کنند درحالی‌که مهم‌ترین وظیفه آنها است.»



عیسی کلانتری با ارائه آماری تکاندهنده، از وضعیت «قرمز» و «اوج خطر» وضعیت آب کشور خبر داده است: «تا سال ۱۳۷۰ آب‌های تجدیدپذیر بالای ۱۲۰ میلیارد مترمکعب بود، جمعیت آن روزها حدود ۵۰ میلیون نفر بود، یعنی ۲۴۰۰ متر مکعب برای هر نفر در سال، طبق تعاریف بین‌المللی کشوری که بالای ۱۷۰۰ متر مکعب در سال برای هر نفر آب تجدیدپذیر دارد نباید در محیط زیست، شرب و صنعت مشکلی داشته باشد. حالا که جمعیت زیاد شده و به حدود ۸۵ میلیون نفر رسیده، آب تجدیدپذیر کشور زیر ۹۰ میلیارد متر مکعب است، یعنی به طور متوسط ۱۰۵۰ متر مکعب آب تجدیدپذیر داریم و ۶۵ درصد جمعیت زیر ۷۰۰ متر مکعب آب دارند، این وضعیت از دیدگاه جهانی وضعیت قرمز و اوج خطر است.»

رئیس پیشین سازمان محیط زیست افزوده که جمهوری اسلامی ۴۰ سال است در حوزه آب به بیراهه رفته است: «ما سالی ۳۰ میلیارد متر مکعب آب اضافی از زمین بیرون می‌کشیم، همراه آب، نمک‌ها را بالا می‌آوریم و در سطح خاک پخش می‌کنیم، سالانه چیزی حدود ۳۵۰ میلیون تن نمک از زیر زمین وارد خاک‌های سطحی می‌کنیم، بنابراین نه تنها آب کشور را از دست می‌دهیم خاک کشور را شور می‌کنیم، و چون توان شست‌وشو نداریم بهره‌وری خاک پایین می‌آید. به زرس قاطع بگویم که درباره آب ۴۰ سال است که به بیراهه می‌رویم.»

یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد بحران آبی در ایران، جدا از تغییرات اقلیمی، به مدیریت نادرست منابع آبی کشور و بی‌تفاوتی چند ساله نسبت به نیاز فوری به تغییر الگوی کشت در کشور بوده است. ایران جزء کشورهای دارای بالاترین سهم آب مصرفی در بخش کشاورزی است. سهم برداشت آب مصرفی در بخش کشاورزی در دنیا ۷۱ درصد، در خاورمیانه ۸۴ درصد و در ایران ۹۲ درصد است.

از سوی دیگر میزان وابستگی زمین‌های کشاورزی تجهیزشده برای آبیاری به منابع آب زیرزمینی به‌طور متوسط در دنیا ۸/۳۷ درصد، در خاورمیانه ۲/۴۶ درصد و در ایران ۱/۶۲ درصد است.

آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد در سال ۱۳۷۳ سهم بخش‌های کشاورزی، صنعت و شرب شهری و روستایی از مجموع میزان برداشت آب کشور به ترتیب ۱/۹۴، ۱/۵ و ۹/۰ درصد بوده است. برای سال ۱۳۹۹ این سهم‌ها به ترتیب درصد ۵/۸۸، ۹ و ۵/۲ درصد است. بیش از ۵۰ درصد جمعیت روستایی کشور در مناطق بحرانی و دارای تنش آبی

بالا سکونت دارند. کاهش بارندگی، خشکی رودخانه‌ها به دلیل سیاست‌های نادرست سدسازی در چهار دهه گذشته و عدم تغییر الگوی کشت سبب برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی از طریق حفر چاه شده است.

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو به تازگی اعلام کرده که «هم اکنون ۵۵ درصد از آبی که به صورت سالانه در کشور به مصرف می‌رسد، از طریق چاه‌ها و قنات‌ها تأمین می‌شود.»

بر اساس این گزارش و بنابر آمارهای شرکت منابع آب ایران، در حال حاضر ۵۵ درصد از ۹۸ میلیارد مترمکعب آبی که به صورت سالانه در کشور به مصرف می‌رسد، از طریق منابع آب زیرزمینی تأمین می‌شود و از نظر نوع طبقه‌بندی نیز ۸۷ درصد از مصارف سالانه کشور به کشاورزی، ۹ درصد به شرب و بهداشت و ۳ درصد به صنایع اختصاص می‌یابد.

همچنین در میان استان‌های کشور بیشترین وابستگی به آب‌های زیرزمینی به استان‌هایی، چون کرمان، یزد، البرز، خراسان جنوبی، هرمزگان، همدان، خراسان رضوی و فارس اختصاص دارد که به ترتیب در این استان‌ها سهم برداشت آب از منابع آب زیرزمینی نسبت به آب‌های سطحی ۹۳ درصد، ۹۱ درصد، ۸۹ درصد، ۸۹ درصد، ۸۸ درصد، ۸۷ درصد، ۸۴ درصد و ۸۰ درصد است.

به بیان دیگر در این استان‌ها بیش از ۸۰ درصد از آب

۱۴۰۲ گزارش داده که استان خراسان رضوی خشک‌ترین دوره پنج دهه اخیر خود را از سر می‌گذراند و حجم مخازن سدهای آبی این استان هر روز خالی‌تر از قبل شده و کهنه‌زخم خشکسالی را عمیق‌تر می‌کند.

در این گزارش آمده که ۹۹ درصد پهنه شهرستان مشهد در وضعیت خشکسالی شدید و ۶۰ درصد از این گستره در وضعیت خشکسالی بسیار شدید است.

حسین اسماعیلیان مدیر شرکت آب و فاضلاب مشهد به خبرنگاری «ایرنا» گفته که «میزان بارندگی در مشهد در سال آبی جاری (از مهرماه ۱۴۰۱ تاکنون) ۵/۶۹ میلیمتر بوده است که این میزان نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته ۴۵ درصد و نسبت به متوسط بلندمدت ۶۲ درصد کاهش یافته است.»

بر اساس آخرین آمار اعلام‌شده دفتر مطالعات پایه منابع آب، از ابتدای سال آبی جاری تاکنون یعنی از اول مهرماه سال ۱۴۰۱ تا نیمه اردیبهشت جاری، ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور معادل ۱/۱۸۸ میلی‌متر بوده که این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه درازمدت ۱۵

درصد کاهش دارد.

همچنین موجودی مخزن ۳۳ سد کشور کاهش داشته که از این میان حجم آب «سد دوستی» در استان خراسان رضوی با کاهش ۵۳ درصدی پس از سد «چاه‌نیمه» در استان سیستان و بلوچستان، با کاهش ۵۹ درصدی، دومین رتبه وضعیت حاد را در میان سدهای کشور دارد.

براساس آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت نیرو در حال حاضر سدهای پنج‌گانه تهران ۵۰۴ میلیون مترمکعب آب دارند که نسبت به سال قبل ۴۱ میلیون مترمکعب کاهش یافته است. این در حالیست که سال گذشته در همین زمان حجم آب سدهای تهران ۵۴۵ میلیون مترمکعب ثبت شده است. فراگیری بحران خشکسالی در حالیست که وضعیت دریاچه‌ها و تالاب‌ها نیز بحرانی توصیف می‌شود. در همین رابطه محمد باقری بنایی نماینده مجلس شورای اسلامی درباره سرنوشت دریاچه ارومیه هشدار داده و گفته که اکنون چند سد در حوضه دریاچه ارومیه در دست احداث است که اگر تکمیل شوند، فاتحه دریاچه ارومیه خوانده خواهد شد.

محمد باقری بنایی افزوده که «متأسفانه سیاست‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه آنگونه که در دولت‌های قبل پیگیری می‌شد، در این دولت دنبال نمی‌شود، بنابراین این حوضه عملاً چه به لحاظ زیست محیطی و چه انسانی با بحران مواجه است.»

ایران در میان پنج کشور با بدترین نرخ تورم مواد غذایی در دنیا قرار دارد



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وابسته به وزارت صمت جمهوری اسلامی، در گزارشی با عنوان «تورم مواد غذایی و تجربه سیاستگذاری کشورها» که در وبسایت این موسسه منتشر شده، خبر داده که ایران در میان پنج کشور با بدترین نرخ تورم غذایی در دنیا قرار دارد. ایران همچنین چه به لحاظ «تورم اسمی» و چه از نظر «تورم واقعی» قیمت مواد غذایی، جزو بدترین کشورهاست.

بر اساس این گزارش، ایران در بازه مارس سال ۲۰۲۲ تا مارس ۲۰۲۳، (برابر با فروردین ۱۴۰۱ تا فروردین ۱۴۰۲)، «تورم اسمی» ۷۳ درصدی را تجربه کرده که از این نظر، پس از لبنان، زیمبابوه و آرژانتین، بدترین کشور جهان است.

همچنین در همین دوره زمانی، ایران با «تورم واقعی» ۲۰ درصد، پس از لبنان، زیمبابوه، رومند و مصر، در رتبه پنجم بدترین کشور جهان قرار گرفته است.

در گزارش این پژوهشگاه دولتی درباره دلایل افزایش تورم مواد غذایی در ایران آمده است: «در کشورهایی نظیر ایران، مصر، لبنان و برخی دیگر از کشورهایی که در خاورمیانه و شمال آفریقا قرار گرفته‌اند، سطح بالای تورم مواد غذایی در آنها تا حد زیادی به دلیل وابستگی شدید تامین کالاهای اساسی از محل واردات است.»

همچنین در این گزارش، علاوه بر «وابستگی شدید به تأمین واردتی»، عواملی چون «هزینه‌های تجارت بالاتر از حد منطقی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، خشکسالی‌های دره‌ای، عدم توزیع متوازن مکانی و زمانی در خصوص کالاهای اساسی، افزایش هزینه مبادله کالا در طول زنجیره تامین به دلیل ضعف زیرساخت‌های مربوطه و افزایش قیمت تمام شده برای کالاها به دلیل شکاف قابل توجه بین ظرفیت اسمی و ظرفیت اشتغال اکثر بنگاه‌های تولیدی»، از دیگر دلایل افزایش تورم مواد غذایی در ایران عنوان شده است.

بر اساس این گزارش، دلایلی چون «تغییرات اقلیمی، همه‌گیری کرونا و پیامدهای جنگ اوکراین بر بازار غلات و دانه‌های روغنی» نیز که بر افزایش تورم در سراسر جهان تأثیر گذاشته، وضعیت تورم در ایران را از این نظر وخیم‌تر کرده است.

در مطلب دیگری که در وبسایت موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی منتشر شده، نشان داده شده ←

نیازمند تأمین مواد اولیه از خارج کشور که با نرخ دلار ۵۳ هزار تومان شرکت‌های بسیار کمی شروع به خرید مواد اولیه از خارج از کشور کرده‌اند.»

قیمت بلیت هواپیما نیز در مسیرهای پر تقاضا تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته و گزارش‌ها از ناباب شدن بلیت هواپیما حکایت دارد.

در هفته‌های گذشته همچنین قیمت مواد خوراکی نیز با افزایش زیادی روبرو بوده بطوریکه قیمت هر کیلو مرغ به ۱۰۰ هزار تومان رسیده است. قیمت انواع میوه و خشکبار در ایران فقط طی ماه فروردین بیش از ۱۵ درصد گران‌تر شده است.

قیمت شیر خام نیز نسبت به سال گذشته با افزایش ۲۵ درصدی همراه شده اما دامداران می‌گویند شیر کیلویی ۱۵ هزار تومان به صرفه نیست و دامدار زیان می‌کنند.

احمد مقدسی رئیس انجمن صنفی گاوداران ایران گفته با توجه به قیمت دستوری ۱۵ هزار تومان برای هر کیلوگرم شیر، در ماه‌های آینده باید در انتظار کاهش تولید به دلیل «نداشتن توجیه اقتصادی و زیان‌ده بودن تولید» بود. او همچنین گفته با این قیمت «باید در انتظار کاهش تولید در ماه‌های آتی و خروج واحدهای کوچک از چرخه تولید باشیم.»

طبق داده‌های مرکز آمار، تورم ماهانه اسفند برابر با ۷/۴ درصد در آخر سال گذشته به ثبت رسیده است. در بررسی‌های آماری مشاهده می‌شود گوشت قرمز، میوه و خشکبار و پوشاک و کفش بالاترین رکوردهای تورمی در این ماه را داشته‌اند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم ماهانه «گوشت قرمز» برابر با ۳/۱۸ درصد بوده و «میوه و خشکبار» با ثبت تورم ۸/۱۲ درصد رده دوم را داشته است. در ادامه تورم ماهانه ثبت شده در گروه «پوشاک و کفش» نیز در این مقطع برابر با ۵/۷ درصد، سومین رتبه را به ثبت رسانده است. این روند، اما در فروردین امسال، با افت در برخی گروه‌ها و رشد در برخی گروه‌های دیگر همراه بوده است.

مواد غذایی مدتهاست تورمی بالاتر از تورم عمومی اقتصاد دارد و با توجه به درآمدهای ناچیز و زیر خط فقر افشار حداقلی بگیر نظیر کارگران و بازنشستگان، تورم بالای مواد غذایی به معنای گسترش فقر غذایی در کشور است.

● نایب رئیس انجمن داروسازان کشور گفته حذف ارز ترجیحی همراه افزایش نرخ تورم قیمت داروهای مختلف در بازار را تا ۷ برابر گران کرده است.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در اسفندماه گذشته گوشت قرمز، میوه و خشکبار و پوشاک و کفش بالاترین رکوردهای تورمی را داشتند و تورم ماهانه «گوشت قرمز» برابر با ۳/۱۸ درصد بوده است.

● موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی گزارش داده که ایران در میان پنج کشور با بدترین نرخ تورم غذایی در دنیا قرار دارد.

● کاوه زرگران رئیس انجمن غلات ایران فروردین امسال وضعیت ذخایر برخی از کالاهای اساسی را «بحرانی» توصیف کرد و گفت که احتمال بروز کمبودهایی در سال ۱۴۰۲ وجود دارد.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران تورم پایان سال گذشته (۱۴۰۱) حداقل رکورد یک دهه را شکسته است. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وابسته به وزارت صمت هم ایران را در کنار کشورهایی چون زیمبابوه، در میان پنج کشور دارای بالاترین تورم مواد غذایی در جهان معرفی کرد. این آمارها بیانگر فقر غذایی شدید در کشور است.

در هفته‌های گذشته قیمت مواد خوراکی و دارو در ایران با افزایش مداوم روبرو بوده است. هر چند مرکز آمار ایران از انتشار آمار تورم فروردین خودداری کرده اما گزارش‌های میدانی و گفته‌های فعالان صنفی نشان از افزایش شدید تورم و آثار آن بر قیمت کالاها و خدمات دارد.

به اعتقاد فعالان اقتصادی و کارشناسان، اقتصاد کشور همچنان متأثر از حذف ارز ترجیحی است که از ابتدای سال گذشته در طرحی با عنوان «جراحی اقتصادی» صورت گرفت.

علی فاطمی نایب رئیس انجمن داروسازان کشور روز گذشته با اشاره به اینکه حذف ارز ترجیحی همراه افزایش نرخ تورم قیمت داروهای مختلف در بازار را تا ۷ برابر گران کرده است، گفت: «بار مالی خرید دارو در سال ۱۴۰۲ همچنان بر دوش مردم است و این اتفاق در حالی است که بیمه‌ها همچنان از گستردگی چتر حمایتی به نفع بیماران طفره می‌روند.»

علی فاطمی افزوده که «تولید دارو در داخل کشور

دوروز با کارگاه‌های اندیشه و طرح‌های «۱۰۰ روز نخست دوران گذار» در چهارمین سالگرد پروژه ققنوس ایران



همچنین از میان برداشتن آنها می‌پردازد. این اندیشکده طی چهار سال فعالیت خود که دو سال آن همزمان با پاندمی کرونا و محدودیت‌های اجباری آن بود، چندین کنفرانس و وبینار و همچنین نظرسنجی برگزار کرده که گزارش‌های آن در وبسایت پروژه ققنوس ایران در دسترس است.

در روز جمعه ۲۲ اردیبهشت نخستین سری از کارگاه‌های اندیشه با شرکت شماری از کارشناسان رشته‌های مختلف برگزار شد. بر اساس آنچه این اندیشکده در رسانه‌های اجتماعی خود منتشر کرده است، در این کارگاه‌ها پژوهشگران، اندیشمندان و کارشناسان ایرانی درباره ۶ اولویت از ۱۸ اولویت برنامه‌ی ۱۰۰ روز نخست گذار به گفتگو و بررسی و تبادل نتایج و تأملات خود پرداختند.

در حالی که روز دوم این کنفرانس به مراسم چهارمین سالگرد بنیانگذاری پروژه ققنوس ایران اختصاص یافته بود، بخشی از طرح‌های ۱۰۰ روز نخست گذار در همان روز اول توسط شماری از پژوهشگران ققنوس به حاضران از جمله به خبرنگاران رسانه‌ها ارائه شد. آنها همچنین پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند. این نشست از یوتیوب این اندیشکده بطور مستقیم پخش شد.

پس از خوشامدگویی حاضران توسط انوشیروان کنگرلو چهره رسانه‌ای و قدیمی ایران، دکتر آرماند اشرف‌زاده مدیر هیئت هماهنگی این اندیشکده در آغاز این کنفرانس توضیحاتی درباره اهداف پروژه ققنوس ایران و همچنین طرحی که با عنوان «۱۰۰ روز نخست گذار» تنظیم شده ارائه داد. سپس دکتر آریا خوشخو عضو هیئت هماهنگی و کمیته اجرائی و مسئول امور اداری ققنوس ضمن بیان تصویری کلی از اوضاع وخیم ایران در همه زمینه‌ها به وظایف این اندیشکده که بر «گفتمان اندیشه و پژوهش» تکیه دارد اشاره کرد و تأکید نمود که ایده‌ی «۱۰۰ روز نخست گذار» بر اساس «مدیریت ریسک» تنظیم شده و بطور مداوم بر اساس شرایط متغیر به‌روز خواهد شد و همانطور که از اسم آن پیداست در خدمت ثبات برای دوران گذار است و آن را نباید برنامه بلندمدت دانست.

● پروژه ققنوس ایران به عنوان نخستین اندیشکده ایرانیان خارج کشور در سوم اسفند سال ۱۳۹۷ در واشنگتن توسط شاهزاده رضا پهلوی بنیان گذاشته شد. این اندیشکده با همکاری کارشناسان رشته‌های مختلف به بررسی مشکلات موجود در ایران و راهکارهای علمی و عملی برای کاهش و همچنین از میان برداشتن آنها می‌پردازد.

● در حالی که روز دوم این کنفرانس به مراسم چهارمین سالگرد بنیانگذاری پروژه ققنوس ایران اختصاص یافته بود، بخشی از طرح‌های ۱۰۰ روز نخست گذار در همان روز اول توسط شماری از پژوهشگران ققنوس به حاضران از جمله به خبرنگاران رسانه‌ها ارائه شد. آنها همچنین پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند.

● ایده‌ی «۱۰۰ روز نخست گذار» بر اساس «مدیریت ریسک» تنظیم شده و بطور مداوم بر اساس شرایط متغیر به‌روز خواهد شد و همانطور که از اسم آن پیداست در خدمت ثبات برای دوران گذار است و آن را نباید برنامه بلندمدت دانست.

● ۶ اولویت از ۱۸ اولویت برنامه‌ی ۱۰۰ روز نخست گذار عبارتند از: اقتصاد، سلامت و بهداشت، حقوق و امنیت، سیاست خارجی، تدارکات و مدیریت، رسانه‌ها و رادیوتلوویزیون. دکتر آریا خوشخو عضو هیئت هماهنگی اندیشکده ققنوس درباره شرایط فعلی هر کدام از این شش عرصه و سپس راهکارهای «۱۰۰ روز نخست گذار» توضیحاتی داد.

در روزهای جمعه ۱۲ و شنبه ۱۳ مه ۲۰۲۳ کارگاه‌های اندیشه همراه با مراسم چهارمین سالگرد پروژه ققنوس ایران در واشنگتن دی سی برگزار شد. طی این برنامه دو روزه، طرح‌های ۱۰۰ روز نخست دوران گذار نیز توسط پژوهشگران و همکاران این اندیشکده معرفی شد.

پروژه ققنوس ایران به عنوان نخستین اندیشکده ایرانیان خارج کشور در سوم اسفند سال ۱۳۹۷ در واشنگتن توسط شاهزاده رضا پهلوی بنیان گذاشته شد. این اندیشکده با همکاری کارشناسان رشته‌های مختلف به بررسی مشکلات موجود در ایران و راهکارهای علمی و عملی برای کاهش و

→ که چگونه سیاست‌های دولت ابراهیم رئیسی درباره تغییر نرخ ارز ترجیحی بر افزایش فقر و کاهش رفاه خانوارها در کشور اثرگذار بوده است.

در این مطلب آمده که «تغییر نرخ ارز ترجیحی به نرخ سامانه مبادله الکترونیکی بانک مرکزی (از ۴۲۰۰۰ ریال به حدود ۲۷۰۰۰۰ ریال) هزینه‌های تولید در نتیجه قیمت تمام شده اقلام اساسی خوراکی را به شدت افزایش داد. تورم سالانه اقلام خوراکی و دخانی در دی‌ماه ۱۴۰۱ برای جامعه شهری و روستایی حدود ۶۵ درصد بوده است که حدود ۲۰ درصد از متوسط نرخ تورم بیشتر بوده این امر بازگو کننده شدت خالی شدن سبد خوراکی خانوارهای ایرانی به خصوص خانوارهای کم درآمد است.»

در این مطلب تأکید شده که «امنیت غذایی خانوارهای ایرانی به شدت در تهدید است. به طوری که دهک‌های اول تا پنجم و بخشی از خانوارهای دهک ششم شهری و دهک‌های اول تا پنجم روستایی در حال حاضر کمتر از استاندارد ۲۳۰۰ کالری انرژی تأمین می‌کنند. به عبارت دیگر غذای کافی برای تأمین کالری مورد نیاز نمی‌خورند. متأسفانه با توجه به افزایش شدید قیمت اقلام خوراکی روند نزولی احتمالاً در سال ۱۴۰۱ نیز ادامه خواهد داشت.»

از سوی دیگر افزایش هزینه‌ها سبب ایجاد بحران برای واحدهای تولیدی و کاهش حجم تولید شده است. بسیاری از کارشناسان روند موجود رکود تورمی در کنار بی‌اعتنایی دولت برای حمایت از تولید و تأمین کالاهای اساسی را تهدیدی برای امنیت غذایی کشور ارزیابی و نسبت به کمبود مواد غذایی هشدار می‌دهند.

کاوه زرگران رئیس انجمن غلات ایران فروردین امسال وضعیت ذخایر برخی از کالاهای اساسی را «بحرانی» توصیف کرد و گفت که احتمال بروز کمبودهایی در سال ۱۴۰۲ وجود دارد.

به گفته کاوه زرگران «از آنجایی که دولت برای بسیاری از محصولات قیمت مصوب در نظر گرفته و اجازه فروش با قیمت‌های بالاتر از آن وجود ندارد، احتمال افزایش قیمت ضعیف است، اما به طور قطع با کمبود کالا مواجه خواهیم بود، چرا که فروش با قیمت‌های تعیین شده توجیه اقتصادی ندارد بنابراین کسی اقدام به واردات کالا نخواهد کرد و در تأمین برخی از کالاهای اساسی دچار مشکل خواهیم شد.» افزایش قیمت مواد خوراکی و کاهش قدرت خرید خانوار سبب ورشکستگی شمار زیادی از رستوران‌ها و اغذیه فروشی‌ها شده است. بر اساس یکی از آخرین آمارهای اعلام شده، ۲۵۵ رستوران، آشپزخانه و چلوکبابی مشهد در یک سال گذشته تعطیل شدند.

حسن امیریان رئیس اتحادیه صنف رستوران‌داران، چلوکباب، آشپزخانه و حلیم‌پزان مشهد با اعلام این خبر گفته که «یک نوع ضرر واحدهای صنفی کاهش مشتریان به دلیل کاهش قدرت خریدشان است، اما یک نوع ضرر دیگر واحدهای صنفی به دلیل نبود نرخ‌نامه معتبر و به روز است. ۵ ماه است که می‌خواهند برای گوشتی که از کیلویی ۲۰۰ هزار تومان به ۴۰۰ هزار تومان افزایش قیمت پیدا کرده است، نرخ جدید به ما بدهند. واحد صنفی ما در این ۵ ماه چه کاری انجام دهد؟»

رئیس اتحادیه صنف رستوران‌داران، چلوکباب، آشپزخانه و حلیم‌پزان مشهد افزوده که «به عنوان مثال مرغ به کیلویی ۸۰ هزار تومان رسید. وقتی به انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کننده نرخ پیشنهادی دادیم، مرغ کیلویی ۵۹ هزار تومان بوده و شنیدیم مرغ ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان بوده است، اما در حال حاضر مرغ کیلویی ۸۰ هزار تومان و شنیدیم کیلویی ۱۶۰ هزار تومان شده است.»

لباس فرم اجباری برای فروشندگان زن و «رزمایش عفاف و حجاب»! جمهوری اسلامی به تحریف سخنان نویسندگان غربی متوسل شد!

● غلامرضا حسن پور گفته در بسیج اصناف ۱۰۰ طرح پوشش مناسب فروشندگان خانم تصویب شده تا به عنوان لباس فرم زنان فروشنده در واحدهای صنفی استفاده شود.

● در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بزهای تبلیغاتی حجاب و عفاف از قول لئو تولستوی نویسنده روس و ویکتور هوگو نویسنده فرانسوی، نصب شده است!

● «پارک جنگلی دریاچه شورمست» در مازندران و «تنگه کافرین» از جاذبه‌های گردشگری استان ایلام در روزهای گذشته پلمب شدند.

● نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جزیره هرمز اقدام به برگزاری «رزمایش عفاف و حجاب» کرده و یک «لنج» را نیز به خاطر حضور بدون حجاب تعدادی از زنان توقیف کردند!

در ادامه محدودسازی فضای جامعه از سوی جمهوری اسلامی، رئیس سازمان بسیج اصناف کشور از طراحی ۱۰۰ طرح ویژه لباس خانم‌های فروشنده در واحدهای صنفی خبر داده است.

غلامرضا حسن پور رئیس سازمان بسیج اصناف کشور گفته یک نقشه راه در حوزه حجاب و عفاف با همکاری وزارت کشور و سازمان بسیج مستضعفان طراحی شده است.

غلامرضا حسن پور افزوده که «در قالب جشنواره مد آفرین با حضور طراحان لباس از دانشگاه‌های کشور در بسیج اصناف ۱۰۰ طرح پوشش مناسب فروشندگان خانم مصوب شد تا به عنوان لباس فرم زنان فروشنده در واحدهای صنفی استفاده شود.

در حالیکه مشخص نیست «بسیج» چه ارتباطی به «تورم» و «تولید» دارد اما رئیس سازمان بسیج اصناف کشور گفته که «تحقق شعار سال با همکاری ۳ میلیون واحد صنفی و ۶۰۰ هزار واحد تولیدی کشور هم در دستور کار امسال سازمان بسیج اصناف است.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی طبق روال نامگذاری‌های بی‌معنی که هر سال انجام می‌دهد، امسال را «مهار تورم و کاهش تولید» نامیده است.

غلامرضا حسن پور همچنین در توضیح دیگری مرتبط با «نقشه راه در حوزه حجاب و عفاف» از ارائه برنامه‌های فرهنگی در مجتمع‌های تجاری در قالب برنامه‌های صوت و تصویر داخل مجموعه برای ارائه پیام‌های فرهنگی در این مجتمع‌ها خبر داد.

تأکید بر پیوستن ارتش به ملت.

بخش چهارم «۱۰۰ روز نخست گذار» به سیاست خارجی اختصاص دارد که برخلاف سیاست خصمانه‌ی کنونی علیه کشورهای منطقه و جهان، تلاش برای به رسمیت شناختن دولت موقت توسط کشورهای جهان و اعلام برقراری روابط صلح‌آمیز با کشورهای غربی و منطقه و کسب پشتیبانی و حمایت آنها و بازگشایی سفارتخانه‌ها و تأکید بر به رسمیت شناختن معاهدات صلح‌آمیز تا جایی که خلاف منافع ملی ایران نباشد. در این بخش همچنین گروهی به بررسی تحریم‌های بین‌المللی اختصاص می‌یابد تا چگونگی مراحل

دکتر خوشخو آنگاه درباره شش بخش اصلی این طرح توضیح داد که بخش نخست آن اقتصاد است که در شرایط کنونی بر اساس «خودکفایی» و «اقتصاد مقاومتی» سبب فساد و ناکارآمدی و فقر شدید و توزیع درآمد به شدت ناعادلانه و بی‌کاری گسترده از جمله بین جوانان تحصیلکرده و مشاغل کاذب و تورم گام‌گسیخته و سیستم بانکی ورشکسته شده است. چنین وضعیتی ما را با پنج بحران جدی روبرو می‌کند که هدف فقتوس بررسی و ارائه راهکار برای مقابله با آنهاست.

وی سپس پنج بحران اقتصاد را چنین برشمرد: افزایش تورم،



از راست: دکتر فرخ زندی، دکتر رضا سعیدی، شبما بزرگی، دکتر آریا خوشخو، انوشیروان کنگرلو، دکتر آرماند اشرف‌زاده

کم‌اثر شدن این تحریم‌ها تا لغو آنها مورد پیگیری قرار گیرد.

سپس دکتر آریا خوشخو درباره بخش پنجم مربوط به تدارکات (لجستیک) و مدیریت این موارد را برشمرد: ایجاد کمیته نظارت برای هماهنگی بین همه گروه‌های ذینفع در برنامه‌ریزی‌های دوران گذار، اطمینان از تأمین نیازمندی‌های مردم، اطمینان از تأمین امنیت مرزها و تداوم حمل و نقل اعم از زمینی و دریایی و هوایی، اطلاع‌رسانی عمومی برای همه‌ی موضوعات مهم در دوران گذار و ارتباط دائم با دولت موقت برای تصمیم‌گیری‌های فوری و ضروری.

بخش آخر طرح‌های «۱۰۰ روز نخست گذار» به رسانه‌ها و رادیوتلوویزیون می‌پردازد. دستگاه عظیمی که در حال حاضر بیش از هفتاد شبکه مختلف را در زیرمجموعه‌ی خود کنترل می‌کند و برخلاف وظایف یک رسانه‌ی ملی، تمام تبلیغات و تلاش خود را روی مخالفت و عناد با آمریکا و اسرائیل گذاشته است. پس از کنترل کشور از سوی یک دولت موقت با شورای رهبری، در روزهای نخست، سازمان رادیوتلوویزیون تنها صدا و تصویر مردم ایران و منعکس‌کننده‌ی تصمیمات شورای عالی [این سازمان] در نخستین دقیق اعلام وجود این شورا خواهد بود. سازمان رادیوتلوویزیون با همکاری مدیران و کارمندان وظیفه‌شناس در نخستین گام می‌بایست برای آرام ساختن کشور و تقویت وحدت در میان مردم تلاش کند. اما مهم‌ترین هدف این سازمان در ۱۰۰ روز نخست ارتباط مداوم با دولت موقت جهت کسب نحوه خدمات‌رسانی و پخش آخرین خبرهای ایران خواهد بود.

پس از توضیح درباره این شش عرصه‌ی مهم جهت کنترل اوضاع کشور و امنیت مردم در ۱۰۰ روز نخست گذار، دکتر فرخ زندی، دکتر رضا سعیدی، شبما بزرگی، دکتر آریا خوشخو و دکتر آرماند اشرف‌زاده، به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ دادند.

سقوط ارز، بحران ورشکستگی بانکی، اختلال در تجارت و از دست دادن کنترل سیاست مالی، که برای همه اینها راهکارهایی در نظر گرفته شده است.

بخش دوم «طرح ۱۰۰ روز نخست گذار» مربوط به سلامت و بهداشت جامعه می‌شود. دکتر خوشخو با اشاره به ناکارآمدی جمهوری اسلامی در برخورد با بحران کرونا و ضعف نظام درمان و بهداشت کشور با وجود داشتن نیروی مستعد و توانا و متخصص در کشور، به ضرورت این موارد در ۱۰۰ روز نخست گذار اشاره کرد: ادامه خدمات درمانی بدون توقف و دسترسی کم‌هزینه به دارو و درمان، آمادگی برای هرگونه وضعیت اضطراری در سطح کلان و نهاد مستقل کنترل کیفیت در خدمات درمانی.

بخش سوم این طرح به حقوق و امنیت به مثابه یکی دیگر از بحرانی‌ترین عرصه‌های کنونی کشور می‌پردازد. قوه قضاییه در ایران امروز خود ناقض حقوق مردم در کشور و همچنین ناقض پیمان‌های بین‌المللی از جمله در زمینه حقوق بشر است که ایران به آنها متعهد شده است. در «۱۰۰ روز نخست گذار» مسائل حقوق و امنیت به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: یکی، تمرکز حقوقدانان و وکلا بطور ویژه بر روی موضوع عدالت انتقالی و رسیدگی به جرائم مربوط به جنایت علیه بشریت و رسیدگی به اغتشاشات و انتقامجویی‌های فردی. دیگری، تمرکز گروهی دیگر از حقوقدانان و وکلا در زمینه‌ی تداوم تأمین حقوق مدنی شهروندان بر اساس قوانین مدرن و عادلانه.

دکتر آریا خوشخو در زمینه امنیت در این بخش افزود: اطمینان از باز نگه داشتن خطوط ارتباطی اعم از مخابرات و اینترنت آزاد و تأمین امنیت سازمان‌ها و ادارات دولتی، اطمینان از وضعیت تأسیسات هسته‌ای، نظارت بر امنیت بنادر و پایگاه‌های نظامی اعم از هوایی و زمینی و همچنین

علی خان محمدی درباره دیگر استانداردهای تحمیلی پوشش مردان در ادارات گفته که «لباس‌های زننده، مارک‌ها، آستین‌کوتاه و لباس‌های چسبان و شلوارهای کوتاه در مورد لباس آقایان است که باید رعایت کنند. اگر مواردی از این دست باشد، فرد متخلف طبق آن چارچوب و دستورالعملی که مصوب است، در مرحله اول تذکر می‌گیرد و در مرحله

همچنین پلمب مراکز تفریحی، تجاری و حتی پارک‌ها نیز به بهانه «عدم رعایت حجاب» ادامه دارد. «پارک جنگلی دریاچه شورمست» در مازندران و «تنگه کافرین» از جاذبه‌های گردشگری استان ایلام در روزهای گذشته پلمب شدند. نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در جزیره هرمز اقدام به برگزاری «رزمایش عفاف و حجاب» کرده و یک

جمهوری اسلامی از فروردین امسال طرح جدیدی با عنوان «حجاب و عفاف» را به اجرا گذاشته و به دنبال اجبار زنان و دختران به رعایت پوشش تحمیلی اسلامی است. در مقابل نیز زنان و دختران با یک نافرمانی مدنی گسترده در حال مبارزه با این اجبار هستند و اکثر آنها با پوشش اختیاری در اماکن عمومی و خیابان‌ها ظاهر می‌شوند.



دوم در حوزه تخلفات اداری مورد بررسی قرار می‌گیرد. استاندار پوشش اجباری و تحمیلی برای مردان در ادارات در حالی مطرح شده که اساسا کارمندان بخش دولتی از کراوات، شلوارک، شلوار تنگ و... استفاده نمی‌کردند و در اغلب ادارات نیز حراست به کارمندان مرد حتی اجازه پوشیدن پیراهن آستین کوتاه را نیز نمی‌داد.

مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» همچنین از برخورد با شهروندان مرد نیز خبر داده و گفته که «در فضای عمومی هم در مورد پوشش اگر مردم هم [اگر مردها هم] چارچوب را رعایت نکنند و فرضا لباس زننده، چسبان، شلوار کوتاهی باشد باید نسبت به آن اقدام انجام شود.»

هفته گذشته علی خامنه‌ای سخنگوی ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» از اجرای «قانون حجاب» در ادارات دولتی خبر داده بود. همزمان وزارت کشور طرح جامع عفاف و حجاب را به همه دستگاه‌ها و نهادها ابلاغ کرده و مسئولیت قرارگاه اجرای طرح را هم به ستاد «امر به معروف و نهی از منکر» واگذار کرده است.

قوه قضاییه نیز در طرحی موازی با طرح مجلس شورای اسلامی، لایحه‌ای را با عنوان «عفاف و حجاب» در ۹ ماده تدوین و به دولت ارائه کرده است.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه امروز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در جمع خبرنگاران گفت پیش‌نویس لایحه «عفاف و حجاب» در ۹ ماده در معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه تهیه، پس از تصویب غلامحسین محسنی اژه‌ای ریاست قوه قضاییه به دولت ارسال شد.

به گفته سخنگوی قوه قضاییه این لایحه اکنون در کمیسیون حقوقی و قضایی دولت در دست بررسی است و پس از بررسی به هیئت دولت ارسال خواهد شد تا پس از تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاده و به قانون تبدیل شود. در آنسو اما مردم بدون رعایت چارچوب‌های تحمیلی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از پوشش اختیاری استفاده می‌کنند. استفاده از پوشش دلخواه توسط زنان و دختران ایرانی یکی از مهمترین نافرمانی‌ها و مبارزات مدنی مردم طی چهار دهه گذشته را به نمایش گذاشته است.

«لنج» را نیز به خاطر حضور بدون حجاب تعدادی از زنان توقیف کردند. حجت‌الله سالاری فرمانده سپاه جزیره هرمز گفته این رزمایش توسط سپاه پاسداران و با مشارکت نیروی انتظامی و پایگاه‌های بسیج با هدف «حفاظت از حجاب» در این جزیره برگزار خواهد شد. در راستای برگزاری این رزمایش «هشت گروه امر به معروف و نهی از منکر» نیز در محله‌های مختلف جزیره هرمز مستقر شده‌اند.

فرمانده سپاه جزیره هرمز به مردان نیز درباره نوع پوشش و لزوم رعایت حجاب هشدار داده و گفته که «حجاب مختص خانم‌ها نیست، در حال حاضر چهره و پوشش برخی مردان مناسب نیست و آنها هم باید رعایت کنند.»

پوشش تحمیلی برای مردان نیز در روزهای گذشته از سوی دیگر مقامات حکومتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. علی خان محمدی مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» (گام) در اینباره گفته که «در بحث ابلاغ شاخص‌های عفاف و حجاب به دستگاه‌ها نوع پوشش را علاوه بر خانم‌ها برای آقایان هم ارائه داده‌ایم. همانطور که پوشش خانم‌ها باید در فضای عمومی مناسب باشد، پوشش آقایان هم باید مناسب باشد، خصوصا در حوزه محیط‌های اداری دستورالعمل داریم و شاخص‌هایی ابلاغ شده است. در دستورالعمل آیین‌نامه اداری هم به حفظ شئون اشاره شده و بحث پوشش آقایان هم در فضای عمومی کشور و به صورت جدی‌تر در ادارات باید دنبال شود.»

مسئول قرارگاه «گشت ارشاد مدیران» افزود که «ما در بحث ادارات شاخص‌های عفاف و حجاب را ابلاغ کردیم و سازمان بازرسی کل کشور نیز همان شاخص‌ها را نامه زده و شاخص‌ها را به نهاد ریاست جمهوری هم داده‌ایم و موظف هستند این شاخص‌ها را برای اجرا ابلاغ کنند. یکی از وظایفی که شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبات ۴۲۷ و ۸۲۰ داده، نظارت بر پوشش دستگاه‌های دولتی در کشور است و ما تأکید داریم که آن چهارچوب رعایت شود، کراوات هم چون از قبل نماد غرب بوده، همانطور که در گذشته هم مرسوم بود، معمولا در مجموعه‌های دولتی از زدن آن ممانعت می‌شود.»

اجرای طرح «حجاب و عفاف» از یکسو تلاشی برای محدودسازی شهروندان و امنیتی کردن فضای جامعه است، از سوی دیگر ابزاری برای جمهوری اسلامی است تا نارضایتی‌های سیاسی و خواست سرنگونی حکومت که سال‌هاست از سوی بخش گسترده‌ای از جامعه بازگو می‌شود را به موضوع «حجاب» کاهش دهد. به همین دلیل موضوع «حجاب» به تیر اصلی اکثر رسانه‌های داخلی تبدیل شده و انواع مقامات حکومتی مسئول و غیرمسئول در اینباره نظر می‌دهند تا همچنان موضوع «حجاب» را در کنار مشکلات عدیده‌ی حیاتی که ملت و مملکت با آن دست به گریبانند، مسئله اصلی کشور قلمداد کنند.

تلاش‌های جمهوری اسلامی برای تمرکز توجهات بر موضوع حجاب تا آنجا ادامه یافته که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بنرهای تبلیغاتی حجاب و عفاف به نقل از لئو تولستوی نویسنده روس و ویکتور هوگو نویسنده فرانسوی نصب شده آنگاه با سخنانی که به آنها درباره «حجاب و عفاف» نسبت داده شده. این بنرها با واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

در بنرهای نصب شده با تصاویر لئو تولستوی و ویکتور هوگو، روایت‌هایی از قول آنان در تمجید «عفت» و «وقار» زنان و در نکوهش بی‌حجابی نقل شده است!

از قول تولستوی نوشته‌اند «مسبب ازدیاد طلاق در اروپا، تمدن فاسد، اختلالات جنسی و نبودن حجاب است.»

همچنین به نقل از ویکتور هوگو آمده که «جاهت توأم با وقار و عفت، به زن قدرتی می‌دهد که قویترین مردان را یاری مقاومت در برابر او نیست و مردان را به خضوع و تعظیم در مقابل زن وامی‌دارد.»

بخشی از کاربران شبکه‌های اجتماعی این نقل قول‌ها را رد کرده و بر غیرواقعی بودن آنها تأکید کرده‌اند. بسیاری از کاربران نیز با تمسخر و طنز با این اقدام جمهوری اسلامی برخورد می‌کنند.

اینهمه در حالیست که امنیتی کردن فضای جامعه نیز ادامه دارد و به گفته فرمانده سپاه تهران قرار است قرارگاه‌های بسیج در مترو، مراکز خرید و معابر عمومی مستقر شود.

تخریب کافه‌های اکباتان؛

«نداشتن مجوز»، «فساد و فحشا» یا انتقام از ساکنان معترض شهرک؟!



● هشت کافه‌ی «کارون»، «مازو»، «طهران»، «دوراک»، «رادین»، «خط سیاه»، «گودار» و «بنتی» در این عملیات حیرت‌آور تخریب و ویران شدند.

● شهردار منطقه ۵ با ادعای اینکه این کافه‌ها بدون مجوز و در مشاعات شهرک ایجاد شده بودند گفته که «بناهای این کافه‌ها اساسی نبوده و سقف‌های موقت و روکش‌های پلاستیکی داشتند».

● برخی از ساکنان احتمال تخریب با ادعای «فساد و فحشا» و به دلیل رعایت نکردن حجاب تحمیلی و اجباری را مطرح کرده و برخی دیگر از احتمال اتهام‌های دیگری مانند عرضه‌ی مشروبات الکلی و... سخن می‌گویند.

● از دید برخی ساکنان علت اصلی تخریب کافه‌ها به عنوان پاتق جوانان ساکنان اکباتان و به نوعی انتقامجویی از ساکنان معترض شهرک بوده است.

بودند گفته که «بناهای این کافه‌ها اساسی نبوده و سقف‌های موقت و روکش‌های پلاستیکی داشتند و محوطه شهرک را متصرف شده بودند. این اتفاق با حکم قضایی و هماهنگی پلیس و نهادهای مرتبط انجام شد.»

شهردار منطقه ۵ تأکید کرد که این کافه‌ها به صورت غیر مجاز طی سالیان گذشته توسعه پیدا کرده بودند و بارها نیز نسبت به تجاوز به فضای عمومی شهرک نسبت به آنها هشدار داده شده بود.

به گفته شریفی تخریب اموال در جریان جمع‌آوری این کافه‌ها انجام نشد تمام اموال کافه‌داران توسط پلیس صورت جلسه و تحویل داده شد. صرفاً در بخش سازه ستون‌ها تخریب شد که به آهن‌ها نیز دست زده نشد.

شهردار منطقه ۵ در توضیحاتی مخالفت بسیاری از ساکنان شهرک با تخریب کافه‌ها را تأیید کرده و گفته برخی از این کافه‌ها بیش از ۱۰ سال بوده تأسیس شده و فعال بودند.

در چنین شرایطی مشخص نیست به چه دلیل شهرداری به طور ناگهانی و به شکل شبیخونی اقدام به تخریب کافه‌ها کرده است!

شهرک اکباتان از جمله مناطقی در تهران است که ساکنان آن در جریان خیزش انقلابی نقش فعالی در اعتراضات علیه جمهوری اسلامی داشته‌اند. در جریان اعتراضات چهارم آبان امسال آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت.

سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و در پی آن میلاد آرمون، حسین نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن اکباتان را به قتل این بسیجی متهم کرد.

همچنان ساکنان شهرک اکباتان اعتراضات را با شعارهای شبانه و اقداماتی چون رقص دختران جوان در روز جهانی زن پیش برده‌اند. اسفندماه گذشته به مناسبت هشتم مارس «روز جهانی زن» ویدئویی از رقص گروهی پنج دختر جوانی در محوطه شهرک اکباتان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. نهادهای امنیتی با بازداشت این دختران جوان آنها را ناچار به ضبط و پخش ویدئوی اعتراف اجباری کردند.

همین دلایل از دید برخی ساکنان علت اصلی تخریب کافه‌ها به عنوان پاتق جوانان ساکنان اکباتان و به نوعی انتقامجویی از ساکنان معترض شهرک بوده است.

قرار گرفتن کافه در مشاعات و همچنین بدحجابی و فساد این مکان پلمپ می‌شود!

در گزارش «شرق» تأکید شده کافه‌های اکباتان یکی از جاذبه‌های این شهرک است و به خاطر فضای دوستانه‌ای که دارد، افراد از مناطق دیگر هم به این کافه‌ها می‌آیند. هنوز رسماً مشخص نشده که کافه‌ها توسط چه ارگانی تخریب شده‌اند. مردم محلی معتقدند که شهرداری مسئول تخریب بوده است و روایت‌های متناقضی از علت این تخریب منتشر شده است. برخی می‌گویند، علت، ترویج فساد و فحشا است و عده‌ای دیگر مشکلات مرتبط با شهرداری و زیباسازی شهر را دلیل می‌دانند. اما از سوی شهرداری یا دیگر نهادهای مسئول هنوز واکنش رسمی منتشر نشده است.

روح‌الله حیدرزاده شهردار ناحیه ۶ منطقه ۵ شهرداری گفته که این اقدام بر اساس حکم دادستانی و با توجه به درخواست مکرر اهالی و ساکنین بلوکهای اطراف بازارچه و هیئت مدیره مرکزی شهرک اکباتان و با هماهنگی یگان حفاظت، کلانتری ۱۳۵ آزادی و ارگان‌های اجرایی و امدادی صورت پذیرفت.

روح‌الله حیدرزاده افزوده که «این سازه‌ها، حدود هشت سال پیش به صورت غیر فنی و غیرمجاز، با کاربری کافه ساخته شده بود و با توجه به عدم رعایت موارد فنی و ایمنی، به سازه‌هایی ناامن با ریسک مخاطرات بالا تبدیل گشته و علاوه بر این با ایجاد آلودگی‌های صوتی و محیطی ویژه در شب، باعث سلب آسایش شهروندان و اهالی اکباتان شده بود.» ادعای ایجاد آلودگی صوتی در حالیهست که یکی از شهروندان به «شرق» گفته که «با توجه به اینکه شبیه‌های اکباتان دو جداره است صدای موزیک و یا سرو صدا به داخل خانه‌ها نمی‌رود. من خودم بیشتر از ۲۰ سال است در اکباتان سکونت دارم و اهالی بلوک‌ها و بچه‌های شهرک معمولاً مورد شناخت خانواده‌ها هستند و مشکلی برای کافه رفتن آنها وجود ندارد.»

برخی از ساکنان اما می‌گویند احتمالاً تخریب‌ها با ادعای «فساد و فحشا» و به دلیل رعایت نکردن حجاب تحمیلی و اجباری در کافه‌ها صورت گرفته باشد. برخی دیگر از ساکنان می‌گویند احتمالاً اتهام‌های دیگری مانند عرضه‌ی مشروبات الکلی و... مطرح باشد.

همچنین احسان شریفی شهردار منطقه ۵ با ادعای اینکه این کافه‌ها بدون مجوز و در مشاعات شهرک ایجاد شده

روز گذشته تعدادی از کافه‌های اکباتان بدون اطلاع قبلی و بطور ناگهانی توسط شهرداری تخریب شد؛ شهرداری «نداشتن مجوز» و «قرار داشتن در مشاعات» را علت تخریب عنوان می‌کند. برخی علت را «فساد و فحشا»ی جاری در این کافه‌ها و شماری نیز انتقامجویی از مردم معترض اکباتان در هشت ماه گذشته را دلیل این تخریب می‌دانند.

بامداد روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساکنان فاز دو شهرک اکباتان با صدای مهیب تخریب چندین کافه و رستوران با ماشین‌های سنگین شوکه شدند. هشت کافه‌ی «کارون»، «مازو»، «طهران»، «دوراک»، «رادین»، «خط سیاه»، «گودار» و «بنتی» در این عملیات حیرت‌آور تخریب و ویران شدند. تخریب ناگهانی کافه‌های اکباتان در حالی اتفاق افتاد که شهروندان ساکن در اکباتان و صاحبان کافه‌ها از علت تخریب بی‌اطلاع بودند و برخی احتمالاتی را مطرح کرده‌اند.

به گزارش «شرق» برخی گفته بودند از آنجایی که این زمین‌ها در حد فاصل بلوک‌ها قرار داشت، جز مشاعات محسوب می‌شد و برای همین کسی نمی‌تواند در آن کسب و کاری راه بیندازد، برای همین کافه‌ها را تخریب کرده‌اند. اما زن جوانی که عصبانی است و با فرزندانش در اینجا خاطره فراوانی دارد؛ می‌گوید: «به مشاعات ربطی ندارد. ساختمان مگامال در بلوک ۱۵ ساخته شده و دارالقرآن در بلوک ۱۹ هر دو هم در مشاعات قرار دارند، چرا با آنها کاری ندارند؟» یکی از کافه‌داران گفته که «اینجا تنها سرمایه من بود. من حدود ۵ سالی است که در این کافه کار می‌کنم و حدود ۷۰ صندلی دارم و حدود ۳ میلیون در آمد روزانه دارم. ساعات کار ما هم از ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب است و بیشتر مشتریان ما را اهالی شهرک تشکیل می‌دهند. ما اینجا ۵ رستوران بودیم که در هر کدام میانگین حدود ۷۰ صندلی و تعدادی میز قرار داشت. من حدود ۶۰۰، ۷۰۰ میلیون ضرر کرده‌ام و فکر کنم همکارانم هم شرایط مشابهی مانند من داشته باشند.»

او مورد علت تخریب و اینکه آیا پیش از این خطاری مبنی بر تخریب دریافت کرده یا خیر؟ گفته که «از حدود ۴ سال پیش گاهی برگه‌ای از شهرداری برای ما می‌آمد که در آن گفته می‌شد، به دلیل اینکه این کافه در مشاعات قرار دارد و ساکنین رضایت ندارند، باید کافه بسته شود. ولی ما اعتنا نمی‌کردیم چون هیچ وقت جدی نبود. آخرین اخطار ۶ ماه پیش از شهرداری برای ما ارسال شد که در آن گفته شده بود به دلیل

بحران در صنعت هوانوردی ایران؛ فرودگاه‌های غیراقتصادی، بلیت‌های نجومی و نارضایتی مسافران



● سازمان هواپیمایی کشوری مدعی شده مشکلات افزایش قیمت و نایاب شدن بلیت هواپیما «همواره مطرح بوده و مربوط به امروز و دیروز نیست که یکی از دلایل این امر به تقاضای بالای سفر و رغبت بیشتر به سفرهای هوایی بازمی‌گردد.

● عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی: در کشورمان از بیش از ۶۰ فرودگاه، کمتر از ۲۰ فرودگاه بطور جدی فعال هستند و تنها یک فرودگاه در ایران اقتصادی است.

● مقامات دولت به دنبال جلوگیری دستوری از افزایش قیمت بلیت هواپیما هستند. این مقاومت به معنای زیان بیشتر صنعت هواپیمایی کشور و ضرر خطوط هواپیمایی خواهد بود.

با انتشار گزارش‌هایی درباره افزایش قیمت بلیت هواپیما و نایاب شدن بلیت در برخی مسیرهای هوایی داخلی، کارشناسان و مقامات نبود هواپیمای کافی، قیمت‌گذاری دستوری، ناتوانی مردم از پرداخت هزینه هواپیما و غیراقتصادی بودن فعالیت فرودگاه‌ها را از جمله مشکلات صنعت هوانوردی کشوری دانند.

در روزهای گذشته گزارش‌هایی از افزایش قیمت بلیت در مسیرهای پر تقاضا تا ۱۰۰ درصد و نایاب شدن بلیت منتشر شده است. محمد محمدی‌بخش رئیس سازمان هواپیمایی کشوری افزایش قیمت بلیت را «سوء رفتار و وسایط‌های فروش» خوانده و گفته که «طبق بررسی‌ها، بیشتر تخلف‌های صورت گرفته بر اثر سوء رفتار کانال‌ها و سایت‌های فروش بلیت به صورت مجازی است. از سازمان تعزیرات حکومتی درخواست شده با توجه به آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، بازرسی‌های لازم توسط سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان انجام شود.»

سازمان هواپیمایی کشوری در اطلاعیه‌ای مدعی شده مشکلات افزایش قیمت و نایاب شدن بلیت هواپیما «همواره در سال‌های گذشته مطرح بوده و مربوط به امروز و دیروز نیست که یکی از دلایل این امر به تقاضای بالای سفر و رغبت بیشتر به سفرهای هوایی بازمی‌گردد.»

در ادامه بیانیه سازمان هواپیمایی کشوری آمده که «از سویی دیگر علت این افزایش تقاضا و میل به سفرهای هوایی به عدم افزایش قیمت بلیت به دنبال اقدامات کنترلی توسط سازمان هواپیمایی کشوری بازمی‌گردد، به همین دلیل سفر با هواپیما نه تنها به دلیل صرفه جویی در زمان، ایمنی بسیار بالا و بعد مسافت بلکه به دلیل مقرون به صرفه بودن این مدل در مقایسه با سایر مدل‌های حمل و نقلی است که همواره مورد اقبال عموم است.»

سازمان هواپیمایی کشوری همچنین افزایش قیمت بلیت هواپیما را غیرقانونی عنوان کرده و نوشته که «نرخ بلیت هواپیما کماکان بر اساس نرخ‌های مصوب سال ۱۴۰۰ به فروش

می‌رسد و بدون تصمیم سازمان هواپیمایی کشوری و ستاد تنظیم بازار شرکت‌های هواپیمایی اجازه فروش با قیمت بالاتر ندارند و قیمت‌ها تابع قوانین و مقررات است.»

چند روز پیش از صدور این اطلاعیه از سوی سازمان هواپیمایی کشوری، عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در رابطه با افزایش قیمت بلیت هواپیما گفته بود که «وزارت میراث فرهنگی باید بر اساس تورم سالانه بلیط‌ها را افزایش می‌داد، الان ارقام بلیط خیلی پایین است. به خاطر توجه به شعار سال و برای مهار تورم قیمت‌های بلیط باید کمترین افزایش را داشته باشد برای همین با افزایش آن مخالفت کردیم.»

حسن خوشخو معاون هوانوردی سازمان هواپیمایی کشوری اما امروز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ از اعمال تصمیمات احتمالی برای افزایش قیمت بلیت هواپیما تا آخر اردیبهشت خبر داد و گفته که سازمان هواپیمایی اختیاری در خصوص سایت‌ها ندارد. حسن خوشخو مشکلاتی چند وجهی برای صنعت هوایی را برشمرده و گفته است: «واقعیت این است که سال گذشته حدود ۵۰ درصد حقوق کارگران افزایش یافت و این مسئله را امسال هم داشته‌ایم که حدود ۲۰ درصد افزایش حقوق یافته است. این فارغ از مباحث مربوط به نرخ ارز و مشکلات تأمین قطعه هواپیما. اینها واقعیت‌های صنعت هوانوردی کشور است.»

حسن خوشخو با بیان اینکه آزادسازی نرخ بلیت هواپیما از منظر سازمان هواپیمایی کشوری رهاسازی نیست گفته که آخرین تغییر قیمت بلیت مربوط به تیرماه سال ۱۴۰۰ بوده است، یکسال و نیم از این موضوع می‌گذرد. تا آخر اردیبهشت ماه امسال تصمیماتی برای حل بخشی از مشکلات شرکت‌های هواپیمایی اتخاذ می‌شود که بخشی از آن مربوط به قیمت بلیت هواپیماست.

رحمت‌الله فیروزی پوربادی رئیس کمیته حمل و نقل هوایی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی نیز دو روز پیش از برگزاری جلسه‌ای در این کمیسیون با حضور مقامات دولتی و صنعت هوانوردی خبر داده و گفته بود در نشست بعدی کمیسیون عمران درباره افزایش قیمت بلیت هواپیما تصمیم‌گیری خواهد شد: «یکی از موضوعات بسیار مهمی که در این نشست مطرح شد، نگرانی بنده و سایر نمایندگان در خصوص نرخ بلیط هواپیما بود که مسئولان حاضر نیز توضیحاتی در این خصوص ارائه کردند و در نهایت مقرر شد در جلسه آینده ابعاد مسئله مورد بحث و بررسی بیشتری قرار گرفته و برای نرخ بلیط هواپیما تصمیم‌گیری شود.»

به عقیده کارشناسان صنعت هوانوردی، نرخ بلیت هواپیما در طول ۲۲ ماه گذشته بدون تغییر و ثابت مانده اما حقوق

و دستمزد کارکنان این بخش چه خصوصی و چه دولتی بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. همچنین در بخش هزینه‌های شرکت‌های هواپیمایی که به دلار تأمین می‌شود نیز باید اشاره کرد که به دلیل افزایش نرخ دلار یک قطعه هزار دلاری در سال گذشته با ۲۵ میلیون تومان خریداری می‌شد، اما هم‌اکنون این رقم به ۵۵ میلیون تومان افزایش یافته است.

در این میان مجتبی یوسفی عضو کمیسیون عمران مجلس درباره وضعیت فرودگاه‌ها در ایران و درخواست شرکت‌های هواپیمایی برای افزایش ۱۰۰ درصدی بلیت هواپیما با «غیر اقتصادی» دانستن فرودگاه‌ها در ایران گفت: «در کشورمان از بیش از ۶۰ فرودگاه، کمتر از ۲۰ فرودگاه به طوری جدی فعال هستند و تنها یک فرودگاه در ایران اقتصادی است.»

مجتبی یوسفی همچنین درباره درخواست شرکت‌های هواپیمایی برای افزایش ۱۰۰ درصدی بلیت هواپیما گفت: «افزایش قیمت‌ها از جمله قیمت بلیت هواپیما باعث می‌شود در این شرایط که تورم سید خانوار را کوچک کرده، مشکلاتی برای مردم به وجود بیاید و اشتغال و درآمد مردم را در حوزه‌های گردشگری و هتلداری تحت تأثیر قرار می‌دهد.» این عضو کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر اینکه بازار برای قیمت بیشتر «بلیت هواپیما» کسش ندارد، افزود: «مخالف افزایش قیمت بلیت هواپیما هستیم و به این موضوع در کمیسیون عمران هم تأکید داشته‌ایم.»

به نظر می‌رسد مقامات دولت بدون توجه به تورم بالای اقتصاد که بر صنعت هوانوردی نیز مانند دیگر بخش‌های اقتصاد اثر گذاشته، به دنبال جلوگیری دستوری از افزایش قیمت بلیت هواپیما هستند. این مقاومت به معنای زیان بیشتر صنعت هواپیمایی کشور و ضرر خطوط هواپیمایی خواهد بود. در همین رابطه مهرداد بذپاش وزیر اره و شهرسازی گفته که «گاهی بلیت هواپیما در شبکه‌های غیررسمی گران‌تر از قیمت مصوب فروخته می‌شود. اگر شرکت هواپیمایی گرانفروشی کند، مستقیماً به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی می‌شوند و اگر سایت‌های فروش اقدام به گرانفروشی کنند، هم مجوزشان لغو می‌شود و هم به دستگاه قضایی معرفی می‌شوند.» مهرداد بذپاش گفته که «از مسئولان سازمان هواپیمایی خواست‌ام هر چه سریعتر یک پلتفرم متمرکز برای عرضه بلیت طراحی کنند و این کار شروع شده است.»

جعفر یازرلو سخنگوی سازمان هواپیمایی هم روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ در گفتگو با خبرنگاری «مهر» گفته که «برای حل مشکل گرانفروشی یک سامانه در نظر گرفته شده است که فروش بلیت محدود شده تا از این طریق معضل کمبودها و گرانفروشی‌ها برطرف شود؛ البته همانطور که وزیر راه اعلام کرد بلیت هواپیما گران نشده است.»

فدرالیسم در ایران: راهی به سوی دموکراسی یا فروپاشی؟ (بخش یک)

دستگاه دولتی واحد)، وحدت جمعیت (ملت واحد تحت حکومت قدرت همگن) و وحدت سرزمین (سرزمین واحد، تحت حکومت تشکیلات سیاسی واحد) است. گرایش مسلط در طول تاریخ، گرایش به سوی وحدت، همگونی، تمرکزطلبی و یکپارچه‌سازی بوده است؛ کما اینکه مشاهده می‌شود کشورهای تک‌ساخت، مانند ایتالیا و اسپانیا، از بطن نظام‌های فئودالی و ملوک الطوائفی بیرون آمده‌اند. کشورهای تک‌ساخت انواعی دارند که در میان آنها کشورهای متمرکز (centralised) و غیرمتمرکز (decentralised) از همه معروف‌ترند. [۱]

کشور مرکب یا چندپارچه - برخلاف کشور تک‌ساخت - کشوری دارای تعدد مراکز عملکرد سیاسی و حاکمیت چندگانه است. اعضای تشکیل دهنده کشور چندپارچه، هر کدام، یک واحد سیاسی حاکم و دارای شخصیت حقوقی و سیاسی هستند. کشور چندپارچه، تجمع ارادی چندین واحد سیاسی حاکم، حول محور یک حکومت مرکزی است که این واحدهای سیاسی، هر کدام، میزانی از اختیار حاکمیت و قدرت سیاسی خود را به آن حکومت مرکزی سپرده‌اند. در حال حاضر معروف‌ترین انواع کشورهای مرکب، کشورهای کنفدرال و کشورهای فدرال هستند. [۲]

هرگاه چند کشور مستقل، برای حفظ خود، بخواهند در زمینه‌های دفاعی، نظامی، اقتصادی و نظایر آن با هم اشتراک مساعی داشته باشند و طبق معاهده‌ای بخشی از حاکمیت خود را به یک سازمان مشترک مرکزی بسپارند، پایه‌های یک کنفدراسیون را ریخته‌اند. برای اداره این کنفدراسیون ضروریست نهادهایی مستمر که از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل یافته‌اند پای به عرصه وجود نهند. در کشورهای عضو کنفدراسیون، انتقال حاکمیت به کنفدراسیون جزئی است و تصمیمات کنفدراسیون باید به اتفاق کشورهای عضو اتخاذ شود. همچنین هرکدام از کشورهای کنفدراسیون می‌توانند بنا به تصمیم خود از این اتفاق خارج شوند. اساسی‌ترین نهاد کنفدراسیون، مجلسی است که در واقع یک کنفرانس دیپلماتیک است و اعضای آن که از جانب کشورهای عضو تعیین می‌شوند، از کشورهای متبوع خود تبعیت می‌کنند. در کنفدراسیون، گاه یک قوه قضاییه مشترک نیز تشکیل می‌شود. کنفدراسیون سرزمین و اتباع تابع خود را ندارد؛ بلکه هر کشور عضو کنفدراسیون دارای سرزمین و اتباع خود است. کنفدراسیون به ندرت دارای بودجهی مشترک است. از حیث نظامی نیز کنفدراسیون دارای ارتشی است که از مجموع ارتش‌های کشورهای عضو تشکیل شده است؛ اما در مورد مسائل خارجی و روابط بین‌المللی (انعقاد قراردادها، جنگ و صلح و ...)، به مثابه یک واحد سیاسی عمل می‌کند. در حال حاضر در جهان کنفدراسیون وجود ندارد؛ اما کنفدراسیون ژرمانی (Deutscher Bund) (۱۸۶۶-۱۸۱۵) را می‌توان به عنوان یکی از نمونه‌های تاریخی کنفدراسیون نام برد که پس از انحلال امپراتوری رومی - ژرمانی در سال ۱۸۰۶، جایگزین آن شد و پس از آن به کشور فدرال آلمان تبدیل شد. [۳]

فدرالیسم، سیستمی است که در آن اقتدار سیاسی بین یک دولت ملی و مجموعه‌ای از دولت‌های ایالتی (یا منطقه‌ای) تقسیم می‌شود که در کنار یکدیگر عمل می‌کنند و

در این مطلب به این پرسش اصلی پاسخ داده خواهد شد که آیا برقراری سیستم فدرال در ایران، منافع ملت ایران را تأمین خواهد کرد؟

برای پاسخ به این پرسش، باید به چند پرسش دیگر نیز پاسخ داده شود.

فدرالیسم چیست و جایگاه و محتوای آن کدام است؟ منظور گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم چیست؟

سوابق این گروه‌های قوم‌گرا چیست؟ آیا آنها واقعاً به فدرالیسم پایبند بوده‌اند یا اهدافی فراتر از برقراری فدرالیسم و تجزیه‌ی ایران را دنبال می‌کنند؟

آیا برقراری سیستم فدرال در ایران، تأمین منافع ملی ایران را به دنبال خواهد داشت؟

آیا نواحی‌ای که فدرال می‌شوند، به دموکراسی، حقوق بشر و توسعه‌ی اقتصادی خواهند رسید؟

منظور گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم چیست و تا چه حد پیشینه‌ی این نیروها وفاداری آنها را به تمامیت ارضی ایران نشان می‌دهد؟

آیا برقراری فدرالیسم در ایران، الزاماً دموکراسی، حقوق بشر و توسعه به دنبال خواهد داشت؟

منظور از حق تعیین سرنوشت - که بسیاری از قوم‌گرایان آن را مطرح می‌کنند - چیست و آیا این حق ارتباطی با برقراری فدرالیسم در ایران دارد؟

و در پایان آیا برقراری فدرالیسم در ایران، منافع نواحی‌ای را که خودمختاری آنها از سوی گروه‌های قوم‌گرا مطالبه می‌شود تأمین خواهد کرد؟

بدین ترتیب، نخست، جایگاه، مفهوم و محتوای فدرالیسم مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. سپس منظور گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم در ایران بررسی خواهد شد. آنگاه به سوابق گروه‌های قوم‌گرا با داعیه‌ی فدرالیسم و خودمختاری در ایران نگاهی اجمالی صورت خواهد گرفت. پس از آن، نسبت فدرالیسم با دموکراسی، حقوق بشر و توسعه مورد بحث قرار خواهد گرفت. حق تعیین سرنوشت، موضوع دیگریست که مفهوم و قابلیت اجرای آن بررسی خواهد شد و در پایان، به عنوان نمونه، رفتارندوم غیرقانونی بارزانی و وضعیت حقوق بشر در کردستان عراق مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

جایگاه، مفهوم و محتوای فدرالیسم

کشورها با توجه به ساختار درونی و نیز ترتیب قدرت در نهادها از حیث طبقه‌بندی متفاوتند و به کشورهای تک‌ساخت (بسیط) (unitary states) و چندپارچه (مرکب) تقسیم می‌شوند.

کشور تک‌ساخت کشوری است که دارای مرکز واحد عملکرد سیاسی است و قدرت سیاسی در کلیت آن، توسط یک شخصیت واحد حقوقی که کشور بسیط است اعمال می‌شود. تمامی افرادی که زیر پرچم کشور تک‌ساخت بسر می‌برند، از «یک اقتدار سیاسی» تبعیت می‌کنند و در سراسر قلمرو آن کشور، تحت حکومت «یک قانون اساسی» قرار دارند. کشورهای ایران، بریتانیای کبیر، ایرلند، فرانسه، سوئد، نروژ، اسپانیا و ایتالیا، نمونه‌ای از کشورهای تک‌ساخت هستند. کشور تک‌ساخت، دارای وحدت ساختار (یک

● «هدف از این بررسی آن است که نشان داده شود برقراری سیستم فدرال، نه تنها منافع ملی ایران را تأمین نمی‌کند، بلکه به نفع نواحی‌ای نیز که خودمختاری آنها مطالبه می‌شود نخواهد بود و حقوق بشر و دموکراسی در آن نواحی برقرار نخواهد شد. ایرانیان بدانند که طرح برقراری چنین نظامی در راستای ایجاد چنددستگی، انحراف و به بیراهه بردن جنبش دموکراتیک ملت ایران برای کسب آزادی و استقرار حقوق بشر در کشور است.»

● «در این مطلب به این پرسش اصلی پاسخ داده خواهد شد که آیا برقراری سیستم فدرال در ایران، منافع ملت ایران را تأمین خواهد کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، باید به چند پرسش دیگر نیز پاسخ داده شود. فدرالیسم چیست و جایگاه و محتوای آن کدام است؟ منظور گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم چیست؟ سوابق این گروه‌های قوم‌گرا چیست؟ آیا آنها واقعاً به فدرالیسم پایبند بوده‌اند یا اهدافی فراتر از برقراری فدرالیسم و تجزیه‌ی ایران را دنبال می‌کنند؟»

امیرعباس امیرشکاری - یکی از مباحث سیاسی و حقوقی در سال‌های اخیر این بوده که برخی بر این باورند که برقراری سیستم فدرال در ایران، می‌تواند ضامن برقراری نظام دموکراتیک، حقوق بشر و توسعه در کشور باشد. برخی نیروهای قوم‌گرا نیز هر کدام با توجه به هدفی که دنبال می‌کنند به دنبال چنین هدفی بوده و هستند. در برابر دیدگاهی وجود دارد که معتقد است فدرالیسم رابطه‌ای با برقراری دموکراسی، حقوق بشر و توسعه ندارد و طرح چنین دیدگاهی نه تنها گامی در راستای برادری، تجزیه و نابودی ایران خواهد بود، بلکه موجب فقر، ادبار و تیره‌روزی مناطقی خواهد شد که برخی احزاب و گروه‌ها «خودمختاری» آنها را می‌خواهند. طرفداران دیدگاه اخیر معتقدند که گروه‌های نژادپرست و نفرت‌پراکن‌های قومی زیر نقاب فدرالیسم، به دنبال ایجاد جنگ داخلی در ایران و در نهایت، تجزیه‌ی کشور هستند.

هدف از این بررسی آن است که نشان داده شود برقراری سیستم فدرال، نه تنها منافع ملی ایران را تأمین نمی‌کند، بلکه به نفع نواحی‌ای نیز که خودمختاری آنها مطالبه می‌شود نخواهد بود و حقوق بشر و دموکراسی در آن نواحی برقرار نخواهد شد. ایرانیان بدانند که طرح برقراری چنین نظامی در راستای ایجاد چنددستگی، انحراف و به بیراهه بردن جنبش دموکراتیک ملت ایران برای کسب آزادی و استقرار حقوق بشر در کشور است.

در این زمینه تا کنون مقالات و کتاب‌های متعدد به رشته‌ی تحریر درآمده؛ اما در این نوشته کوشش می‌شود طرح گفتمان فدرالیسم در ایران با رویکردی کمی متفاوت از آنچه تا کنون بوده، مورد ارزیابی قرار گیرد. از همین رو، در کنار بررسی برخی مفاهیم حقوقی، بررسی‌هایی تاریخی و گفتمانی نیز صورت خواهد گرفت تا این مقاله از حیث استدلالی و زمینه‌ی بحث، تا جایی که ممکن است، یک پژوهش میان‌رشته‌ای باشد. برای اثبات فرضیه‌های مطرح شده نیز کوشش شده تا به آمارهای معتبر موجود استنادهایی صورت گیرد تا مطلب جنبه‌ی انتزاعی نداشته باشد.

منظور گروه‌های قوم‌گرا از فدرالیسم در ایران
از آنجا که در میان کشورهای فدرال، یکی از بیشترین درجه‌های خودمختاری واحدهای فدرال متعلق به سوییس

کانتون‌ها به عنوان واحدهای تشکیل دهنده فدراسیون، خودمختاری اولیه گسترده‌ی خود را حفظ کرده‌اند. در کشور سوییس ۴ زبان رسمی (آلمانی، فرانسه، ایتالیایی و

یک فضای جغرافیایی را به اشتراک می‌گذارند [۴] و کشور فدرال اتحادیه‌ای از دولت‌ها است که در آن هم فدراسیون و هم دولت‌های عضو، عناصر تشکیل دهنده



است و از آنجا که فرصت ارزیابی اختیارات واحدها در تمامی کشورهای فدرال در این مختصر نمی‌گنجد، مفید است تا ساختار فدرالیسم در سوییس - و گاه ایالات متحده آمریکا - با آنچه تحت عنوان فدرالیسم خواست برخی گروه‌های قوم‌گرا در ایران است مقایسه گردد.

از میان گروه‌های قوم‌گرا در ایران که خواستار برقراری سیستم فدرال در این کشور هستند، کمتر گروهی بطور رسمی مقصود خود را از مفهوم فدرال بیان کرده است؛ اما یکی از گروه‌هایی که از میان آنها اندکی مفهوم فدرالیسم را از نگاه خود توضیح داده، «حزب دموکرات کردستان ایران» است. این حزب، صرف نظر از اینکه در اساسنامه‌ی خود، به ویژه در مقدمه‌ی آن، بطور تلویحی از اندیشه‌ی استقلال کردستان دفاع کرده، به ظاهر خواستار برقراری سیستم فدرال در ایران شده است.

بر اساس اساسنامه‌ی حزب دموکرات کردستان، اقلیم کردستان باید در ایران فدرال فردا در چهارچوب جغرافیای کردستان - که هنوز محدودده‌ی آن مشخص نیست - تشکیل شود.

حکومت اقلیم، تمامی کردزبان‌های ساکن ایران و خارج از اقلیم را متحد استراتژیک خود می‌داند و از آنها حمایت می‌کند.

بر اساس این اساسنامه، اقلیم کردستان دارای پرچم و سرود ملی خود است که همگی در پارلمان کردستان به تصویب می‌رسد. این در حالیست که مثلاً در ایالات متحده‌ی آمریکا که دارای سیستم فدرال است، فقط یک سرود ملی (سرود ملی آمریکا) وجود دارد و «سرودهای ایالتی» یا «سرودهای منطقه‌ای»، سرود ملی دانسته نمی‌شوند. همچنین ایالات متحده‌ی آمریکا تنها دارای یک پرچم ملی است و پرچم ملی، با پرچم ایالتی فرق دارد.

بر اساس اساسنامه، زبان کردی، زبان رسمی همه‌ی سطوح و مکاتبات اداری اقلیم کردستان است و زبان فارسی، تنها در کنار زبان کردی تدریس می‌شود. بنابراین زبان

رومانش) وجود دارد. هر کانتون، قوه قضاییه، نظام آموزشی، شهرداری، سیستم مالیاتی، اداری و پلیس خاص خود را دارد. دولت‌های کانتونی، قدرت اجرای نظم و قانون را دارند. کانتون‌ها و شهرداری‌ها می‌توانند در مورد دو سوم درآمد و هزینه‌های کانتون تصمیم‌گیری کنند. همچنین کانتون‌ها می‌توانند در مورد سازماندهی و ساختار سیاسی قلمرو خود و نیز در مورد چگونگی تأسیس و نحوه‌ی فعالیت نهادهای خود تصمیم بگیرند. آنها می‌توانند اختیارات کانتونی خود را محدود کنند یا برخی از این اختیارات را به شهرداری‌ها تفویض کنند. در کانتون‌ها، شهروندان، اعضای پارلمان کانتون و دولت کانتونی - و در برخی موارد، کارمندان دولت، معلمان و حتی قضات - را انتخاب می‌کنند. مطابق اصول ۱۲۲ و ۱۲۳ قانون اساسی سوییس، وضع قوانین جزایی و مدنی، در صلاحیت دولت مرکزی است و کانتون‌ها موظفند دادگاه‌هایی را برای اجرای آن قوانین سازماندهی کنند. به منظور جلوگیری از انتقال قدرت به سطح فدرال، کانتون‌ها سعی می‌کنند قوانین خود را از طریق معاهدات بین کانتونی (کنکوردات concordats) یکسان کنند. علاوه بر این، اختلافات بین کانتون‌ها یا بین کانتون‌ها و کنفدراسیون باید از طریق مذاکره حل و فصل شود. بنابراین، برخلاف سیستم‌های آلمانی و دیگر سیستم‌های فدرال، در سیستم سوییس، اختلافات بین کانتون‌ها و کنفدراسیون، به ندرت با تصمیم دادگاه، بلکه بیشتر با مذاکره یا با اصلاحات قانونی یا قانون اساسی حل می‌شود. اگر میان قانون کانتونی و قانون فدرال تضاد وجود داشته باشد، قانون فدرال حاکم است. قانون اساسی کانتونی نیاز به تصویب مجلس فدرال (جمع مجالس اول و دوم سوییس) دارد. ارتش و امنیت کشور، روابط خارجی، سیاست‌های کلان مالی و اقتصادی، وضع اوزان و مقیاس‌ها، اقامت و اسکان دائم اتباع خارجی، پزشکی تولید مثل و فناوری ژنتیک، وضع قوانین در مورد حمل و نقل دریایی، فضایی، هوایی، راه آهن، الکل، قمار و... در انحصار دولت فدرال است. [۷]

یک دولت را که قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه است شامل می‌شوند. اختیارات ایالتی بین فدراسیون از یک طرف و دولت‌های عضو از سوی دیگر تقسیم می‌شود که هر دو دارای صلاحیت‌ها و وظایف معینی هستند. [۵]

پس در تحقق کشور فدرال، نخست باید نهادهای مشترکی پا به عرصه‌ی ظهور نهند که صلاحیت و اختیارات آنها به گونه‌ای فراگیر تمام واحدهای کشور فدرال را شامل شود. دوم باید هر یک از دولت‌های عضو کشور فدرال، چنان شخصیت متمایز خود را حفظ کنند که این واحدها را بتوان به آسانی از تقسیمات کشوری نظیر استان‌ها یا مناطق به راحتی تشخیص داد و سوم اینکه دولت‌های متحد عضو باید بتوانند به وسیله‌ی نمایندگان خود در شکل‌گیری ارگان‌ها و اتخاذ تصمیمات کلی در مورد کشور فدرال، مشارکت داشته باشند. بنابراین کشور فدرال، مرکب از دولت‌های کوچکی است که هم می‌خواهند مستقل بمانند و هم در عین حال حاضرند میزان معتناهایی از حاکمیت خود را به دولت مرکزی بپردازند و در عین حفظ حاکمیت درون - کشوری، در تحقق اراده‌ی حاکم دولت مرکزی نیز مشارکت کنند. [۶]

اساساً فلسفه‌ی پا به عرصه نهادن فدرالیسم این بود که چند کشور مستقل و حاکم، تصمیم بگیرند که سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی خود را به انگیزه‌ی «اتحادطلبی» به یکدیگر پیوند دهند و کشوری وسیع و پهناور به وجود آورند تا از حیث قدرت نظامی، امکانات دفاعی، نیروی اقتصادی و نظایر آنها، در حد شایسته‌ای در خانواده بین‌المللی قرار گیرد. بنابراین تا سال‌های متمادی این روند که کشورهای تک‌ساخت به سوی ساختار فدرال حرکت کنند، امری ناشناخته بود.

میزان و ماهیت اختیارات در واحدهای فدرال (کانتون‌ها در سوییس، ایالات در ایالات متحده‌ی آمریکا، استان‌ها و قلمروها در کانادا و...)، با یکدیگر متفاوت است. در سوییس یک فدرالیسم به شدت غیرمتمرکز حاکم است.

→ فارسی عملاً از تمام مناسبات مهم اقلیم کردستان حذف خواهد شد. این در حالیست که در سایر کشورهای فدرال، مانند آمریکا و برزیل، یک زبان رسمی برای تمام کشور وجود دارد یا اگر مانند سوییس دارای چند زبان رسمی هستند، این زبان‌ها در تمامی کشور، به عنوان زبان رسمی به رسمیت شناخته می‌شوند و اینگونه نیست که برخی از این زبان‌ها در مناطق مختلف کنار گذاشته شوند. مستنبط از همین عبارت از اساسنامه، تدریس در مدارس و دانشگاه‌ها به زبان مادری است. یعنی ایرانیانی که به گروه‌های زبانی مختلف تعلق دارند، هر کدام باید تحصیلات خود را به زبان مادری خود- و نه به زبان فارسی- ادامه دهند و محتوای کتاب‌های درسی باید بر اساس دستور مسئولان محلی در نواحی خودمختار- از جمله اقلیم کردستان- تعیین شود.

در بخش دیگر از اساسنامه آمده است روابط اقلیم کردستان با سایر بخش‌های کردستان و کشورهایی که منافع کرد در آنجا وجود دارد، از طریق نمایندگان اقلیم کردستان و از طریق توافق با حکومت فدرال میسر می‌شود.

همچنین هر کدام از اقلیم‌ها می‌توانند در کشورهای دیگر نمایندگی داشته باشند تا این نمایندگی‌ها، حافظ منافع ویژه‌ی آنها باشند. این به آن معناست که اقلیم کردستان، برخلاف دولت‌های سایر کشورهای فدرال، مایل نیست امور خارجی را تماماً به دست دولت مرکزی بسپارد.

در اساسنامه آمده است که حفظ نظم و امنیت داخلی اقلیم، بر عهده‌ی نیروهای انتظامی محلی حکومت اقلیم است. وظیفه‌ی نیروهای پیشمرگه، حفظ منافع و حاکمیت اقلیم کردستان است. بنابراین علاوه بر اینکه اقلیم بر نیروی انتظامی محلی تسلط کامل دارد، برخلاف سایر فدراسیون‌ها، نیروی دیگری به نام پیشمرگه معرفی کرده که نقش ارتش را در اقلیم ایفا خواهد کرد و ارتش دولت مرکزی تنها باید در مرزها مستقر شود.

بر اساس ماده‌ی دیگر از اساسنامه، حق تصویب تمامی قوانین که به مسائل داخلی اقلیم‌ها (مثل قوانین مدنی، جزایی، مالیاتی و...) مربوط می‌شود، به پارلمان اقلیم‌ها واگذار می‌شوند. اساسنامه از این نیز فراتر می‌رود و مقرر می‌دارد: «مسائل مشترکی که به حکومت فدرال مربوط می‌شوند مانند سیستم پولی، ارتش، برنامه‌ریزی بلندمدت اقتصادی، منابع درآمد و تقسیم عادلانه‌ی ثروت‌های عمومی، سیاست‌های خارجی و اوزان و مقیاسات، در محدوده‌ی اختیارات مشترک حکومت اقلیم‌ها و حکومت فدرال می‌باشد.» یعنی یکی از اصول معروف پذیرفته شده توسط کشورهای فدرال را عملاً نقض می‌کند. [۸]

با توجه به موارد بالا، به نظر می‌رسد که وقتی بسیاری از گروه‌های قوم‌گرا از واژه‌ی فدرالیسم برای ایران استفاده می‌کنند، درجه‌ی خودمختاری به مراتب بیشتری از نظام‌های فدرال و چیزی نزدیک به نظام کنفدرال را مطالبه می‌کنند و از آنجا که تقاضای آنها ممکن است مورد اعتراض قرار گیرد و مقاصد بعدی آنها آشکار بشود، نام آن را به نادرست فدرال می‌گذارند؛ اگرچه خود سیستم فدرال هم برای ایران مناسب نیست.

نگاهی کوتاه به سوابق گروه‌های قوم‌گرای ایران با داعیه‌ی فدرالیسم و خودمختاری

پس از پایان جنگ جهانی اول، شمال غرب ایران هنوز با مصائب ناشی از جنگ درگیر بود. سیصد روستای دشت ارومیه ویران شده و جمعیت شهر ارومیه از ۲۵ هزار به ۵ هزار تن کاهش یافته بود. منطقه دستخوش آشوب و ناپسامانی بود. سمیتقو (سمکو) از جمله کسانی بود که با سوء استفاده از خلاء قدرت، هم به غارت و چپاول مشغول

بود و هم روستاهای بین خوی و سلماس را تملک کرده بود. [۹] در ژوئیه ۱۹۱۸ عده‌ای از متجاسرین در کردستان ایران، ظاهراً گرد آمدند تا مسئله‌ی «استقلال کرد» را تحت حمایت بریتانیا مورد بحث قرار دهند و همین موضع را به نمایندگی بریتانیا در سقز پیشنهاد کردند. در آغاز دسامبر همان سال، گروهی از جدایی‌طلبان به نمایندگی از عشایر سنه و سقز و هوارمان با این هدف که جزء منطقه‌ی تحت اداره‌ی بریتانیا منظور شوند، از سلیمانیه دیدار کردند. آنها در فوریه ۱۹۱۹ جلسه‌ی دیگری درباره‌ی شورش علیه حکومت ایران تشکیل دادند که البته در این خصوص، به نتیجه‌ی نرسیدند. [۱۰] سمیتقو رویای استقلال کردستان را در سر داشت [۱۱] و برای رسیدن به این هدف، به کشتار مخالفان و حتی قتل عام وحشیانه‌ی آذری‌ها دست یازید. در آوریل ۱۹۱۹، متعاقب نزاعی که میان پادگان ایرانی ارومیه و هواداران سمیتقو رخ داد، وی بی‌درنگ شهرستان ارومیه را محاصره کرد، آب را به روی مردم بست و دست به قتل و غارت مناطق آذری‌نشین اطراف گشود. [۱۲] وقتی بریتانیا از دادن اسلحه و مهمات لازم به سمیتقو برای دستیابی به استقلال خودداری کرد، وی برای گرفتن کمک، به بیگانه‌ی دیگری یعنی ناسیونالیست‌های ترکیه روی آورد. سپس کوشید عشایر آذربایجان غربی را گرد آورد؛ اما موفق نشد. [۱۳] در فوریه ۱۹۲۰ دولت مرکزی توانست سمیتقو را شکست دهد. وی خواستار مصالحه شد و قول داد اموال غارت شده را پس دهد و در امور ارومیه و سلماس مداخله نکند. دولت وقت از روی بی‌خردی با سازش موافقت کرد. [۱۴] دو ماه بعد؛ یعنی در ماه آوریل، سمیتقو با اسلحه‌ی دریافتی از ترک‌ها، دشت سلماس و شهر ارومیه را اشغال کرد و اینبار کوشید خود را تحت حمایت بیگانه‌ی دیگر یعنی بلشویک‌ها که می‌کوشیدند تمامیت ارضی ایران را نقض کنند قرار دهد. اما سمیتقو از حمایت و پشتیبانی عام ایرانیان گرد بهره‌مند نبود [۱۵] و به همین جهت، سرکوب و کشته شد.

دو سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۱، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی، ایران را اشغال و رضاشاه را به کناره‌گیری از سلطنت و ترک کشور وادار کردند. روس‌ها که بیشتر بخش‌های آذربایجان شرقی و غربی را تحت اشغال درآورده بودند، علاقمند بودند که دولتی دست‌نشانده در کردستان بر سر کار آورند؛ [۱۶] بنابراین هنگامی که دست‌نشانندگان روس، به اغتشاش در آذربایجان غربی و کردستان روی آوردند، روس‌ها مانع ورود نیروهای ایران به محل شدند. در ژانویه ۱۹۴۲ گروهی از شورشیان در کردستان ایران، حزبی به نام «آزادی» تأسیس کردند که به غارت روستاهای آذری‌نشین پرداخت. [۱۷] این در حالی بود که گروهی دیگر از شورشیان در کردستان، پیش از ورود واحدهای ارتش شوروی به ارومیه، باز شهر را غارت کرده و آتش زده بودند. [۱۸] قاضی محمد مداخله‌ی متفقین را در ایران به چشم فرصتی برای نیل به خودمختاری می‌دید. بنابراین نخست با بریتانیا و سپس با شوروی وارد مذاکره شد؛ اما در ادامه تحت حمایت شوروی قرار گرفت. [۱۹] تمایل قاضی محمد به خودمختاری، آرام آرام به تمایل به استقلال تبدیل و این تمایل، در ماه مه ۱۹۴۲ در اجلاس در باکو در دیدار با روس‌ها مطرح شد. نمایندگان شوروی، به تجزیه‌طلبان گفتند که اتحاد جماهیر شوروی، از حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها پشتیبانی می‌کند؛ اما هنوز وقت استقلال کردستان نرسیده است. [۲۰] این در حالی بود که در سال ۱۹۴۴، همین که پایان جنگ در افق‌ها پدیدار شد، روس‌ها، آذربایجان- که در آنجا «حزب توده» نیرومند بود- و کردستان را تشویق به جدایی از ایران کردند، تا شاید بتوانند در ادامه، آن نواحی را به خاک خود ضمیمه کنند. رهبران تجزیه‌طلب

ضد کرد، نیاز به ترغیب و تشویق نداشتند و بطوری که آن لمبتون (Ann Lambton)- که در ۱۹۴۴ از کردستان ایران دیدار و با آن رهبران تجزیه‌طلب گفتگو کرده- می‌نویسد: «همه با اشتیاق از استقلال کردستان سخن می‌رانند.» [۲۱] اتحاد شوروی همچنین می‌خواست از آذربایجان و کردستان ایران به عنوان ابزار فشار بر دولت ایران استفاده کند تا بتواند امتیاز نفت شمال را به دست آورد و هنگامی که تهران در برابر این هدف، مقاومت کرد، روس‌ها شروع به تشویق این دو جنبش جدایی‌خواهانه کردند. اگر تهران از دادن امتیاز نفت به شوروی خودداری می‌کرد، شوروی می‌توانست از کردستان و آذربایجان، به عنوان یک مکمل استراتژیک برای پوشاندن جناح جنوب غربی خود استفاده و در عین حال، مرزهای شرقی عراق و ترکیه را نیز تهدید کند. [۲۲] در سپتامبر ۱۹۴۵ قاضی محمد و چند تن دیگر از تجزیه‌طلبان در مه‌باد به باکو رفتند و در ملاقات با رئیس جمهور آذربایجان دستور تأسیس حزب دموکرات کردستان را با ظاهر خودمختاری برای کردستان در چارچوب ایران دریافت کردند. [۲۳]

در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۶ قاضی محمد تأسیس «جمهوری مه‌باد» را اعلام کرد. خود قاضی محمد رئیس جمهور شد و پسر عمیش سیف قاضی هم وزیر جنگ شد. [۲۴] تأسیس نظام جمهوری در بخشی از کشوری که نظام متبوع آن مشروطه‌ی سلطنتی است، انگیزه‌ی قوی قاضی محمد و حزب دموکرات کردستان را در راستای تلاش برای استقلال این استان و مناطق کردنشین آن منطقه نشان می‌دهد. همچنین از آنجا که ایجاد پست وزیر جنگ، برای واحدهای خودمختار یک کشور فدرال بی‌معناست، تأسیس چنین مقامی از جانب قاضی محمد، دلیل دیگری است که نشان می‌دهد اعلام هدف ظاهری خودمختاری توسط وی و حزب دموکرات، تنها شعاری برای پنهان کردن انگیزه‌ی اصلی او یعنی تلاش برای استقلال مه‌باد و سپس کردستان از ایران بوده است. قاضی محمد، علاوه بر ملامصطفی بارزانی، سه تن دیگر از تجزیه‌طلبان را نیز به مقام مارشالی نیروهای جمهوری ارتقا داد [۲۵] که این کار او نیز نشان می‌دهد که خیال خام استقلال کردستان را از پیکره‌ی ایران در سر می‌پروراند است. اما جمهوری مه‌باد نیز مورد پشتیبانی مردم و سران عشایر کرد قرار نگرفت. [۲۶]

از سوی دیگر، «حزب دموکرات آذربایجان» تمایل نداشت که مه‌باد از حکم او خارج باشد و مستقلاً اقدام کند؛ تنها حمایت روس‌ها بود که دولت پیشه‌وری را متقاعد کرد وجود دستگاه کرد مستقل از تبریز را تحمل کند. [۲۷] در ۲۳ آوریل ۱۹۴۶، پیمانی میان دو جمهوری مه‌باد و حکومت خودمختار آذربایجان منعقد شد که کاملاً رنگ جدایی از تهران داشت و به دو دولت آذربایجان و مه‌باد اجازه می‌داد نمایندگانی مبادله کنند، کمیسیون مشترک اقتصادی تشکیل دهند و متقابلاً به یکدیگر کمک نظامی نمایند. طرفین قرارداد ناگهان نفرت دیرینه‌ی را که از یکدیگر به دل داشتند از یاد بردند و متعهد شدند که هر کس یا گروهی را که در صد برآید «در مناسبات کردها و آذربایجانی‌ها اخلال کند» کیفر دهند. [۲۸]

در نهایت، جمهوری مه‌باد- که از همان آغاز مورد حمایت ایرانیان گرد قرار نگرفته بود- پس از رها کردن متجاسران توسط روس‌ها و ورود قشون مرکزی به مه‌باد، در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۶ سرنگون شد و مه‌باد به دامان مام میهن بازگشت. قاضی محمد نیز به همراه برادر و پسر عمیش، در ۳۱ مارس ۱۹۴۷، در میدان شهر مه‌باد، به دار آویخته شد. اقدامات قاضی محمد با چنین سوابقی، نه تنها هرگز توسط احزاب ضد کردی- که همواره نقاب فدرالیسم ←

خودمختاری بر چهره دارند- تقبیح نشده، بلکه همواره مورد تمجید این احزاب نیز بوده است. مثلاً تشکیلات موسوم به «مرکز همکاری احزاب کردستان ایران»، در بیستم ژانویه سال ۲۰۲۳ در بیانیه‌های هفتاد و هفتمین سالگرد تأسیس جمهوری مهاباد را تریک گفته و از اقدامات تجزیه‌طلبانه‌ی قاضی محمد تجلیل کرده است. [۲۹]

۸ سال پس از سرنگونی جمهوری مهاباد، در ۱۹۵۴، حزب دموکرات کردستان، صراحتاً نارضایی شدید خود را از آموزش زبان فارسی در مدارس، ابراز کرد. [۳۰] در ماه مه همان سال، غنی بلوریان، نخستین شماره‌ی نشریه‌ی «کردستان» را پس از سقوط جمهوری مهاباد منتشر کرد که این نشریه، صراحتاً کردستان را واحدی جدا از ایران می‌دید. این نشریه، خواستار کردستانی مستقل از «قید سلطه» و «استبداد» عراق و ترکیه و ایران بود و این احساسی بود که از ایرانیان گرد شنیده نمی‌شد. [۳۱]

عبدالرحمان قاسملو رهبر دیگر حزب دموکرات کردستان، معتقد بود تشکیل کشور کردستان بزرگ «در شرایط کنونی»- شرایطی که قاسملو در آن می‌زیست- غیرعملی است. [۳۲] مقصود قاسملو از اصطلاح «شرایط کنونی» آن بود که استقلال کردستان در آن شرایط به چند دلیل امکانپذیر نیست:

نخست آنکه هیچکدام از ابرقدرت‌ها از این پروژه حمایت نمی‌کنند.

دوم آنکه در عرصه‌ی منطقه‌ای کشورهای عربی از عراق و سوریه حمایت می‌کنند؛ ترکیه عضو ناتو است و ایران دارای تأثیرات زیادی خارج از مرزهای خود است. سوم آنکه باید ارتشی قوی برای حراست از مرزهای کردستان متحد وجود داشته باشد که وجود ندارد. [۳۳]

مفهوم مخالف این عبارات این است که اگر «شرایط کنونی» تغییر کند، یعنی دست‌کم یک ابرقدرت از پروژه‌ی استقلال کردستان دفاع کند، قدرت کشورهای منطقه آنقدر کم شود که نتوانند از تمامیت ارضی خود دفاع کنند و تجزیه‌طلبان بتوانند ارتشی قوی برای مقابله با آن کشورها ایجاد کنند، باید به دنبال «استقلال کردستان» بود.

علاوه بر این، تفسیر قاسملو از «خودمختاری»- به عنوان سیستمی برای رسیدن به استقلال در آینده- به مراتب چیزی وسیع‌تر از فدرالیسم در مفهوم رایج آن بود. قاسملو معتقد بود: بجز روابط و سیاست خارجی، ارتش برای حفظ امنیت مرزها و برنامه‌های درازمدت مالی و اقتصادی، تمام صلاحیت‌های دیگر (از جمله آموزش و پرورش، نیروهای شهروانی، ژاندارمری و...) باید در اختیار و کنترل حکومت خودمختار باشد.

کردستان خودمختار باید دارای پارلمانی باشد که این پارلمان بتواند حکومت کردستان را تعیین کند.

ارتش ملی نباید در شهرهای کردستان باشد و تنها باید در مرزها مستقر شود؛ چون اگر در شهرهای کردستان استقرار یابد، ممکن است بخواهد در امور داخلی حکومت خودمختار دخالت کند.

حکومت خودمختار کردستان ایران باید پذیرای مهاجران کرد سایر بخش‌های کردستان در کشورهای عراق، سوریه و ترکیه باشد و باید این حق را داشته باشد که به جنبش‌های کردی در سایر کشورها کمک کند.

قاسملو صراحتاً بر آن بود که تصمیمات و شرایط باید پویا و متغیر باشند؛ یعنی این امکان وجود داشته باشد که بتوانند توسط نسل‌های آینده تغییر کنند؛ [۳۴] پس هر زمان که «شرایط کنونی» وجود نداشت و موقعیت مساعد شد، بلافاصله باید به دنبال اعلام استقلال رفت. اسناد انشاریافته حاکمیت که قاسملو بابت خوش‌خدمتی به صدام حسین،

عامل نسل‌کشی کردهای عراق با هم‌بهای شیمیایی، در دسامبر ۱۹۸۸، تنها در یک فقره، ۱۲۵ هزار دلار پول از دولت بعث دریافت کرده است. [۳۵]

از سوی دیگر، روز سوم سپتامبر ۱۹۴۵ اعلامیه‌ای به زبان ترکی در شهرهای آذربایجان پخش شد که از تأسیس فرقه‌ی دموکرات آذربایجان خبر می‌داد و خواستار «آزادی» آذربایجان و حاکمیت زبان ترکی آذربایجانی در آن خطه شده بود. [۳۶] بعدها مشخص شد که این اعلامیه، توسط کنگره‌ی موسوم به «کنگره‌ی بزرگ خلق آذربایجان» انتشار یافته است. انتشار این اعلامیه، نقطه عطفی در تحرکات جدایی‌طلبانه‌ی استان آذربایجان بود که در آن ایام تحت اشغال ارتش سرخ بسر می‌برد.

چند روز بعد، در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۵، میرجعفر باقروف- رئیس جمهور وقت جمهوری آذربایجان در اتحاد جماهیر شوروی- در نامه‌ای به استالین درباره‌ی آندسته از روشنفکران، تجار و مالکان که در پیوسته به فرقه‌ی دموکرات تردید نشان می‌دادند نوشت: «آنها مطمئن نیستند که ما از این جنبش «جدایی‌خواهانه» تا آخر پشتیبانی خواهیم کرد.» [۳۷] در همان ایام، مأموران امنیتی شوروی در گزارشی برای استالین نوشتند: «جنبش جدایی‌خواهانه‌ی آذربایجان علاوه بر انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها، ترک‌ها [منظور دولت ترکیه] را نیز جدأ نگران کرده است.» [۳۸] روز نهم دسامبر، کایلر یانگ وابسته‌ی مطبوعاتی سفارت آمریکا از تهران به تبریز آمد و از سیدجعفر پیشه‌وری، نخست وزیر حکومت موسوم به خودمختار آذربایجان و مؤسس فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، درباره‌ی خودمختاری آذربایجان سؤالاتی به عمل آورد. باقروف در پاسخ به این اظهار کایلر یانگ که اعلامیه‌ی مورخ سوم سپتامبر کنگره مغایر با قانون اساسی ایران است، متذکر شد که خلق آذربایجان برای پیشبرد مطالبات عادلانه‌ی خود از یک حق تاریخی برخوردار است؛ همانگونه که زمانی- پیش از استقلال ایالات متحده آمریکا- خلق آمریکا حقوق خود را از بریتانیای اشغالگر مطالبه می‌کرد و قانون اساسی آن زمان آمریکا، مانع جنبش حق‌طلبانه‌ی خلق آمریکا در مبارزه در راه آزادی نشد. [۳۹]

کمی پیش از اعلام حکومت خودمختار آذربایجان، رهبران متجاسرین و در رأس آنها سید جعفر پیشه‌وری، سندی تحت عنوان «خواست‌های خلق آذربایجان» امضا کردند که در آن صراحتاً آمده بود: «ما باید کاملاً از ایران جدا شویم و جمهوری دموکراتیک ملی آذربایجان را تشکیل دهیم. کشور ما جمهوری دموکراتیک آذربایجان نامیده خواهد شد.» [۴۰]

روز ۱۲ دسامبر ۱۹۴۵ حکومت خودمختار آذربایجان تحت نخست‌وزیری پیشه‌وری، رسماً اعلام موجودیت کرد؛ اما این حکومت نیز مانند جمهوری مهاباد تا آخرین روزهای خود، مورد شناسایی هیچ کشوری قرار نگرفت. یکی از نخستین اقدامات حکومت خودمختار آن بود که مجلس متجاسرین، قانونی به تصویب رسانید که به موجب آن، برای سرکوب کسانی که علیه خودمختاری اقدام می‌کردند، دادگاه‌های صحرایی نظامی تشکیل شد و از آنجا که ممکن بود اعلام تصویب این قانون و قوانینی نظیر آن مانند ایجاد ارتش مسلح ملی (ارتش متجاسرین)، مورد مخالفت وسیع مردم آذربایجان قرار گیرد، استالین مستقیماً دستور داد که این خبرها در مطبوعات چاپ نشوند و دولت متجاسرین، قبل از تصویب چنین قوانینی موافقت روس‌ها را کسب کنند. [۴۱]

روز ۲۳ دسامبر ۱۹۴۵ پیشه‌وری، علی شیبستی (رئیس مجلس فرقه)، صادق پادگان (معاون پیشه‌وری)، دکتر سلام‌الله جاوید (وزیر داخله) و محمد بیریا (وزیر فرهنگ) در نامه‌ای برای باقروف نوشتند: «آذربایجان جنوبی با داشتن زبان و ادبیات و کادری لایق خود قادر است سرنوشت

پنج میلیون آذربایجانی را به دست خود آنها بسپارد. سه سال قبل، منشور آتلانتیک که به امضای دولت‌های بزرگ دموکراتیک رسید، به خلق آذربایجان حق داشتن یک زندگی مستقل را اعطا کرد. ما معتقدیم که با در نظر گرفتن شرایط کنونی، برای دفاع از حقوق پنج میلیون آذربایجانی، باید در آذربایجان، حکومت جمهوری مستقل و دموکراتیک برقرار شود. خلق آذربایجان در جهت ایجاد دولت مستقل ملی باید از حقوق قانونی خود استفاده کند. ما از شما خواهش می‌کنیم که با کمک کنید و در جهت برآوردن آرزوهای قلبی خلق ما برای به هم پیوستن دو جمهوری برادر [آذربایجان و مهاباد]، شرایط لازم را فراهم آورید. تذکر این مطلب ضروری است که مرزهای شرقی و جنوبی این جمهوری، از مرداب انزلی شروع شده و بعد از گذشتن از رشت، منجیل، قزوین، همدان و کرمانشاه به مرز عراق خواهد رسید. مردمانی که در محدوده‌ی این مرز زندگی می‌کنند عبارتند از آذربایجانی‌ها و کردها.» [۴۲]

روز ۳۱ دسامبر باقروف به رهبران فرقه پیشنهاد کرد که نظر خود را درباره‌ی جدایی از ایران، خودمختاری و یا هر نوع دیگری از حکومت مشخص کنند. اگر می‌خواهند از ایران جدا شوند، دولت خود را چگونه نامگذاری خواهند کرد؟ جمهوری خلق یا حکومت ملی؟ [۴۳]

روز ششم ژانویه ۱۹۴۶ پیشه‌وری طی فرمانی زبان ترکی آذربایجانی‌رابه‌عنوان تنها زبان رسمی آذربایجان اعلام کرد. [۴۴]

روز ۱۶ ژانویه در پاسخ به تقاضای باقروف، سندی تحت عنوان «خواست‌های خلق آذربایجان» به امضای پیشه‌وری، پادگان، بیریا و جاوید تهیه و اعلام شد. در بند یک این سند آمده بود: «کشور ما، جمهوری ملی و دموکراتیک آذربایجان نامیده می‌شود.» [۴۵] مطابق بندهای سوم و چهارم این سند، مقرر شد که در آینده‌ای نه چندان دور، قانون اساسی «جمهوری ملی- دموکراتیک»، توسط مجلس مؤسسان تدوین شود. [۴۶]

حکومت متجاسرین همچنین واحد پول «تومان» را بجای «ریال» واحد پول رسمی خود اعلام کرد. [۴۷]

روز چهارم فوریه، پیشه‌وری به روسو کنسول آمریکا در تبریز گفت: «آذربایجان سرنوشت خود را به دست گرفته است و قصد ندارد از مواضع خود عقب‌نشینی کند و برای حفظ استقلال خود از دادن قربانی ابایی ندارد.» [۴۸]

این اسناد، همگی، بیانگر این واقعیت است که از روز اول، غرض آنها «جدایی» استان آذربایجان از ایران بوده و ادعای تشکیل یک حکومت خودمختار در آذربایجان ایران و تبدیل ایران به یک کشور فدرال، از اساس، دروغ است. اگر پیشه‌وری، به عنوان نمونه از تشکیل وزارت امور خارجه در کابینه‌ی خود خودداری کرده یا چند جای دیگر سخن از خودمختاری در چهارچوب ایران رانده، این اقدامات، تمایل او به ماندن در چهارچوب ایران را نشان نمی‌دهد بلکه نشان‌دهنده‌ی زمینه‌چینی و فراهم کردن مقدمات استقلال آذربایجان از ایران بوده است.

روز ۱۳ ژوئن ۱۹۴۶ پس از خروج ارتش سرخ از ایران، همینکه دولت برآمده از متجاسرین، حامی بیگانه‌ی خود را از دست داد و دانست که آفتاب اقبال آن، در برابر دولت مرکزی، رو به زوال است، برخلاف میل باطنی خود، مجبور به امضای موافقتنامه‌ی ۱۵ ماده‌ای با دولت وقت شد که به موجب آن، حکومت موسوم به حکومت ملی آذربایجان فعالیت خود را متوقف ساخت. مجلس متجاسرین، فعالیت خود را به عنوان انجمن ایالتی آغاز و پیشه‌وری از نخست‌وزیری حکومت خودمختار استعفا کرد و تنها به عنوان رهبر فرقه‌ی دموکرات آذربایجان فعالیت سیاسی خود را ادامه داد.

البته سران فرقه که‌ماکان در مسندهایی نظیر استانداری

کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در کشور؛ اولویت آموزش و پرورش استخدام دهها هزار نیروی پرورشی است!

● کمبود ۳۰۰ هزار معلم در آموزش و پرورش در حالی مشکل ساز شده که وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌ای با عنوان «طرح امین» اقدام به استخدام آخوندهای تحصیل کرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است.

● سرپرست وزارت آموزش و پرورش بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود!

● اکثر کلاس‌های درس در ایران بیش از ظرفیت استاندارد دانش‌آموز دارند و در صورت کاهش جمعیت کلاس‌ها و رسیدن آنها به سطح استاندارد، کمبود معلم بیش از رقم اعلام شده خواهد بود.

رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی از کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار در کشور خبر داده است. سرپرست وزارت آموزش و پرورش آمار مربوط به کمبود معلمان را نگران کننده خوانده اما از لزوم استخدام ۵۰ هزار معلم پرورشی که تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی را در مدارس پیش می‌برند خبر داده است.

کمبود آموزگار در ایران سال‌هاست یکی از مشکلات شبکه آموزش مدارس ایران عنوان می‌شود. در سال‌های گذشته سالانه ۱۰۰ هزار آموزگار در ایران بازنشسته می‌شدند و این آمار در سال گذشته به ۲۵۰ هزار نفر رسید. در مقابل اما جذب آموزگار در آموزش و پرورش با تعدادی اندک، و غالباً به صورت قراردادی و موقت، اتفاق می‌افتد.

حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی تعداد کمبود آموزگار در ایران را ۳۰۰ هزار نفر عنوان می‌کند. او گفته که «اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش بانشاط داشته باشیم باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم تربیت کرده و راهی کلاس‌های درس کنیم. حتماً دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.»

آمار اعلام شده درباره کمبود آموزگار بر اساس کلاس درس‌های موجود در مدارس کشور برآورد شده است؛ این در حالیست که اکثر کلاس‌های درس در ایران بیش از ظرفیت استاندارد دانش‌آموز دارند و در صورت کاهش جمعیت کلاس‌ها و رسیدن آنها به سطح استاندارد، کمبود معلم بیش از رقم اعلام شده خواهد بود.

رضا مراد صحرایی سرپرست وزارت آموزش و پرورش اما بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم در این

نهاده و علناً از جدایی مناطقی از ایران سخن رانده‌اند. به عنوان مثال، چندی پیش، صالح ابوشریف دبیرکل این حزب در مصاحبه‌ای گفت: «این نظام ایران بود که به عراق صدام حمله کرد. اهواز واقعی تا تنگه‌ی هرمز امتداد دارد و استان‌هایی مثل هرمزگان، بوشهر، خوزستان و بخشی از ایلام و چهارمحال و بختیاری را در بر می‌گیرد. ما ایرانی نیستیم و بخشی از مشرق عربی هستیم. ما منتظر ساعت صفر برای رهایی کامل از اشغالگران ایرانی هستیم...» [۵۰] همچنین ناصر عزیز عضو گروه تجزیه‌طلب «حرکت النضال» در مصاحبه‌ای اظهار داشته که «سرزمین‌های اهواز و بلوچستان توسط ایران اشغال شده و این حق ما است تا با استفاده از سلاح با حکومت اشغالگر مقابله و دست آن را از منابع اقتصادی خاک خود کوتاه کنیم.» [۵۱]

[۲۸] همان، ص ۴۱۳

[۲۹] کردستان مدیا

[۳۰] دیوید مک داوول، تاریخ معاصر کرد، ص ۴۲۸

[۳۱] همان، صص ۴۲۹-۴۲۸، به نقل از وزارت خارجه ۱۱۴۸۰۹/۳۷۱ نامه مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۵ فیرنلی به استورات-تهران

[۳۲] علی منظمی، اندیشه‌های قاسملو درباره دموکراسی برای ایران کثیرالمجله، ترجمه از انگلیسی: کیهان یوسفی، اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران، اربیل، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴، به نقل از مقاله عبدالرحمان قاسملو تحت عنوان «چرا خودمختاری؟ بحثی کوتاه درباره اهداف استراتژیک ما»

[۳۳] همان، صص ۱۱۶-۱۱۳

[۳۴] همان، صص ۱۱۷-۱۱۳

[۳۵] کانال تلگرامی «خوزستان پاره تن ایرانزمین است»، مورخ ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳، تصویر نامه در این کانال به چاپ رسیده است.

[۳۶] جمیل حسنلی، فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیه‌های اتحاد جماهیر شوروی، ترجمه منصور همای، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۸۳، صص ۶۰-۶۱

[۳۷] همان، ص ۶۳

[۳۸] همان، ص ۶۳

[۳۹] همان، ص ۹۱

[۴۰] همان، ص ۹۳

[۴۱] همان، ص ۱۰۶، البته پس از افزون بر یک ماه، در روزهای نخست ماه فوریه، مسکو اجازه داد که دستورهای صادره درباره تشکیل دسته‌های فدایی در آذربایجان و قانون مصوب در مجلس متجاسرین درباره تشکیل قشون، در مطبوعات به چاپ برسد: همان، ص ۱۲۸

[۴۲] همان، ص ۱۰۸

[۴۳] همان، ص ۱۱۴

[۴۴] همان، صص ۱۱۵-۱۱۴

[۴۵] همان، ص ۱۱۹

[۴۶] همان، ص ۱۱۹

[۴۷] همان، صص ۱۲۵-۱۲۴

[۴۸] همان، ص ۱۲۷

[۴۹] همان، صص ۱۸۲-۱۸۱

[۵۰] کانال تلگرامی «خوزستان پاره تن ایرانزمین است»، مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۲۳، فیلم سخنان صالح ابوشریف در این کانال منتشر شده است.

[۵۱] کانال تلگرامی «خوزستان پاره تن ایرانزمین است»، مورخ ۳ دسامبر ۲۰۲۲، فیلم مصاحبه ناصر عزیز در این کانال منتشر شده است.

→ (سالم‌الله جاوید)، فرمانداری تبریز (دکتر مهتاش وزیر فلاح) و دادستانی کل (فریدون ابراهیمی) ادامه دادند. [۴۹] این وضعیت بود تا آنکه ارتش ملی و متعارف ایران با پشتیبانی قاطع مردم آذربایجان در روز ۱۲ دسامبر (۲۱ آذر ۱۳۲۵) به موجودیت حکومت متجاسرین خاتمه داد. این رویدادها همگی نمونه‌هایی از حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در تاریخ معاصر ایران است که به ظاهر تحت عنوان «فدرالیسم» و «خودمختاری» صورت گرفته است. امروز نیز پان‌های قوم‌گرا و گروه‌های تجزیه‌طلب بیکار ننشسته‌اند و زیر نقاب «فدرالیسم» و «خومختاری» هر بار سخن از تجزیه‌ی ایران می‌رانند. برخی از این احزاب، نظیر گروه تروریست و تجزیه‌طلب چند نفره‌ی «حزب تضامن دموکراتیک اهواز» اصلاً نقاب خودمختاری را نیز به کناری

*امیرعباس امیرشکاری دارای دکترای حقوق بین‌الملل، پژوهشگر فوق دکترای حقوق دانشگاه ژوهانسبورگ (از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۶) و وکیل پایه یک دادگستری است.

[۱] ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول: کلیات و مبانی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، مهرماه ۱۳۷۱، صص ۲۵۳-۲۴۰

[۲] همان، ص ۲۵۳

[۳] همان، صص ۲۵۸-۲۵۶

[۴] William A. Darity Jr. (ed.), International Encyclopedia of the Social Sciences, Vol. 3., 2nd ed., MACMILLAN, USA, p. 113

[۵] Rüdiger Wolfrum (ed.), The Max Planck Encyclopedia of Public International Law, Vol. 3., Oxford university Press, Oxford, 2012, p. 1137

[۶] ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، صص ۲۶۱-۲۶۳

[۷] Akhtar Majeed (ed.), Distribution of Powers and Responsibilities in Federal Countries, McGill-Queen's University Press, Montreal, 2006, pp. 266-295

[۸] برای مطالعه اساسنامه حزب دموکرات کردستان نگاه کنید به کردستان مدیا

[۹] دیوید مک داوول، تاریخ معاصر کرد، مترجم: ابراهیم یونس، چاپ دوم، نشر پانید، تهران، پاییز ۱۳۸۳، ص ۳۷۲

[۱۰] همان، صص ۳۷۳-۳۷۲

[۱۱] همان، صص ۳۷۵-۳۷۴

[۱۲] همان، ص ۳۷۴

[۱۳] همان، ص ۳۷۵

[۱۴] همان، صص ۳۷۶-۳۷۵

[۱۵] همان، ص ۳۷۶

[۱۶] همان، ص ۳۹۶

[۱۷] همان، ص ۳۹۸

[۱۸] همان، ص ۳۹۸

[۱۹] همان، ص ۴۰۲

[۲۰] همان، ص ۴۰۳

[۲۱] همان، ص ۴۰۸، به نقل از وزارت خارجه ۴۰۱۷۸/۳۷۱ دفتر وقایع روزانه کنسولگری تبریز، شماره ۲۰، مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۴۴

[۲۲] همان، ص ۴۰۸

[۲۳] همان، صص ۴۱۰-۴۰۹

[۲۴] همان، ص ۴۱۱

[۲۵] همان، ص ۴۱۲

[۲۶] همان، ص ۴۱۲

[۲۷] همان، ص ۴۱۳



وجود دارد.»

حدود ۱۳ برابر ایران درآمد دارند. این فعال صنفی افزوده بود که «پرستاران مهاجرت را به ماندن در ایران ترجیح می‌دهند، زیرا منزلت اجتماعی و درآمد بیشتری در کشورهای مقصد دارند. استاندارد کاری هم در مقاصد مهاجرتی کادر درمان بالاتر است. شرایط کاری این کشورها مانند ایران نیست که یک پرستار کار ۱۰ نفر را انجام می‌دهد.»

فساد اداری نیز یکی دیگر از موارد محرک در زمینه مهاجرت پرستاران است. محمد شریفی مقدم در اینباره گفته که «ساختار نظام سلامت ما معیوب و فساد در آن نهادینه است. جایی که نظارت نباشد، فساد اجتناب‌ناپذیر است. هیچ کجای دنیا اینگونه نیست که قانون‌گذار، مجری و نظارت‌کننده از یک گروه خاص باشد.»

محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستاری کشور بهمن‌ماه گذشته با اشاره به اینکه سالانه حداقل ۲۵۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند، گفته که حقوق پرستاران در مقاصد مهاجرتی حداقل چهار هزار دلار است، در حالی که در ایران حدود ۳۰۰ دلار پرداخت می‌کنند.

وزارت بهداشت به تازگی از درخواست سالانه ۱۲۵۰ پرستار برای دریافت «گوداستندینگ» (گواهی مورد نیاز برای مهاجرت) خبر داده بود. محمد شریفی مقدم البته توضیح داده بود که برخی از کشورها نیاز به «گوداستندینگ» ندارند و بسیاری از پرستاران بدون دریافت این گواهی اقدام به مهاجرت می‌کنند. آمار مهاجرت پرستاران حداقل ۲ برابر این میزان است. به عبارتی سالانه حداقل ۲۵۰۰ پرستار از ایران مهاجرت می‌کنند.

اگر چه مهاجرت به عنوان یکی از دلایل کمبود نیروی پرستار در کشور ارزیابی می‌شود اما درباره آموزگاران چنین علتی وجود ندارد. سیاست‌های نادرست آموزش و پرورش و استخدام نشدن ده‌ها هزار نیروی تحصیلکرده و آماده حضور در کلاس درس علت اصلی کمبود آموزگار در کشور است.

این در حالیست که آموزگاران شاغل و بازنشسته هم شرایط ایده‌آلی ندارند و برای دستیابی به حقوق قانونی خود از جمله افزایش عادلانه دستمزد و مزایای شغلی سال‌هاست در حال برگزاری تجمعات اعتراضی و تحصن هستند و زیر فشارهای امنیتی و قضایی بسر می‌برند.

سخنگوی سازمان معلمان ایران گفت: «متأسفانه یکی از مصادیق نبود عدالت آموزشی این است که نیروهای کم‌تجربه به مناطق محروم می‌روند. در حقیقت جایی که محروم است و نیازمند به معلم باتجربه و توانمند، معلم ضعیف‌تر اعزام می‌شود که این نقض عدالت آموزشی است.» محمد داوری درباره پنهان کردن کمبود معلم با افزایش تعداد دانش‌آموزان یک کلاس نیز گفته که «طبق استانداردهای جهانی در کلاس‌های درس باید کمتر از ۲۰ دانش‌آموز حضور داشته باشند.»

کمبود نیروی متخصص در ایران رو به افزایش است. در برخی مشاغل مانند پزشکی و پرستاری کمبود نیرو به مهاجرت این نیروها در کنار نبود سیاست‌های استخدامی از سوی دولت بر می‌گردد. همزمان با تأکید بر کمبود ۳۰۰ هزار آموزگار، آماری از کمبود پرستار در کشور نیز مطرح شده است.

عباس عبادی معاون پرستاری وزارت بهداشت گفته که «نزدیک به ۷۰ هزار نفر کمبود نیروی پرستاری در تمام بخش‌ها وجود دارد تا به عدد استاندارد مورد نیاز در این بخش برسیم. ۲۵ هزار نفر مجوز استخدامی پیگیری شده است که از این تعداد ۵۰ درصد سهم گروه پرستاری است و ۸۸۰ نفر پرستار مستقیم در بخش درمان، ۳۵۰۰ نفر در اورژانس‌های پیش بیمارستانی و ۲۷۰ نفر همکار بیمار در این دوره بعد از سال‌ها استخدام خواهند شد.»

کشورهای اروپایی مقصد اصلی پرستارانی هستند که ایران را برای داشتن درآمد و کرامت شغلی بیشتر ترک می‌کنند. در سال‌های گذشته کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله قطر و امارات نیز به عنوان یکی از مقاصد مهاجرت کاری پرستاران ایرانی تبدیل شده اما این کشورها برای اکثر پرستاران ایرانی حکم سکوی پرتاب را دارد تا پس از مدتی کار و زندگی بتوانند ویزای کشورهای اروپایی یا استرالیا و کانادا را دریافت کنند.

محمد شریفی مقدم در اینباره توضیح داده بود که «در حال حاضر پرستاران در ایران حدود ۱۲ میلیون تومان در ماه حقوق دریافت می‌کنند. یعنی حدود ۳۰۰ دلار دریافتی دارند. در حالی که در کشورهای اروپایی، حداقل چهار هزار دلار درآمد دارند.» به عبارتی پرستاران در کشورهای دیگر

→ وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود. معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندا ای‌دیولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خربچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های با عنوان «طرح امین» اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

محمدتقی فلاحتی دبیر کانون صنفی معلمان تهران درباره کمبود معلم در وزارت آموزش و پرورش به روزنامه «هم‌میهن» گفته که «معلم پرورشی بیشتر معلم فوق برنامه است. این در مورد معلم هنر نیز صدق می‌کند. با وجود اینکه چنین درسی در سیستم آموزش و پرورش است، اما عموماً به دلیل کمبود معلم هنر، زمان آن به درس‌های دیگر اختصاص داده می‌شود. اما نکته مهم این است که عموماً در بیشتر درس‌ها کمبود نیرو داریم.»

دبیر کانون صنفی معلمان تهران افزوده که با بیان اینکه استفاده از ظرفیت معلم دانشجو به نفع آموزش و پرورش است، تصریح کرد: «تا آنجایی که من در جریان هستم عموماً از سال سوم تحصیل از دانشجویان برای کارآموزی در کلاس‌های درس می‌توان استفاده کرد، اما آموزش و پرورش این دانشجویان را به‌عنوان معلم نه کارآموز به کلاس درس می‌فرستد و کمک‌هزینه‌ای نیز به آنها می‌دهد که این به نفع دولت است. اما دولت بهتر است برای برون‌رفت از این مشکل فکر دیگری داشته باشد برای فونه اینکه تنها از ظرفیت دانشگاه تربیت معلم استفاده شود، سیاست خوبی نیست، زیرا این دانشگاه و خروجی آن قادر نیست تعداد مورد نیاز آموزش و پرورش برای تامین کادر آموزشی را پاسخگو باشد، به‌ویژه که در چند سال اخیر شاهد بازنشستگی زیادی از معلمان بودیم و این رویه ادامه‌دار است.»

محمدتقی فلاحتی تأکید کرده که «کمبود معلم مشکل سال‌های طولانی آموزش و پرورش است و متأسفانه مسئولان به جای اینکه با سرمایه‌گذاری بیشتر و جذاب کردن فضا، کمبود نیروی کارآمد خود را جبران کنند با ایجاد محدودیت‌های شکلی از جمله جذب نیرو تنها از دانشگاه خاص، ماده ۲۸ و برون‌سپاری، استفاده و به‌نوعی استثمار معلمان شرکتی، هزینه‌ای را بر دوش خانوار منتقل می‌کنند. این رویه به نوعی رفع مسئولیت دولت از ارائه آموزش رایگان و باکیفیت است.»

محمد داوری سخنگوی سازمان معلمان ایران نیز به روزنامه «هم‌میهن» گفته که «وزارت آموزش و پرورش در تمام مراحل نیروی انسانی و مدیریت نیروی آن فاجعه عمل کرده است. در تمام مراحل (۱ پذیرش از دانشگاه فرهنگیان یا دانشگاه‌های دیگر، ۲ گزینش و مصاحبه‌ها و ... ۳ نگهداری (۴ ارتقا (۵ خروج (۶ در بحث جایگزینی، دچار مشکل هستیم و می‌توانم به جرات بگویم به طور میانگین ۲۰ درصد کمبود نیرو داریم و در برخی شهرهای پرجمعیت مانند تهران به ۷۰ درصد هم می‌رسد و در برخی مناطق کشور ۲ درصد است. ولی فاجعه خطرناک درباره کمبود نیرو

برخلاف ادعای مقامات حکومتی، اعتصابات کارگران پیمانی نفت ادامه دارد



اعتصاب کارگران پیمانی نفت / دوم اردیبهشت ۱۴۰۲

بومی بودند».

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر همچنین کارگران بازداشت شده را متهم کرد «از سوی شبکه‌های خارج از کشور» حمایت می‌شدند. خیرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از این مقام آورده است که سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، این افراد را که به صورت «حضور و آنلاین» این اعتصابات را در مجتمع گاز و پالایشگاه پارس جنوبی سازماندهی کرده بودند، دستگیر کرده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اما با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده که «در این مدت پیمانکاران، کارفرمایان و مقامات مسئول به انواع تهدیدات و ترفندها دست زدند تا اعتصاب ما را بشکنند اما موفق نشده اند و اعتصاب ادامه دارد.»

در این بیانیه آمده که «تهدید به دستگیری و تلاش برای تفرقه افکنی در صفوف اعتصاب از طریق پخش اخبار کاذب بخش دیگری از تلاش هایشان در این جهت بوده است که با هوشیاری و اتحاد خود خوشبختانه همه را خنثی کرده ایم.»

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اقداماتی چون انتشار خبر بازداشت هشت فعال کارگری پارس جنوبی و پایان اعتصابات را «به راه انداختن جنگ تبلیغاتی و تفرقه در صف اعتصاب و برداشتن توجه جامعه از اعتصابات» خوانده است.

مشکلات صنفی کارگران پیمانی نفت از دو سال پیش چند مرحله اعتصاب سراسری را رقم زده و مقامات حکومتی و مدیران وزارت نفت هر بار با وعده و وعید کارگران را به کار بازگردانده اما وعده‌هایشان را عملی نکردند.

اعتصاب اخیر در صنعت نفت نیز در اوایل فروردین در بیانیه‌ای از سوی «کمپین مرکزی نیروهای پروژه‌ای نفت و گاز» هشدار داده شده بود. در این بیانیه تأکید شده که اگر پاسخ مطالبات کارگران پیمانی نفت داده نشود این

● در روزهای گذشته خبری از بازداشت هشت فعال کارگری در پارس جنوبی منتشر شد. رسانه‌های حکومتی اما این افراد را به عنوان «لیدرهای» اعتصاب معرفی و خبر دادند که اعتصابات در پارس جنوبی پایان یافته است. ● شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اقداماتی چون انتشار خبر بازداشت هشت فعال کارگری پارس جنوبی و پایان اعتصابات را «به راه انداختن جنگ تبلیغاتی و تفرقه در صف اعتصاب و برداشتن توجه جامعه از اعتصابات» خوانده است.

● مشکلات صنفی کارگران پیمانی نفت از دو سال پیش چند مرحله اعتصاب سراسری را رقم زده و مقامات حکومتی و مدیران وزارت نفت هر بار با وعده و وعید کارگران را به کار بازگردانده اما وعده‌هایشان را عملی نکردند.

در حالی که رسانه‌های حکومتی با خبرسازی سازمانیافته از پایان اعتصابات کارگران پیمانی نفت در پروژه نفتی پارس جنوبی خبر داده بودند، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با صدور بیانیه‌ای تأکید کرده که اعتصابات همچنان ادامه دارد.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت شامگاه دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده که اعتصابات کارگران پیمانی نفت که از ابتدای اردیبهشت ماه آغاز شده، همچنان در پروژه نفتی پارس جنوبی ادامه دارد.

در روزهای گذشته خبری از بازداشت هشت فعال کارگری در پارس جنوبی منتشر شد. رسانه‌های حکومتی اما این افراد را به عنوان «لیدرهای» اعتصاب معرفی کرده و خبر دادند که اعتصابات در پارس جنوبی پایان یافته است.

اکبر پورات معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ با اعلام خبر بازداشت هشت کارگر پارس جنوبی آنها را «لیدر اصلی اعتصاب کارگری در منطقه پارس جنوبی» خواند و گفت «سه نفر بومی استان بوشهر و پنج نفر از کارگران غیر

کارگران اعتصاب می‌کنند.

«کمپین مرکزی نیروهای پروژه‌ای نفت و گاز» در اواخر فرودین در بیانیه دیگری با اشاره به بی‌توجهی مقامات حکومتی به مطالبات کارگران پیمانی نفت، از کارگران خواسته بود از اول اردیبهشت دست به اعتصاب بزنند. این اعتصاب بلافاصله از سوی «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی» نیز حمایت شد.

بدین ترتیب ده‌ها هزار کارگر در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، از جمله در پارس جنوبی (عسلویه) اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند. همزمان شماری از کارگران در صنایع فلزی از جمله فولاد و مس نیز اعتصاب کردند. دو هفته پس از آغاز اعتصابات کارگران پیمانی نفت روزنامه «اعتماد» بر اساس یک گزارش میدانی اعلام کرده بود که تعداد کارگران اعتصاب‌کننده در پارس جنوبی بیش از ۱۰ هزار نفر بوده و این اعتراض‌ها عمدتاً مربوط به کارگران بخش «پیمانکاری» صنعت نفت و رده شغلی کارگران اخراجی نیز جوشکار، آرماتوربند، قالب‌بند، رنگ‌کار، عایق‌کار و داربست‌بند بوده است.

همچنین حمایت گسترده‌ای از سوی دیگر کارگران و اصناف با کارگران اعتصاب‌کننده صورت گرفت. حمایت‌های گسترده‌ای از اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت صورت گرفت.

اتحادیه تشکل‌های کامیونداران، کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران، کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، شورای بازنشستگان ایران و بازنشستگان مستقل تهران از جمله نهادهای صنفی بودند که با صدور بیانیه‌هایی جداگانه از اعتصاب کارگران پیمانی نفت حمایت کردند.

پیشتر نیز مقامات حکومتی تلاش کرده بودند با خبر جایگزینی نیروهای اعتصاب‌کننده با نیروهای جدید، اعتصاب کارگران را در هم بشکنند. سخاوت اسدی مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی

در دومین هفته اعتصابات، کارگران اعتصاب‌کننده ←

اختلاف میان گروه‌های نیابتی در مورد طرح جمهوری اسلامی برای تشکیل «محور بیت المقدس» علیه اسرائیل



فلسطینی‌ها پرچم حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد را به اهتزاز در آوردند / عکس: عابد کاتب از گتی‌ایمیج

تروریستی نسبت به این طرح علاقه چندانی ندارند. یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی حماس در غزه مخالفت خود را با این ابتکار اعلام کرده است. او ترجیح داده موضع نسبتاً بی‌طرفانه‌ای داشته باشد.

در میان رهبران حماس نیز در این مورد اختلاف وجود دارد. صالح العاروری نایب رئیس حماس که بنا بر گزارش‌ها در ترکیه مستقر است، از روابط نزدیک‌تر با جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کند. با اینهمه «تایمز اسرائیل» گزارش داد که مقامات اسرائیلی اصرار دارند که جنگ این کشور محدود به مقابله با جهاد اسلامی است و نه حماس. یک منبع مطلع به تایمز اسرائیل گفته بود حماس مدت‌هاست که دیگر از «دیکت کردن سیاست‌ها» در غزه به سایر گروه‌ها خودداری می‌کند و جهاد اسلامی «کنترل دستور کار» غزه را به دست گرفته است.

پیش از این یک منبع مطلع به کیهان لندن گفته بود «فرماندهان حماس رغبتی از خود برای اقدام علیه اسرائیل نشان ندادند». به گفته این منبع «حماس از طریق منابع مصری هشدار گرفته بود که اسرائیل قصد دارد هرگونه حمله را در بالاترین سطح تلافی کند و حماس در این مقطع نمی‌خواست تلفات بدهد.»

خبرگزاری «سندیقای یهودنیوز» در ادامه می‌نویسد حسن نصرالله رهبر حزب‌الله نیز ترجیح می‌دهد بجای همسویی کامل با حماس، جایگاه خود را به عنوان یک نماینده مستقل حفظ کند.

جهاد اسلامی سالانه حدود ۱۰۰ میلیون دلار مستقیماً توسط رژیم ایران تأمین مالی می‌شود. تهران به جهاد اسلامی اجازه داد تا آتش‌بس اخیر با میانجیگری مصر را قبول کند و با این اقدام درگیری پنج روزه این سازمان با اسرائیل پایان یافت. شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل گزارش داد جمهوری اسلامی برای هر روز درگیری بین جهاد اسلامی فلسطین و اسرائیل، قول پرداخت پنج میلیون دلار پول به آنها داده بود.

تحلیلگران معتقدند نفوذ اسماعیل قاتنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بین گروه‌های شبه‌نظامی به اندازه قاسم سلیمانی نیست و او نتوانسته خلاء فرمانده پیشین را که ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ در حمله پیهادی آمریکا در زمان دولت ترامپ در حوالی فرودگاه بغداد کشته شد پُر کند.

● منابع اسرائیلی گزارش دادند فشار شدید حکومت ایران بر حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی فلسطین برای ایجاد «مکانیسم عملیاتی مشترک» برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها علیه اسرائیل، ظاهراً باعث ایجاد اختلافات داخلی در میان نیروهای نیابتی ایران می‌شود.

● در میان رهبران حماس در این مورد اختلاف وجود دارد. یحیی سنوار رئیس دفتر سیاسی حماس در غزه مخالفت خود را با این ابتکار اعلام کرده است. او ترجیح داده موضع بی‌طرفانه‌تری داشته باشد اما صالح العاروری نایب رئیس حماس که بنا بر گزارش‌ها در ترکیه مستقر است، از روابط نزدیک‌تر با ایران حمایت می‌کند با این همه «تایمز اسرائیل» گزارش داد مقامات اسرائیلی اصرار دارند که جنگ محدود به جهاد اسلامی است و نه حماس.

● حسن نصرالله رهبر حزب‌الله نیز ترجیح می‌دهد بجای همسویی کامل با حماس، جایگاه خود را به عنوان یک نماینده مستقل حفظ کند.

● شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل گزارش داد جمهوری اسلامی برای هر روز درگیری بین جهاد اسلامی فلسطین و اسرائیل، قول پرداخت پنج میلیون دلار پول به آنها داده بود.

منابع اسرائیلی گزارش دادند فشار شدید حکومت ایران بر حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی فلسطین برای ایجاد «مکانیسم عملیاتی مشترک» برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها علیه اسرائیل، از قرار معلوم به ایجاد اختلافات داخلی در میان نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی منجر می‌شود.

پایگاه خبری یهودی «JNS» (جویش نیوز ساندیکت) ۱۶ مه (۲۶ اردیبهشت) نوشت ائتلاف گروه‌های تروریستی تحت حمایت رژیم ایران موسوم به «محور بیت‌المقدس» به اصطلاح وزنه تعادل ایران در برابر «بیمان ابراهیم» است و در سوریه، لبنان، عراق و یمن حمایت می‌شود.

منابع عربی و لبنانی نشان گزارش می‌دهند که جمهوری اسلامی فعالانه در راستای ایجاد یک ستاد عملیاتی مشترک برای حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی در جنوب لبنان تلاش می‌کند. نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی جهت ایجاد یک مرکز مشترک برای هماهنگی حملات موشکی به اسرائیل وجود دارد. در حالی که این اقدام به دنبال تقویت قابلیت‌های نظامی «محور بیت‌المقدس» است، گزارش شده که خود گروه‌های

را به جایگزینی با «چهار هزار کارگر جدید» در صورت ادامه اعتصاب تهدید کرده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تأکید کرده که علت خیرسازی رسانه‌های حکومتی ادامه اعتصابات است: «چون با تعطیلی کار و اعتصابان کارگاه‌ها را تخلیه کرده ایم تبلیغات راه انداخته‌اند که اعتصاب تمام شده و کارگران به کار بازگشته‌اند.»

متن کامل بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت را در ادامه می‌خوانید:

اعتصاب ما کارگران پروژه‌های نفت و گاز و فولاد و معدن که از اول اردیبهشت آغاز شد، ادامه دارد.

در این مدت بخش‌های مختلفی از همکاران پروژه‌های با ترک کارگاه به اعتصاب پیوسته‌اند که بدین ترتیب ده‌ها هزار کارگر وارد اعتصاب شدند.

افزایش ۷۹ درصدی حقوق‌ها و ۲۰ روز کار / ۱۰ روز استراحت دو خواست فوری ما است و در عین حال طلب‌های دیگری داریم که باید پرداخت شوند.

باید امنیت محیط‌های کاری برقرار باشد. ما خواستار بالا رفتن استاندارد خوابگاه‌ها، کیفیت غذا و وضع درمان هستیم و درمان رایگان باید شامل همه همکاران شاغل ما در نفت بشود.

ما به امنیتی بودن محیط کارمان اعتراض داریم و تجمع و اعتراض را حق مسلم خود می‌دانیم و اینها همه یعنی باید دست پیمانکاران مفتخور از محیط‌های کاری کوتاه شود. در این مدت پیمانکاران، کارفرمایان و مقامات مسئول به انواع تهدیدات و ترندها دست زدند تا اعتصاب ما را بشکنند اما موفق نشده‌اند و اعتصاب ادامه دارد.

تهدید کردند که نیروی جدید به کار خواهند گرفت و کارگران قبلی قراردادشان پایان داده می‌شود اما بعد از سایت‌های رسمی دولتی از جمله ایلنا خودشان بر شکست این طرح اذعان کردند.

تهدید به دستگیری و تلاش برای تفرقه‌افکنی در صفوف اعتصاب از طریق پخش اخبار کاذب بخش دیگری از تلاش‌هایشان در این جهت بوده است که با هوشیاری و اتحاد خود خوشبختانه همه را خنثی کرده‌ایم الان هم چون با تعطیلی کار و اعتصابان کارگاه‌ها را تخلیه کرده‌ایم تبلیغات راه انداخته‌اند که اعتصاب تمام شده و کارگران به کار بازگشته‌اند.

ما این تبلیغات را کاذب و سیاستی در به راه انداختن جنگ تبلیغاتی و تفرقه در صف اعتصاب و برداشتن توجه جامعه از اعتصابات می‌دانیم.

همانطور که در آستانه روز جهانی کارگر هم اعلام کردیم، اعتصاب ما کارگران پروژه‌های ادامه دارد.

هیچکدام از خواست‌های ما پاسخ نگرفته است، این خواسته‌ها سراسری است و باید سراسری پاسخ بگیرد.

با تهدید و خیرسازی‌های دروغین نمی‌توانید ما را از پیگیری مطالبات برحق‌مان برحذر کنید.

ما کارگران پروژه‌های با این اطلاع‌رسانی ضمن قدردانی از حمایت‌های همیشگی مردم می‌خواهیم که همچنان پشتیبان‌مان باشید.

از همکاران نیز می‌خواهیم همچنان در رابطه تنگاتنگ با شورای سازماندهی باشند و هر خبری در محل کارشان بود شورا را مطلع کنند.

زنده باد اتحاد کارگران

زنده باد اعتصاب

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

تربیت ۲۰۰ هزار زن طلبه برای «جهاد تبیین»



استفاده کرد. پس از اعتراضات گسترده دی ۹۶، امرداد ۹۷، «امین» جذب آموزش و پرورش شدند. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

همچنین گزارش‌های غیررسمی از بکارگیری طلبه‌ها به عنوان «نیروهای نیابتی» در سرکوب معترضان در جریان اعتراضات سالهای گذشته، و همچنین به عنوان نیروهای «آمر به معروف» حکایت دارد.

اکنون به نظر می‌رسد «جهاد تبیین» بهانه‌ای شده تا ضمن اشتغالزایی برای طلبه‌ها، ارتش سایبری جمهوری اسلامی نیز بیشتر عریض و طویل شود.

اینهمه در حالیست که با وجود همه مشکلات اقتصادی و کسری بودجه برای هزینه‌های ضروری از جمله بهداشت، آموزش، درمان، افزایش حقوق کارمندان و بازنشستگان یا حمایت از افشار تنگدست، بودجه حوزه‌های علمیه هر ساله در حال افزایش است.

برای نمونه بودجه «مرکز خدمات حوزه‌های علمیه» در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل ۲/۲ برابر شد بطوری که بر اساس جداول منتشر شده از بودجه ۱۴۰۲ بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه بیش از ۶۶۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شد در حالی که این رقم در بودجه ۱۴۰۱ حدود ۲۸۰۰ میلیارد تومان بوده است.

همچنین شورای عالی حوزه‌های علمیه عهده‌دار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در بخش‌های مختلف آموزشی، اخلاقی، تبلیغی، اجتماعی و معیشتی حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌هایی که از امکانات و خدمات حوزه علمیه قم استفاده می‌کنند، است. بودجه این شورا در لایحه ۱۴۰۲ رقم ۲۹۶۱ میلیارد تومان بود، اما مجلس در روند بررسی لایحه بودجه این رقم را ۵۴ درصد افزایش داد و به ۴۵۶۱ میلیارد تومان رساند.

همچنین جامعه المصطفی العالمیه که از ادغام دو «سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی» تشکیل شده نیز با بودجه پیشنهادی ۸۹۰ میلیارد تومان روبرو شد اما مجلس شورای اسلامی در روند بررسی بودجه ۱۴ درصد این رقم را افزایش داد و آن را به ۱۰۱۲ میلیارد تومان رساند.

استفاده کرد. پس از اعتراضات گسترده دی ۹۶، امرداد ۹۷، «امین» جذب آموزش و پرورش شدند. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

همچنین گزارش‌های غیررسمی از بکارگیری طلبه‌ها به عنوان «نیروهای نیابتی» در سرکوب معترضان در جریان اعتراضات سالهای گذشته، و همچنین به عنوان نیروهای «آمر به معروف» حکایت دارد.

اکنون به نظر می‌رسد «جهاد تبیین» بهانه‌ای شده تا ضمن اشتغالزایی برای طلبه‌ها، ارتش سایبری جمهوری اسلامی نیز بیشتر عریض و طویل شود.

● معاون «حوزه علمیه خواهران» کشور: حوزه علمیه خواهران در سطح کشور این افتخار را دارد بیش از ۲۰۰ هزار نفر برای نقش‌آفرینی در جهاد تبیین تربیت کند.

● معاون «حوزه علمیه خواهران» با ادعای اینکه دشمنان علیه انقلاب اسلامی، زن و خانواده جنگ شناختی راه انداخته‌اند گفته «امروز سنگر اول این جبهه است.»

● «جهاد تبیین» عنوانی است که علی خامنه‌ای برای جنگ نرم جمهوری اسلامی علیه مخالفان و جهت تحریف واقعیات به کار می‌برد؛ جنگی که از مدت‌ها پیش در راستای پیشبرد ایدئولوژی و پروپاگاندای نظام و برای تخریب هر آنکه و هر آنچه علیه حکومت است، در وسیع‌ترین شکل ممکن جریان دارد.

معاون حوزه علمیه «خواهران» در ایران از «تربیت» بیش از ۲۰۰ هزار زن طلبه برای «جهاد تبیین» که در واقع چیزی جز تحریف تاریخ و فرهنگ و رویدادهای اجتماعی و تبلیغ برای جمهوری اسلامی نیست خبر داده است.

جواد اسماعیل‌نیا معاون حوزه علمیه خواهران کشور «حوزه علمیه خواهران در سطح کشور این افتخار را دارد بیش از ۲۰۰ هزار نفر برای نقش‌آفرینی در جهاد تبیین تربیت کند و امروز با توجه با تأکیدات مقام معظم هبری خواهران حوزه علمیه در وسط میدان مشغول مجاهدت و جهاد هستند.»

جواد اسماعیل‌نیا افزوده که «۵۰۰ مدرسه علمیه خواهران در سطح کشور در سطوح ۲، ۳ و ۴ از مقطع کارشناسی تا دکترا فعال هستند و بیش از چند صد هزار حوزوی در عرصه‌های خانواده، طرح امین، مشاوره‌های دینی، همکاران فرهنگی در مدارس مشغول فعالیت هستند.»

او همچنین گفته که «راه‌اندازی صدها تشکل پژوهشی و تشکیل هسته‌ها و کانون‌های علمی در راستای تألیف و چاپ صدها عنوان کتاب از مهم‌ترین فعالیت‌های حوزه علمیه خواهران است.»

معاون حوزه علمیه «خواهران» با ادعای اینکه دشمنان علیه انقلاب اسلامی، زن و خانواده جنگ شناختی راه‌انداخته‌اند گفته «امروز سنگر اول این جبهه است و حوزه‌های علمیه در این راستا هدفمند و با برنامه‌ریزی حرکت می‌کنند.»

این آخوند در ادامه مدعی شده که «رمز عبور موفق از جنگ شناختی دشمنان همدلی، روحیه جهادی و هم‌افزایی سایر دستگاه‌های علمی و فرهنگی در کشور است که باید مورد توجه باشد.»

جواد اسماعیل‌نیا گفته که «حوزه زنان و خانواده امروز نیازمند نقش‌آفرینی بانوان فرهیخته و متخصص است و بانوان فرهیخته باید بتوانند در برابر حجم عظیم شبهات و تخریب‌های دشمنان نقش‌آفرینی کنند. حوزه‌های علمیه در راستای تربیت نیروی متخصص در حوزه بانوان شتابنده و با عزم راسخ گام برمی دارند و حضور فعالانه در عرصه‌های تربیتی و پژوهشی رسالت مهم این نهاد مقدس است.»

سخنان معاون حوزه علمیه «خواهران» نشان‌دهنده تلاش جمهوری اسلامی برای عملیات و جنگ سایبری است که طی سالهای گذشته بطور رسمی و با عنوان «جهاد تبیین» در جریان است.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نخستین‌بار در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ از عبارت موهوم «جهاد تبیین»

وخامت حال فاطمه سپهری در پی خونریزی روده؛ جمهوری اسلامی قوانین دادرسی خود را هم نقض می‌کند!



فاطمه سپهری

پس از تحمل ۹ ماه حبس، به دلیل آنکه همسرش جزو کشته‌شدگان جنگ ایران با عراق بود با عفو زندانیان که از سوی علی خامنه‌ای صادر می‌شود آزاد شد. فاطمه سپهری اما پس از آزادی اعلام کرد که نیازی به عفو خامنه‌ای ندارد چون اساساً «رهبری» جمهوری اسلامی را قبول ندارد.

محمدحسین سپهری برادر دیگر فاطمه سپهری و یکی دیگر از امضاکنندگان بیانیه مشهور به «چهارده امضا» نیز به اتهام درخواست استعفا از خامنه‌ای از سال ۹۸ در زندان وکیل‌آباد مشهد زندانی است.

بازداشت آخر فاطمه سپهری که به صدور حکم زندان علیه وی انجامیده، در نخستین روزهای جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی به خانه‌اش انجام شد.

فاطمه سپهری دی‌ماه ۱۴۰۱ با حکم شعبه ۱۴۲ دادگاه مشهد، به یک سال زندان و پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم گشت. بر اساس این رأی اتهامات فاطمه سپهری «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی به واسطه فعالیت در فضای مجازی و مصاحبه با رسانه‌های فارسی زبان خارج از ایران» بوده است.

در حکم صادره علیه فاطمه سپهری آمده که «تحقیقات اخیر از ایشان در دادسرا، نحوه اظهارات و دفاعیات وکیل وی در جلسه دادگاه، سوابق محکومیت وی و سایر محتویات پرونده که در مجموع برای دادگاه علم به ارتکاب بزه از سوی متهم حاصل و در نتیجه بزهکاری وی محرز تشخیص [داده شد]... و نامبرده را به تحمل یک سال حبس و پرداخت دویست میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نماید.»

فاطمه سپهری سیزدهم آذرماه گذشته در پیامی از زندان وکیل‌آباد از مردم خواست نگذارند «خون ژیناها، کیان‌ها، خدانورها و ابوالفضل‌ها» فراموش شود. او تأکید کرد که «تا جمهوری اسلامی از بین نرود، ما روز خوش نداشته و نخواهیم داشت.»

در اتاق وی حضور داشتند. کاربران در شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این خبر نوشته بودند که محجبه بودن فاطمه سپهری در حالی که مأموران مرد بطور مداوم در اتاق او هستند، به خاطر شکنجه‌ی بیشتر وی انجام می‌شود چون نمی‌تواند پوشش راحت داشته باشد.

اصغر سپهری همزمان با انتقال این زندانی سیاسی به بیمارستان با انتشار توئیتی نوشته بود که «خواهرم نیاز به فیزیوتراپی دارد و طبق نظر پزشک نباید زیر فشار روانی و استرس ناشی از زندان باشد. باید به او مرخصی دهند تا دوره نقاهت را در خانه باشد.»

اصغر سپهری افزوده بود «خواهرم به دلیل بیماری قند نیاز به رژیم غذایی مناسب دارد و همچنین به بیماری فشار خون مبتلاست. پس از بازداشت خواهرم در ۳۰ شهریور سال گذشته، به دلیل درد شدید دستش، چندین بار به او کورتون تزریق شده تا اینکه امروز برای بار سوم مورد جراحی قرار گرفت.»

فاطمه سپهری زاده ۱۳۴۳ و دارای مدرک لیسانس مدیریت بازرگانی از دانشگاه فردوسی مشهد است. او همسرش را در اوایل دهه شصت خورشیدی در جنگ ایران و عراق از دست داده و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی جزو «خانواده شهید» به شمار می‌رود. با وجود تبلیغات سازمانیافته و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری از جانباختگان و مصدومان جنگ ایران و عراق اما فاطمه سپهری در سال‌های گذشته فشارهای زیاد امنیتی و قضایی را از سوی جمهوری اسلامی به دلیل مخالفت‌اش با حکومت متحمل شده است.

فاطمه سپهری از جمله امضاکنندگان بیانیه معروف به ۱۴ نفر است که در آن بر «گذار از جمهوری اسلامی» و «لزوم استعفا از خامنه‌ای از قدرت» تأکید شده بود. دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی پس از انتشار این نامه، فاطمه سپهری را بازداشت کرد و قوه قضاییه او را به تحمل ۳ سال و شش ماه حبس محکوم کرد. با این حال سپهری

● بنا به نظر پزشک متخصص گوارش، در پی خونریزی روده، فاطمه سپهری می‌بایست بطور فوری مورد معاینات کلتوسکوپی قرار بگیرد اما به دستور مقامات از این عمل جلوگیری شده است.

● بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، اگر زندانی مبتلا به یک بیماری شده و ادامه زندان برای او سبب تشدید بیماری شود، قاضی اجرای حکم موظف است ادامه مجازات (زندان) را تا برطرف شدن بیماری متوقف کرده یا شرایط را برای مرخصی زندانی فراهم کند.

● فاطمه سپهری سه هفته پیش تحت عمل جراحی دست برای خروج یک توده قرار گرفت و در تمام مدتی که این زندانی سیاسی در بیمارستان بستری بوده، به صورت مداوم چند مأمور مسلح مرد و زن در اتاق وی حضور داشتند.

فاطمه سپهری زندانی سیاسی که به تازگی در بیمارستان مورد عمل جراحی دست قرار گرفت دچار خونریزی روده شده است. وی در طول مدت زندان بدون اعتصاب غذا ۱۵ کیلوگرم کاهش وزن داشته است.

فاطمه سپهری فعال سیاسی زندانی که در زندان وکیل‌آباد مشهد محبوس است تنها سه هفته پس از جراحی دست دچار خونریزی روده شده اما مقامات قضایی و امنیتی از درمان او خودداری کرده‌اند. اصغر سپهری برادر فاطمه سپهری با انتشار توئیتی تأکید کرده بنا به نظر پزشک متخصص گوارش خواهرش می‌بایست بطور فوری مورد معاینات کلتوسکوپی قرار بگیرد اما به دستور مقامات از این عمل جلوگیری شده است.

اصغر سپهری نوشته که «خواهرم فاطمه سپهری پس از بازداشت در ۳۰ شهریور ۲۵۸۱ حدود ۱۵ کیلوگرم وزن از دست داده در حالیکه اعتصاب غذا هم نداشته است. از طرفی در طول ۴۸ ساعت گذشته خونریزی روده هم به دردهای بعد از جراحی دستش اضافه شده است.»

اصغر سپهری افزوده که خواهرش روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت «به بیمارستان امام رضا اعزام شد و مورد معاینه پزشک متخصص گوارش قرار گرفت و طبق نظر ایشان باید کلتوسکوپی فوری انجام دهد اما متأسفانه به زندان منتقل شد. به شدت نگران سلامتی او هستیم.»

حساب کاربری «دادبان» در توئیت‌ها که به معترضان مشاوره حقوقی می‌دهد با انتشار خبر بیماری و نیاز به مراقبت فاطمه سپهری نوشته که بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، در شرایطی که زندانی مبتلا به یک بیماری شده و ادامه زندان برای او سبب تشدید بیماری می‌شود، قاضی اجرای حکم موظف است ادامه مجازات (زندان) را تا برطرف شدن بیماری متوقف کرده یا شرایط را برای مرخصی زندانی فراهم کند.

عمل جراحی دست چپ فاطمه سپهری برای خروج توده، نیمه اردیبهشت‌ماه و تحت تدابیر شدید امنیتی صورت گرفت. او در طول چند روز بستری در بیمارستان ممنوع الملاقات بوده و اعضای خانواده نتوانستند با او دیدار داشته یا او را در بیمارستان همراهی کنند.

همچنین تمام مدتی که این زندانی سیاسی در بیمارستان بستری بوده، به صورت مداوم چند مأمور مسلح مرد و زن

چهره خشن فقر در ایران؛ گسترش گرسنگی و فلاکت، کاهش امید به زندگی!



- افزایش رکود تورمی، کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید خانوار از جمله عواملی است که به تشدید فقر در ایران انجامیده است.
- نابرابری در سطح استان‌ها افزایش داشته و بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند.
- شاخص امید به زندگی مردان در سیستان و بلوچستان بین هشت تا ۱۰ سال و بین زنان حدود شش سال کمتر از میانگین کشوری است.
- در استان سیستان و بلوچستان نرخ فقر در جامعه شهری ۴۵ درصد و در جامعه روستایی بیش از ۸۰ درصد جمعیت است.
- حاشیه‌نشینان پیش از انقلاب کمتر از ۵ درصد جمعیت شهرنشین بودند، اما الان بالای ۲۵ درصد هستند.

یک پژوهشگر اقتصاد با اعلام آماری تکاندنده از گسترش فقر در ایران گفته که بیش از ۸۰ درصد جامعه روستایی و ۴۵ درصد جامعه شهری استان سیستان و بلوچستان فقیر هستند. او همچنین افزوده که بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند.

افزایش رکود تورمی، کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید خانوار از جمله عواملی است که به تشدید فقر در ایران انجامیده است. در سال‌های گذشته سرعت گسترش فقر در ایران شدت گرفته و آمارهای تکاندنده‌های درباره فقر در ایران منتشر شده است.

حجت میرزایی پژوهشگر اقتصاد امروز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ با اشاره به گسترش فقر و نابرابری در ایران گفته که «با این وضعیت شاهد تولید گزارش‌های پنهانی با مهر محرمانه و غیرقابل استناد و غیرقابل انتشار هستیم» او تأکید کرده بر اساس گزارشی که برای وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی تهیه شده، شکاف‌های منطقه‌ای بطور نگران‌کننده‌ای در شاخص‌های اجتماعی، انسانی و اقتصادی افزایش داشته است.

به گفته حجت میرزایی فاصله توسعه‌های سیستان و بلوچستان با تهران شبیه غنا در مقایسه با کره جنوبی است و درآمد سرانه تهران به پنج برابر درآمد سرانه سیستان و بلوچستان رسیده و این نسبت برای سایر استان‌های حاشیه‌ای کشور هم بین سه تا چهار برابر است.

این پژوهشگر اقتصاد با ارائه آمارهایی درباره فقر در کشور گفته که ۸۵ درصد جمعیت کشور در استان‌هایی زندگی می‌کنند که درآمد سرانه‌شان ۵۰ درصد کمتر از تهران است و حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور ساکن استان‌هایی هستند که نرخ بی‌کاری بلندمدت و پایدار بیشتر از ۱۵ درصد در دستکم یک دهه داشته‌اند. این وضعیت در استان‌هایی مانند کرمانشاه، لرستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان به بیش از دو دهه می‌رسد و نرخ بی‌کاری در این استان‌ها به حدود دوبرابر میانگین کشوری می‌رسد.

به گفته این پژوهشگر اقتصاد وضعیت فقر در استان سیستان و بلوچستان وخیم‌ترین شرایط در کشور را دارد بطوریکه نرخ فقر در استان‌های حاشیه‌ای به شرایط

نگران‌کننده‌ای رسیده است و در سیستان و بلوچستان نرخ فقر در جامعه شهری ۴۵ درصد و در جامعه روستایی بیش از ۸۰ درصد جمعیت است. میرزایی تأکید کرده که زمانی که یارانه معیشتی توزیع می‌شد، تقریباً تمام استان سیستان و بلوچستان به جز گروه بسیار اندکی مستحق دریافت یارانه شناخته شدند. وضعیت دیگر شاخص‌های اقتصادی مرتبط با فقر و فلاکت نیز شرایط قابل توجهی دارند. برای نمونه شاخص امید به زندگی مردان در سیستان و بلوچستان بین هشت تا ۱۰ سال و بین زنان حدود شش سال کمتر از میانگین کشوری است.

همچنین شکاف شاخص توسعه انسانی بین تهران و سایر استان‌ها روند فزاینده داشته و حاکی از شکاف عمیق بین هرمزگان، سیستان و بلوچستان و اردبیل با تهران است. از سوی دیگر نابرابری در سطح استان‌ها هم افزایش داشته و بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند.

حجت میرزایی از وجود «فقر خشن» خبر داده و گفته که در زمینه دسترسی به مسکن، تغذیه مناسب و آموزش شاهد فقر خشن هستیم و بنا بر گزارش رسمی وزارت راه و شهرسازی طول انتظار خانه‌دار شدن دهک اول درآمدی به ۲۴۸ سال رسیده است و در زمینه دسترسی به منابع طبیعی شاهد مهاجرت افراد از استان‌های پیش‌ازاین برخوردار مانند فارس و اصفهان به مناطق شمالی کشور هستیم.

این پژوهشگر اقتصادی همچنین توضیح داده که نرخ بهره‌وری به پایین‌ترین سطح ۱۴ سال گذشته رسیده و به همراه نرخ بالای بی‌کاری به فقر خشن دامن زده است. به جز این بر اساس گزارشی که در سال ۱۴۰۰ برای وزارت کار تهیه شده است، میزان فعالیت غیررسمی افراد به ۴۰ درصد رسیده و در برخی استان‌ها تا ۶۰ درصد هم می‌رسد. فعالیت‌های انسان‌ستیز مانند کولبری، شوتی، زباله‌گردی

و... از جمله این فعالیت‌های غیررسمی است. بر اساس توضیحات این پژوهشگر در حال حاضر دغدغه اصلی دولت از تأمین زیرساخت‌های اقتصادی به تأمین کالاهای اساسی، نان، آب و گاز و... تقلیل یافته و استان‌های کشور گورستان پروژه‌های بر زمین مانده عمرانی شده‌اند. حجت میرزایی تأکید می‌کند که در چند دهه گذشته شمار نمایندگان استان‌های محروم مانند کردستان، ایلام و سیستان و بلوچستان در جمع تصمیم‌گیران کلیدی کشور به ۱۰ نفر نمی‌رسد و در مقابل نمایندگان فرصت‌طلب استان‌های توسعه‌یافته در جمع مدیران کلیدی تلاش کرده‌اند جریان منابع را هرچه بیشتر و بیشتر به سمت استان‌های برخوردارتر منحرف کنند.

هفته گذشته نیز مهدی روشنفکر نماینده بویراحمد، دنا و مارگون در مجلس شورای اسلامی در نشست «بررسی آسیب‌های اجتماعی در استان کهگیلویه و بویراحمد» گفت که فقر، فلاکت، بدبختی، آسیب‌های اجتماعی، کمبود امکانات و تجهیزات در برخی از مناطق استان کهگیلویه و بویراحمد بیداد می‌کند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفت که «در زیلایی بویراحمد، دختران ۱۴ ساله‌ای را می‌بینید که چهره‌شان شبیه پیرزنان ۶۰ ساله شده است.»

روشنفکر درباره آمار بالای خودکشی در این استان هم گفت: «در یکی از مناطق استان، طی سه سال شاهد خودکشی ۶۰ جوان به دلایل فقر، اعتیاد، بیکاری و کمبود امکانات بودیم.»

کاهش ارزش پول ملی و بی‌ارزش شدن درآمدهای ناچیز در کنار تورم یکی از عوامل مهم در افزایش فقر است. فرامرز توفیقی فعال کارگری و نماینده پیشین کارگری در شورای عالی کار اوایل این ماه با اعلام افزایش سه میلیون تومانی خط فقر در یک ماه گذشته از ۱۸ میلیون تومان به ۲۱ میلیون تومان گفت: «گوشت، دیگر به طور کامل از سبد خرید خانوارهای کارگری حذف شده و در

پیشنهاد آمریکا به اسرائیل برای برنامه ریزی مشترک نظامی در مقابل جمهوری اسلامی



رزمایش اف-۳۵های اسرائیل و جت های اف-۱۵ آمریکایی بر فراز اسرائیل / ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲

که «برنامه ریزی نظامی مشترک» در عمل به چه معناست، از جمله اینکه آیا این روند در حوزه اطلاعات و سناریوها باقی می ماند یا به حوزه عملیات مشترک گسترش می یابد. یک مقام آمریکایی گفت که این پیشنهاد به منظور اطمینان خاطر از حمایت نظامی ایالات متحده از اسرائیل بوده و به هیچ وجه برای بستن دست اسرائیل در اقدامات مستقل نیست.

این مقام آمریکایی افزود: «این برنامه ریزی مشترک به این معنی است که هر یک از طرفین برنامه های خود را برای موارد احتمالی مختلف به اشتراک می گذارند و هر دو طرف می توانند در مورد راه های مقابله بهتر با سناریوهای مختلفی که ممکن است در رابطه با فعالیت های [رژیم] ایران در منطقه ایجاد شود، گفتگو کنند.»

سرهنگ فیلیپ ونتورا سخنگوی پنتاگون گفت که «فرماندهان ارشد وزارت دفاع با درک مشترک از چالش های امنیتی منطقه ای دائماً مواضع علنی در مورد علاقه ما به گسترش همکاری نظامی با نیروهای دفاعی اسرائیل اعلام کرده اند از جمله در ارتباط با افزایش مشارکت در تمرین های آموزشی نظامی به منظور بهبود قابلیت همکاری و ارتقاء.»

وی افزود: «روابط بین ارتش آمریکا و اسرائیل بسیار نزدیک است و تعهد ما به امنیت اسرائیل همچنان پابرجاست.» گفته می شود جیک سالپوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید دو هفته پیش در یک سخنرانی در مؤسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» تلاش کرد تا نگرانی های اسرائیل را آرام کند. وی گفته «ما به جمهوری اسلامی فهماندیم که هرگز اجازه دستیابی به سلاح هسته ای را ندارد. همانطور که پرزیدنت بایدن بارها تأکید کرده است، حق اسرائیل برای دفاع از موجودیت خود را به رسمیت می شناسد.»

کاخ سفید اخیراً اعلام کرد که ارتش ایالات متحده موضع دفاعی خود را در خلیج فارس به دلیل آنچه آزار و اذیت فزاینده کشتی های تجاری توسط کشتی های نیروی دریایی ایران خوانده است، تقویت خواهد کرد.

ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده همچنین اعلام کرد که در حال تلاش برای افزایش حفاظت از کشتی ها و هواپیماهایی است که در تنگه هرمز به گشت زدن مشغول هستند.

● مقامات اسرائیلی تا کنون با این پیشنهاد آمریکا با تردید برخورد کرده اند زیرا نگران اند که این پیشنهاد تلاشی برای «بستن دست های اسرائیل» از اقدام مستقل علیه رژیم ایران- به ویژه تأسیسات هسته ای آن- در صورت مخالفت ایالات متحده باشد.

● یک مقام آمریکایی تأکید کرد که این پیشنهاد «برنامه ریزی برای هر نوع حمله مشترک آمریکا و اسرائیل علیه برنامه هسته ای رژیم ایران نیست.»

● آمریکایی ها گفته اند این برنامه ریزی مشترک به این معنی است که هر یک از طرفین برنامه های خود را برای موارد احتمالی مختلف به اشتراک می گذارند و هر دو طرف می توانند در مورد راه های مقابله بهتر با سناریوهای مختلفی که ممکن است در رابطه با فعالیت های [رژیم] ایران در منطقه ایجاد شود، گفتگو کنند.

همزمان با حضور گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل در واشنگتن، سه مقام آمریکایی و اسرائیلی ۱۷ مه (۲۷ اردیبهشت) به آکسیوس گفتند که دولت بایدن چند هفته پیش ایده مشارکت در برنامه ریزی نظامی مشترک در مورد جمهوری اسلامی را به اسرائیل پیشنهاد کرد.

مقامات آمریکایی می گویند این پیشنهاد بی سابقه است و می تواند بطور قابل توجهی همکاری نظامی آمریکا و اسرائیل را ارتقاء دهد. مقامات اسرائیلی تا کنون با این پیشنهاد با تردید برخورد کرده اند زیرا نگران اند که این پیشنهاد تلاشی برای «بستن دست های اسرائیل» از اقدام مستقل علیه رژیم ایران- به ویژه تأسیسات هسته ای آن- در صورت مخالفت ایالات متحده باشد.

یک مقام آمریکایی تأکید کرد که این پیشنهاد «برنامه ریزی برای هر نوع حمله مشترک آمریکا و اسرائیل علیه برنامه هسته ای رژیم ایران نیست.»

مقامات آمریکایی گفتند که این پیشنهاد در جریان بازدیدهای اخیر رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال مارک میلی وزیر دفاع، لوید اوستین و ژنرال اریک کوریلو فرمانده سنتکام به اسرائیل مطرح شد.

یک مقام ارشد اسرائیلی گفت که مقامات این کشور این پیشنهاد را رد نکرده اند اما خواستار توضیح در این مورد شدند

بخش لبنیات، کاهش حجم و کیفیت اتفاق افتاده است بنابراین در این شرایط صحبت از نرخ سبد معیشت، بیشتر شبیه یک جوک است و به طنز می ماند.» او در گفتگو با خبرنگاری «ایلنا» با بیان اینکه دولت بزرگترین کارفرمای کشور است و می خواهد کمبود بودجه و نقدینگی خود را با عدم افزایش دستمزد کارگران و کارکنان جبران کند افزود: «دولت نه تنها با افزایش قانونی دستمزد مخالف کرد و حالا هم به صراحت می گوید اصلاح دستمزد در دستور کار نیست بلکه به هیچ یک از وعده های کنترل تورم هم پایبند نماند به طوری که همه قیمت ها در یک ماه اخیر بیش از ۴۰ یا ۵۰ درصد افزایش یافته است.»

فرامرز توفیقی تصریح کرد که «در این میان، سکوت نمایندگان مجلس که در مقابل مرگ ماده ۴۱ قانون کار اتفاق افتاده، ناامیدکننده است و متأسفانه آقایان این روزها به جای حل مشکل حقوق بگیران، به حواله خودروهای شاسی بلند مشغول هستند.»

همزمان جبار کوچکی نژاد عضو کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی هم گفته که «بر اساس مصوبه اعضای کمیسیون برنامه بودجه و محاسبات مجلس، حقوق کارکنان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سال جاری به میزان ۲۰ درصد افزایش می یابد.»

هر چند جمهوری اسلامی می کوشد آمارهای مرتبط با فقر را سانسور یا به صورت عمومی منتشر نکند اما گسترش فقر در کشور آنقدر بارز است که دیگر قابل فرافکنی و انکار نیست. بسیاری از رسانه های حکومتی نیز نسبت به فقر و عوارض آن هشدار می دهند.

روزنامه «سازندگی» در گزارشی نوشته که در سال های اخیر شاهد افزایش حاشیه نشینی هستیم، به شکلی که با قیل از انقلاب قابل مقایسه نیست. حاشیه نشینان پیش از انقلاب کمتر از ۵ درصد جمعیت شهرنشین بودند، اما الان بالای ۲۵ درصد هستند. جایی که چگالی فقر بالا برود، تله فقر ایجاد می شود و افرادی که به دام آن می افتند، دیگر نمی توانند از آن بیرون بیایند. بیکاری فزاینده، تورم و فشار اقتصادی هم مزید بر علت می شود.

روزنامه «هم میهن» هم در گزارشی نوشته که «رکن اصلی قدرت یک حکومت تعلق خاطر مردم و شهروندان آن جامعه به میهن، مردم و حکومت خود است و این حاصل نمی شود جز از طریق رفع تبعیض، فساد، فقر و نیز لمس کردن آزادی و باز بودن راه برای پیشرفت. امروز فقر بیش از هر چیز دیگری شیره این جامعه را می کشد و آن را به مرز عصیان می رساند. فقر را جدی بگیرید، جدی تر از هر چیز دیگر.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» در شماره روز شنبه ۲۳ اردیبهشت با انتقاد از سیاست های اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی که منجر به فقر مردم شده، تصریح کرده است «نان» مردم را تأمین و تضمین کنید، بسیاری از نابسامانی های اخلاقی و رفتاری اصلاح می شوند. نان، با ایمان رابطه تنگاتنگ دارد.»

این روزنامه نوشته که دولت سال گذشته گفته بود فقط «مرغ، تخم مرغ، لبنیات و روغن» گران می شود. کاش آن روز صدای خرگان اقتصادی شنیده می شد؛ نشد آن روز اما کاش امروز تدبیری کنند تا شاید این تورم را - که افسار پاره کرده است - بشود دوباره مهار زد.

روزنامه «جمهوری اسلامی» خطاب به مسئولان هشدار داده است: «باور کنند حضرات که حال جامعه ناخوش است. از ناخوش احوال هم نمی توان امید کارهای بزرگ داشت. معیشت مردم را تأمین کنید، معاد خودشان را تضمین خواهند کرد.»

حضور کمرنگ سینماگران ایرانی در جشنواره کن و شرکت پررنگ بزرگان سینمای جهان



مایکل داگلاس و همسرش کاترین زیتاجونز و دخترش کریس در هفتاد و ششمین فستیوال سینمایی کن / ۱۶ تا ۲۷ مه ۲۰۲۳

است. آمریکا یک نماینده سرشناس دیگر هم در رقابت جشنواره کن هفتاد و ششم دارد: تاد هینس امسال با فیلم «می دسامبر» که در آن دو ستاره مشهور هالیوود یعنی جولین مور و ناتالی پورتمن نقش ایفا می‌کنند در این جشنواره حضور دارد.

در جشنواره کن امسال البته بدون حضور در بخش‌های رسمی، جدیدترین فیلم از مجموعه «ایندیانا جونز» با بازی هریسون فورد رونمایی خواهد شد. برخلاف فیلم‌های قبلی، استیون اسپیلبرگ کارگردان آن نیست و جیمز منگولد آن را ساخته و قرار است آخرین حضور هریسون فورد در نقش این ماجراجوی خونسرد باشد.

یکی دیگر از نکات قابل توجه جشنواره امسال حضور پررنگ کارگردانان زن است. در ۱۷۶ امین جشنواره کن آثار هفت فیلمساز زن برای بخش مسابقه پذیرفته شده‌اند. البته در آخرین جشنواره برلین در بخش اصلی نیز نیمی از فیلم‌های شرکت‌کننده را زنان کارگردانی کرده بودند.

نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی در بازار فیلم کن امسال نیز حضور ندارند. البته در این بخش ایران ریکلیس کارگردان اسرائیلی فیلمی مبتنی بر رمان «لولیتاخوانی در تهران» نوشته‌ی آذر نفیسی را ارائه خواهد داد که با سرمایه‌گذاری مشترک ایتالیا و اسرائیل تهیه شده و در آن گروهی از هنرپیشگان زن ایرانی چون گلشیفته فراهانی، زر امیرابراهیمی و مینا کاوانی نقش‌آفرینی می‌کنند.

داستان رمان آذر نفیسی که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است، روایت یک استاد زن شجاع در سال‌های اول پس از انقلاب اسلامی در تهران است که به هفت دانش‌آموز دختر به صورت مخفیانه آثار ادبی کلاسیک غربی را که ممنوع شده‌اند، از جمله رمان معروف «لولیتا» اثری جنجالی از ولادیمیر ناباکوف نویسنده روس‌تبار را تدریس می‌کند.

است.

از نظر بین‌المللی اما جشنواره امسال را می‌توان بازگشت بزرگان سینمای جهان به کن دانست. برخی از کارگردانان حاضر در بخش رسمی حداقل یک نخل طلائی در کارنامه خود دارند. البته برخی دیگر از این بزرگان هم با آخرین فیلم خود خارج از بخش‌های رقابتی حضور خواهد داشت. فیلم جدید مارتین اسکورسیزی به نام «قاتلان ماه کامل» با بازی لئوناردو دی کاپریو و رابرت دنیرو در بخش غیررقابتی برای نخستین بار به نمایش درمی‌آید. فیلمی طولانی بر اساس ماجرای واقعی که در دهه ۱۹۲۰ در آمریکا رخ داده است. این کارگردان آمریکایی ایتالیایی‌تبار بعد از چند سال غیبت به کن بازمی‌گردد. فیلم قبلی اسکورسیزی با نام «ایرلندی» به دلیل اختلاف نظر تولیدکننده آن (شبکه خانگی نتفلیکس) با سینماداران فرانسوی امکان نمایش نیافت.

در بخش مسابقه اصلی ۲۱ فیلم حضور دارند که برخی از پرافتخارترین کارگردانان زنده دنیا را در بر می‌گیرد: از نانی مورتی ایتالیایی که با «فردایی روشن‌تر» به بخش مسابقه باز می‌گردد تا ویم وندرس آلمانی که با فیلم جدیدش «روزهای کامل» به کن آمده است. کن لوچ بریتانیایی یکی از ۹ فیلمساز است که دو جایزه نخل طلا تا کنون به دست آورده و امسال نیز با فیلم «بلوط پیر» در بخش رقابتی حضور دارد. نوری بلگه جیلان فیلمساز سرشناس ترکیه نیز با فیلم «درباره علف‌های خشک» امیدوار است دومین نخل طلا را به خانه ببرد.

هیروکازو کوردا فیلمساز ژاپنی دیگر نیز برنده نخل طلا است که امسال با فیلم «هیولا» در بخش رقابتی حضور دارد. آکی کوریسمایکی فیلمساز محبوب دیگری در این جشنواره است که اینبار با فیلم «برگ‌های خزان» در آن حضور دارد.

وس اندرسون آمریکایی نیز با «شهر سیارک» به کن آمده

● انتظار می‌رفت که جشنواره کن امسال نیز که ۸ ماه پس از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» برگزار می‌شود، مانند آخرین جشنواره برلین ابتکاراتی را در حمایت از این حرکت و سینماگران ایرانی انجام دهد، که چنین نشده است.

● امسال تنها یک فیلم از جمهوری اسلامی، آنهم در بخش جانبی «نوعی نگاه» حضور دارد: «آیه‌های زمینی» به کارگردانی علی عسگری و علیرضا خاچی.

● نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی در بازار فیلم کن امسال نیز حضور ندارند. البته در این بخش ایران ریکلیس کارگردان اسرائیلی فیلمی مبتنی بر رمان «لولیتاخوانی در تهران» نوشته‌ی آذر نفیسی را ارائه خواهد داد که با سرمایه‌گذاری مشترک ایتالیا و اسرائیل تهیه شده و در آن گروهی از هنرپیشگان زن ایرانی چون گلشیفته فراهانی، زر امیرابراهیمی و مینا کاوانی نقش‌آفرینی می‌کنند.

● از نظر بین‌المللی اما جشنواره امسال را می‌توان بازگشت بزرگان سینمای جهان به کن دانست. برخی از کارگردانان حاضر در بخش رسمی حداقل یک نخل طلائی در کارنامه خود دارند. البته برخی دیگر از این بزرگان هم با آخرین فیلم خود خارج از بخش‌های رقابتی حضور خواهد داشت.

احمد رأفت - هفتاد و ششمین جشنواره سینمایی کن سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت در این شهر ساحلی جنوب فرانسه آغاز به کار کرد.

امسال سینمای ایران و فیلمسازان ایرانی حضور بسیار کمرنگی در این جشنواره دارند. برخلاف سال گذشته که هنرمندان ایرانی و ایرانی‌تبار نقش برجسته‌ای داشتند و جایزه بهترین نقش‌آفرین زن نیز به زر امیرابراهیمی برای بازی در فیلم «عنکبوت مقدس» به کارگردانی علی عباسی تعلق گرفت. سال گذشته «برادران لیلا» به کارگردانی سعید روستایی نیز که بدون مجوز دولتی به کن رفته بود و در نهایت در ایران توقیف شد در بخش اصلی این جشنواره معروف جهان به نمایش درآمد.

انتظار می‌رفت که جشنواره کن امسال نیز که ۸ ماه پس از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» برگزار می‌شود، مانند آخرین جشنواره برلین ابتکاراتی را در حمایت از این حرکت و سینماگران ایرانی انجام دهد، که چنین نشده است. جشنواره برلین در فوریه ۲۰۲۳ به شکل رسمی حضور فیلم‌ها و افراد حکومتی از ایران را ممنوع کرد و فضای خود را در اختیار فیلم‌های مستقل با آثار کارگردانان ایرانی ساکن خارج کشور قرار داد. تیری فرمو مدیر جشنواره کن اما برخلاف انتظار بسیاری علیه جمهوری اسلامی و سینمای دولتی موضع‌گیری علنی نکرد و سکوت را برگزید.

امسال تنها یک فیلم از جمهوری اسلامی، آنهم در بخش جانبی «نوعی نگاه» حضور دارد: «آیه‌های زمینی» به کارگردانی علی عسگری و علیرضا خاچی. این دو سابقه حضور در جشنواره ونیز را نیز دارند. «آیه‌های زمینی» در مدت کوتاهی به شکل مستقل و با بودجه اندک تولید شده و اطلاعات زیادی درباره این فیلم در دسترس نیست اگرچه گفته می‌شود که برداشتی اجتماعی از ایران امروز

اخراج دو کارگر یک کارخانه به دلیل پیگیری حقوق صنفی همکاران!



این سناریو در حالی اجرا شده که از سال گذشته و در پی حذف ارز ترجیحی یا همان دلار ۴۲۰۰ تومانی موجی از گرانی کالاها و خدمات در انتظار اقتصاد ایران بود. بیشترین تأثیر حذف ارز ترجیحی بر مواد غذایی بود بطوریکه طی دو ماه و در خرداد ۱۴۰۱ تورم مواد غذایی در ایران به حدود ۹۰ درصد رسید. بازداشت فعالان صنفی آموزگار و کارگری در پرونده دو تبعه فرانسوی، و همچنین احضار و تهدید و پرونده سازی برای ده‌ها فعال کارگری صنفی دیگر در نخستین ماه‌های سال گذشته، راهکار نهادهای امنیتی برای جلوگیری از اعتصابات سراسری بود.

اعتراضات سراسری در ایران اما با قتل حکومتی مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ و در پی ضرب و شتم این دختر جوان توسط پلیس گشت ارشاد آغاز و شدیدترین و گسترده‌ترین اعتراضات مردم ایران علیه حکومت را رقم زد. جنبش انقلابی با وجود بازداشت و حتی اعدام معترضان، در هشت ماه گذشته در اشکال مختلف ادامه داشته است.

با اینهمه همچنان نهادهای امنیتی تلاش دارند از اعتصابات سراسری جلوگیری کنند و به نظر می‌رسد آغاز اعتصابات سراسری را سرآغاز دوباره‌ای برای شکلگیری اعتراضات خیابانی ارزیابی می‌کنند.

در چهار هفته گذشته نیز که اعتصابات کارگران پیمانی نفت آغاز شده و ادامه دارند نهادهای امنیتی با بازداشت، تهدید و احضار فعالان کارگری کوشیدند اعتصابات کارگران را در هم بشکنند. از ابتدای اردیبهشت ده‌ها هزار کارگر در پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی، از جمله در پارس جنوبی (عسلویه) اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند. همزمان شماری از کارگران در صنایع فلزی از جمله فولاد و مس نیز اعتصاب کردند.

دو هفته پس از آغاز اعتصابات کارگران پیمانی نفت روزنامه «اعتقاد» بر اساس یک گزارش میدانی اعلام کرده بود که تعداد کارگران اعتصاب‌کننده در پارس جنوبی بیش از ۱۰ هزار نفر بوده و این اعتراض‌ها عمدتاً مربوط به

محمدعلی رجیبی و حمید پیغان دو کارگر اخراج شده هستند که به ترتیب رئیس و نایب رئیس نمایندگان کارگران شرکت «نخ البرز» بودند.

● نهادهای امنیتی از سال گذشته همه تلاش خود را برای جلوگیری از فعال شدن تشکلهای کارگری مستقل و همچنین محدود ساختن فعالان صنفی با بازداشت و اخراج و احضار و تهدید آنها به کار گرفته‌اند.

● در چهار هفته گذشته نیز که اعتصابات کارگران پیمانی نفت آغاز شده و ادامه دارد نهادهای امنیتی با بازداشت، تهدید و احضار فعالان کارگری کوشیدند اعتصابات کارگران را در هم بشکنند.

در پی فشارهای امنیتی به کارگران برای جلوگیری از اعتصابات سراسری در ایران، دو کارگر کارخانه «نخ البرز» که حقوق صنفی همکارانشان را پیگیری می‌کردند اخراج شدند. خبرگزاری دولتی کار ایران (ایلنا) از اخراج دو کارگر شرکت نخ البرز واقع در شهرک صنعتی البرز به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران، خبر داده و نوشته که این دو کارگر از ابتدای اردیبهشت‌ماه امسال تا کنون اجازه حضور در محل کار خود را نداشته‌اند.

محمدعلی رجیبی و حمید پیغان دو کارگر اخراج شده هستند که به ترتیب رئیس و نایب رئیس نمایندگان کارگران شرکت «نخ البرز» بودند.

به گفته یکی از همکارانشان «محمدعلی رجیبی با ۱۸ سال و حمید پیغان با ۱۱ سال سابقه کار مدت‌ها پیش از سوی کارگران نخ البرز مسئول پیگیری مطالبات صنفی کارگران شدند و بخش زیادی از مطالبات کارگران این کارخانه مربوط به تعدیل گروهی کارگران و تأمین امنیت شغلی آن‌ها بوده است.»

این کارگر در ادامه با اشاره به اینکه در این کارخانه حدود ۴۰۰ کارگر کار می‌کنند، گفته که از دی‌ماه ۱۴۰۱ در چند مرحله حدود ۲۰۰ نفر از کارگران سالن شماره یک و شماره سه ریسندگی با قراردادهای یک ماهه به دلیل کاهش تولید از کار اخراج شدند.

او همچنین به بیکاری ۵۷ کارگر دیگر از سالن شماره سه اشاره کرد که با پیگیری دو نماینده کارگران، محمدعلی رجیبی و حمید پیغان، به کار بازگشتند.

به گفته این کارگر، رئیس و نایب رئیس نمایندگان کارگران شرکت نخ البرز، محمدعلی رجیبی و حمید پیغان به دلیل پیگیری حقوق همکاران خود با برخورداری سلیقه‌ای اخراج شده‌اند. با افزایش مشکلات اقتصادی افشار کارگری به دلیل کاهش ارزش واقعی دستمزد و تورم شدید اقتصاد، اعتراضات کارگری در هفته‌های گذشته افزایش یافته است. کارگران پیمانی صنعت نفت از ابتدای اردیبهشت امسال اعتصاب کردند. هر هفته چندین تجمع اعتراضی از سوی کارگران و بازنشستگان برگزار می‌شود.

اثرگذاری اعتصابات سراسری بر گسترش اعتراضات سراسری و کشیده شدن اعتراضات و نارضایتی‌ها به خیابان سبب شده نهادهای امنیتی از سال گذشته همه تلاش خود را برای جلوگیری از فعال شدن تشکلهای کارگری مستقل در واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی، و همچنین محدود ساختن فعالان صنفی با بازداشت و اخراج و احضار و تهدید آنها به کار بگیرند.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی سال گذشته در یک سناریوسازی با بازداشت و آموزگار و فعال صنفی فرانسوی که سفری توریستی به ایران داشتند، و متهم کردن آنها به جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور، بیش از ۲۰ فعال صنفی کارگری و آموزگار را بازداشت کرد.

کارگران بخش «پیمانکاری» صنعت نفت و رده شغلی کارگران اخراجی نیز جوشکار، آرما‌توربند، قالب‌بند، رنگ‌کار، عایق‌کار و داربست‌بند بوده است.

همچنین حمایت گسترده‌ای از سوی دیگر کارگران و اصناف با کارگران اعتصاب‌کننده صورت گرفت. حمایت‌های گسترده‌ای از اعتصاب کارگران پیمانی صنعت نفت صورت گرفت.

اتحادیه تشکلهای کامیونداران، کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران، کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز، شورای بازنشستگان ایران و بازنشستگان مستقل تهران از جمله نهادهای صنفی بودند که با صدور بیانیه‌هایی جداگانه از اعتصاب کارگران پیمانی نفت حمایت کردند.

در روزهای گذشته خبری از بازداشت هشت فعال کارگری در پارس جنوبی منتشر شد. رسانه‌های حکومتی اما این افراد را به عنوان «لیدرهای» اعتصاب معرفی کرده و خبر دادند که اعتصابات در پارس جنوبی پایان یافته است.

اکبر پورات معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر روز یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲ با اعلام خبر بازداشت هشت کارگر پارس جنوبی آنها را «لیدر اصلی اعتصاب کارگری در منطقه پارس جنوبی» خواند و گفت «سه نفر بومی استان بوشهر و پنج نفر از کارگران غیر بومی بودند».

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر همچنین کارگران بازداشت‌شده را متهم کرد «از سوی شبکه‌های خارج از کشور» حمایت می‌شدند.

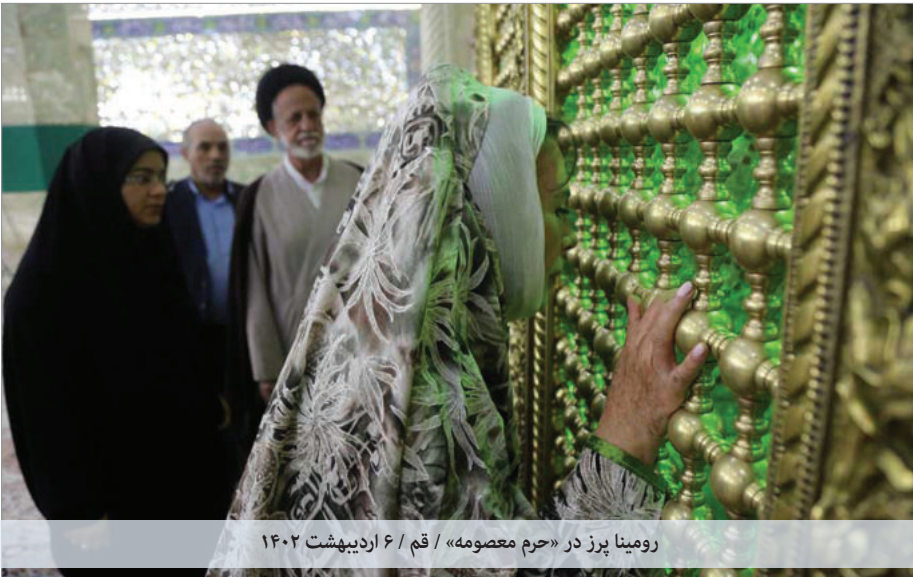
خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از این مقام آورده است که سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، این افراد را که به صورت «حضور و آنلاین» این اعتصابات را در مجتمع گاز و پالایشگاه پارس جنوبی سازماندهی کرده بودند، دستگیر کرده است.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اما با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده که «در این مدت پیمانکاران، کارفرمایان و مقامات مسئول به انواع تهدیدات و ترفندها دست زدن تا اعتصاب ما را بشکنند اما موفق نشده‌اند و اعتصاب ادامه دارد».

در این بیانیه آمده که «تهدید به دستگیری و تلاش برای تفرقه افکنی در صفوف اعتصاب از طریق پخش اخبار کاذب بخش دیگری از تلاش هایشان در این جهت بوده است که با هوشیاری و اتحاد خود خوشبختانه همه را خنثی کرده ایم».

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اقداماتی چون انتشار خبر بازداشت هشت فعال کارگری پارس جنوبی و پایان اعتصابات را «به‌راه انداختن جنگ تبلیغاتی و تفرقه در صف اعتصاب و برداشتن توجه جامعه از اعتصابات» خوانده است. مشکلات صنفی کارگران پیمانی نفت از دو سال پیش چند مرحله اعتصاب سراسری را رقم زده و مقامات حکومتی و مدیران وزارت نفت هربار با وعده و وعید کارگران را به کار بازگردانده اما وعده‌هایشان را عملی نکردند.

بیشتر نیز مقامات حکومتی تلاش کرده بودند با خبر جایگزینی نیروهای اعتصاب‌کننده با نیروهای جدید، اعتصاب کارگران را در هم بشکنند. سخاوت اسدی مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس جنوبی در دومین هفته اعتصابات، کارگران اعتصاب‌کننده را به جایگزینی با «چهار هزار کارگر جدید» در صورت ادامه اعتصاب تهدید کرده است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تأکید کرده که علت خیرسازی رسانه‌های حکومتی ادامه اعتصابات است: «چون با تعطیلی کار و اعتصابان کارگاه‌ها را تخلیه کرده ایم تبلیغات راه انداخته‌اند که اعتصاب تمام شده و کارگران به کار بازگشته‌اند».



رومینا پرز در «حرم معصومه» / قم / ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲

جمهوری اسلامی ایران و رفتار جنون آمیز دولت‌های چپ‌گرای آمریکا لاتین

آمریکایی و اسرائیلی معرفی کرده است؟! خبرگزاری‌هایی که درباره سفر وی به تبریز و دیدارش با شهردار و رئیس شورای اسلامی این شهر گزارش داده بودند در اوج جنبش آزادیخواهانه‌ی مردم از قول وی نوشتند: «دولت ما اغتشاشات اخیر ایران را که توسط انگلیس‌ها و صهیونیست آمریکایی انجام می‌گیرد، محکوم می‌کند و مطمئن هستیم با همبستگی ما و دانش و فهم رهبر عزیز ایران همه مشکلات حل خواهد شد!» وی همچنین افزود: «ما کشوری برادر با ایران هستیم و ایده‌های ضدامپریالیستی داریم و می‌خواهم بگویم ما در کنار یکدیگر بر علیه امپریالیست برخاسته‌ایم.» شبکه «العام» وابسته به جمهوری اسلامی گزارش مفصل‌تری نسبت به رسانه‌های داخلی منتشر کرد و نوشت که رومینا پرز در مورد مردم تبریز و استان آذربایجان اظهار داشته «دیدم که در اینجا به ترکی صحبت می‌کنند و این بسیار زیباست. چیزی که اینجا دیدیم اتحاد ملی مردم تبریز با دیگر مردم ایران است که زیبا و ستودنی است.»

این اظهارات سفیر بولیوی در کشور جنجال به راه انداخت و سیاستمداران مخالف و سازمان‌های مدافع حقوق زنان خواستار برکناری او شدند. وزیر خارجه بولیوی به سرعت پرز را به لاپاز فرا خواند تا اظهارات وی را ارزیابی کند. رومینا پرز چنین اظهاراتی را تکذیب کرد و اطمینان داد که سخنان او در خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی «تحریف» شده و به همین دلیل از رسانه‌های داخلی ایران که به گفته‌ی وی، حرف‌هایش را تحریف کرده بودند، خواست تا به او در رفع این «تحریف» کمک کنند. از قرار معلوم با همین تلاش و همکاری وزارت ارشاد، این اظهارات به عنوان «تفسیر نادرست از سخنان سفیر» تکذیب شد و برخی از وبسایت‌ها آن را از خروجی خود حذف کردند.

دلیل این را که سفیر یک کشور به شدت فقیر ولی وسیع و به مساحت بیش از یک میلیون کیلومتر مربع چه سودی برای دیپلماسی ایران دارد که تمامی درهای مراکز مذهبی و دانشگاهی به روی او باز است و وی در هر مراسمی حضور پیدا می‌کند، ظاهراً می‌بایست در بزرگترین کشور تولیدکننده کوکائین و دارنده‌ی ذخایر عظیم معادن لیتیوم پی گرفت.

لیتیوم که از فلزهای سبک به شمار می‌رود در حالت خالص به شدت مشتعل می‌شود و موجب رها شدن هیدروژن با انرژی بالا می‌گردد. این فلز برای جمهوری اسلامی کاربرد فراوانی دارد از جمله برای استفاده در سوخت جامد برای موشک‌های بالستیک تا آرزوی تولید بمب هیدروژنی و تولید

با حمایت قدرت‌های اروپایی به ریش دکترین مونرو می‌خندد. با اینهمه بیش از رژیم‌های چپ‌گرای برآمده پس از جنگ سرد می‌داند که این راه سرانجامی خوش ندارد و از همین رو بیشتر از یک دهه است که قصد عادی‌سازی روابط با همسایه قدرتمند خود، آمریکا، را دارد که هنوز به نتیجه دلخواه نرسیده ولی رهبران و دیپلمات‌های این کشور در اظهارات سیاسی خود بسیار هوشمندانه رفتار می‌کنند.

موضوع این مطلب به اظهارات اخیر سفیر کشور بولیوی در جمهوری اسلامی ایران یعنی رومینا گوادالوپه پرز راموس ۶۴ ساله مربوط می‌شود. به جرات می‌توان گفت که این خانم سفیر در تهران فعال‌ترین دیپلمات خارجی در جمهوری اسلامی است! روزی نیست که وی در طول و عرض ایران سفر نکند و افاضات او در روزنامه‌ها و بنگاه‌های خبری رژیم منعکس نگردد.

خوب است نگاهی به سوابق سیاسی این بانوی به ظاهر محجبه و کاربرد تبلیغاتی وی در رژیم اسلامی بردازیم. رومینا پرز در نوجوانی به جوانان کمونیست پیوسته بوده و مدتی زندگی در تبعید در اتحاد جماهیر شوروی داشته است. وی پس از بازگشت به بولیوی با کارگران معدن به کار مشغول بوده و سپس بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی به عنوان فعال امور زنان و اقوام در مناطقی از بولیوی خدمت کرده است. در عرصه بین‌المللی، او عضو کنفدراسیون پارلمانی قاره آمریکا و معاون رئیس جمهور بولیوی و از سال ۲۰۱۸ رئیس شبکه زنان پارلمان این نهاد بین‌المللی شده که از کانادا تا آرژانتین را در بر می‌گیرد.

نزدیک به پایان دوره ریاست جمهوری او مورالس در سال ۲۰۱۹، رومینا پرز به عنوان سفیر در جمهوری اسلامی ایران منصوب شد؛ کشوری که بولیوی تحت رهبری او مورالس با آن روابط دوجانبه را به دلیل مواضع سیاسی مشترک، به ویژه مواضع ضدامپریالیستی علیه آمریکا، توسعه داد.

البته سفارت بولیوی در سال ۲۰۲۰ در تهران به دلیل صرفه‌جویی اقتصادی از طرف دولت انتقالی محافظه‌کار تعطیل شد ولی با پیروزی حزب طرفدار مورالس MAS، رومینا پرز دوباره راهی سفارت بولیوی در تهران شد.

حالا چه شد که زنی با پیشینه کمونیستی و فعال در عرصه حقوق کارگران و دانشجویان و اقلیت‌های قومی و از همه مهمتر، مدافع برابری و آزادی زنان در کشور و قاره خود، حالا در مقابله با جنبش اعتراضی و آزادیخواهی و برابری مردم ایران و انقلاب «زن زندگی آزادی»، آن را جنبش «صهیونیستی»

● «موضوع این مطلب به اظهارات اخیر سفیر کشور بولیوی در جمهوری اسلامی ایران یعنی رومینا گوادالوپه پرز راموس ۶۴ ساله مربوط می‌شود. به جرات می‌توان گفت که این خانم سفیر در تهران فعال‌ترین دیپلمات خارجی در جمهوری اسلامی است! روزی نیست که وی در طول و عرض ایران سفر نکند و افاضات او در روزنامه‌ها و بنگاه‌های خبری رژیم منعکس نگردد.»

● «این بانوی چپ‌گرای بیش‌فعال در مجامع «فرهنگی» و «ادبی» نیز همیشه حاضر است. کشور نیکاراگوئه که نام سفیرش «لنین‌براوو» است در دوران احمدی نژاد سعی بر تسویه بدهی این کشور (مبلغ ناچیز ۱۶۰ میلیون دلار) در ازای هزینه‌ی در آغوش گرفت رهنبر ساندینست‌ها را داشت. حالا او همراه با سفیر یک کشور «پیشرو» و «مترقی» دیگر یعنی ونزوئلا که تا قبل از انقلاب خلقی هوگو چاوز با بزرگترین ذخیره‌های نفتی جهان جزو کشورهای ثروتمند آمریکای جنوبی بود و صدها هزار مهاجر اروپایی از دهه‌ها قبل در آن کشور بسر می‌بردند، به همراه رومینا پرز پای ثابت این مجامع است تا شاید چند تانکر نفت از ایران برای مصارف داخلی ونزوئلا تأمین کند.»

بهرام فرخی - جنون ضدامپریالیستی دولت‌های چپ‌گرا در آمریکای لاتین به نقطه‌ای رسیده است که بازگشتی ندارد. دولت‌های کوبا، نیکاراگوئه، ونزوئلا و بولیوی از رژیم فاشیست مذهبی ایران حمایت می‌کنند، به این دلیل ساده که رژیم اسلامی را دشمن ایالات متحده آمریکا می‌پندارند.

همه ویژگی‌های حکومت ایران را کنار هم بگذارید: مذهبی (اسلامی)، تاریک‌اندیشی قرون وسطایی، ضد زن و هرگونه تنوع جنسیتی و حتی اقتصاد لگام‌گسیخته و فاسد که چپ‌گرایان آمریکای لاتین ظاهراً دهه‌هاست با آنها مبارزه می‌کنند و در کشورهایی که به قدرت رسیده‌اند، قصد براندازی و نابودی این طرز تفکرها را داشته‌اند. اما ناگهان چشمان خود را بر روی همه این مسائل بسته و در جست از رژیم اسلامی در ایران حمایت می‌کنند.

واقعیت اینست که فقط پوپولیسم مبتذل و دشمنی با آمریکا و «یانکی‌ها» این حکومت‌ها را با هم متحد می‌کند.

البته رژیم کوبا بیش از شش دهه هست راه خود را از بقیه کشورها آمریکای لاتین جدا کرده و در صدد ایجاد یک سیستم سوسیالیسم نوین در این منطقه از جهان برآمده و دهه‌هاست

افتتاح نمایندگی بانک روسی VTB در تهران با هدف «انتقال درآمدهای ارزی»



بانک روسی «VTB»

مستقیم داشته و در انتقال بخشی از درآمدهای ارزی از شبکه تراستی به شبکه بانکی و شفافیت تجارت مؤثر خواهد بود. «خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد ارزش دارایی این بانک ۲۸۵ میلیارد دلار است که ۱۰ درصد بیش از ارزش کل دارایی نظام بانکی ایران است. پیش از این جان کرپی مشاور امنیت ملی کاخ سفید از افزایش همکاری نظامی روسیه و ایران خبر داده بود. او گفت که روسیه ۴۰۰ پهباد انتحاری از جمهوری اسلامی خریده است.

همچنین مسکو و تهران توافق احداث قطعه راه آهن رشت- آستارا برای تکمیل مسیر ترابری بین‌المللی کریدور شمال- جنوب را امضاء کرده‌اند. ولادیمیر پوتین چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت آغاز اجرای این طرح را رویدادی بزرگ در روابط دوجانبه، امور منطقه و کل سیستم ارتباطی جهان دانست.

خبرگزاری تسنیم این خط آهن را «شاهره پارسی ۲۰ میلیارد دلاری» خوانده و آن را قرارداد تکمیل حلقه مفقوده ریلی کریدور شمال- جنوب دانسته که زمینه حذف کانال سوئز از مبادلات تجاری شرق و غرب را با کاهش حداقل ۵۰ درصدی هزینه‌ها فراهم خواهد کرد و سالانه ۲۰ میلیارد دلار برای ایران درآمد خواهد داشت. باید منتظر ماند و دید این حساب چه اندازه و چه زمانی به واقعیت خواهد پیوست!

همچنین سرود سلام فرمانده که به زبان اسپانیولی با همراهی هنرمندان دو کشور اجرا شد و جالب این بود که حاضران در مراسم در زمان اجرای سرود همسرایی کردند. اشتیاق مخاطبان ونزوئلایی برای خواندن کتاب مشهود بود.»

و قصه ادامه دارد...

ای ایران ما، واقعا چه بر تو رفته است که چنین بازیچه اهریمنانی شده‌ای که از هزاران کیلومتر دورتر و از قاره‌ای آنسوی جهان برای تاراج تو هجوم آورده‌اند! باشد که نوری از تاریکی بطن جامعه برخیزد و تو دوباره به پشتوانه تمدن کهنات از دل تاریخ پای بیرون نهی و گرد بیگانه‌پرستان حاکم را از دامان خود بزایی.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

◆ انتشار مطالب دریافتی در «دیدگاه» و «تریبون آزاد» به معنی همکاری با کیهان لندن نیست.

● **علیرضا پیمان‌پاک در توییتی نوشت «بانک روسی VTB اولین بانک روسی در ایران است و در انتقال بخشی از درآمدهای ارزی از شبکه تراستی به شبکه بانکی و شفافیت تجارت مؤثر خواهد بود.»**

● **همزمان روسیه و جمهوری اسلامی توافق احداث قطعه راه آهن رشت- آستارا برای تکمیل مسیر ترابری بین‌المللی کریدور شمال- جنوب را امضاء کردند. خبرگزاری تسنیم نوشته این خط آهن سالانه ۲۰ میلیارد دلار برای ایران درآمد خواهد داشت. باید منتظر ماند و دید این حساب چه اندازه و چه زمانی به واقعیت خواهد پیوست!**

در شرایطی که انتقادات به دولت جو بایدن در مورد مداخلات با جمهوری اسلامی و نادیده گرفتن تحریم‌ها از سوی آمریکا افزایش یافته است مسکو و تهران روابط خود را در حوزه‌های مختلف تقویت می‌کنند.

رئیس سازمان توسعه تجارت ایران اعلام کرد که دفتر نمایندگی بانک روسی «VTB» دومین بانک بزرگ روسیه، دفتر نمایندگی خود را در تهران دایر کرده است. اغلب برای نمایندگی بانک‌ها از عبارت «شعبه» استفاده می‌شود حالا مشخص نیست تفاوت این «نمایندگی» با «شعبه» چیست.

علیرضا پیمان‌پاک روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت در توییتی نوشت «این اولین بانک روسی است که در ایران حضور

بودند و کسی که برادر و مبارزی بود برای ما که اکنون رهبر انقلاب ایران هستند ببینند چه گذشته است در این مکان‌ها و می‌خواهم بگویم که ما با این کتاب می‌بینیم که حرکت‌های دینی و سیاسی چه طور می‌توانند مقاومت را زنده نگاهدارند. و دعوت می‌کنم بنابر این از این موزه بازدید کنید.»

در این مراسم حسین دیوسالار مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم چنین سخنانی بیان کرد: «برای رونمایی از این کتاب گهربار و ارزشمند از رهبر فرزانه، اندیشمند و بزرگوار کشورمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و توسعه روابط فرهنگی با کشور دوست و برادر ونزوئلا در سفر به این کشور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را همراهی کردم. مسئولان کشور ونزوئلا و هنرمندان آنها کمک کردند یک رویداد مهم فرهنگی رقم بخورد و این نقطه عطف روابط فرهنگی دو کشور است. کمتر تصور می‌شد بتوانیم یک تئاتر خیلی قوی برگرفته از همین کتاب را شاهد باشیم.

باتری‌های نسل سوم و چهارم برای ذخیره انرژی و... بولیوی پس از کشور شیلی بزرگترین ذخایر لیتیم را در دنیا دارد و جالب اینکه بهترین راه نگهداری این فلز در حالت خالص برای جلوگیری از اکسید شدن، نگهداری آن در چاه‌های نفت و یا در مخازن نفتی است.

در سال‌های اخیر که رژیم بر اثر تحریم و کمبود بودجه برای سیاست‌های تهاجمی خود نیاز به ذخایر ارزی دارد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل به یک کارتل تولید و پخش مواد مخدر در دنیا شده، نگاه آن به بولیوی برای صدور مواد مخدر مانند هرویین و مواد مخدر صنعتی که توسط کارتل‌های کلمبیایی و مکزیکی به سایر کشورهای آمریکای شمالی قاچاق شده و واردات کوکائین به اروپا و آسیا جلب شده است.

حال برگردیم به بانو رومینا گوادالوپه پرز راموس. وی در اکثر مجالس و نشست‌ها به همراه سفیر ونزوئلا خوزه رافائل سیلوا و سفیر نیکاراگوئه جناب ایساک لنین براوو حضور پیدا می‌کند؛ از دامغان و هفتمین اجلاس بین‌المللی مجاهدان در غربت تا اجلاس مشترک ایران و بولیوی در حوزه اقوام و عشایر! رومینا پرز در این مراسم اظهار داشت: «افتخار می‌کنم در خدمت عشایر ایران و بولیوی هستم و سلام ویژه عشایر بولیوی را به اقوام و عشایر ایران می‌رسانم!»

ایشان که سابقه شفا یافتن از «ترت امام حسین» و زیارت چندین مکان مذهبی تشیع و دیدار با علمای قم و دانشگاه‌های بین‌المذاهب را نیز دارد، روزی نیست که روزنامه‌ها عکس او را در حالی که به میله‌های بارگاه‌های مذهبی شیعه چنگ زده و در حال راز و نیاز است و یا با در دست داشتن کتاب مربوط به «رهبر معظم انقلاب» و دعوت همگان به خواندن کتاب و سرمشق گرفتن از «مقام معظم رهبری» منتشر نکنند. رومینا پرز وقتی به زیارت «حرم مطهر بانوی کرامت» در قم رفته بود حتی خاطره‌ای از «شفا گرفتن خود از ترت امام حسین» نقل کرد و در پایان نیز یک جلد «صحیفه سجادیه» نفیس از طرف «آستان مقدس بانوی کرامت» به وی اهدا شد. این بانوی چپ‌گرای پیش‌فعال در مجامع «فرهنگی» و «ادبی» نیز همیشه حاضر است. کشور نیکاراگوئه که نام سفیرش «لنین‌پراوو» است در دوران احمدی نژاد سعی بر تسویه بدهی این کشور (مبلغ ناچیز ۱۶۰ میلیون دلار) در ازای هزینه‌ی در آغوش گرفتن رهبر ساندنیست‌ها را داشت. حالا او همراه با سفیر یک کشور «پیشرو» و «مترقی» دیگر یعنی ونزوئلا که تا قبل از انقلاب خلقی هوگو چاوز با بزرگترین ذخیره‌های نفتی جهان جزو کشورهای ثروتمند آمریکای جنوبی بود و صدها هزار مهاجر اروپایی از دهه‌ها قبل در آن کشور بسر می‌بردند، به همراه رومینا پرز پای ثابت این مجامع است تا شاید چند تانکر نفت از ایران برای مصارف داخلی ونزوئلا تأمین کند.

این عالیجنابان از ترجمه کتاب «رهبر فرزانه انقلاب» با عنوان «خون دلی که لعل شد» به زبان اسپانیولی نیز رونمایی کرده‌اند. نام کتاب «رهبر فرزانه» به اسپانیولی «سلول شماره ۱۴» ترجمه شده است.

رومینا پرز در این مراسم با اشاره به روایت زندگی مبارزاتی «رهبر معظم انقلاب» در «سلول شماره ۱۴» چنین ابراز داشت: «سلول شماره چهارده خاطرات آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای از زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی است. اگر این اسم انتخاب نمی‌شد من به پیروی از جان کلام کتاب، آن را «اسلام در عمل» می‌نامیدم.» سفیر بولیوی که گویا خیلی متخصص‌تر از استادان حوزه علمیه قم است در ادامه افزود: «برای همین از همه کسانی که چه اینجا حاضر هستند یا نیستند می‌خواهم دعوت بکنم از موزه عبرت دیدن بکنند از زندان‌هایی که بیشتر از ۶ بار رهبر انقلاب در آنها زندانی

احتمال اجرای حکم اعدام محکومان پرونده «خانه اصفهان» بعد از بازی تیم فوتبال «سپاهان»؛ ادامه اعتراضات شهروندان علیه «اعدام»



مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی

را «بچه‌های ایران» نامیدند و خطاب به مردم ایران نوشتند: «سلام. از همشهریان و هموطنان عزیز تقاضا داریم نگذارید ما را بکشند. ما به یاری شما نیاز داریم. به حمایت شما نیازمندیم.»

همچنین مادر سعید یعقوبی روز گذشته با انتشار ویدئویی با اعلام اینکه «ملاقات آخری به ما دادند!» ضمن کمک خواستن از مردم برای نجات جان این زندانیان گفته که «کمک کنید!»

همزمان واکنش‌ها به اعدام احتمالی مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی از سوی چهره‌های مشهور و سازمان‌های بین‌المللی ادامه دارد.

علی کریمی ستاره سابق تیم ملی فوتبال ایران در توییتری در اینباره نوشته است: «هیچ خاکی در جهان به اندازه خاک ایران زندگی در خود دفن نکرده است.»

سازمان عفو بین‌الملل چهارشنبه از مجامع جهانی خواست تا «قبل از آنکه خیلی دیر شود» برای توقف اجرای حکم اعدام قریب‌الوقوع مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی در اصفهان اقدام «قاطع و فوری» انجام دهند.

دیانا الطحاوی معاون مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل، روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت گفت: «با توجه به اقدامات وحشتناک مقامات جمهوری اسلامی در اعدام ده‌ها نفر از اوایل اردیبهشت امسال تاکنون، جامعه بین‌المللی باید قبل از این که خیلی دیر شود، اقدامی قاطع و فوری برای توقف اعدام این معترضان انجام دهد.»

سازمان عفو بین‌الملل پیشتر در جمعه گذشته نیز در بیانیه‌ای هشدار داده بود که مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی، سه معترض بازداشت شده در پرونده محله «خانه اصفهان» پس از اقدام دیوان عالی کشور در «تایید احکام ناعادلانۀ اعدام‌شان»، اکنون «در معرض خطر قریب الوقوع اعدام» قرار دارند.

در این بیانیه، عفو بین‌الملل با اشاره به اینکه مجید کاظمی، صالح میرهاشمی و سعید یعقوبی در جریان اعتراضات پس از کشته شدن مهسا امینی، در اصفهان بازداشت

نام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی را به صورت هشتم منتشر و از صدور حکم اعدام و اعزام این سه شهروند به سلول انفرادی اعلام انزجار کردند.

همچنین هشتم «خانه اصفهان» که یادآور پرونده ساختگی نیروهای امنیتی علیه این شهروندان است بیش از ۴۴۵ هزار بار بازنشر شده است.

اعتراضات شب گذشته با واکنش خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضائیه روبرو شد و این خبرگزاری اعلام کرد که اجرای حکم اعدام این سه نفر در بامداد پنجشنبه صحت ندارد.

مرکز رسانه قوه قضائیه گفته است: «از ساعاتی پیش خبرهایی در رابطه با اجرای حکم سه متهم پرونده خانه اصفهان که به اعدام محکوم شده‌اند، منتشر شده که بر اساس پیگیری‌های انجام شده، این اخبار صحت ندارد.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد خطر اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی از فردا و پایان بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در این دوره از لیگ برتر فوتبال افزایش پیدا کند. تیم فوتبال سپاهان اصفهان هواداران زیادی در این شهر دارد و از شانس‌های قهرمانی این دوره از لیگ فوتبال ایران به شمار می‌رود.

این تیم امروز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت با تیم مس کرمان بازی خواهد کرد و سرنوشت قهرمانی‌اش با این بازی روشن می‌شود. در صورت قهرمانی تیم سپاهان احتمال به خیابان آمدن هواداران تیم در اصفهان وجود دارد.

به نظر می‌رسد مقامات امنیتی و قضایی اصفهان نگران بهم پیوستن هواداران تیم سپاهان و معترضان به اجرای حکم سه شهروند محکوم در پرونده «خانه اصفهان» بوده‌اند و به همین دلیل با وجود تصمیم قطعی برای اجرای حکم و حتی انتقال زندانیان به سلول انفرادی و اجازه ملاقات حضوری با خانواده، از اجرای حکم خودداری کردند تا بازی‌های تیم فوتبال سپاهان در لیگ پایان یابد.

مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی روز چهارشنبه در نامه‌ای که از زندان اصفهان منتشر کردند، خود

دیشب تجمع شهروندان در اطراف زندان «دستگرد» با وجود جوّ امنیتی و انتظامی شدید صورت گرفت.

«رضاشاه روح شاد»، «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر سپاهی بچه‌کش»، «جمهوری اعدامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» از جمله شعارهای شبانه مردم بود.

کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی هزاران بار نام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی را منتشر و هشتم «خانه اصفهان» بیش از ۴۴۵ هزار بار بازنشر شده است.

به نظر می‌رسد مقامات امنیتی با توجه به مسابقه تیم سپاهان اصفهان و مس کرمان که امروز برگزار می‌شود، نگران بهم پیوستن هواداران تیم سپاهان و معترضان بوده‌اند و با وجود تصمیم قطعی برای اجرای حکم و انتقال محکومان به سلول انفرادی و اجازه آخرین ملاقات حضوری با خانواده، فعلاً از اجرای حکم خودداری کرده‌اند.

شامگاه گذشته بار دیگر شهروندان در اصفهان در اطراف زندان «دستگرد» و در اعتراض به اجرای احتمالی حکم سه زندانی پرونده «خانه اصفهان» که با اتهام واهی «محرابه» به اعدام محکوم شده‌اند تجمع کردند. همزمان نگرانی بابت اجرای حکم اعدام این شهروندان پس از آخرین بازی‌های لیگ برتر فوتبال ایران که امروز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت پایان می‌یابد افزایش یافته است.

با افزایش احتمال اجرای حکم اعدام مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی، سه معترض محکوم به اعدام در پرونده «خانه اصفهان» بار دیگر شهروندان در اصفهان شامگاه چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت در اطراف زندان دستگرد تجمع کردند. همزمان در شهرهای دیگر از جمله تهران مردم علیه «اعدام» و «جمهوری اسلامی» شعارهای شبانه سر دادند.

شامگاه چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت شمار زیادی از شهروندان در اصفهان با وجود جوّ سنگین امنیتی با اتومبیل مقابل زندان دستگرد اصفهان تجمع کردند و در اعتراض به اجرای حکم اعدام سه معترض محکوم شده در پرونده «خانه اصفهان» بوق ماشین‌های خود را به صدا درآوردند.

تجمع شهروندان در اطراف زندان «دستگرد» با وجود جوّ امنیتی و انتظامی شدید صورت گرفت. نیروهای امنیتی و انتظامی مسیبه‌های منتهی به زندان دستگرد را بسته بودند و نیروی‌های بسیجی به سوی مردم و اتومبیل‌ها حمله و با تهدید و وحشت‌آفرینی قصد داشتند از شکل گرفتن تجمع در اطراف زندان جلوگیری کنند.

همزمان در چند شهر ایران نیز مردم شعارهای شبانه علیه «اعدام» و جمهوری اسلامی سر دادند. در چند محله پایتخت از جمله «چیتگر»، «اکباتان» و «سعادت آباد» شهروندان از روی بام و بالکن و پشت پنجره شعار می‌دادند.

«رضاشاه روح شاد»، «مرگ بر جمهوری اعدامی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر سپاهی بچه‌کش»، «جمهوری اعدامی نمی‌خوایم نمی‌خوایم» از جمله شعارهای شبانه مردم علیه حکم اعدام سه شهروند معترض بود.

کاربران ایرانی نیز در شبکه‌های اجتماعی هزاران بار

در این تصاویر نه خبری از تیراندازی است نه اسلحه‌ای دیده می‌شود! در واقع برعکس ادعای دادستانی، چنین تصاویری می‌توانند به عنوان مدرک بی‌گناهی این افراد ارائه شوند!

نکته‌ی دیگر راجع به این تصاویر از دوربین مداربسته این است که تصویر اولی که نشان می‌دهند ساعت ۲۱:۴۶ دقیقه را نشان می‌دهد و تصویر دوم از همان محل و افراد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه را. حتی اگر افراد حاضر در دوربین مداربسته واقعا این متهمان باشند باز با سناریوی ارائه شده همخوانی ندارد! چرا که دوربین مداربسته نشان می‌دهد ساعت ۲۲:۰۹ دقیقه این چند نفر در خیابان در حال صحبت کردن بودند. بعد بنا بر این ادعا سوار موتور می‌شوند، کمی دورتر از موتور پیاده می‌شوند، به سمت دیگر خیابان می‌دوند، نیروها را به رگبار می‌بندند، برمی‌گردند، سوار موتور می‌شوند، فرار می‌کنند و بنا بر تصویر دوربین مداربسته از محل دوم، در ساعت ۲۲:۱۳ به خانه‌شان در منطقه دیگری می‌رسند!

اینهمه نشان می‌دهد مانند بسیاری از پرونده‌های مشابه که در اعتراضات سال گذشته با سناریوسازی نهادهای امنیتی و قضایی ساخته شد تا چند شهروند را به چوبه اعدام بشارند، مستندات پرونده یا اعترافات اجباری و زیر شکنجه وحشیانه متهمان بوده که در جلسه دادگاه هم تکذیب شده، و یا صرفا وجود یک یا دو تصویر از دوربین‌های مداربسته که مطلقا نشان‌دهنده ارتکاب جنایت یا تخلف از سوی متهمان نیست!

نه کاری کردم، و همه‌اش را زیر شکنجه گفتم.» پرونده «خانه اصفهان» مرتبط با مرگ سه نیروی آتش به اختیار و سرکوبگر جمهوری اسلامی در اعتراضات روز ۲۵ آبان ۱۴۰۱ است که عضو پایگاه بسیج محله «خانه اصفهان» معرفی شده‌اند.

در جریان این پرونده سید صالح میرهاشمی به «محاربه» از طریق کشیدن سلاح کمری، مجید کاظمی شیخ شبانی به «محاربه» از طریق کشیدن سلاح کلاشنیکف، و سعید یعقوبی کرد سفلی به «محاربه» از طریق کشیدن اسلحه متهم شدند.

بر اساس دادخواست تنظیم شده در این پرونده، مقامات امنیتی و قضایی مدعی شدند که مرگ محسن چراغی، محسن حمیدی و محمد کریمی سه نیروی سرکوبگر جمهوری اسلامی طی یک اقدام «تروریستی» صورت گرفته است.

مقامات قضایی و امنیتی مدعی بودند که متهمان پرونده ساعت ۲۱ از موتور پیاده شده نیروها را به رگبار بسته و محل را ترک کرده‌اند. دادستانی برای این ادعایش مدارکش را ارائه می‌دهد. این مدارک تصاویریست از دوربین مداربسته مغازه‌ای در منطقه‌ی خانه اصفهان که به ادعای دادستانی به وسیله این مدارک اثبات می‌شود این چند متهم دو بسیجی و یک نیروی فراجا را به قتل رساندند!

اما تصاویر دوربین مداربسته فقط نشان می‌دهند که چند نفر در کنار خیابان ایستاده‌اند و با یکدیگر صحبت می‌کنند.

→ شده‌اند، افزود: «آنها در آبان ماه بازداشت شدند و محاکمه برگزار شده برای آنها در اواخر آذر و اوایل دی ماه ۱۴۰۱، به شدت ناعادلانه بوده است.»

عفو بین‌الملل با تأکید بر اعتراف‌گیری اجباری از این شهروندان نوشته که مجید کاظمی در یک فایل صوتی که از زندان مرکزی اصفهان به بیرون ارسال کرده، گفته که از زمان بازداشت برای اخذ «اعتراف اجباری» تحت شکنجه و خشونت مکرر از جمله ضرب و شتم قرار گرفته است.

پیشتر فایلی صوتی از مجید کاظمی منتشر شده که او در تماس تلفنی از زندان در تاریخ ۲۳ دی تأکید می‌کند که با شکنجه‌های وحشیانه جسمی روبرو بوده و حتی او را به یک باغ برده و قصد تجاوز با ناتوم به وی داشتند. او بر اثر ضرب و جرح و شکنجه ناچار به اعتراف اجباری شده اما در دادگاه به قاضی گفته که از او اعتراف اجباری گرفته شده است.

بر اساس این فایل صوتی، مأموران امنیتی و بازجوها بارها مجید کاظمی را تهدید کردند که او را به همراه دو برادر دیگرش (که بازداشت نبودند) به دار خواهند آویخت. همچنین به او گفته‌اند مادرش در بیمارستان بستری شده است. او را زیر ضرب و جرح شدید قرار داده بطوری که روزی که بازداشت شد حدود ۹۰ کیلوگرم وزن داشت و تا روز دادگاه وزن او به حدود ۵۰ کیلوگرم رسیده بود.

مجدید کاظمی تأکید کرده که «من هیچ‌کاره بودم، از زمان بازداشت همه‌اش زیر شکنجه بوده‌ام، نه اسلحه‌ای داشتم،

عاقبت جمهوری اعدامی!





KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com

